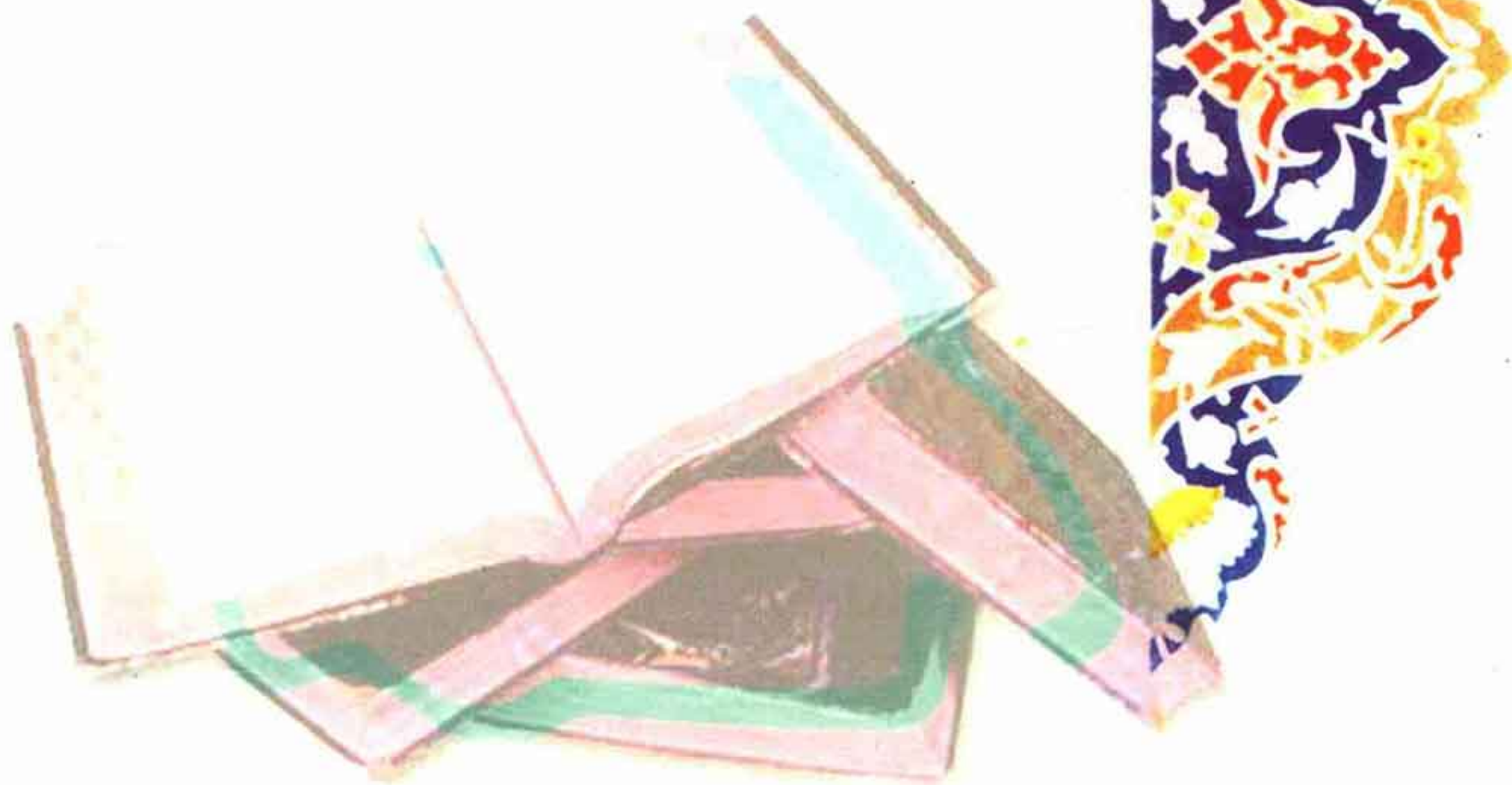




در ادیان آسمانی مهدویت



ابراهیم کوثری

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



معاونت پژوهش

مهدویت در ادیان آسمانی

استاد مشاور:

محقق فرهیخته، غلام رضا جلالی

مؤلف:

ابراهیم کوثری

پاییز ۱۳۸۷



سرشناسه:	کوثری، ابراهیم، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور:	مهدویت در ادیان آسمانی /مؤلف: ابراهیم کوثری.
مشخصات نشر:	قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری:	۲۲۴ص
شابک:	978-964-195-157-5
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
موضوع:	محمد بن حسن ﷺ، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -
موضوع:	مهدویت در ادیان
موضوع:	مهدویت - پیشگویی‌ها
رده‌بندی کنگره:	Bp۲۲۲/۲/۵۹م۹ ۱۳۸۹
رده‌بندی دیوبندی:	۲۹۷/۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۲۰۲۸۷۸۳

مهدویت در ادیان آسمانی

مؤلف: ابراهیم کوثری

چاپ اول: ۱۳۸۹ش

ناشر: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ

صفحه‌آرایی: سبحان پرهیزگار

چاپ: توحید ● قیمت: ۲۵۵۰۰ ریال ● شمارگان: ۲۰۰۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

مراکز فروش:

● قم، چهارراه شهداء، خیابان حجتیه، فروشگاه مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر

المصطفی ﷺ. تلفکس: ۰۲۵۱۷۷۳۰۵۱۷

● قم، بلوار محمد امین، سه‌راه سالاریه، جنب جامعه‌العلوم، فروشگاه مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر

المصطفی ﷺ. تلفن: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۴۶

www.miup.ir , www.eshop.miup.ir
E-mail: Admin@miup.ir, Root@miup.ir

سخن ناشر

امید، حیاتی ترین، لذت بخش ترین و غم گسارترین جلوه وجودی انسان است و بالاترین لطف الهی به بشر، امید به رحمت خود است؛ از این رو یأس از رحمت الهی جزء گناهان کبیره است.

در طول تاریخ، امید به ظهور منجی مهم ترین دلیل ایستادگی و پایداری مؤمنان در مقابل طوفان حوادث بوده و هست.

دمیدن روح امید به ظهور منجی کل، جزء تمامی ادیان آسمانی است و اسلام که آخرین حلقه تکامل و کمال بشری است انتظار ظهور منجی را برترین عبادت معرفی کرده است.

کتاب حاضر که به قلم فاضل ارجمند ابراهیم کوثری نگاشته شده است تلاشی است مشکور در بازشناسی منجی و «مهدویت در ادیان آسمانی». مرکز بین الملل ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ضمن تقدیر و تشکر از مؤلف گرامی تلاش خود در چاپ و نشر این اثر را پرکاهی می داند تقدیم به آستان ولی اعظم.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

فهرست

۵	سخن ناشر.....
۱۵	مقدمه.....
۱۹	۱. کلیات و مفاهیم.....
۲۲	اهمیت مسئله مهدویت.....
۲۵	واژه‌شناسی مهدویت.....
۲۷	واژه مهدی در قرآن و حدیث.....
۲۹	دین در لغت.....
۳۰	دین از دیدگاه دانشمندان.....
۳۲	دین در قرآن و نهج البلاغه.....
۳۴	خاتمیت، جاودانگی و کمال دین.....
۴۳	ختم وصایت در مهدی <small>علیه السلام</small>
۴۵	۲. ادیان و حیانی و مهدویت.....
۴۵	۱. مهدویت در آیین زرتشت.....
۴۵	الف) آشنایی با پیدایش زرتشتیان.....

۱. طول عمر از نگاه علم ۸۹
۲. دیدگاه علما و دانشمندان ۹۰
۳. عمر طولانی از نظر زیست‌شناسان ۹۲
- الف) طول عمر در گیاهان ۹۳
- ب) طول عمر در حیوانات ۹۴
- ج) طول عمر در انسان‌ها ۹۴
۴. عوامل مؤثر بر طول عمر ۹۵
- الف) آرامش روحی ۹۶
- ب) عامل وراثت ۹۶
- ج) عامل تغذیه ۹۷
- د) بهداشت خوراکی‌ها ۹۷
۵. طول عمر از نگاه عقل ۹۸
- الف) مدیریت روحانی ۹۹
- ب) عامل مؤثر دائمی در جهان آفرینش ۹۹
- ج) قانون اعجاز و خرق عادت ۱۰۰
- د) برهان امکان ۱۰۱
۶. طول عمر از دیدگاه ادیان آسمانی ۱۰۳
- الف) طول عمر در تورات و انجیل ۱۰۳
- ب) طول عمر از دیدگاه قرآن ۱۰۴
۷. فلسفه غیبت منجی ۱۰۶
- الف) مصلحت الهی ۱۰۶
- ب) امتحان و آزمایش ۱۰۷
- ج) ظلم و ستم انسان‌ها ۱۰۷
- د) سازش و بیعت نکردن با طاغوت زمانه ۱۰۷
- هـ) حفظ جان مهدی علیه السلام ۱۰۸
- و) آمادگی جهانی برای ظهور ۱۰۸

- ۱۰۹ اثر منجی غایب بر وضعیت زندگی انسان‌ها (ز)
- ۱۱۱ معین نبودن زمان ظهور در ادیان آسمانی (ح)
- ۱۱۲ نشانه‌های حتمی ظهور (ط)
- ۱۱۲ قیام سفیانی (یکم)
- ۱۱۲ قیام یمانی (دوم)
- ۱۱۲ کشته شدن نفس زکیه (سوم)
- ۱۱۲ خسف بیداء (چهارم)
- ۱۱۲ صیحه آسمانی (پنجم)

۴. حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

- ۱۱۲ ۱. ادیان و حیانی و حکومت جهانی
- ۱۱۲ الف) حکومت جهانی در اندیشه زرتشت
- ۱۱۲ ب) حکومت جهانی در عهدین
- ۱۱۲ ج) حکومت جهانی در اندیشه اسلام
- ۱۱۲ د) حکومت جهانی در اندیشه دانشمندان و مقتدرین جهان
- ۱۱۲ ۲. ویژگی‌های حکومت عدل جهانی
- ۱۱۲ الف) فراگیر و جهانی
- ۱۱۲ یکم) جهانی شدن و تعریف‌ها
- ۱۱۲ دوم) پیشینه جهانی شدن
- ۱۱۲ سوم) طرح دیدگاه‌ها درباره جهانی شدن
- ۱۱۲ چهارم) نقد مهم‌ترین مبانی فکری جهانی سازی غرب
- ۱۱۲ انسان محوری:
- ۱۱۲ سکولاریسم:
- ۱۱۲ لیبرالیسم:
- ۱۱۲ حس‌گرایی مطلق:
- ۱۱۲ ب) عدالت‌گستری
- ۱۱۲ یکم) عدالت در لغت و اصطلاح

- ۱۱۲ دوم) عدالت اجتماعی به مثابه تناسب
- ۱۱۲ سوم) عدالت اجتماعی به مثابه شایستگی
- ۱۱۲ چهارم) عدالت اجتماعی به مثابه رعایت تناسب و شایستگی‌ها
- ۱۱۲ پنجم) عدالت اجتماعی به مثابه مساوات و برابری
- ۱۱۲ ششم) عدالت اجتماعی از دیدگاه مکاتب
- ۱۱۲ هفتم) عدالت اجتماعی و مارکسیست‌ها
- ۱۱۲ هشتم) عدالت اجتماعی و لیبرالیست‌ها
- ۱۱۲ نهم) عدالت اجتماعی و اسلام
- ۱۱۲ دهم) نقد دیدگاه مارکسیست
- ۱۱۲ یازدهم) نقد دیدگاه لیبرالیست‌ها
- ۱۱۲ دوازدهم) گزینش دیدگاه اسلام
- ۱۱۲ سیزدهم) نقش مردم در تحقق عدالت مهدوی
- ۱۱۲ ج) توسعه همه جانبه
- ۱۱۲ یکم) توسعه در علم و فرهنگ
- ۱۱۲ دوم) توسعه در صنعت و تکنولوژی
- ۱۱۲ سوم) توسعه در اقتصاد و معیشت
- ۱۱۲ چهارم) توسعه صلح و امنیت
- ۱۱۲ ۵. مقایسه دیدگاه ادیان و حیانی درباره مهدویت
- ۱۱۲ ۱. منجی باوری
- ۱۱۲ ۲. عدالت خواهی
- ۱۱۲ ۳. انتظار موعود آینده
- ۱۱۲ ۴. رهبری حکومت عدل جهانی
- ۱۱۲ یکم) مراحل و ماهیت رجعت
- ۱۱۲ نقد و بررسی:
- ۱۱۲ دوم) دیدگاه‌های سه‌گانه
- ۱۱۲ ۵. مهدویت شخصیه و نوعیه

۱۱۲	۶. تحقیق و بررسی
۱۱۲	۶. دیدگاه‌های فرجام‌شناسی تاریخ
۱۱۲	۱. دیدگاه بدفرجام
۱۱۲	۲. دیدگاه خوش‌فرجام
۱۱۲	الف) شهید مطهری و آینده جهان
۱۱۲	ب) فرانسیس فوکویاما و آینده جهان
۱۱۲	نقدهایی بر دیدگاه فوکویاما:
۱۱۲	ج) مارشال مک لوهان و آینده جهان
۱۱۲	نقد دیدگاه مک لوهان:
۱۱۲	د) الوین تافلر و آینده جهان
۱۱۲	نقد دیدگاه تافلر:
۱۱۲	هـ) برنارد شاو و آینده جهان
۱۱۲	و) برنارد راسل و آینده جهان
۱۱۲	ز) دیدگاه ادیان درباره آینده جهان
۱۱۲	۳. آثار و پیامدهای اعتقاد به مهدویت
۱۱۲	الف) انتظار و اعتراض
۱۱۲	یکم) انتظار ویرانگر
۱۱۲	دوم) انتظار سازنده
۱۱۲	ب) خودسازی و تهذیب نفس
۱۱۲	ج) هم‌بستگی و زندگی مسالمت‌آمیز
۱۱۲	د) امید به آینده روشن
۱۱۲	۴. طرح چند پرسش و پاسخ
۱۱۲	الف) پرسش اول
۱۱۲	پاسخ:
۱۱۲	ب) پرسش دوم
۱۱۲	پاسخ:

فهرست ۱۳

۱۱۲ (ج) پرسش سوم

۱۱۲ پاسخ:

۱۱۲ فهرست منابع و مآخذ

۱۱۲ فصلنامه‌ها

مقدمه

حافظه تاریخ و فطرت بشر، به یاد می‌آورد که انسان‌ها هیچ‌گاه از اندیشه زندگی باصفا فارغ نبوده و همیشه به آینده‌ای روشن می‌اندیشیده است. منتها این اندیشه، در گذر زمان به چهره‌های گوناگون تبلور یافته است که بارزترین آن در قالب مدینه فاضله یا شهر عدل مهدوی، در زبان‌ها شهرت پیدا کرده است.

آنچه در این نوشتار مورد تأمل است، ارتباط مسئله مهدویت و ظهور موعود ادیان با اندیشه مدینه فاضله است. البته مدینه فاضله و شهر عدل مهدوی در تعالیم ادیان آسمانی و دیدگاه دانشمندان، جایگاه بلندی دارد. عقیده به مصلح جهانی و فرایند مهدویت، مربوط به همه ادیان و مکاتب است که انسان‌ها با هرگونه دین و مذهبی، حتی آنهایی که به غیب ایمان ندارند، برای روزگار نجات، بدان چشم دوخته‌اند. اما اعتقاد به ظهور موعود ادیان در اسلام، عقلانی‌تر و منطقی‌تر بیان شده است. بنابراین، به حکم فطرت باید گفت: آینده بشر، آبستن حوادثی چون ظهور منجی عدالت‌گستر و تحقق حکومت واحد جهانی خواهد بود.

علت تأخیر در ظهور، شاید این باشد که مردم جهان باید به قدر کافی تلخی این وضع آشفته و بی‌عدالتی را درک کنند و مردم جهان، نارسایی و ضعف قوانین بشری را برای اجرای عدالت اجتماعی، لمس کنند.

انسان‌ها باید به مرحله‌ای از بلوغ و تکامل فکری برسند که مفهوم پیشرفت را بدانند؛ باید احساس کنند که پیشرفت تکنولوژی، زمانی شرط سعادت انسان‌هاست که کاروان بشر، دارای رهبری حق‌مدار با قدرت اجرای قانون باشد؛ تا جلوی درگیری‌ها را بگیرد و زورگویان را سرکوب و عدالت را در جامعه حاکم کند. از دیدگاه قرآن، تنها حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه این ویژگی را دارد، زیرا قدرت وی از اقتدار خداوند و متصل به قدرت الهی است.

عصمت در گفتار و کردار، از دیگر ویژگی‌های ذاتی رهبر عدالت‌گستر است. بنابراین، منجی بشر معصوم است و به اراده الهی کارها را پیش می‌برد. لذا غیرمعصوم و افراد عادی نمی‌توانند حکومت جهانی را اداره کنند، زیرا همواره اشتباه می‌کنند. این که در احادیث آمده «پایداری دولت‌ها در گرو برپایی عدالت است» یک حقیقت مسلم و تخلف‌ناپذیر است و گفتنی است که عنصر اساسی در حکومت مهدوی، و علت استمرار و بقای آن عدالت‌گستری است؛ این سنت خدا در زمین است و سنت خدا دست‌خوش دگرگونی نخواهد شد: ﴿وَلَنْ نَّجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾؛^۱ بدان که سنت خدا هرگز مبدل نخواهد گشت.

در روایت هم آمده است: اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نماند، آن روز آن قدر طولانی می‌شود تا نمونه کامل انسان صالح،

۱. احزاب، آیه ۶۲.

پرده از رخسار برگیرد و سنت الهی را پایدار کند، زیرا او برای چنین رسالت بزرگ و جهانی ذخیره شده است و تمام حقایق، پس از ظهور او آشکار خواهد شد. بنابراین، بشر هیچ‌گاه روزگاری مانند عصر ظهور را نخواهد دید، زیرا آن زمان، عصر حاکمیت عدل و حق است؛ تنها نمونه و الگوی آن، دوران حکومت پیامبر ﷺ و حکومت پنج ساله امیر مؤمنان علیه السلام است، منتها با تفاوت‌هایی که در قلمرو با حکومت فراگیر منجی دارد.

موضوع مهدویت در بین ادیان و حیانی جایگاهی والا و سابقه‌ای دیرینه دارد، زیرا هرگاه دین جدید بعد از دین دیگر در عرصه جوامع بشری پدید می‌آمده، به‌طور طبیعی، پیروان دین گذشته، اصول مشترک و غیرمشترک دین جدید را با دین گذشته مقایسه و نسبت‌سنجی می‌کردند. با توجه به این مقایسه، باید گفت تفاهم پیروان ادیان آسمانی، براساس اصول مشترک، از مسائل حیاتی پیروان ادیان الهی به حساب می‌آید که قرآن کریم نیز آن را مطرح کرده است:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا

اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ﴾^۱

خداوند در این آیه، اهل کتاب را براساس اصول مشترک، به اتحاد با مسلمان‌ها فرا خوانده است و تنها راه نجات و رسیدن به حقایق را تفاهم و گفت‌وگوی میان پیروان ادیان الهی معرفی کرده است. از این رو هم‌گرایی و پلورالیسم دینی، به قصد شناخت حقایق و به دور از تعصب و انحراف از حق، نتیجه‌ای جز تفاهم بین ادیان آسمانی ندارد.

۱. آل عمران، آیه ۶۴.

این نوشتار با رویکرد تفاهم و انسجام میان پیروان ادیان آسمانی خالی از تعصب و گرایش مذهبی، از بنیادی‌ترین اصول مشترک اعتقادی ادیان آسمانی زرتشت، یهود، مسیح و اسلام را که مهدویت‌باوری باشد به‌شمار می‌رود. گرچه تدوین کتاب‌ها و مقاله‌های زیاد، از قرن‌های گذشته تا به امروز، خود دلیل بر اصالت و قدمت این اصل اعتقادی دارد. نیاز نگری، گزینش و نوآوری سرفصل‌ها و عنوان‌ها، به روز کردن بحث، طرح و نقد آرای گذشته، مقایسه دیدگاه ادیان و حیانی دربارهٔ مهدویت، از ویژگی‌های این اثر است که تا به حال کمتر چنین پژوهشی انجام شده است.

ابراهیم کوثری

کلیات و مفاهیم

اندیشه مهدویت، از دیر زمان در میان بشر مطرح بوده و اعتقاد به آینده روشن، ویژه ملت یا فرقه خاصی نبوده است. آینده‌ای که عدالت و امنیت در آن حاکم باشد و محبت، پایه زندگی انسان‌ها قرار گیرد، ندایی است که بشر آن را از درون و فطرت خود احساس می‌کند.

در متون اولیه زرتشت به‌طور آشکار از دوره طلایی بشر و ظهور سوشیانس در پایان جهان یاد شده است. در عهدین، از برقراری عدالت و صلح در سراسر جهان پیش‌گویی شده که روزگاری فرا می‌رسد و مسیح ظهور می‌کند و جهان آشفته را سامان می‌دهد. اما در اسلام، زیباتر از همه ادیان دیگر به این نکته توجه شده است؛ از قرآن و روایات، به‌خوبی می‌توان به آینده سبز بشر پی برد، چون مضمون حدیث می‌رساند که دولت او بهترین دولت‌ها پس از پایان دولت‌هاست؛ یعنی دولت کریمه مهدوی پس از پایان همه دولت‌ها برقرار می‌شود.

پیش از بیان بشارت در زمینه مهدویت از متون اولیه ادیان، به نام‌های مبارک مهدی با الفاظ مختلف در کتاب‌های ادیان اشاره می‌شود:

"صاحب" در کتاب‌های ابراهیم علیه السلام، "قائم" در زبور سیزدهم، "قدیمو" در تورات به لغت ترکوم، "ماشیح" در تورات عبرانی، "مهمید" آخر" در انجیل، "سروش ایزد" در زمزم زرتشت، "خسرو" در کتاب مجوس، "کلمة الحق" در صحیفه آسمانی، "لسان الصدق" در صحیفه آسمانی، "پسر انسان" در عصر جدید، "سوشیانس" در کتاب زند، "فیروز" در کتاب اشعیای نبی و در روایات اسلامی به نام مهدی بشارت داده شده است. همه این کتب‌ها و نام‌ها خبر ظهور منجی آینده می‌دهد که بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند.^۱

بنابراین، به فرازهایی از کتاب‌های ادیان آسمانی درباره ظهور موعود آخرالزمان اشاره می‌شود.

درباره منجی موعود در آیین زرتشت چنین آمده است: «پس سوشیانس آفرینش را دوباره پاک سازد و رستاخیز و تن پیشین باشد = واقع شود.»^۲

«ای مزدا! کی سپیده دم آن روز فرا خواهد رسید که با آموزش‌های فزایش‌بخش خردمندان، رهاکنندگان خیر و نیکی به نگهداری جهان بدرخشند.»^۳

تورات که از کتاب‌های آسمانی به شمار می‌رود و هم اکنون در دست اهل کتاب است، بشارت‌های زیادی به ظهور منجی موعود داده

۱. مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، «فرهنگ الفبای مهدویت»، ص ۹۴.

۲. زند بهمن یسین، فصل ۹، بند ۲۴.

۳. گات ۴۶، قطعه ۳.

است. در زبور داوود عليه السلام، که با نام مزامیر در لابه‌لای عهد عتیق آمده، نویدهایی دربارهٔ منجی آخرالزمان با عبارتهای مختلف آمده است که به فرازهایی از بشارتهای زبور اشاره و اکتفا می‌گردد:

زیرا شریران منقطع می‌شوند. اما متوکلان به خداوند، وارث زمین خواهند شد.^۱

خداوند روزهای صالحان را می‌داند، میراث‌شان ابدی خواهد شد، زیرا متبرکان خداوند وارث زمین و در آن ساکن خواهند شد. اسم او ابدأ بماند. اسمش مثل آفتاب باقی بماند. در او مردمان برکت خواهند یافت و در تمام قبایل، او را خجسته خواهند گفت؛ بلکه اسم ذوالجلالش ابدأ مبارک باد و تمام زمین از جلالش پر شود.^۲

در کتاب اشعیای نبی چنین آمده است:

نهال او از تنهٔ یسی (پدر داوود عليه السلام) بیرون آمده و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت. مسکینان را به عدالت دآوری خواهد کرد و به جهت مظلومان، زمین دآوری خواهد نمود.^۳

در انجیل بشارتهای زیاد به ظهور منجی عالم داده شده است که به فرازهایی از آن بسنده می‌شود: «حضرت عیسی عليه السلام در همهٔ شهرها و روستاها سیر می‌کرد. در مجامع آنها مردم را تعلیم و به ملکوت خدا بشارت می‌داد؛^۴ «... به شما می‌گویم که دیگر مرا نخواهی دید تا وقتی آید که گوید مبارک است به نام خداوند می‌آید.»^۵

۱. زبور داوود، مزمور، ص ۳۷: ۸.

۲. همان، مزمور ۷۲: ۱۸، ۱۹.

۳. اشعیای نبی، باب ۱۱: ۵-۱.

۴. انجیل متی، باب ۹، آیه ۳۵.

۵. لوقا، باب ۱۳، آیه ۳۵.

در متون اصلی اسلامی، بر حسب تنزیل و تأویل، نزدیک به ۱۲۰ آیه و ۲۰۰ هزار روایت در زمینه بشارت به ظهور منجی وجود دارد، که در جای خودش به آیات و روایات مربوط استناد خواهد شد. اما در این جا به چند آیه اشاره می‌شود. جالب این است که قرآن کریم درباره ظهور منجی مطالب را از زبور داوود علیه السلام نقل کرده است.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

به تحقیق نوشتیم در زبور بعد از ذکر که زمین را بندگان صالح من ارث می‌برند.

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲

اراده کردیم که منت نهمیم بر آنان که ناتوان شمرده شدند، در زمین قرار دهیم پیشوایان و وارثان زمین.

با توجه به آیات و فرازهایی از کتاب‌های مقدس ادیان و حیانی، نتیجه گرفته می‌شود که ظهور منجی موعود در آخرالزمان قطعی خواهد بود، زیرا وعده الهی تخلف‌پذیر نیست و باید اجرا شود.

اهمیت مسئله مهدویت

باقی ماندن دین به وسیله حجتی از حجت‌های الهی، برای رساندن بشر به سعادت ایجاب می‌کند که آن تحقیق عالمانه صورت بگیرد. اکنون که

۱. انبیا، آیه ۱۰۵.

۲. قصص، آیه ۵.

جهان در وضعیت آشفته به سر می‌برد، لازم است که از مهدویت بحث شود و به نظر می‌رسد که هیچ اصل بنیادی‌ای مانند مهدویت مورد هجوم بدخواهان قرار نگرفته باشد. این امر تکلیف پیروان ادیان آسمانی را سنگین‌تر می‌کند که باید چهره شفاف‌تری از مهدویت و آینده مثبت به نسل امروزشان دهند.

تبیین دیدگاه ادیان و حیانی در زمینه مهدویت نشان می‌دهد که همه ملت‌ها به مهدویت اعتقاد دارند و ایده ذهنی ملت و مذهب خاص نیست. بنابراین اعتقاد به ظهور منجی، در کنار اصول دیگر ادیان، از قبیل توحید، نبوت، معاد و... می‌تواند به تفاهم و گفت‌وگوی بین ادیان کمک کند و زمینه‌ای برای ایجاد صلح، امنیت و زندگی مسالمت‌آمیز براساس باورهای مشترک باشد.

امیدوار کردن ملت‌ها به وعده‌های خدا و تحقق حکومت صالحان، رسالت بزرگ مراکز علمی و فرهنگی، به‌ویژه منادیان صلح و برادری است.

ترسیم تصویر درست از منجی، با معیارهای قرآنی و عقلانی، برای پیش‌گیری از استفاده نادرست و تحریف چهره مهدویت به دست شیادان روزگار از دیدگاه ادیان و حیانی، عمده‌ترین هدف این رساله است.

در طول تاریخ نظام‌های سلطه‌طلب، برای نفوذ و حفظ منافع نامشروع خود با دقت بیشتر نقاط استراتژیکی ملت‌ها را شناسایی کرده و درصد نابودی آن برآمدند. یکی از اصولی که زیاد مورد تهاجم شیادان قرار گرفت، اندیشه مهدی باوری است. استکبار جهانی از سال‌های پیش تا به امروز، برای از بین بردن این اندیشه تلاش بسیار کرده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

دخالت مستقیم و حمایت از مسئله مهدی تراشی، مانند: مهدی الصومال در آفریقا، سید علی محمد باب، حسین علی بها و سید محمد نوربخش در ایران، میرزا غلام احمد قادیانی در پاکستان، سید محمد جون پوری در هند، محمد بن عبدالله القحطانی در حجاز و...

تخریب پایه‌های فکری منجی باوری، از طریق شخصیت‌های علمی نظام خودکامه‌ای هم‌چون آمریکا که زیر نقاب شرق‌شناسی سربازان صلیبی خود، مانند: فان فلوتن، ولهوسن، دونالدسن و... را راهی کشورهای اسلامی کردند تا با شبهه پراکنی، اذهان افراد غیر آگاه را به مبانی اسلامی آشفته کنند. متأسفانه نتایجی هم گرفتند و اسلام‌گرایانی، چون احمد امین مصری و محمد رشید رضا را در این دام کشیدند.

استکبار جهانی با طعمه قراردادن خودباختگان سرسپرده، چون احمد کسروی، سلمان رشدی و احمد کاتب، به نام روشن‌فکران آزاداندیش، کوشید تا بر اصلی‌ترین اصول اعتقادی ادیان، به‌خصوص مسلمان‌ها، حمله کند.^۱

احمد کاتب، معاود^۲ عراقی به نام عبدالرسول لاری است که از کربلا به ایران آمد و مدتی هم طلبه بود تا این که بر اثر ضعف علمی‌اش منحرف شد و پس از مدتی، امامت مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریح را انکار کرد و به لندن رفت. آنها به وی پناهندگی دادند و با کنفرانس‌های گوناگون در استانبول و جاهای دیگر، بزرگش کردند و گفتند که این متفکر مسلمان‌ها نظریه جدید دارد. احمد کاتب در سال ۱۹۹۷ میلادی کتابی با عنوان *تطور الفكر السياسي الشيعي من الشوری الی ولایت الفقیه در لندن* منتشر کرد. نویسنده برای

۱. مجتبی تونه‌ای، موعود نامه، ص ۹۸.

۲. در اصطلاح سیاسی، ایرانیان مقیم خارج از کشور که به ایران باز می‌گردند.

حذف دکترین ولایت فقیه، به تخریب زیرساخت‌های کلامی آن پرداخته است؛ یعنی دکترین ولایت فقیه را مبتنی بر اثبات مهدویت می‌داند، در غیراین صورت به نظر وی، ولایت فقیه جایگاه ندارد.

خوشبختانه محقق ارجمند، سید ثامر هاشم العمیدی، با نگارش دو کتاب، به نام المهدی منتظر فی فکر الاسلامی و المهدی فی تطور الفكر السياسی الشیعی من شوری الی ولایت الفقیه احمد کاتب پاسخی محکم داد همین‌طور احد امین مصری، محقق و نویسنده توانا و در عین حال متعصب، کتابی دارد با نام المهدی و المهدویه که هدف اصلی این کتاب، انکار مهدویت و نقض استدلال‌های شیعه در این باره است.

با وجود سیل هجوم به ارکان دین رسالت، ایجاب می‌کند همه اصحاب قلم و فکر در برابر این تهاجم بایستند. ادعای مهدویت‌های دروغین اختصاص به حوزه مسلمانان‌ها ندارد، در میان مسیحیان و یهودیان نیز افراد زیادی خود را مسیح موعود معرفی کردند؛ بنابر نقلی تاکنون بیست و چهار نفر از مسیحیان در میان بنی اسرائیل این ادعا را کرده‌اند؛ مشهورترین آنها بر کوکبه است که اوایل قرن دوم می‌زیست و آن دجال معروف، ادعا کرد که رئیس و پادشاه قوم یهود است.^۱

واژه‌شناسی مهدویت

مهدی در لغت قدیم، از جهت صرفی اسم مفعول ثلاثی مجرد از ریشه ناقص معتل‌اللام (هدی یهدی و هدایه) است. از آنجایی که در لغت‌نامه‌های زبان عربی در سده‌های نخستین اسلامی به واژه مهدی

۱. موعودنامه، ص ۱۰۸.

به طور جداگانه نپرداخته‌اند و تنها ریشه اصلی آن را معنا کرده‌اند، این واژه جای بحث بسیاری دارد، اما قول احمد بن فارس جامع اقوال است: «هدی، أصلان أحدهما التَّقدَمُ للأرشادِ وَ الآخرَ بَعَثَهُ لَطْفٌ فالأوَّلُ قَوْلُهُمْ هَدَيْنَهُ الطَّرِيقَ هدايةً الى تَقَدُّمِهِ لأرشدِهِ وَ الاصلُ الآخرُ الهِدايةُ ما أَهدَيْتُ مَنْ لَطَفٌ إلى ذي موَدَةٍ...»^۱

در این تعریف، برای واژه مهدی دو معنا وجود دارد. یکی پیش افتادن برای نشان دادن راه درست و روشن نمودن مسیر صحیح و دیگری، بخشیدن هر نوع تحفه و پیش‌کشی برای محبوب است. اما واژه مهدی در لغت‌نامه‌های جدید که در قرون میانه و اخیر ویژه کلمات مشکله فراهم آمده است، کلمه مهدی را به عنوان یک اشتقاق مستقل مطرح کرده و معنای عام و لغوی آن را از شاخه اول آن معنای قبلی گرفته و به معنای خاص اصطلاحی برشمرده‌اند.

«المَهْدِي الَّذِي قَدْ هَدَاهُ اللهُ إِلَى الْحَقِّ وَقَدْ أُسْتُعْمِلَ فِي الْأَسْمَاءِ حَتَّى صَارَتْ كَالْأَسْمَاءِ الْعَامَّةِ وَ بِهِ سُمِّيَ الْمَهْدِي الَّذِي بَشَّرَ بِهِ النَّبِيُّ ﷺ أَنَّهُ يَجِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ»^۲

«المَهْدِي مَنْ هَدَاهُ اللهُ إِلَى الْحَقِّ وَ الْمَهْدِي اسْمٌ لِلْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ الَّذِي بَشَّرَ بِهِ مَجْتَهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»^۳

در طول تاریخ، راجع به موعود آخرالزمان در کتب دانشمندان با عناوین گوناگون مطرح شده است. گاهی به نام منجی، گاهی به نام موعود، زمانی هم عنوان فتوريسم و در برهه‌ای نیز، به نام مسیانيسم و... اما در

۱. احمد بن فارس بن زكريا، مقاييس اللغة؛ محمد هارون، مكتب الاعلام، ج ۶، ص ۴۲-۴۳.

۲. ابن اثير جزري، النهاية في غريب الحديث و الاثر، ج ۴، ص ۲۴۴.

۳. فخرالدين طريحي، مجمع البحرين، ج ۱، ص ۵۹۴.

حوزه اسلامی از آن تحت عنوان مهدویت نام برده‌اند، با این حال، از میان آن همه عناوینی که صدها کتاب و مقاله درباره آن نوشته شده است واژه مهدی عجل الله تعالی فرجه به چشم می‌خورد؛ به این دلیل که در بسیاری از روایت‌ها، علاوه بر اسامی و القاب دیگر آن حضرت، عنوان مهدی بیشتر به کار گرفته شده است. اما در گذر زمان و گسترش علوم، به‌ویژه داغ شدن مناقشات بازار علم کلام و بحث‌های مربوطه به موعود آخرالزمان، در جهان اسلام به نام مهدویت پژوهی، مطرح شد.

بنابراین، واژه مهدویت مصدر جعلی از کلمه مهدی است که در اثر استعمال بسیار مانند: کاربرد واژگان بشریت، جمهوریت و اسلامیت به صورت مصدر جعلی استفاده شده است و امروزه، تمام مسائل مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه تحت عنوان مهدویت ارائه می‌شود و بدون تأمل به اذهان مطالب راجع به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نقش می‌بندد.

واژه مهدی در قرآن و حدیث

هسته اولیه این واژه، هدی و هدایت است. منجی عالم بشریت را به این وصف خوانند، زیرا وی هدایت شده و هدایت‌کننده خلق است و این معنا در قرآن کریم به صورت اسم فاعل و مفعول بیان شده که هدایت از آنها استفاده می‌شود.^۱

﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^۲

البته خداوند اهل ایمان را به راه راست هدایت می‌کند.

۱. مجتبی تونه‌ای، موعودنامه، ص ۷۱۱؛ مصطفی (فقیه) اسفندیاری، حجت موجه

(پاره‌ای از مهم‌ترین اختلاف نظرهای شیعه و اهل سنت در مهدویت)، ص ۷۰.

۲. حج، آیه ۵۴.

﴿وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا وَنَصِيرًا﴾^۱

تنها پروردگار تو برای هدایت و نصرت کفایت می‌کند.
در این دو آیه، واژه مهدی به صورت اسم فاعل آمده، اما در چند آیه دیگر به صورت اسم مفعول بیان شده است:

﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا﴾^۲

هرکس را که خدا راهنمایی کند به حقیقت هدایت یافته، هر که را گمراه کند، هرگز برای چنین کسی هیچ یاور و راهنمایی نخواهد بود.

﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخٰسِرُونَ﴾^۳

هر که را خدا هدایت فرمود هم اوست که هدایت یافته و آنهایی که او را گمراه کنند، همان کسان زیان‌کاران عالمند.

علاوه بر این آیه‌های مبارکه، روایت‌ها نیز، از لقب مهدی سخن می‌گویند. اصبح بن نباته می‌گوید: خدمت امیر مؤمنان علیه السلام رسیدم، دیدم که حضرت در اندیشه قرار دارد، از علت این تفکر پرسیدم، حضرت در جواب فرمود:

«فَكَرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشْرَ مِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِي»^۴

بنابراین، مهدویت از مهدی پدید آمده و در اصطلاح کلامی در مکتب‌های فکری و اعتقادی به کار می‌روند که به نوع معتقدند که در

۱. فرقان، آیه ۳۱.

۲. کهف، آیه ۱۷.

۳. اعراف، آیه ۱۷۸.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح از آیه‌الله محمد باقر کمره‌ای، ج ۲، ص ۵۶۶.

آینده جهان، پس از آن‌که پر از ظلم و بیداد شده، پر از عدل و داد می‌شود. شاخصه این اندیشه اصل، در قالب منجی باوری و انتظار مصلح جهانی در ادیان و حیانی به‌ویژه دین اسلام، بروز پیدا کرده است.

دین در لغت

از نگاه لغوی دین به معنای قهر و غلبه، رفعت، حکم و هرچیز که به وسیله آن عبادت خدا شود، کیش و... و نیز،^۱ به معنای جزا، پاداش، روز قیامت، حکم، قضا، طاعت، تصدیق به قلب و انقیاد به جوارح یعنی پای‌بند بودن به اصول و وحی به‌کار رفته است.^۲

«الدِّينُ الْجَزَاءُ وَالْمُكَافَاةُ وَالْجَمْعُ الْأَدْيَانِ الدِّينُ: الْأِسْلَامُ الدِّينُ الْعَادَةُ وَالشَّأْنُ تَقُولُ الْعَرَبُ مَا زَالَ ذَلِكَ دِينًا أَيُّ عَادَتِي.»^۳
 «الدِّينُ الْجَزَاءُ لَا يَجْمَعُ لِأَنَّهُ مَصْدَرٌ دَانَ اللَّهُ الْعِبَادَ بِدِينِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيُّ يُجْزِيهِمْ وَهُوَ دِيَانُ الْعِبَاد.»^۴

ادیان جمع دین است. اما در قرآن کریم، دین را از آدم تا خاتم یک دین می‌داند. به عبارت دیگر، تنها دین پذیرفته شده نزد خداوند، اسلام است. اما در همه دوره‌ها، دین خدا به این نام معروف نبوده است. اسلام یعنی تسلیم محض در برابر دستوره‌های ذات حق؛ ولی سبب جمع بستن دین، افراد و تفاوت‌های فرعی موجود در آیین‌ها بوده است، زیرا در ادیان دیگر تحریف‌هایی توسط پیروانش رخ داده

۱. لويس معلوف، فرهنگ بزرگ جامع نوین، (عربی به فارسی)، مترجم: احمد سیاح، ج ۱، ص ۶۰۰.

۲. احمد خاتمی، فرهنگ علم کلام، ص ۱۱۴.

۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، المجلد الثانی، ص ۴۲۹.

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ص ۶۱۱.

که در این صورت عنوان اسلام به آنها اطلاق نمی‌شود، زیرا اسلام کامل‌ترین دین است، در صورتی که سایر ادیان از نظر تعلیمات و احکام نسبت به اسلام در مرتبه پایین‌تری قرار دارند. دین اسلام، مورد پسند خداست و این درحالی است که دین‌های دیگر در حد کمال نیستند.

دین از دیدگاه دانشمندان

دانشمندان دین را از جنبه‌های گوناگونی تعریف کرده‌اند که در این بحث بدون نقد و ارزیابی به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

دین، شناخت یک موجود فوق بشری که دارای قدرت مطلقه است. خصوصاً باور داشتن به خدایان متشخص که شایسته پرستش‌اند.^۱

جیمز فریزر می‌گوید: «دین عبارت است از: سازش انسان با قوای برتر آدمی که به گمان دینداران این قوای فوق طبیعی جهان و انسان را اداره می‌کند.»^۲

امیل دورکیم درباره دین می‌گوید: «دین عبارت از یک رشته معتقدات به چیزهای مقدس به انضمام یک دستگاه روحانیت.»^۳

دین سیستم خاصی از اعمال و عبادت است که اغلب شامل قسمت‌های اخلاقی و فلسفی نیز، می‌شود. پاره‌ای دین را صرفاً اعتقاد به موجودهای آسمانی مرموز تفسیر می‌کنند و دسته‌ای نیز، دین را عبارت از چگونگی احساسات قلبی قواعد و دستوره‌های مشتق از آن تعریف

۱. جان هیک، فلسفه دین، ترجمه بهزاد سالکی، ص ۱۷.

۲. یوسف فضائلی، جامعه‌شناسی ادیان، ص ۱۵.

۳. هیس، تاریخ مردم‌شناسی، ترجمه ابوالقاسم طاهری، ص ۴۶۹.

می‌کنند و سرانجام گروهی، دین را مجموعه درهم آمیزی از احساسات فردی و اجتماعی بشر می‌دانند.^۱

دین عبارت است از متعلق دل‌بستگی فرجامین بشر.^۲

دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقررات است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌هاست. گاهی همه این مجموعه حق و گاهی همه آن باطل و زمانی ترکیبی از حق و باطل است. اگر مجموعه آن حق باشد، آن دین را حق گویند؛ در غیر این صورت آن دین را باطل خوانند یا التقاطی از حق و باطل می‌نامند.^۳

مجموع اعتقادات در حقیقت جهان و انسان و مقررات متناسب با آن، که در زندگی مورد عمل قرار گیرد، دین نامیده می‌شود... و هرگز انسان (اگر به خدا هم عقیده نداشته باشد) از این برنامه زندگی که بر اصل اعتقادی استوار است، بی‌نیاز نیست. پس دین همان روش زندگی است و از آن جدایی ندارد.^۴

آسمانی: در کتب لغت، برای آسمانی معانی زیادی نقل شده است از جمله؛ آسمان یعنی فضای بی‌پایان که اجرام آسمانی و کهکشان‌ها را در برمی‌گیرد.^۵
آسمانی، اسم منسوب به آسمان، به معانی زیاد، از جمله به معنای ربانی و الهی آمده است.^۶

-
۱. زیگموند فروید، آینده یک پندار، ترجمه، مقدمه و تحشیه از هاشم رضی، ص ۳۳۸.
 ۲. پل تلیخ، آینده ادیان، مترجم: احمد رضا جلیلی، ص ۱۳.
 ۳. عبدالله جوادی آملی، شریعت در آینه معرفت، (بررسی و نقد نظریه، قبض و بسط تئوریک شریعت)، ص ۱۱۱.
 ۴. محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۱۹.
 ۵. احمد دانشگر، فرهنگ فارسی نوین، ص ۲۲.
 ۶. دکتر محمد معین، فرهنگ فارسی، ص ۵۶.

طبق آنچه از تعریف‌ها به دست می‌آید، دین همان ندای درونی و فطرت است که انسان به آن نیاز دارد. اما در این جا، قید آسمانی ادیان الهی با آموزه‌های وحیانی را نشان می‌دهد که در موضوع رساله به آن اشاره شده که رساله مهدویت را از نگاه ادیان وحیانی کنکاش کرده است.

دین در قرآن و نهج البلاغه

کلمه دین در قرآن کریم بزرگ‌ترین سند حقانیت اسلام، در معانی بسیار به کار رفته است:

۱. پاداش و جزا: ﴿مَنْ لَكَ يَوْمَ الدِّينِ﴾^۱
۲. اطاعت و بندگی: ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾^۲
۳. سلطنت و حاکمیت: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾^۳
۴. شریعت و قانون: ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِلَّهِ دِينُ الْوَالِدِينَ﴾^۴
۵. تسلیم: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾^۵
۶. اعتقادات: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ﴾^۶

آیه‌های فراوانی در این باره وجود دارد که ما به همین مقدار بسنده کردیم. از جمله روایت‌هایی که واژه دین در آنها به کار برده شده، روایتی است از وجود مقدس امیر مؤمنان علیه السلام:

۱. فاتحه، آیه ۴.

۲. زمر، آیه ۱۱.

۳. بقره، آیه ۱۹۳.

۴. کافرون، آیه ۶.

۵. آل عمران، آیه ۱۹.

۶. بقره، آیه ۲۵۶.

«أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ وَ كَمَالُ مَعْرِفَتِهِ التَّصَدِيقُ بِهِ وَ كَمَالُ التَّصَدِيقِ بِهِ التَّوْحِيدُ»^۱ سرلوحه دین، شناخت اوست، درست شناختن او و باور داشتن او، یگانه پنداشتن اوست.»

در کلام حضرت علی علیه السلام، دین به شناخت همراه با تصدیق به وحدانیت خداوند متعال تفسیر شده است. بر فرض قبول تکثر ادیان، پیروان هر دین، بر حقانیت دین خود معتقدند و دین در متن زندگی انسان‌ها، مایه سعادت و نجات است. دانشمندان بر این باورند که دین به انسان چیزی می‌دهد که از هیچ منبع دیگری قابل دریافت نیست. برای نمونه، دین به افراد متدین کمک می‌کند تا فرد بتواند قدرت و رضایت بیشتری به دست آورد و نیز، بتواند دشواری‌های زندگی را بدون ناله و شکایت از خداوند تحمل کند. از نگاه روان‌شناختی نیز، دین جنبه‌های عقلی، عاطفی و عملی دارد. دین صرف یک تجربه ذهنی و درونی نیست، زیرا همیشه دین اشاره و توصیه به یک موضوع مورد پرستش و ایمان دارد.^۲

جان ناس معتقد است که ادیان، به هر شیوه که باشد اتفاق دارند بر این که انسان، قائم به ذات خود نیست و نمی‌تواند باشد؛ زندگی او به شکل به‌قوای خارج از طبیعت وابسته است و انسان به‌طور شفاف یا مخفی درک می‌کند که مرکز مستقلی که در این جهان باشد قائم به نفس خود و با ذات باری تعالی ارتباط نداشته باشد، وجود ندارد.^۳

۱. نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، خطبه ۱.

۲. رابرت هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۲۰.

۳. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۳.

خاتمیت، جاودانگی و کمال دین

آنچه در دنیا مشاهده می‌شود، قابل تحول و تغییر و بعضاً فناپذیر است. اما وضعیت دین چگونه است؟ آیا روزی عمر دین به پایان می‌رسد؟ ملاک زوال‌ناپذیر بودن یک پدیده غیر قابل تغییر و فانی، چیست؟

اینها سؤال‌هایی است که می‌توان با تحلیل درست از دین به آنها پاسخ داد. دین یک پدیده اجتماعی است؛ پدیده اجتماعی تا زمانی ماندگاری دارد که با خواسته‌های مشروع بشر مطابقت کند. به عبارت دیگر، آن پدیده خواسته بشر باشد، یا بشر از عمق غریزه و فطرت خود آن پدیده را نخواهد. در تاریخ، جز دین هیچ پدیده دیگری نداشته است تازگی و حیات همیشگی خود را حفظ نمایند.

دیگر پدیده‌ها، فقط برای یک دوران خاصی درخشیدند و آهسته آهسته از متن زندگی بشر کنار رفته و جای خود را به پدیده‌های دیگر دادند؛ مانند بسیاری از ابزار مدرن زندگی بشر، که پس از مدتی خاصیت و تازگی خود را از دست می‌دهد. اما دین از لحاظی که جزء نهاد بشر و هم‌چنین جزء خواسته‌های فطری، عاطفی و عقلانی انسان‌ها و نیز، تأمین‌کننده خواسته‌های معنوی اوست، در سطح زندگی بشر جایگاه عمیق و رفیعی دارد؛ تا جایی که هرگز جانشین‌پذیر نیست و امکان ندارد رویکرد دیگری بتواند و نقش دین را در زندگی انسان‌ها ایفا کند به همین دلیل قرآن کریم، بر این مدعا که دین جزء نهاد و فطرت بشر است، تأیید فراوان دارد.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۱

توجه خود را به سوی دین حق‌گرا پایدار و استوار کن همانا این فطرت‌الله را که همه مردم را بر آن آفریده نگهدار است.

از این کلام خداوند که خطاب به پیامبر ﷺ (توجه استوار و پایدار به سوی دین حق گرا کن)، نکته فطری بودن دین آشکار می‌شود. حضرت امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «خداوند انبیا را مبعوث کرد تا پیمان فطرت را از آنها مطالبه کند. این همان مطالبه خواسته‌های دین از بشر است.» «فَبَعَثَ فِيهِمْ وَرُسُلَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ...»^۱ پیامبران خود را، مبعوث کرد و هر چندگاهی متناسب با خواسته‌های انسان‌ها رسولان خود را پی‌درپی اعزام کرد تا وفاداری پیمان به قدرت را از آنان باز جویند.»

شهید مطهری رحمته الله می‌گوید: امروزه کاوش‌های علمی و روانی هماهنگ با قرآن، دین را جزء نهاد بشر می‌دانند. این مطلبی است که علم و دین ثابت کرده است.^۲ گرچه دین، امری مقدس است و در هر دوره نیاز بشر بوده به این دلیل که انبیای بسیاری از جانب خدا برای هدایت مردم زمانشان مبعوث شدند، تا مردم را به سوی خدا هدایت کنند که تجلی کامل آن در دعوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ظهور پیدا کرد و خدای بزرگ دین اسلام را غالب بر همه ادیان و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را خاتم همه پیامبران معرفی کرد. به عبارت دیگر، دین و پیامبری پس از این تاریخ برای بشر نخواهد آمد، زیرا سلسله پیامبران و دین به کمال نهایی رسیده است.

بنابراین، باید گفت خاتمیت و کمال، هر دو ملازم یکدیگرند به این معنا که امکان ندارد پیامبر صلی الله علیه و آله خاتم باشد، ولی دین او کامل نباشد، یا ادعای کمال دین خود را نداشته باشد و پس از او دینی بیاید. دین کامل، اسلام است و طبق فرموده قرآن کریم، اولین پیامبر که خود و پیروانش را

۱. نهج البلاغه، ترجمه دکتر شهیدی، خطبه ۱.

۲. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۳۸۸.

مسلمان نامید، حضرت ابراهیم علیه السلام بود که ادیان الهی نیز، به آن حضرت انتساب پیدا می‌کنند.

﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ﴾^۱

ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام گفتند: پروردگارا ما را تسلیم فرمان خود گردان و از فرزندان ما نیز، امت مسلم قرار ده.

گرچه تعداد پیامبران، به یک صد و بیست و چهار هزار نفر معروف هستند، اما اگر کمتر یا بیشتر از این تعداد هم می‌بودند، همه آنها مردم را به یک هدف دعوت می‌کردند و آن توحید بوده است. اما طبق فرموده قرآن همه پیامبران صاحب شریعت نبودند. تنها پنج تن از آنها، به نص از قرآن صاحب شریعت هستند و دیگر پیامبران در تبلیغ رسالتشان، تابع و پیرو این پنج پیامبر بودند.

﴿شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا

بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ﴾^۲

خدا تشریح فرمود: برای شما از دین آنچه به نوح علیه السلام توصیه شده و آنچه به خودت وحی کردیم و آنچه را که به ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام توصیه شده است. در این آیه‌ها، نکته‌های مهمی وجود دارد از جمله:

۱. حضرت ابراهیم علیه السلام، در دو جا از نسل خود یاد کرده و از خداوند بلندمرتبه برای نسل و ذریه خود درخواست نموده است.
۲. هنگامی که تمام امتحان‌های الهی را با موفقیت پشت‌سر گذاشت، خداوند خطاب به ایشان فرمود: «تو را امام و رهبر جامعه قرار دادم».

۱. بقره، آیه ۱۲۸.

۲. شوری، آیه ۱۲.

۳. هنگامی که با فرزندش اسماعیل علیه السلام، این گونه دعا می کرد که خدایا ما را تسلیم فرمان خودت قرار بده، برای ذریه خود نیز، این گونه دعا کرد: «خدایا ذریه ما را نیز، امت فرمان بردار برای خودت قرار بده.»

وحدت دین الهی از این آیه پیدا است؛ اما برنامه های دین به تناسب شرایط و اوضاع مردم به بشر ابلاغ می شدند، مانند دانش آموزی که در سال دوم، مطالبی را می خواند، که در سال اول هرگز آنها را نخوانده است. سلسله پیامبران علیهم السلام مبلّغ و مروج دین واحد الهی برای بشریت بوده اند.

خاتمیت و کمال دین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و این که سلسله پیامبران به رسول معظم اسلام صلی الله علیه و آله ختم می شود، خود بزرگ ترین دلیل بر جامعیت و ماندگاری این دین خواهد بود که دیگر بعد از این زمان دین و پیامبری نخواهد آمد و دین اسلام قابلیت پاسخ گویی بشریت را تا روز قیامت دارد.

مسلمانانها ختم نبوت را مسئله ای واقع شده تلقی کرده اند و هیچ گاه برای آنها این تفکر مطرح نبوده که پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله، پیامبری خواهد آمد یا نه؟ زیرا قرآن کریم با صراحت خاتمیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را بیان کرده و تصور پیامبری دیگر و قرآن جدید، مانند انکار خدا برای مسلمانانها خواهد بود و خاتمیت، نقص بر دین مسلمانان نیست، بلکه کمال دین است.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾^۱

محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست. همانا او فرستاده خدا و پایان دهنده پیامبران است.

در زمینه ختم نبوت که از اساسی‌ترین مسائل اعتقادی مسلمانان است، دانشمند بزرگ استاد مطهری بحث مشروحی را ارائه کرده است که به خلاصه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

اندیشه ختم نبوت، پرسش‌هایی را مطرح کرده است که آیا عدم ظهور پیامبر جدید، به معنای کاهش استعدادهای معنوی و تنزل بشریت در جنبه‌های روحانی خواهد بود؟

اعلام ختم نبوت، بدین معناست که بشر بدون نیاز به پیامبر و رسول جدید، با عقول خود می‌تواند زندگی خود را اداره کند. از این گذشته، معلوم است در فاصله میان پیامبران صاحب شریعتی هم‌چون؛ نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم‌السلام، یک دسته از پیامبران برای تبلیغ شریعت نوح و ابراهیم علیهم‌السلام ظهور کرده‌اند و اگر نبوت تشریحی را بپذیریم که با شریعت اسلام ختم شد، پس چرا نبوت‌های تبلیغی قطع شدند؟ و چرا این همه پیامبر پس از هر شریعت ظهور و آن شرایع را ترویج کردند، اما پس از اسلام حتی یک پیامبر تبلیغی هم ظهور نکرد؟ در پاسخ به این پرسش‌ها که از اصل ختم نبوت ناشی می‌شوند، باید گفت که اسلام اندیشه ختم نبوت را مطرح کرده و پاسخ آن را هم مستدل داده است و هیچ ابهامی در این زمینه باقی نمی‌ماند. قرآن کریم به‌طور رسمی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را رسول خدا و خاتم‌النبین معرفی کرده است.

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾^۱

از لحن آیه درمی‌یابیم که پیش از نزول این آیه، خاتمیت به وسیله پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امری شناخته شده بوده است. مسلمان‌ها، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

را رسول الله و خاتم النبیین می شناختند، اما آیه یادآور می شود که پیامبر ﷺ را پدر کسی ندانید و به همان عنوان رسمی، خاتم النبیین و رسول الله ﷺ بخوانید و بعد از پیامبر اسلام ﷺ پیامبری نخواهد آمد و در فاصله پیامبران گذشته، رسولان آمدند و شریعت آنها را ترویج کردند این نیز، علت‌هایی دارد.

از جمله علت‌های تجدید رسالت، تبدیل و تحریف‌هایی بود که در کتب و تعلیم‌های پیامبران رخ می داد. غالب پیامبران، احیاکننده سنن فراموش شده و اصلاح کننده تعلیم‌های تحریف یافته پیشینیان خود بودند... پس ظهور متعدد پیامبران، به موجب تفسیر و تکامل شرایط زندگی و نیازمندی بشر به پیام نوین نیست، بلکه معلول نابودی تحریف‌ها در کتب مقدس آنها بوده است. به هر حال در دین اسلام تبدیل‌ها و تحریف‌ها منتفی است و قرآن کریم این عدم تحریف را به صراحت اعلام می کند:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾^۱

ما خود این کتاب را فرود آوردیم و هم البته خود نگهبان آن هستیم. بنابراین، در میان کتاب‌های آسمانی تنها کتابی که جاودانگی و مصونیت دارد قرآن کریم است، به همین دلیل پیامبر اسلام ﷺ، پیامبر آخرالزمان خوانده شده و قرآن گویای دینی است که اعتبار آن تا قیامت تضمین شده است.

دین، برخلاف پندار کثرت‌گرایان، از ابتدا تا پایان جهان یک دین است و حضرت مهدی عجل الله فرجه هم صاحب دین جدید نیست، زیرا همه پیامبران

۱. حجر، آیه ۹.

مردم را به یک دین دعوت کرده‌اند. آن حضرت سنن فراموش شده دین خدا را ترویج می‌کند و حقایق دین که پیامبر اسلام ﷺ فرصت بیان آن را پیدا نکرد و شرایط نیز آمادگی پذیرش آن را نداشت در جامعه بشری محقق می‌سازد. قرآن نام این دین واحد - که پیامبران انسان‌ها را از آدم تا خاتم، به آن فراخوانده‌اند - را اسلام می‌نهد. البته مقصود این نیست که در همه زمان‌ها به این نام خوانده می‌شده، بلکه دین حقیقت دارد که شاخصه آن اسلام است. آیه شریفه ذیل گویاترین سند این مدعاست:

﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا﴾^۱

ابراهیم به آیین یهود و نصارا نبود لیکن به دین حنیف توحید و اسلام بود.

اصول فکری و عملی انبیا یک چیز بوده است. تفاوت و اختلاف انبیا، از نوع تفاوت تعلیم‌های کلاس‌های عالی‌تر با کلاس‌های دانی‌تر یا از نوع اجرای یک اصل در شرایط و اوضاع گوناگون بوده است. دانش‌آموزان علوم را در دروسی سطح بالا یاد می‌گیرند؛ که هرگز در کتاب‌های ابتدایی آنها را نخوانده‌اند. با توجه به این تحلیل دین حقیقت واحد است نه حقایق متعدد، زیرا:

۱. واژه دین در قرآن همیشه مفرد آمده و هرگز به صورت جمع در قرآن استعمال نشده است؛

۲. دین فطری است و در فطرت انسان ریشه دارد، سرچشمه آن نیز، وحی و الهام است. وحیانی بودن و فطری بودن، دو ویژگی دین در جهان‌بینی مسلمان‌هاست که قرآن هم به آن تصریح دارد.

۱. آل عمران، آیه ۶۷.

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۱

حق جویانه چهره خویش را به سوی دین، همان فطرت خدا که مردم را بر آن آفریده ثابت نگه دار.

دین واحد است، زیرا فطرت بشر یکی بیشتر نیست. دین بسته به فطرت است و فطرت هم اقتضای ماندگاری دارد. بشر تمام نیازهای معنوی و مادی خود را در سایه دین می‌تواند تأمین کند.^۲ برخی از محققان چنین اظهار می‌کنند که از جمله مسائل که تمام فرق مسلمان در آن اتفاق نظر دارند، موضوع خاتمیت پیامبر عزیز اسلام ﷺ محمد بن عبدالله ﷺ است و تنها مدرکی که باعث شده اختلافی در این باره رخ ندهد، تصریح قرآن کریم بر خاتمیت و روایت‌های متواتره که از وجود مقدس آن حضرت صادر شده است می‌تواند باشد. از این رو، موضوع خاتمیت جزئی از عقاید مسلمانانها و از مبانی آیین اسلام است.

دانشمندان جهان اسلام به این مسئله معتقدند، به همان دلیل قرآن کریم و روایت، اصرار بر خاتمیت رسالت دارد. دلیل این اصرار و تأکید از سوی خود پیامبر ﷺ بر خاتمیت جهات بسیاری دارد، از جمله جلوگیری از ظهور مدعیان به ناحق رسالت می‌تواند باشد.

خاتمیت از مسائل کلیدی اسلام است، آن قدر که از سوی دشمنان اسلام به‌ویژه غربی‌ها و غرب‌زدگان علیه آن شبهه پراکنی و سنگ‌اندازی‌های شده است، تا جایی که به هیچ‌یک از اصول دیانت مسلمانانها به آن حد هجمه نشده است. برای این که اصل و سد را بشکند، شبهه‌هایی چون جدایی دین از سیاست و این که دیگر بشر نیازی

۱. روم، آیه ۳۰.

۲. مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۵۴ - ۱۶۰.

به دین ندارد، دوران حاکمیت دین تمام شده و دوران حکومت عقل و علم رسیده، آیین ثابت و احکام متغیر چگونه می‌تواند جامعه متغیر را اداره کند و... را مدعی می‌شود. این سنگ‌اندازی‌ها علیه دین و خاتمیت، امروزه نیز، شدت پیدا کرده است.

دانشمندان اسلامی پاسخ‌های مستدل و عقلانی به این شبهه‌ها داده‌اند که هم خاتمیت را اثبات می‌کند و هم جواب به شبهه‌های آنهاست. از جمله آیه‌الله سبحانی که این چنین پاسخ می‌دهد:

«قضایای اعتقادی در دین اسلام ثابت و پا برجاست. اصول و کلیات آن مطابق با فطرت و آفرینش هماهنگ است. تا انسان، انسان است فطرت او ثابت و احکام مربوطه به او نیز، ثابت خواهد بود. دگرگونی‌ها در رویه زندگی است. اصول زندگی در همه تمدن‌ها، واحد و تغییرناپذیر می‌باشد.»^۱

با ظهور اسلام و کمال دین که قرآن با صراحت در این باره می‌فرماید: دین کامل شد، دیگر داعی برای تجدید نبوت نیست، زیرا نیاز انسان با آخرین کتاب آسمانی قرآن تأمین می‌شود. به گفته برخی از نویسندگان، مسلمان، حاصل نظریه متکلمان در باب خاتمیت؛ انقطاع وحی و بعثت نبوی تبلیغی و تشریحی است. اما نیاز انسان‌ها و نسل‌های آینده به کتاب آسمانی و شریعت، خاتمه نیافته، بلکه مستمر و روز افزون است؛ به همین دلیل خداوند دو حجت بالغه را برای تفسیر کتاب آسمانی قرار داده است که آنها عبارتند از: امامان معصوم علیهم‌السلام و عقل انسان‌ها. با این دو برهان، خدا حجت را بعد از خاتمیت بر بشریت تمام کرده است.^۲

۱. جعفر سبحانی، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، ج ۱ و ۲، ص ۲۴۶.

۲. محمد حسین قدردان قراملکی، آیین خاتم، ص ۳۶۲.

ختم وصایت در مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

همان‌گونه که خاتم‌الانبیا در متن عقاید مسلمان‌ها شکل گرفته است، مسئله آخرین نجات‌بخشی و ختم‌الاوصیا به نام مهدویت نیز، در متن عقاید مسلمان‌ها جایگاه ویژه‌ای است. اما در ادیان و مذاهب دیگر به عناوین منجی، موعود، مصلح و... این تفکر نجات‌بخشی پایانی جهان ریشه دارد.

اما چه مسئله‌ای باعث اکمال دین می‌شود؟ آیا دین بدون امامت و وصایت و مهدویت می‌تواند کامل باشد یا خیر؟ در این زمینه با قاطعیت می‌گوییم که دین بدون نبوت و نبوت بدون امامت و ختم وصایت بدون مهدویت معنایی ندارد.

آنچه موجب کمال دین شد، مسئله ابلاغ امامت بود. خداوند متعال خطاب به رسول گرامی اش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: اگر مسئله امامت ابلاغ نگردد، گویا رسالت انجام نشده است. پس از آن که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وسیله وحی الهی مسئله امامت را در غدیر خم ابلاغ کرد، خداوند بلندمرتبه از کمال دین خبر داد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱

کمال دین بسته به ابلاغ امامت و اسلام با ابلاغ امامت به عنوان دین کامل معرفی شد و بدون امامت، اسلام دینی کامل نیست. عقل هم حکم می‌کند دین پسندیده خدا دینی است که مفسر و مروج آن امامت باشد. در اصل عقل باور نمی‌کند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از دنیا برود و جانشینی برای خود تعیین نکند؛ در حالی که در مسافرت‌های جزئی وصی تعیین می‌کرد.

۱. مائده، آیه ۳.

قرآن بر خاتمیت پیامبر ﷺ و کمال دین تأکید دارد، برای این که ادعای مدعیان دروغین پیامبری و صاحب دین جدید را نفی کند. قرآن کریم، نصب امامت را مایه کمال دین می‌داند. بنابراین، ظهور پیامبر جدید و دین نو، منافی کمال دین و خاتمیت است. براساس قاعده لطف و حکمت، امام و حجت خدا در زمین میان مردم زندگی می‌کند. طبق قاعده لطف و وعده‌های نصوص ادیان الهی، روزی فرا می‌رسد که حجت خدا برای نجات بشریت از بی‌عدالتی و احیای فرایض و اجرای قانون خدا ظهور کند. این رساله براساس آموزه‌های وحیانی، از دیدگاه دیانت زرتشت، یهودیت، مسیحیت و اسلام به مسئله مهدویت پرداخته و از بسیاری مسائل که مربوط به تاریخ تولد، معجزه‌ها، کیفیت زندگی آن حضرت و یا مهدویت از دیدگاه ادیان غیر وحیانی به دلیل فشرده بودن صرف نظر کرده است.

ادیان و حیانی و مهدویت

۱. مهدویت در آیین زرتشت

الف) آشنایی با پیدایش زرتشتیان

دین زرتشت از جمله ادیانی است که بسیاری از مردم و حیانی بودن آن را پذیرفته‌اند. تاریخ پیدایش زرتشت میان مورخان معرکه‌آرا شده است و دیدگاه‌های متفاوتی درباره آن وجود دارد. تاریخ تقریبی تولد زرتشت، از ۶۰۰ تا ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد نوشته شده است. افلاطون تاریخ تولد زرتشت را ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌داند. کریستین سن معتقد است عصر زرتشت مقدم بر هزار سال قبل از میلاد است. به هر حال روشن است که زرتشت متعلق به گذشته است، اما نه آن قدر که تاریخ تولدش به ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد برسد و نه آن قدر که تصور کنیم ۶۰۰ سال قبل از میلاد، متولد شده باشد. اما استاد ابراهیم‌پور داوود علیه السلام با خسانتوس یونانی تولد زرتشت را ۱۰۸۰ سال قبل از میلاد می‌دانند.^۱

۱. محمد خزائلی، اعلام القرآن، مهرداد مهرین، دین بهی فلسفه دین زرتشت، ص ۱۸، فرشته عبدالمهی، دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان، ص ۱۴.

برخی تاریخ تولد زرتشت را ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد دانسته‌اند.^۱ جان ناس تولد زرتشت را حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد می‌داند.^۲ اما آنچه بیشتر محققان پذیرفته‌اند این است که زرتشت، ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد ظهور کرده است و این سخن به قول خسانتوس که عصر زیست زرتشت را ۱۰۸۰ سال پیش از میلاد دانسته، نزدیک است.^۳

بنیان‌گذار این دین، جناب زرتشت و اسم خدای آن اهورامزداست. ایران و هند، محل پیدایش این دین و کتابش اوستاست. در ظاهر زرتشت دهقان‌زاده و از تبار آریایی‌ها بوده است. درباره نام زرتشت به نام زرتشت در کتب آنان به صورت‌های متفاوتی آمده است از جمله: زرتشت، زرتشت، زارتشت و... در میان اروپاییان، پورفسور پورثف اولین بار معنای لغوی کلمه زرتشت را مرکب از زرد و شتر به معنای دارنده شتر زرد دانسته است.^۴

جان ناس می‌گوید: آنچه از تعالیم و سرگذشت زرتشت استفاده می‌شود نام او زراتشتر است که در اصل کلمه آریایی کهن می‌باشد. وجه تسمیه آن زیاد است، از جمله صاحب اشتران کهن گفته شده است.^۵

زرت هوشتر هم‌نام پیامبری ایرانی بوده است که امروزه پس از تبدیل و تغییرهای بسیاری در زبان فارسی رایج زرتشت یا زرتشت به معنای دارنده شتر زرد هم گفته می‌شود.^۶

۱. عبدالعظیم رضایی، تاریخ ادیان جهان، ج ۱، ص ۱۷۰، و اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان، ص ۴۴.

۲. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۴۵۳.

۳. محمد جواد مشکور، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، ص ۹۵۰.

۴. مهرداد مهرین، دین بهی فلسفه دین زرتشت، ص ۱۵.

۵. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ۱۳۷۰، ص ۴۵۳.

۶. عبدالعظیم رضایی، اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان، ص ۱۲۱.

این پیامبر صلح و محبت، زمانی که بیست ساله بود پدر، مادر و همسر خود را رها کرد و برای یافتن اسرار مذهبی و پاسخ به سؤال‌های روحانی که ذهن و ضمیر او را به خود مشغول کرده بود، در اطراف جهان سرگردان شد و به هرسو رفت و با هرکس سخن گفت تا شاید نور اشراق را در دل او منور سازد.

در منابع یونانی نقل شده است که: «زرتشت به مدت هفت سال را در غاری با تاریکی مطلق گذرانید تا این‌که آوازه این سکوت او از شرق به رم رسید. مرد مرتاض، بیست سال در بیابان‌ها گذرانیده و جز پنیر و طعام، چیز دیگری نخورده است. وقتی به سی سالگی رسید مکاشفه‌هایی بر او دست داد که منابع حتی برای او معجزات نقل کرده‌اند.»^۱ جان ناس می‌نویسد: «فرشته با زرتشت گفت و گو کرد آن‌گاه او در پیشگاه (اهورامزدا)، خدای حکیم صعود کرد و اهورامزدا او را به پیامبری برگزید و به او مأموریت داد آیین بهی را به عالمیان بیاموزد. بعد از این حادثه گفت و گوی او با فرشتگان تا هشت سال ادامه داشت، تا این‌که به صفای دل رسید.»^۲

در گات‌ها هم به این مکاشفه‌ها اشاره‌هایی شده است. زرتشت در لابه‌لای نیایش‌هایش، خطاب به خدایش می‌گوید: «ای اهورامزدا! تو را می‌ستایم، من دشمن دروغ و پشتیبان نیرومند راستگویانم.»

علامه نوری می‌فرماید: «زرتشت وقتی از جانب خدا مبعوث به رسالت شد در زادگاهش آذربایجان، نتوانست آیین خود را گسترش

۱. عبدالله مبلغی آبادانی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان از ۳۵ هزار سال قبل تا اسلام، ص ۳۳۲-۳۳۳.

۲. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۴۵۴.

دهد، پس به بلخ شتافت. در آن دیار به نشر عقاید خود پرداخت و چون گشتاسب آیین وی را پذیرفت، دین زرتشت در سراسر ایران رسمیت پیدا کرد و در زندگی عادی و معنوی ایرانیان تأثیر عمیق گذاشت. این پیامبر بزرگ سرانجام هنگام عبادت در آتشکده بلخ به دست یک تورانی به قتل رسید.^۱

ب) جهان‌بینی زرتشتیان

درباره این باب که زرتشت از جمله پیامبران الهی است این سؤال مطرح می‌شود که آیا دین زرتشت توحیدی است یا خیر؟ پاسخ به این پرسش از مهم‌ترین مباحث موجود در زمینه آیین زرتشتیان است. که البته این رساله عهده‌دار بحث تفصیلی آن نیست و فقط به آن اشاره می‌کند.

استاد مطهری می‌فرماید: از نظر تاریخی روشن نیست که آیا آیین زرتشت در اصل توحیدی بوده است یا ثنوی؟ اوستای موجود هم، این ابهام را رفع نمی‌کند، زیرا اوستا نیز در این مورد تفاوت‌های بسیاری دارد. بخشی از اوستا صراحت به ثنویت دارد، اما از بخش‌گات‌ها ثنویت دانسته نمی‌شود و بر حسب ادعای برخی از محققان، از بخش‌گات‌ها یکتاپرستی استنباط می‌شود.

ایشان معتقد است که آیین زرتشت آیین توحیدی است، زیرا بیشتر علمای اسلام بر این باورند که زرتشتیان از اهل کتابند. محققان هم این باور را پذیرفته‌اند و می‌گویند: «نفوذ ثنویت در آیین زرتشت از ناحیه عقاید آریایی‌های قبل از زرتشت بوده که آیین زرتشت را متأثر از ثنویت کرده است.» وی اضافه می‌کند: «فقط از راه تعبد می‌توان آیین زرتشت را

۱. یحیی نوری، اسلام، عقاید و آرای بشری، ص ۳۸۴.

توحیدی خواند، از نظر تاریخی و آثاری که به زرتشت منسوب است، نمی‌توانیم شریعت زرتشت را توحیدی بدانیم.» بیشترین مطالبی که محققان درباره توحید زرتشت یافته و از گات‌ها استنباط کرده‌اند این است که زرتشت، قائل به توحید ذاتی بوده است. تنها یک موجود را قائم به ذات می‌دانست و آن اهورامزدا بود. اهورامزدا همه موجودها حتی اهریمن را آفریده است. گذشته از این، می‌توان زرتشت را قائل به توحید در عبادت خواند، اما برای شبهه‌های توحیدی بودن آیین، علاوه بر توحید در عبادت و توحید ذات، توحید در خالقیت لازم است. اما آیین زرتشت بر حسب مدارک تاریخی از نظر توحید در خالقیت به‌طور کامل ثنوی بوده است.^۱

علامه نوری می‌فرماید: «اسلام آیین مجوس را الهی معرفی کرده، اما تاریخ صحیح و تحقیقات محققان هم گفته‌اند اسلام را تأیید می‌کند و آیین زرتشت را توحیدی می‌داند که بعدها در اثر عوامل گوناگون تغییر ماهیت داده است.»^۲

قرآن کریم از پیروان زرتشت به‌نام مجوس یاد می‌کند و آنها را در ردیف صابئین و اهل شرک قرار می‌دهد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصْرِيَّ وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾^۳

البته بین اهل ایمان و یهود و صابئان و نصارا و گبر و آنان که به خدا شرک آوردند، محققاً روز قیامت میان آنها، خدا جدایی افکند که او بر احوال همه موجودات عالم گواه است.

۱. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۹۰ و نیز مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۱۸۲-۲۰۰.

۲. یحیی نوری، اسلام، عقاید و آرای بشری، ص ۳۸۴.

۳. حج، آیه ۱۷.

در ذیل همین آیه، در المیزان آمده است: «مراد از مجوس قوم معروفی هستند که به زرتشت گرویده و کتاب مقدس آنها اوستا نام دارد اما در عقاید آن چه مسلم است مجوسیان معتقدند که برای تدبیر عالم مبدأ وجود دارد؛ یکی خیر و دیگری شر، اولی یزدان و دوم اهریمن است، یا اول نور و دوم ظلمت است.» با توجه به این عقاید این سؤال پیش می‌آید که آیا مجوس اهل کتاب است؟ نظریه‌های گوناگونی وجود دارد. صاحب المیزان فقط اظهار می‌کند مجوسیان پیامبر داشتند و او را سرانجام به قتل رسانیدند و کتابشان را سوزانیدند.^۱

عبدالحسین زرین کوب می‌گوید: «مجوس در قرآن در ردیف اهل شرک مطرح شده است و مسلمین آنها را از اهل کتاب شمرده‌اند. به استثنای برخی از احادیث، که آنها را اهل ذمه تلقی کرده‌اند.» ایشان می‌افزاید: «از اقوال خود زرتشت همین اندازه دانسته می‌شود که وی مدعی تلقی وحی بوده است و خود را از جانب خدا (اهورامزدا) برای تبلیغ و ارشاد مردم مأمور می‌پنداشته است.»^۲

از امام صادق علیه السلام درباره اهل کتاب بودن مجوس سؤال شد:

«أَكَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ.»^۳

هم‌چنین از تاریخ استفاده می‌شود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله از آنها جزیه می‌گرفتند و با آنها مانند اهل کتاب رفتار می‌کردند. اصبع بن نباته گوید: «روزی امیر مؤمنان علیه السلام در منبر قرار گرفت، فرمود: پیش از آن که از میان شما بروم از من سؤال کنید. اشعث قیام کرد و گفت: یا علی چگونه از مجوس جزیه اخذ می‌شود در حالی که برای آنها پیامبر و کتابی نیست.»

۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۴، ص ۵۱۱.

۲. عبدالحسین زرین کوب، در قلمرو وجدان، ص ۶۸.

۳. محمد بن حسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، کتاب جهاد، ج ۱۱، ص ۹۶.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بَلَى يَا أَشْعَثُ قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ كِتَابًا وَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ نَبِيًّا»^۱

حضرت علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ در حدیث دیگری می فرمایند:

«الْمَجُوسُ إِنَّمَا أَحَقُّوا بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى فِي الْجَزِيَةِ وَالذِّيَاتِ لِأَنَّهُ قَدْ كَانَ لَهُمْ فِيهَا مَضَى كِتَابٌ»^۲

از مجموع احادیثی که مطرح شد، اهل کتاب بودن مجوس اثبات می شود. از این نیز، بگذریم، تاریخ نقاط مثبت بسیاری بر آنها نقل کرده است که زرتشتیان مردمان با استعداد و خوش ذوق و معتقد به سرنوشت آخرت یعنی پاداش و کیفر و دارای اصول اخلاقی هم چون؛ پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک هستند. بنابراین، روایت، آنها را ملحق به اهل کتاب بیان می کند.

این اثر با توجه به مفاد آیه و روایت های شریفه، دین زرتشت را مفروض بر این که از ادیان و حیانی باشد، در کنار ادیانی که و حیانی بودن آنها مسلم است قرار دهد تا مسائل و باورهایی که زرتشتیان درباره مهدویت دارند در حوزه ادیان و حیانی تحلیل و بررسی شوند.

ج) اعتقاد به منجی در دین زرتشت

بشریت و همه ادیان در جست و جوی پاسخی برای سرنوشت انسان و جهان هستند، شوق به آگاهی از سرنوشت آدمیان و هزاره گرایبی از جمله مسائلی است که ارتباط به آینده انسان و جهان دارد و این که انسان بداند چه حوادثی در آینده افراد و جامعه رخ می دهد، در همه ادیان به ویژه دین زرتشت موج می زند. پیروان زرتشت معتقدند که در

۱. همان.

۲. همان.

آینده جهان، فردی خواهد آمد که دنیای آشفته را اصلاح می کند و جهانی پر از عدل و انصاف پدید می آورد، تا بشریت در سایه صلح و امنیت از زندگی توأم با عدالت و معنویت برخوردار شوند. در طول تاریخ، انسان ها به امید عدالت و آزادی زندگی کردند و سرانجام از این جهان رفتند.

باز هم اندیشه فراگیری صلح جهانی و عدالت خاموش نگشته است. بشر به امید روزگار رهایی از ظلم و تبعیض، لحظه شماری می کند، تا این که ندای فطرت و دین با ظهور منجی عدالت گستر محقق می شود. در کیش زرتشتی، سه تن به نام های هوشیدر، یا هوشیدر ماه و یا سوشیوس که همان سوشیانس است، به عنوان منجی وعده داده شده اند که البته هر کدام باید پس از هزاره گرایی و پس از هزاره یکی پس از دیگری پدید آیند و نیز بایستی هر سه تن از تخمه زرتشت باشند.

جان ناس می گوید: «در آیین زرتشت برای عصر آزادی بشر زمانی وجود دارد و برای هر دوره و زمان مدت سه هزار سال گفته شده است. یشت زرتشت در آغاز دوره آخرین، ظهور می نماید. پس از آن، سه نجات دهنده دیگر پیاپی به فاصله هزار سال خواهند آمد. نخستین ایشان کسی بود به نام اوشتار که درست هزار سال پس از زرتشت پدیدار گشت. اما دومین آنها اوشتارماه نام داشت که دو هزار سال پس از زرتشت به جهان آید و آخرین آنها که سوشیانت نام دارد، در رأس هزاره سوم که آخرالزمان است، می آید و روزگار به او به پایان می رسد. این سه تن از نسل و نژاد زرتشت هستند، زیرا تخمه و بذر خود او به اعجاز یزدان به دریاچه ای در کشور ایران نهفته و ذخیره شده است. تا سر هر

هزاره‌ای سه تن دوشیزه پاک گوهر و علوی در آن دریاچه غوطه می‌زنند و آن تخمه الهی را به روی جهان می‌آورند.»^۱

در سرودهای زرتشت از منجی عالم به‌نام سوشیانت یا سوشینت «SEO=Shyenta» بسیار به‌کار برده شده است. این کلمه از ریشه واژه سو یا سود رسانیدن است. سوشینت به معنای سود رساننده یا سود رسان می‌باشد. پس سوشیانس کسی است که از روی راستی عمل می‌کند و جز اهورامزدا، هیچ منظور دیگری در نظر نداشته باشد.^۲

برخی از دانشمندان می‌گویند: «از تحولات مهم در الهیات زرتشت مسئله ظهور سوشیانت و منجی آینده بشریت می‌باشد و در گات‌ها مسلم است که زرتشت سرشار از این احساس بوده است که پایان جهان نزدیک است، سوشیانت ظهور کند و بشر را برای ایفای نقش حیاتی‌اش در نبرد فرجامین برانگیزاند، زیرا او رهبر است که مردمان را در نبرد فرجامین با بدی‌ها رهبری می‌کند. پیروان زرتشت عاشقانه انتظار چنین نجات دهنده‌ای را می‌کشیدند و این اعتقاد در ذهن‌شان شکل گرفت که سوشیانت از نطفه خود پیامبر ایران باستان، زاده شده و این نطفه معجزه‌آسا در بستر یک دریاچه نگه‌داری می‌شود. در پایان جهان دوشیزه در این دریاچه حمام خواهد کرد و از این نطفه آبستن خواهد شد و در موعود معین، پسر خواهد آورد به‌نام اشوت ارته به معنای آن کس که پارسایی را تجسم می‌بخشد.»^۳

از مطالب بالا دو نکته بسیار عالی و دقیق آشکار می‌شود:

۱. ناس جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۴۷۶.

۲. علی اکبر جعفری، پیام زرتشت، ص ۱۲۵-۱۲۸.

۳. همان.

۱. منجی‌ای که زرتشتیان به آن عقیده دارند، برخلاف معجزه آسایش انسانی است از پدر و مادر انسانی که در این صورت تصور این که منجی از سنخ ملک باشد یا وجود خارجی نداشته باشد، منتفی خواهد بود.

۲. از سرودهای خود زرتشت این‌گونه دریافت می‌شود که سوشیانس شخص خاصی نیست که پس از زمانی معین بیاید و حتماً فرزند زرتشت باشد، بلکه هرکس مطابق آیین اهورامزدا رفتار کند، برای دیگران دوست باشد، از آنها نگرهبانی کرده و آنها را به صداقت و عدالت راهنمایی کند، سود رسان است. خود زرتشت هم مطابق این دیدگاه، یکی از سود رسان‌ها یا سوشیانس‌ها خواهد بود، زیرا پس از طغیان جهل و استبداد سوشیانت ظهور خواهد کرد. در واقع، باید گفت که سوشیانت‌ها نوعی هستند، هرکس در راه سعادت و آزادی مردم قدم گذارد، سوشیانت می‌شود. لقب سوشیانت اختصاص به فرد خاصی ندارد و رهبری مردم، از آن افراد با علم و دانش است.

اعتقاد به منجی از محکمت آیین زرتشتیان است و در متون مقدس آنها افزون بر بشارت به ظهور عدالت‌گستر جهان حتی از تولد یاران او سخن گفته شده است. این منجی در آیین زرتشت به عنوان مزدیسنا مطالعه می‌شود و بیشتر زرتشتیان بر این باوراند که براساس بشارت زرتشت در متون مقدس اوستا در آخرالزمان، فردی ظهور و آیین در رنج و گرفتار زرتشت را، دوباره احیا خواهد کرد.^۱

در کتاب زند که از جمله کتاب‌های مذهبی زرتشتیان است، درباره انقراض اشرار و وراثت صلحا مطالبی آمده است. لشکریان اهریمن با یزدان پیوسته در روی خاک می‌جنگند و بیشتر پیروزی‌ها با اهریمنان

۱. علی اصغر مصطفوی، سیر اندیشه ایرانیان، درباره موعود آخرالزمان، ص ۹-۱۰.

است. اما نه آن گونه که یزدان را محو و منقرض کنند، زیرا هنگام نابودی از جانب اهورامزدا که خدای آسمان است، به یزدان که از فرزندان اوست یاری می‌رسد. این جنگ میان یزدان و اهریمنان نه هزار سال به طول می‌انجامد. آن گاه یزدان پیروز و اهریمنان را منقرض می‌کند. تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راهی ندارند. بعد از پیروزی یزدان و برانداختن اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده و بنی آدم بر تخت نیک خواهد نشست.^۱

در جاماسب هم تصریح شده: مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر، بزرگ تن و بزرگ ساق و بر دین جدش با سپاه بسیار روی به ایران کند، آبادانی و عدل را در زمین به وجود آورد...^۲

این مطلب در جاماسب نامه ضمن بیان سخنانی که زرتشت راجع به پیامبران نقل می‌کند، در مورد پیامبر اسلام ﷺ و دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه و رجعت گروهی از بزرگان سرانجام می‌گوید: «پیامبر عرب آخرین پیامبران باشد که در میان کوه‌های مکه ظهور کند و شتر سوار شود. قوم او از شتر سواران خواهند بود و دین او اشرف ادیان باشد، کتاب او باطل کننده همه کتاب‌ها باشد، دولت او عجم را بر باد دهد و دین پهلوی و مجوس را برطرف کند، آتشکده‌ها را خراب سازد، روزگار پیشدادیان، کیانیان، ساسانیان و اشکانیان پایان گردد و از فرزندان دختر پیامبر ﷺ که خورشید جهان و شاه زمان باشد، کس پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخرین پیامبر ﷺ باشد. دولت او تا قیامت مستقل

۱. محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۳۷.

۲. همان، ص ۲۴۳.

باشد از خوبان و پیامبران گروهی را زنده کند و از بدان هم تعدادی را برای عبرت زنده کند.»^۱

۲. مهدویت در آیین یهود

الف) آشنایی با دین یهود

قرآن کریم، نام یهود را بر تمامی امت موسی عليه السلام اطلاق کرده است. این اطلاق، به اعتباری بقای دولت یهودا پس از دولت اسرائیل است. این تسمیه عمومی، پیش از اسلام بوده است.

لفظ یهود جمع است و مفرد آن یهودی منسوب به یهودا و در آن دو معنای متضاد وجود دارد: یکی اعراض (هاد عن الحق) و دیگری به معنای میل و رغبت (هاد الی الحق) است.^۲

دین یهود از ادیان بزرگ جهان است. به نقل از ادیان زنده جهان، زمان پیدایش دین یهود به ۱۲۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. بنیان‌گذار این دین، حضرت موسی عليه السلام است و خدا در دین یهود (یهوه) نام دارد. یهود دارای کتاب آسمانی به نام تورات است که مدت‌ها بعد تحریف شد. معرفت به ذات خدا، قیامت، بهشت، جهنم و رابطه میان قوم یهود و خدا، اعتقاد به منجی آخرالزمان از مسائل زیربنایی یهودیان است.^۳

ب) مبدأ پیدایش اعتقاد یهودیان به ظهور منجی

حدود شش قرن پیش از میلاد مسیح عليه السلام، پادشاه مستبدی به نام بخت‌النصر از بابل آن روز مرکز عراق به فلسطین یورش برد و

۱. محمد بهشتی، مهدویت در ادیان، ص ۱۰-۱۹.

۲. دکتر محمد خزائلی، اعلام القرآن، ص ۶۹۰.

۳. رابرت هیوم، ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۱۶۶.

دولت بنی اسرائیل را منقرض کرد و جمع بسیاری از بنی اسرائیل را کشت و تعداد بیشتری از آنها را به شهر بابل عراق منتقل کرد. این حادثه نقطه عطف در تاریخ بنی اسرائیل است. از آن روز به بعد امید است که خدا یک رهبر نجات بخش از خاندان داوود علیه السلام می فرستد که ماشیح بنی اسرائیل باشد، تا یهودیان را به اوج عزت و روزگار قدیم شان برساند.^۱

در بسیاری از منابع آمده است که وقتی یهودیان، استقلال خود را از دست دادند، در شهر بابل با مردمانی جدید و عقایدی نو روبه رو شدند. در میان این عقاید، عقیده‌ای بسیار جذاب وجود داشت که در شرایط اسارت یهودیان، بر آنها تأثیر عمیقی گذاشت. آن اعتقاد به موعود زرتشتی میترایی بود که روزی منجی عالم می آید و عدالت و صلح را در جهان برقرار می کند. در یونان و جاهای دیگر نیز، این امید وجود داشت، اما در هیچ جا به اندازه محیط اسارت یهودیان، امید نجات بخشی که آرزوی بزرگ نسل‌ها بوده است، به ویژه برای توده‌های ستم کشیده اثری به چشم نمی خورد. یهودیان، اسیر شده بودند و برای رهایی از این ستم‌ها و برای تغییر این وضعیت بارها قیام کردند، اما هربار شکست خوردند. در نتیجه، انتظار منجی رهایی بخش به شکلی وسیع، در میان آنها انتشار و تقویت یافت. آنها با شوق بسیار در انتظار ظهور مسیح، «پادشاه یهودیان» بودند که آنها را از زیر شکنجه آزاد کند و اورشلیم را پایتخت خود قرار دهد، همه مردم یهودی شوند و فقر و ظلم و تبعیض برچیده و عدالت، صلح و دوستی در تمام جهان حاکم شود.^۲

۱. حسین توفیقی، وحی زبان مقدس هزاره‌ها، ص ۳۳.

۲. محمود رامیار، بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، ص ۱۴۸.

محمد جواد مشکور گوید: امید روزگار رهایی، میان یهودیان آن زمان اوج پیدا کرد که رومیان قدم به خاک یهود نهادند و آن ملت مغلوب شده به انواع ظلم و شکنجه مبتلا گردیدند و انواع شداید آن را، به امید روزهای رهایی تحمل می‌کردند^۱ و از طرف دیگر هم با توجه به متون دینی آنها که این امید را نوید داده، مسئله مهدویت و آمدن منجی — که جهان را از ظلم و استبداد نجات دهد در آیین یهودیت از اصول اعتقادی به شمار می‌آید و این اعتقاد جازم که خدا قوم برگزیده خویش را چنین خوار و ذلیل رها نخواهد کرد، را روزبه‌روز میان یهودیان توسعه یافتن دادند، تا این‌که در اثر گسترش در برهه‌ای از زمان این تفکر معنوی موجب بروز یک سلسله کتب مکاشفه‌ها شد که بعضی از آن مانند صحیفه دانیال نبی، مشتمل بر ایام گذشته و تاریخ باستانی است و از دوره اسارت بابل سخن می‌گوید و بشارت می‌دهد که پایان دوره ظلم و بیدادگری نزدیک است و مردم عادل و صالح از قبور بیرون آمده و جهان نوین را به وجود خواهد آورد.

نقشه جهان نوین و ظهور مسیحا، در آثار دانیال و نویسندگان هم فکر او مسطور است و این دیدگاه که در آخرالزمان خداوند جهان را دگرگون خواهد کرد. صلحا و ابرار از ظالمان و فاسقان جدا خواهند شد و ظلم و بیداد زمانش به پایان خواهد رسید. دوران سختی انسان‌ها هم‌چون جنگ، خشونت، گرسنگی، پریشانی و حکومت ظالمان سپری خواهد شد. در لحظه‌های آخر یک کرنای آسمانی به صدا در می‌آید و مسیحا سوار بر ابرها با خیلی از ملائکه در افق نمودار می‌شود. آن موجود علوی که شباهت به ابنای آدمی دارد، «پسر انسان» یا ملقب به القاب دیگر هم‌چون مسیح و فرزند داوود عليه السلام

۱. محمد جواد مشکور، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، ص ۱۳۷.

ظهور می‌کند و تمام خلایق او را قاضی عادل دانند و گروه متقیان و ابرار در اطراف آن موعود نجات بخش صف واحد تشکیل می‌دهند.

ج) بشارت به ظهور منجی جهانی

نکته‌ای را که باید یادآور شد این است، که مبشران منجی در میان یهود در ابتدا وی را خاص قوم یهود دانستند اما پس از آن در اثر پیروی از افکار زرتشتیان معاصر خود، بشارت ظهور او را جهانی خواندند و دایره حکومت او را شامل حال سراسر اقوام و ملیت‌های انسانی اعلام کردند. با این نگاه که تمام صاحبان ارواح از خیر و شر در محضر عدل الهی به محاکمه دعوت و در برابر مسیحا، خوبان از بدان جدا خواهند شد.

اعتقاد به ظهور منجی عالم بشریت به حدی در میان یهودیان قوی است که حتی به مکان آن نیز، اشاره شده است. در بعضی از کتب، محل این منزل سعادت و جاویدان در روی زمین نخست اورشلیم جدید خواهد بود اما پس از گذشت هزار سال قیامت برپا می‌شود. آن زمان انسان را به فردوس اعلی و خلدبرین منتقل خواهند کرد. ملت یهود با این افکار امیدبخش روزگار را به سر برده و انواع رنج‌ها و شداید را تحمل نموده‌اند و در انتظار تحقق این روزگار نشسته بودند که در پایان منجی خواهد آمد و اوضاع را دگرگون می‌سازد.^۱

د) بشارت عهد قدیم به ظهور منجی

۱. از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای نقاط جهان، سلطنت خواهد کرد.
۲. صحرائشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنانش خاک را خواهند لیسید.

۱. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۵۵۱-۵۵۲.

۳. همه فرمانروایان او را تعظیم خواهند کرد و تمامی امت‌ها او را بندگی خواهند نمود.^۱

یهود همواره منتظر آینده‌ای شکوفا بود. وقتی موسی علیه السلام در میان آنها ظهور کرد، آنها در پذیرش موسی علیه السلام درنگ نکردند. آرمان روزگاری روشن در میان یهود نهادینه شد. با انتخاب داوود علیه السلام به پادشاهی، آرزوی قوم یهود برای قیام یک منجی محقق شد. داوود علیه السلام نمونه یک پادشاه یهودی و الگوی جاویدان شخصی مسیحا شد. در واقع، برخی از انبیا داوود علیه السلام را مسیحا می‌دانستند. وی نه تنها یک آرمان نمونه بود که با شجاعت، امت‌ها را مقهور می‌کرد و قلمرو بنی‌اسرائیل را گسترش می‌داد، بلکه او خواننده‌ای خوش‌نوا، مردی خداپرست و پایه‌گذار هم‌بستگی قوم یهود بود.^۲

حال، بشارت و وعده‌های منجی عالم بشریت را در کتاب اشعیای نبی، ملاحظه می‌کنیم:

نهال از تنه یسعی (پدر داوود علیه السلام) بیرون آمده و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت.

روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت، روح معرفت و ترس از خدا.

خوشی او، در ترس از خدا خواهد بود و موافق چشم خود داوری نخواهد کرد. بر وفق سمع‌های خویش تنبیه نخواهد کرد.

مسکینان را به عدالت، داوری خواهد کرد و به نفع مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه و لب‌های خود خواهد کشت.

۱. مزمور ۷۲: آیات ۸، ۹، ۱۱.

۲. گرینیستون جالیوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، ص ۱۹-۲۰.

کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت.^۱
 شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان علیه السلام، در تاریخ پر فراز و
 نشیب یهودیت و مسیحیت که تولد یافته یهود است، موج می زند.
 یهودیان در سراسر تاریخ سیاه خود، هرگونه خواری و شکنجه را به
 امید ظهور منجی عالم تحمل کردند که روزی مسیحا بیاید و آنها را از
 سختی بیرون آورده و فرمانروای جهان گرداند. حتی در عصر کنونی که
 یهودیان صهیونیست، سرزمین فلسطین را اشغال کرده اند با این به
 انگیزه که حقارت قوم یهود را برطرف کنند، از فکر انتظار موعود در
 آنها چیزی کاسته نشده است. اما اقلیت یهودیان تشکیل دولت
 صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی دانسته اند و به طور پیوسته با آنها
 مخالفت کرده اند.

سواد اعظم، این تشکیلات را رهگشای عصر مسیحا دانسته اند و هم
 اکنون صهیونیست های غاصب فلسطین در کنار دعای مسیحایی، همیشه
 در پایان مراسم سالگرد بنیان گذاری رژیم اشغالگر قدس، این دعا را
 می خوانند: «اراده خداوندی ما چنین باشد که به لطف او شاهد سپیده دم
 آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.»^۲

هـ) منجی (ماشیح)، از نسل داوود علیه السلام

بدین ترتیب، اندیشه مهدویت در عهد قدیم، بسیار پررنگ است، زیرا
 بسیاری از انبیا، آمدن منجی را از نسل داوود علیه السلام وعده داده اند. بر این
 اساس، کسی که بنی اسرائیل را نجات دهد و حکومت داوود علیه السلام و

۱. اشعای نبی، باب ۱۱، ص ۱-۵.

۲. حسین توفیقی، نگاهی به ادیان زنده جهان، ص ۱۱۰.

سلیمان عليه السلام را بار دیگر بنیان گذارد، از نسل داوود عليه السلام است. در بخش پیشگویی های عهد قدیم، در این زمینه سخن بسیار است. نویسندگانی یهودی در این باره می گویند: یک عقیده همگانی وجود داشت که حالت رفاه و آسایش که به دست داوود عليه السلام پدید آمده تا ابد پایدار خواهد ماند و ناتان نبی در پیشگویی خود مبنی بر جاودانگی تخت داوود عليه السلام این نظریه را تأیید کرده است.^۱

این اندیشه در میان ملت یهود به طور قطعی و مسلم وجود دارد که خود داوود عليه السلام نیز، در آن به پسرش سلیمان مرده داده است.^۲ گاهی از ظهور منجی عالم بشریت در آموزه های یهود، تعبیر به ماشیح شده است. تحقیقات فراوانی در این باره که ماشیح چه کسی است، به عمل آمده و برای روشن شدن این مطلب آیه های کتاب مقدس به دقت مطالعه و موشکافی شده اند. همه دانشمندان یهود بر یک مسئله اتفاق نظر دارند و آن این که ماشیح یک انسان خواهد بود که از طرف خدا مأمور انجام وظیفه خاص خواهد شد و تلمود در هیچ جا به این عقیده که ماشیح ممکن است یک ناجی و موجود فوق بشری باشد، اشاره ای نمی کند. برخی از صاحب نظران، وی را با داوود عليه السلام، پادشاه بنی اسرائیل یکی می دانند. آنها می گویند که این پادشاه ماشیح است که اگر جزء زندگان باشد اسمش داوود عليه السلام و اگر جزء مردگان که بعدها زنده خواهد شد، نامش داوود عليه السلام است. در میان یهود اعتقاد عمومی این است که ماشیح از نسل پادشاه داوود عليه السلام خواهد بود و در ادبیات دانشمندان، ملقب به فرزند داوود عليه السلام است.^۳

۱. کتاب دوم سموئیل ۷، ۱۲-۱۶.

۲. کتاب اول پادشاهان ۲، ۴.

۳. ابراهام کهن، خدا، جهان، انسان و ماشیح در آموزه های یهود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، ص ۲۵۹.

دانشمندان یهود، همواره این نکته را به مردم یادآوری می‌کردند که پیش از ظهور ماشیح، آشفتگی و فساد در جهان به حد اعلی می‌رسد و سختی‌ها و دشواری‌های زندگی تقریباً غیر قابل تحمل خواهند شد. در این باره مطالبی در تلمود آمده است: «در دوره‌ای که ماشیح، فرزند داوود علیه السلام ظهور می‌کند جوانان به پیران بی‌احترامی می‌کنند. پیران در جلوی جوانان خواهند ایستاد. دختر با مادرش و عروس با مادر شوهر خود مخالفت خواهد کرد و فرزندان از پدران خجالت نخواهند کشید.»^۱

روایتی دیگر چنین گوید: در دوره هفت ساله که ماشیح، فرزند داوود علیه السلام ظهور خواهد کرد، حوادث طبیعی زیاد رخ می‌دهد، تا این که مردم از پا درآیند. در پایان این دوران سخت، فرزند داوود علیه السلام ظهور خواهد کرد. زمان ظهور ماشیح به واسطه بروز ناراحتی سیاسی که به جنگ‌های سخت منجر خواهد گردید، مشخص خواهد شد. ویرانی شهر قدس همواره به انتظار آمدن ماشیح که اقتدار و شکوه قوم خود را به عصر درخشان داوود و سلیمان علیهم السلام برگرداند، روز به روز افزایش می‌داد. اما نکته‌ای که باید بیان کرد این است که به چه دلیل ظهور این منجی به آمدن ماشیح تعبیر شده است؟ در ظاهر دو امر این‌جا متصور است: اول این‌که، ماشیح لقب پادشاهان بنی‌اسرائیل است، زیرا از منجی عالم بشریت تعبیر به ماشیح شده است. دوم این‌که، براساس یک سنت، پیامبران سلف در حضور جمع، روغن بر سر هر فردی که می‌مالیدند، نوعی قداست برای آن فرد پدید می‌آمد و بدین ترتیب به آن ماشیح می‌گفتند. این لقب پس از آن زمان به پادشاهان آرمانی یهودیان اطلاق می‌شد.

۱. همان، ص ۲۶۲، عبدالعظیم رضایی، اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان، ص ۳۹۵-۳۹۶.

و) ظهور منجی اساس اعتقاد یهودیان

هر دینی، یک سلسله باورهای اعتقادی را به همراه خود دارد. دین یهود، هم از این قاعده بیرون نیست. از جمله اصول اعتقادی یهودیان، ظهور منجی در آخرالزمان و نجات بخش انسان‌ها از نسل داوود عليه السلام، پادشاه باستان و مشهور بنی اسرائیل است. این ایده که مسیح و منجی از فرزندان داوود نبی عليه السلام باشد، در کتاب مقدس به دقت مطالعه و موشکافی گردید. به همین دلیل نهضت اصلاح‌گری ترجیح دادند تا به جای آن از یک عصر طلایی مسیحای جهان شمول که برای همه بشر طلوع کند، سخن بگویند،^۱ زیرا مسیحاگری امروز، در یهودیت رونق خاصی دارد و این تفکر را می‌توان به‌طور مستقیم با حادثه یهودی سوزی و سایه‌ای که این حادثه بر تاریخ یهود افکند، مرتبط دانست و از سوی دیگر، حرکت حسیدی می (مذهبیون) لوبا ویچ به تبلیغ و انتشار نوع مسیحاگری مسیو نری پرداخت که در آن حرکت، لوبا ویچ ربه شنیر سون فرد اول ایفای نقش منجی مسیحایی شناخته می‌شد. شنیر سون احتجاج می‌کرد که اعتقاد به عدالت الهی مستلزم قبول این دیدگاه است که دوره پس از شکست یهود برای تصدیق عدالت فراگیر آسمانی خداوند، بسیار باور نکردنی به نظر می‌رسید. وی پیروان خود را ترغیب می‌کرد تا دین یهود را در برابر بدخواهانش، مشحون از عقاید محکم نشان دهند و از سوی دیگر هم، تا سطح تعهد و عمل، دین یهودی را میان یهودیان سکولار بالا ببرند. آنها این اقدام را از طریق روبه‌رو شدن با سکولارها در مکان‌های عمومی عملی می‌کردند. کارهای مسیونری به یهودیان متشرع کمک

۱. جان هنلز، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ج ۱، ص ۸۶

می‌کرد تا نوع بازگشت به سنت‌های یهودی را آغاز کنند. این بازگشت برای یهودیان گام بلندی در مسیر فراهم آوردن زمینه ظهور مسیحا بود.^۱ در کتاب جهان مذهبی ادیان، در جهان امروز، آمده است که سیزده مطلب از عقاید یهودیان قرون وسطی به حساب می‌آید و از شاخص‌ترین آنها عقیده به ظهور منجی عالم بشریت است. یهودیان معتقدند ناجی موعود هر چه قدر هم دیر کند، سرانجام خواهد آمد.^۲ وی در همین کتاب به مهم‌ترین اهداف یهودیان نیز، اشاره می‌کند:

زندگی کردن بر میثاق الهی از جمله هدف‌های مقدس یهودیان است. به همین دلیل ورود در دین یهودیت شرایط بسیاری دارد. ادعای جهانی شدن در این دین خیلی کم به چشم می‌خورد.

زندگی در نظر آنها، مطابق تعالیم تورات است. اندک تخطی از تورات کفر محسوب می‌شود.

این هدف به زندگی آینده مرتبط است. در میان یهودیان، دوران کتاب مقدس، تلمود و قرون وسطی، امید به آینده نقش مهمی را بازی می‌کرد. این اصل به آینده‌گرایی در یهودیت جدید، کم‌رنگ شده است. مفاهیمی هم‌چون مسیحا و عصر مسیحایی، یاد دوران آخرالزمان از درجه اهمیت‌شان کاسته شده است.^۳

به هر حال کل یهودیان هنوز هم معتقد به ظهور نجات‌دهنده‌ای به نام ماشیح (مسیح) هستند و این اعتقاد اساسی، منشأ خاصی داشته است. انگیزه چنین اعتقادی را دو منبع اساسی شکل می‌دهد:

۱. همان، ص ۱۳۰.

۲. جمع نویسندگان، جهان مذهبی ادیان در جهان امروز، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۱۶۳.

۳. همان، ص ۱۷۵.

از نگاه روان‌شناسی اجتماع، همان‌گونه که پیش از این بیان شد، اندیشه و اعتقاد ظهور نجات‌دهنده در میان اقوام و ملل پیش از یهود نیز، وجود داشته است. یهود این اندیشه را از ملیت‌های دیگر، به‌ویژه زمان اسارت خود در بابل و در اثر برخورد و ارتباط با زرتشتیان گرفته‌اند. آنها برای رهایی از یأس، معتقد شدند که سرانجام در جهان منجی ظهور خواهد کرد که حق مظلومان را از ظالم می‌ستاند.

برتری‌خواهی قوم بنی‌اسرائیل، موجب شد که آنها باور کنند که یهوه، خدای یهود، قوم برتر را ذلیل نخواهد گذاشت و روزی منجی و فریادرس را به یاری آنها خواهد فرستاد.^۱

یکی از پایه‌های اساسی و اصول مهم آیین یهود، ایمان به ظهور ماشیح و دوره نجات است. هر فرد یهودی‌ای که به ماشیح اعتقاد نداشته باشد یا چشم به راه او نباشد، منکر سخنان حضرت موسی عليه السلام و سایر انبیای بنی‌اسرائیل خواهد بود، زیرا موضوع ظهور ماشیح به دفعات در متون مقدس یهودیان عنوان شده است. در روز ظهور ماشیح عظمت ملی یهود به حد اعتلای خود خواهد رسید. گناهان نابود می‌شوند و آن روز سیر تاریخ جهان به نقطه کمال خود، خواهد رسید.

۳. مهدویت در آیین مسیح عليه السلام

الف) روند شکل‌گیری مسیحیت

دین مسیحیت منسوب به حضرت عیسی عليه السلام و از ادیان بزرگ الهی است. واژه عیسی از لفظ عبری گرفته شده است. ریشه عبری، یشوع، به معنای نجات‌دهنده و حق این است که عیسی صورت عربی شده از

۱. عبدالعظیم رضایی، تاریخ ادیان جهان، ج ۱، ص ۵۲۲-۵۲۳.

یسوع است. اما واژه مسیح، عربی الاصل مشتق شده از مشیح یهود دانسته شده است. به موجب تورات، اشیای مقدسه را با روغن مخصوص و تشریفات خاص مسح می کردند.^۱

مسیحیت یکی از ادیان جهانی است. در واقع این دین از درون دین بزرگ یهودیت متولد شده است، به گونه‌ای که تاریخ و متون مقدس، آن را با تفسیری خاص و به صورتی کامل پذیرفته است. از ویژگی‌های این دین، ترسیم شخصیت برای حضرت عیسی عليه السلام است، به طوری که بنیان‌گذار آن، شخص عیسی عليه السلام است. به عبارت دیگر، بنیان‌گذار مسیحیت خود خداست که مجسم شده، اما زمان پیدایش این دین به طور دقیق روشن نیست. از لابه‌لای کتب مسیحیان چنین به دست می‌آید که حدود دو هزار سال پیش، مسیحیت در سرزمین فلسطین ظهور کرد. بی‌شک عوامل فرهنگی، دینی، سیاسی و حتی جغرافیایی در شکل‌گیری اولیه این دین و تحولات پس از آن بی‌تأثیر نبوده است.^۲

هنگامی که کتاب آسمانی یهود در اثر تحولات مبتلا به تحریف و آیین آنها به کلی از شریعت منحرف شد و اوهام و خرافات در تورات راه پیدا کرد، عیسی عليه السلام از جانب خداوند در میان این قوم مبعوث به رسالت شد، تا بتواند این مردم را هدایت و راه را به گم‌کردگان سعادت نشان دهند و اوهام و خرافات را از ساحت یهود بزداید. به همین جهت، عیسی عليه السلام عقاید منحط یهود را مردود می‌خواند. همواره از رحمت و عطوفت بی‌پایان الهی دم می‌زد. اما دنیاپرستان یهود هنگامی که احساس

۱. دکتر محمد خزائلی، اعلام القرآن، ص ۴۶۴-۴۶۵.

۲. عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، سیری در ادیان زنده جهان (غیر از اسلام)، ص ۱۹۷.

کردند که منافعشان در خطر است، حضرت عیسی علیه السلام را ماجراجو و مخالف تورات معرفی و علیه او، پرچم قیام را بلند کردند.

به اعتقاد یکی از نویسندگان، از مهم‌ترین اصل تعلیمات‌های عیسی علیه السلام که مرکز رسالت او قرار گرفت، بشارت ظهور قریب‌الوقوع دولت آسمانی است. دلیل این نظریه نیز، بشارت در انجیل و اعمال رسولان است. در انجیل، حکومت خدا هسته تعلیم‌های عیسی علیه السلام است و رستگاری انسان فقط در این قلمرو تحقق می‌یابد.^۱ در انجیل آمده که حضرت عیسی علیه السلام همواره ظهور پسر انسان را به مردم وعده می‌داد:

«پسر انسان خواهد آمد و در جلال پدر خویش به اتفاق ملائکه خدا و در آن وقت هرکس را موافق اعمالش جزا خواهند داد.»

«هر آینه به شما بگویم که بعضی در این جا حاضرند که تا پسر انسان را نبینند که در ملکوت خود می‌آید، ذائقه مرگ را نخواهند چشید.»^۲ با توجه به اعتقاد جازم مسیحیان به روز موعود، باید گفت مسیحیت دینی زنده و متحرک است. از آغاز تاکنون، این دین به شدت فعالیت‌های تبلیغی داشته‌اند و مبلغان این دین، به سراسر جهان رفتند و موفقیت‌هایی را نیز به دست آوردند.

آنها در فراگیری زبان‌های مختلف، ترجمه کتاب مقدس و تهیه جزوه‌های تبلیغی رنگارنگ، بسیار کوشا بودند. دولت‌های غربی نیز، از این تبلیغ‌های همه جانبه حمایت کرده‌اند، اما در زمینه ظهور منجی جامعه مسیحیت در اوایل بی‌صبرانه منتظر بازگشت عیسی علیه السلام بودند.

۱. جلال آشتیانی، تحقیق در دین مسیح علیه السلام، ص ۲۹۲.

۲. انجیل، متی ۱۶، ۲۷-۲۸؛ مرقس، ۹، ۱؛ لوقا، ۹، ۲۶-۲۷.

این ایده و باور در بخش‌های قدیمی از عهد جدید، مانند رساله اول و دوم به تسالونیکیان منعکس شده است...، اما بیشتر مسیحیان با گذشت زمان دانستند که بازگشت مسیح نزدیک نیست. اقلیت آنها بر بازگشت نزدیک مسیح، باقی ماندند.

آنها مطالب مکاشفه یوحنا را تفسیر لفظی می‌کردند، به این علت با اندیشه ظهور نزدیک عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به سر می‌بردند که تا ایشان بیاید و حکومت هزار ساله را ایجاد کند.

بنابراین، مسیحیت براساس اندیشه موعودگرایی پدید آمده و مسیحیان پس از رفتن عیسی عَلَيْهِ السَّلَام، همیشه در سوز و گداز ظهور مجدد وی، روزگار سپری کرده‌اند و این شور و هیجان به ظهور منجی در نزدیک شدن سال‌های هزار و دو هزار میلادی به اوج رسیدند.^۱

ب) ملکوت خدا در آیین مسیح عَلَيْهِ السَّلَام

بدون استثنا آموزه‌های انبیا در شعله‌ور کردن آتش شوق ظهور منجی عالم بشریت در وجود انسان‌ها تأثیر بسیاری گذاشته است. پیامبران همواره به ندای فطرت و روح انسان‌ها، پاسخ مثبت داده‌اند. فرجام جهان از طریق انسان صالح اصلاح می‌شود و آنهایی که به دست ظالمان مورد ستم واقع شده‌اند، طبق وعده‌های ادیان به حکومت روی زمین خواهند رسید، زیرا همه انبیای الهی همواره به توده مردم پرهیزگار در روی زمین، توجه خاصی داشته‌اند. آنها برای تشکیل حکومت عدل الهی سختی‌های فراوانی را متحمل شده‌اند و با هدف عدالت‌خواهی و حاکمیت حق، به رنج‌ها و محنت‌های بسیاری تن داده‌اند.

۱. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۷۰-۱۷۱.

ج) مسیح عليه السلام پسر داوود عليه السلام

برخی از انبیاء عليهم السلام مانند: حزقیال و ملاکی اعلام داشتند که خداوند به زودی مسیح را از نسل داوود عليه السلام برای بازگردانیدن شکوه بنی اسرائیل خواهد فرستاد و انتظار می رود که مسیح یاد شده قوم را از زیر شکنجه نجات دهد و قدرت را برای قوم کوچک و مطیع فرمان ارزانی کند. در این حاکمیت عدالت، نیکی به مستمندان و عبادت خالصانه ارزشمند است و خدا نیز، از طریق مسیح عليه السلام بر قوم خود حکومت خواهد کرد. چنانچه برخی از انبیا مژده داده اند که این سلطنت، خاص یهود نیست، بلکه همه ملیت های جهان از منافع آن برخوردار می شوند.

د) مسیح عليه السلام، بنده خدا

اشعیای نبی از بنده خدا - که خواهد آمد - سخن گفته است: «او به دور از هر قدرت نظامی و اقتصادی خواهد آمد. او به اراده خداوند، مخالف هرگونه بی عدالتی و ظلم خواهد بود و با تحمل بار گناهان قوم هم چون وسیله ای برای نجات، عمل خواهد کرد.»

ه) مسیح عليه السلام، پسر انسان

در کتاب دانیال مطالبی راجع به این شخص - که جهان را پر از عدل می کند - آمده است. اما کتاب دانیال به شیوه مکاشفه ها نوشته شده و فهم این شیوه مذکور بسیار دشوار است. ادبیات مکاشفه، به دوره تاریخ اسارت یهود می رسد، زیرا آن قوم زیر ستم بودند، به همین دلیل آمال و عقاید خود را در قالب اشاره ها و رموز بیان می کردند. نوشته های مکاشفه از روز خداوند سخن می گویند؛ این که خدا برای اصلاح مفاسد و

محکوم کردن اشرار در جهان وارد عمل می‌شود. به گفته ادبیات مکاشفه به نشانه فرا رسیدن روز خدا، پسر انسان از آسمان فرود خواهد آمد و ملکوت الهی را بر پا خواهد کرد.^۱

نکته مهم این است که در انجیل، در مورد فرزند انسان مطالبی آمده است، اما آن فرزند انسان که زمام‌دار و حامل سلطنت جهانی در آینده معرفی شده است، حضرت مسیح علیه السلام نیست، زیرا از آیه بعدی در انجیل دانسته می‌شود که بشارت دهنده، خود مسیح علیه السلام است. از شخصی بشارت می‌دهد که در آینده جمیع ملل عالم، نزد او گرد آیند و از جمله‌هایی چون او خواهد آمد، قرار خواهد گرفت و نزد او جمع خواهد گشت، به دست می‌آید که شخص مورد بشارت، مسیح علیه السلام در عصر وی نبوده، بلکه پس از آن خواهد آمد.

دقت بیشتر نشان می‌دهد که منظور از فرزند انسان، بزرگ‌ترین نمونه انسانیت و شاخص‌ترین مولود عالم انسانی، مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است که تمام امم نزد او گرد آیند و زمام امور جامعه را در دست با کفایت خود گیرد تا معنای کامل آزادی و عدالت برای ستمدیدگان جهان، مصداق و عینیت پیدا کند.^۲ بشارت به ظهور ملکوت خدا پس از بعثت عیسی علیه السلام به پیامبری آغاز شد. گرچه زمینه اندیشه ظهور ملکوت خدا به دست پیامبر جوان بنی اسرائیل، یحیی بن زکریا، به مردم ابلاغ گردیده بود. پیام یحیی به مردم این بود: «توجه کنید زیرا ملکوت آسمانی نزدیک است.»^۳

۱. توماس مشیل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، ص ۳۷.

۲. محمد صادقی، بشارات عهدین، ص ۲۴۵.

۳. انجیل متی، ۳، ۲؛ مرقس، ۱، ۴؛ لوقا، ۳، ۳.

از نگاه بنی اسرائیل، ملکوت آسمانی گونه‌ای از حکومت الهی بود که آرمان هریک از یهودیان به حساب می‌آمد. یحیی با این شعار، در میان مردم موفقیت چشم‌گیری به دست آورد. طبقات اجتماعی گروه گروه نزد او می‌آمدند، توبه می‌کردند و ایشان آنها را غسل تعمید می‌داد. سرانجام یحیی در اثر نفوذ معنوی با پادشاه فاسد ایالت جلیل به مخالفت برخاست. اما پس از مدتی به فرمان پادشاه، سر یحیی در زندان بریده شد.^۱ پس از قتل یحیی، عیسی علیه السلام شهر خود ناصره را ترک گفت و در کنار دریاچه جلیل آمد و از آن روز به بعد موعظه را شروع کرد. ایشان روی این موضوع تأکید داشت: «توجه کنید ملکوت آسمانی نزدیک است». عیسی علیه السلام در تمام جلیل می‌گشت و بشارت می‌داد که ملکوت آسمانی نزدیک است و هر بیمار را شفا می‌داد.^۲

اندیشه ظهور منجی آخرالزمان، از عقاید مسلم یهودیان بود، زیرا سیر تاریخی آنها در تحولات، چنین اعتقادی را برای یهودیان ثابت می‌کند. نمونه بارز آن مدعیان دروغ‌گویی هستند که در جامعه یهودی ادعای مهدویت کردند.

پس از قتل یحیی، شاگردان یحیی از جمله عیسی ناصری راه او را ادامه دادند و اجازه ندادند که آتش انتظاری که در دل جامعه بینوا افروخته شده بود، خاموش شود. از سخنان عیسی علیه السلام هم برمی‌آید که او مدعی مسیحی بودن خود هم نیست، اما عیسی علیه السلام این پیامبر بزرگ خدا، همواره دم از عدالت و قانون می‌زد. تکیه‌گاه کلام او این بود: «ملکوت خدا بالای سر ما قرار دارد». این سخن نشان می‌دهد که اندیشه

۱. انجیل مرقس، ۶، ۱۴، ۲۹؛ لوقا، ۹، ۷-۹؛ متی، ۱۴، ۱۱-۱۲.

۲. متی ۱۴، ۱۲-۳۶؛ لوقا ۴، ۱۴-۱۵.

مهدویت و ظهور منجی عالم بشریت در میان یهودیان و مسیحیان از رونق بسیاری برخوردار است. قرآن کریم وقتی از شرایع پیشین خبر می‌دهد، از حضرت موسی و عیسی علیهما السلام به عنوان پیامبران صاحب کتاب یاد می‌کند. طبق مفاد آیه قرآن، آن دو بزرگوار هادی مردم بودند:

﴿تَزَلَّ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ * مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ﴾^۱

دیدگاه قرآن کریم درباره مسیح علیه السلام

هدف حضرت عیسی علیه السلام اصلاح امور انسان‌ها بود. طبق نظریه یهودیان حضرت عیسی علیه السلام روز جمعه هفته فصیح به دست رومیان اعدام شد. گرچه یهودیان او را اعدام نکردند، اما با مخالفت‌هایی که با عیسی علیه السلام کردند، البته که یهودای اسخر یوطی در قتل عیسی علیه السلام دخالت داشتند. آنها حضرت عیسی علیه السلام را به جرم اصلاح‌گری و هدایت مردم به یک تخته چوب بزرگ که به شکل صلیب بر قطعه چوب دیگر سوار شده بود، میخ‌کوب کردند و آن هادی بشریت با آن وضع و با تحمل رنج و مشقت از دنیا رفت.

اما قدیمی‌ترین روایت که در عهد جدید درباره مرگ حضرت عیسی علیه السلام وجود دارد، این است که به اعتقاد حواریون عیسی علیه السلام، خداوند سومین روز پس از مرگ، او را به آسمان برده و این روایت که حدود سال ۵۵ میلادی نوشته شده است، اهمیت جایگاه مرگ و رستاخیز عیسی علیه السلام را در دین مسیحیت نشان می‌دهد.^۲

۱. آل عمران، آیه ۳-۴.

۲. جمع نویسندگان، جهان مذهبی ادیان در جهان امروز، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، ص ۱۸۴.

اما قرآن کریم دیدگاه به صلیب کشیده شدن مسیح علیه السلام را به شدت نفی می‌کند و می‌گوید: «آنهايي که قائل به صلیب کشیدن عیسی شده‌اند علم و آگاهی در این قضیه ندارند و به تبعیت گمان چنین اظهار می‌کند».

﴿وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا * بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۱

و هم از این رو به دروغ گفتند ما مسیح عیسی پسر مریم علیه السلام رسول خدا را کشتیم در صورتی که او را نکشتند و نه به دار کشیدند، بلکه بر آنها امر مشتبه شد و همانا آنان که درباره او عقاید مختلف اظهار داشتند، از روی شک و تردید بود و عالم به او نبودند جز آن‌که از پی گمان خود می‌رفتند و به‌طور یقین مسیح را نکشتند، بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و پیوسته خدا مقتدر و کارش از روی حکمت است.

در تفسیر نمونه، ذیل آیه مبارکه آمده است که مسیح به دار و صلیب کشیده نشده، بلکه کس دیگری که شبیه او بود، به صلیب کشیده شد. اما اعتقاد عمومی مسیحیان امروز، همین مسئله قتل و مصلوب شدن مسیح است، زیرا مسیحیان کنونی، عیسی علیه السلام را پیامبری که برای هدایت خلق آمده باشد نمی‌دانند، بلکه او را فرزند خدا و یکی از خدایان سه‌گانه می‌خوانند که هدف اصلی آمدن او در این جهان، فدا شدن و باز خریدن گناهان بشر بوده است. به همین دلیل می‌گویند که عیسی علیه السلام به دار زده شده است تا گناهان بشر را بشوید و جهانیان را از مجازات رهایی بخشند. بدین جهت، مسیحیت را گاهی مذهب فدا و نجات گویند.^۲ در نهایت، باید

۱. نساء، آیات ۱۵۶-۱۵۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۰۰.

گفت که عیسی بن مریم علیه السلام، راه انبیای گذشته که همان دعوت کردن مردم به توحید و تسلیم شدن در برابر خدای متعال بود را ادامه می‌داد. دعوت حضرت عیسی علیه السلام همان دعوت حضرت موسی علیه السلام و انجیل هم تبعیت و امضای شریعت حضرت موسی علیه السلام بود. قرآن کریم، یک انجیل را برای حضرت عیسی علیه السلام ثابت می‌کند، زیرا انجیل‌های دیگر آسمانی نیستند، بلکه دست خورده و تحریف شده بشرند، باشد.

(و) حکمت صعود عیسی علیه السلام در آسمان

شکی نیست که حضرت عیسی علیه السلام از پیامبران بزرگ الهی بوده است و این پیامبر گرامی از مبشران به رسالت حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بوده که پیش‌گویی‌هایش در متون اسلامی مطرح و عملاً محقق شده است. اما حکمت این که اراده خداوند بر حفظ جان او تعلق گرفت و مخالفان او نتوانستند آن حضرت را به سبب عدالت‌خواهی‌شان نابود کنند، از امور غیبیه و رازهای الهی است که بشر عادی از درک آنها ناتوان است. اما بر حسب شواهد و مضامینی که از برخی روایات‌ها و تاریخ مستفاد می‌شود، به چند مطلب درباره بردن عیسی علیه السلام به آسمان اشاره می‌شود:

(ز) کمک به تشکیل حکومت جهانی

در جهان امروزی، بیشترین نفوس را پیروان دین مسیح تشکیل می‌دهند. این دین از جمله ادیانی است که داعیه جهانی شدن را دارد و تلاش‌های بسیاری در گذشته و حال برای گسترش دین مسیح انجام شده و می‌شود. رهبر و بنیان‌گذار این دین، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام است. ملکوت آسمانی از اصول اعتقادی مسیح به حساب می‌آید و ملکوت آسمان محقق نمی‌شود مگر با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و نجات بخش

ادیان. پس از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید تا این که در تشکیل حکومت جهانی به آن حضرت یاری برساند و این نزول و یاری رساندن به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تشکیل حکومت جهانی، در جلب توجه و تعامل مسیحیان به دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به یقین مؤثر است.

ح) مصونیت عیسی علیه السلام

راه پیش گیری از حوادث طبیعی و این که عیسی علیه السلام زنده بماند و از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزمان باشد، شرایط تربیتی خاصی می خواهد. شاید کسی علل برده شدن عیسی به آسمان، تحت تربیت الهی قرار گرفتن او باشد و حوادث طبیعی نتواند بر وجود شریفش صدمه ای وارد کند، تا آخر الزمان و در عصر ظهور، در تشکیل حکومت عدل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سهم باشد. روایت اسلامی هم به این مطلب در موارد بسیاری اشاره دارد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نماید و عیسی علیه السلام هم زمان از آسمان فرود آید.

ط) فراهم شدن زمینه ظهور اسلام

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اعتقاد مسلمانان ها خاتم همه پیامبران و دین او کامل ترین دین در سطح زندگی بشریت است. طبق نصوص موجود، در متون دین مسیحیت و مسلمانان ها، آمدن پیامبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله بشارت داده شده است. خداوند حضرت عیسی علیه السلام را به آسمان برد، زیرا ظهور پیامبری جدید و دین جدید رسول اکرم صلی الله علیه و آله بسته به کنار رفتن پیامبر پیشین و نسخ شریعت او و حاکمیت دین و شریعت پیامبر جدید است، زیرا دو حجت خدا در عرض هم روی زمین، بر فرض عصمت آنها، امکان پذیر نخواهد بود. تاریخ

دوران پیامبران هم، این مطلب را نشان نداده است. در استمرار حرکت سازنده پیامبران در زمان اولیای آنها، یعنی امامان معصوم علیهم السلام هم، این روند مشاهده نشده است. بنابراین، خداوند حضرت عیسی علیه السلام را از همکاران تشکیل حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی می کند.

پیامبر بزرگ خدا حضرت عیسی علیه السلام، یک شخصی اصلاح گر بود و اصلاح فرد و جامعه را در برنامه رسالت خود داشت. وی با آن که در تهذیب نفوس و سامان دادن به روح و اندیشه انسان ها بسیار تلاش کرد، در اثر فراهم نبودن شرایط پاک سازی اجتماع و برانداختن نابسامانی ها توفیق نیافت که این وظیفه را به بازگشت نهایی خود که همان زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه باشد، موکول کند.

۴. مهدویت در آیین اسلام

در این زمینه، قرآن کریم، مهم ترین منبع مسلمانان، مباحث کلی و مستدلی ارائه کرده است و همان استدلال را دنبال می کند که عقل و فطرت بشر سال ها قبل به آن پرداخته، دین هم به آن صحنه گذاشته است. به حکم عقل و فطرت بشر به امید آینده روشن است و ظلم و تعدی را از هیچ کس در جامعه نمی خواهد؛ بنابراین، عدالت، صلح و امنیت جهانی را انتظار دارد. آیه های قرآنی که در رابطه با حاکمیت عدالت و صلح در زمان ظهور ذخیره عالم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه وجود دارد، به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. دسته ای از آیه ها به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه و تحقق وعده حکومت مستضعفان، صالحان و مؤمنان به رهبری موعود آینده بشارت می دهند.

۲. دسته دیگری از آیه ها نیز، به جهانی بودن حکومت و دیانت اسلامی دلالت ندارد.

الف) بشارت‌های قرآنی به ظهور منجی عجل الله فرجه الشريف

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ
الصَّالِحُونَ﴾^۱ به تحقیق ما در زبور پس از ذکر نوشتیم که زمین را
بندگان صالح و شایسته من در اختیار خواهند گرفت.

مراد از زبور یا کتاب‌های پیشین است یا اسم کتاب حضرت
داوود علیه السلام، به هر حال طرح مسئله مهدویت و ظهور منجی، به این
دلیل است که این موضوع (ظهور مهدی)، به دین اسلام اختصاص
ندارد، بلکه در همه کتاب‌های آسمانی به عنوان یک اصل مسلم
پذیرفته شده است و این اصل در کتاب داوود علیه السلام بر تحقق حکومت
فراگیر بر پایه آزادی، امنیت و عدالت که جهانیان انتظارش را دارند،
بشارت داده شده است.

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً

وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲ و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل
در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث
ملک و جاه فرعونیان گردانیم.

این آیه از جمله آیه‌هایی است که برای مستضعفان امیدبخش است.
در این آیه امیدواری به نجات به صورت فعل مضارع و استمرار و قانون
کلی مطرح شده تا تصور نشود که نجات مخصوص مستضعفان
بنی اسرائیل است، بلکه سرانجام خداوند مستضعفان جهان را به دلیل دو
نکته‌ای که در آیه مذکور وجود دارد، یاری می‌رساند. یکی از این نکته‌ها

۱. انبیا، آیه ۱۰۵.

۲. قصص، آیه ۵.

این است که مستضعفان پیشوای اهل زمین قرار گیرند و دیگر این که آنها وارث حکومت حق الهی خواهند بود.^۱

ایشان گوید: «این وعده عملاً محقق شده که نمونه آن حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود. نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام ﷺ در مدینه است و نمونه کامل تر و گسترده تر آن ظهور حکومت عدل در سراسر جهان به وسیله مهدی ﷺ است. البته حکومت جهانی مهدی موعود، هرگز مانع از حکومت های اسلامی در مقیاس محدودتر قبل از ظهور به وسیله مستضعفان بر ضد مستکبران نخواهد بود.»^۲

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾^۳

خداوند به کسانی که از شما بندگان ایمان آرد و نیکوکار گردد وعده فرموده که در زمین خلافت دهد، چنان که امم صالح پیامبران سلف جانشین پیشینیان خود شدند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنها را بر همه ادیان تمکین و تسلط عطا کند و به همه مؤمنان پس از خوف، امنیت کامل دهد.

در آیه سه مطلب مهم قابل توجه است که به آنها به طور اجمال اشاره می شود.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۶.

۲. همان.

۳. نور، آیه ۵۵.

یکم. خلافت روی زمین

خداوند متعال خلافت روی زمین را که همان حکومت حق و عدالت باشد به مؤمنان و صالحان واگذار می‌کند. چنان‌که این خلافت زمین برای بشر سابقه دارد و حکومت پیشین انبیای الهی از مصداق‌های سابقه خلافت عدل بشری هستند.

دوم. تمکین و قدرت دین

دین مرضی الهی، به عنوان قانون الهی در سراسر دنیا، در صحنه زندگی بشر حاکمیت پیدا می‌کند. معیار حقانیت همه مسائل، دین خداست که تا به حال این واقعیت به تمام معنا محقق نشده است. گرچه پیامبران الهی بر این مهم تلاش‌های بی‌وقفه‌ای کرده‌اند.

سوم. تبدیل ناامنی به امنیت

بشریت در طول تاریخ همواره از حوادث و ناامنی‌ها رنج برده و می‌برد. اما اساس و عوامل عقب‌ماندگی و نابسامانی بشر در جنگ‌ها، به‌دلیل ترس و هراسی بوده که او از صاحبان قدرت و حکومت داشته است. خداوند وعده فرموده است که ترس و خوف امت‌های مؤمن و صالح را به امنیت مبدل می‌سازد، تا بشر در سایه حکومت واحد جهانی در آسایش و امنیت، زندگی شیرینی داشته باشد.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^۱

به امت بگو رسول حق آمد و باطل را نابود ساخت که باطل خود لایق محو و نابودی ابدی است.

این آیه خطاب خدا به رسول معظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که می فرماید: به آنهایی که حقیقت را قبول نمی کنند و در اطراف باطل گرد آمده و باطل را مایه بقای خود پنداشته اند، بگو که حق آمد و باطل از صحنه خارج شد، زیرا باطل اقتضای ماندگاری ندارد و تنها این حق است که همیشه استوار می ماند. باطل هرچقدر هم جولان کند، اما سرانجام نابود خواهد شد. جهان امروز نیز، پر از ظلم و شقاوت شده و ظلم و شقاوت تاریکی است. طبق وعده خدا، سرانجام شب تاریک، صبح روشن یعنی طلوع خورشید حق، خواهد بود.

﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱

آنهایی که خدا را یاری می کنند، آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنها اقتدار و تمکین دهیم، نماز به پا می دارند و زکات به مستحقان می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و می دانند که عاقبت کارها به دست خداست.

این آیه نیز، به قدرت پیدا کردن مؤمنان اشاره دارد. خداوند می فرماید: آنهایی که در زمین قدرت حاکمیت پیدا خواهند کرد، ویژگی هایی چون اقامه نماز، پرداخت زکات و امر به معروف و نهی از منکر را در خود دارند. با این اوصاف، خداوند حاکمیت را به آنها عطا می کند.

البته آیه های قرآنی بسیاری هم بنابر تنزیل و هم بر تأویل درباره ظهور منجی عالم بشریت وجود دارند که ما به همین مقدار بسنده کردیم.

در مفاد کلی آیه‌هایی که بیان شد، یک موضوع مهم و جدی وجود دارد و آن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و تحقق حکومت جهانی مهدی در آینده جهان است.

ب) مهدویت در آینه حدیث

احادیث بسیاری از طریق شیعه و اهل سنت در زمینه مهدویت نقل شده است. نوع دلالت و مضمون آن در ارتباط با منجی عالم به چند دسته است: دسته‌ای از آنها دلالت بر اصل ظهور منجی عالم دارند و پاره‌ای دیگر در مورد شناخت منجی وارد شده و برخی از احادیث درباره وظایف منتظران و فضیلت انتظار و... است که در این جا به اختصار تنها به دو دسته از احادیث اشاره می‌شود:

۱. «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيَّ فَيَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَتَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَتَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.»^۱

حدیث دیگری به همین مضمون از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْ لَهْمَ أَخِي وَآخِرُهُمْ وَلَدِي، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ أَخُوكَ؟ قَالَ صلی الله علیه و آله: عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، قِيلَ فَمَنْ وَلَدُكَ؟ قَالَ صلی الله علیه و آله: الْمَهْدِيُّ عجل الله تعالی فرجه يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيَّ.»^۲

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۷۱.

این دسته از احادیث اشاره دارند به اصل آمدن منجی عالم در پایان جهان که آن منجی از نسل رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. او هر زمان که خداوند اراده کند، ظهور نماید و حکومت عدل را برقرار خواهد کرد. از جمله مطالب دیگری که در این حدیث مطرح شده، عبارت است از بیان تعداد ائمه اثنا عشری که از آخر آنها مهدی تعبیر شده و دیگر بر اصل ظهور منجی عالم دلالت صریح حدیث نشان می‌دهد که عدالت به معنای واقعی‌اش در زمان حکومت آن حضرت تحقق پیدا می‌کند. احادیث فراوان دیگری به این مضمون در منابع اهل سنت وجود دارد که به همین مقدار بسنده می‌شود.

علامه عسکری می‌فرماید: «در بسیاری از احادیث که در ارتباط با ائمه اثنا عشر وارد شده نکته‌ای در آنها به چشم می‌خورد و آن این‌که تأکید بر رهبری علی ابن ابی طالب علیه السلام و بشارت به ظهور مهدی موعود علیه السلام شده است». ایشان اضافه می‌کنند: منابع اهل سنت را بررسی کردم به این نتیجه رسیدم که وقت اول و آخر امامت ثابت شده و دیگر جای تردید درباره امامان اثنا عشر باقی نمی‌ماند.^۱

دسته دوم از احادیث که در این جا نقل می‌شود در ارتباط با شناخت حجت خدا و منجی عالم در آخرالزمان است که این دسته از احادیث از لحاظ دلالت و سند مشکلی ندارند و هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت این روایت‌ها نقل شده که به نمونه‌ای از آنها در این جا اشاره می‌کنیم:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»^۲ کسی که از دنیا برود؛ در حالی که امام زمانش را نشناسد، هم‌چون زمان جاهلی مرده است.»

۱. سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ص ۲۲۲.

۲. ابو جعفر محمد بن علی بن حسین (صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۱۲۰.

«مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَتُ مَاتٍ مَيْتَةٌ جَاهِلِيَّةٌ؛ کسی که بمیرد و در گردن او بیعت از امام‌شان نباشد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.»
 به همین مضمون روایت‌های بسیاری در منابع شیعه و اهل سنت در زمینه شناخت منجی عالم بشریت یعنی مهدی موعود عجل الله فرجه آمده است که با این دو حدیث، توضیح مطلب کفایت می‌شود. از لحاظ سندی این حدیث خدشه‌پذیر نیست. اما از جنبه دلالت بر مدعا باید دید که چگونه این حدیث به ظهور امام زمان عجل الله فرجه دلالت می‌کند. یکی از راه‌هایی که دلالت حدیث را قطعی می‌کند، موافقت حدیث با کتاب‌الله است. چند نکته در حدیث معرفت، وجود دارد که با بیان آنها باید بنگریم که آیا قرآن مضمون آنها را تأیید می‌کند یا خیر؟

الف) «زمین با امام، اصلاح‌پذیر است و با غیر امام اصلاح زمین ممکن نیست». مراد از امام در این حدیث پیشوا و رهبر است. خواه این رهبر امام عصر عجل الله فرجه باشد، یا پیامبری از پیامبران خدا که قرآن هم این مطلب را پذیرفته است.

ب) در هر زمان، جامعه رهبر دارد و انسان وظیفه دارد رهبر خود را بشناسد. شناخت رهبر عین دین و شناختن امام عین جاهلیت است. خواه رهبر ظاهر باشد یا غایب، شناخت او وظیفه است.

ج) اگر کسی اعتقاد و شناخت به رهبر خود نداشته باشد و از دنیا برود، مانند این است که در جاهلیت از دنیا رفته است و مرگ جاهلیت همان کفر است.

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که حجت خدا در زمین وجود دارد و هیچ‌گاه زمین از حجت خدا خالی نیست و زمانی که این اصل مستفاد

از روایت را، با قرآن و احادیث دیگر عرضه کنیم، دیگر هیچ گونه تعارضی مشاهده نمی شود. قرآن اصل وجود حجت در زمین را تأیید می کند، بنابراین، صرف نظر از نگاه ادیان، بیشتر فرقه های اسلامی اتفاق نظر دارند که در آینده، انقلابی به دست مهدی علیه السلام، فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله به وجود می آید.

طول عمر منجی از دیدگاه علم، عقل و دین

از جمله مسائل مهم در مورد مهدویت که دشمنان می‌خواهند از آن سوء استفاده کنند، طول عمر منجی است؛ یعنی چگونه ممکن است یک انسان از سال ۲۵۵ تاکنون (۱۴۳۰ هـ) زنده باشد؟ آیا این زندگی و داشتن این عمر طولانی، با قوانین طبیعی سازگاری دارد؟ یا این که نوعی معجزه است؟ اگر امام زمان علیه السلام در همان زمان ظهورش متولد می‌شد، چه پیامدی در پی داشت؟

پیش از این که به این پرسش‌ها پاسخ دهیم، چند مقدمه را بیان می‌کنیم، تا بتوانیم مسئله را به صورت علمی بررسی کنیم. مسئله طول عمر، زیرمجموعه مسئله کلی حیات و زمان است؛ اما حقیقت و ماهیت زمان، هنوز برای بشر مجهول است. شاید بشر هرگز نتواند به راز این مهم پی ببرد. بشری که تا این حد در تحلیل موضوع حیات ناتوان است، پس چگونه می‌تواند مسئله طول عمر را نقد و یا انکار نماید.

دیگر این که، دانشمندان باید تحقیق کنند که مسئله پیری در زندگی بشر، چگونه است؟ آیا پیری و مرگ یک قانون طبیعی و یا عارض بر زندگی است؟ که به یقین و به مرور زمان اثراتشان نمایان و انسان در اثر ظهور این حالات فرسوده می شود.

خوشبختانه دانش بشری با همه توان خود، گام های بلندی در این عرصه نهاده و برای جلوگیری از پیری و فرسودگی، رشته های تخصصی را به وجود آورده است. در اواخر قرن نوزدهم میلادی، در پی انقلاب بزرگ علمی در جهان اروپا بر اثر پیشرفت های علمی و صنعتی، در میان انسان ها امید به زندگی طولانی تر، رشد پیدا کرده و شاید در آینده نه چندان دور این آرزوی دیرین بشر، لباس تحقق بر اندام بپوشد.

به قول فلاسفه، ادل دلیل بر امکان شیء، وقوع شیء است. درباره مسئله طول عمر باید توجه کرد که آیا این امر از نظر تحقق عملی و طبیعی در خارج امکان دارد یا نه؟ گاهی یک شیء امکان وقوع دارد اما در خارج واقع نشده و گاهی هم یک شیء امکان وقوعی دارد و در خارج هم واقع شده است. به عنوان نمونه مسافرت در کره ماه، یا رفتن در عمق دریا، عمر هزار ساله نوح عليه السلام و... از جمله مسائلی هستند که در تاریخ تجربه شده اند، بنابراین، پندار منع طول عمر از اساس، باطل خواهد بود.

پیش از آن که مسئله طول عمر بررسی شود، به طور کلی یک پاسخ قانع کننده وجود دارد و آن عبارت است از «قدرت خدا». وقتی انسان بر قدرت خداوند باور داشته باشد، برای خدا محدودیتی ندارد که از امتداد عمر جلوگیری کند. بنابراین، حیات و مرگ دست

خدا و قدرت او بالاتر از همه قدرت‌ها و عوامل طبیعی و عادی است. پس عمر طولانی محال ذاتی ندارد که قدرت خدا به آن تعلق نگیرد. این بهترین پاسخ الهام بخش در ارتباط با طول عمر امام زمان علیه السلام خواهد بود.

۱. طول عمر از نگاه علم

امروزه علوم به رشد کافی خود رسیده‌اند. مسائل طول عمر در دنیای علم حل شده است، زیرا عمر طولانی خلاف قوانین طبیعت نیست. در حیات بشر، اصل نشاط و شادابی و امتداد عمر است. اما پیری و فرسودگی، بر زندگی بشر عارض می‌شود. علم هم توانسته و هم قدرت دارد که از بروز این حادثه بر عمر بشر جلوگیری کند، تا پیری و فرسودگی و مرگ‌های زودرس را به تأخیر اندازد و در نتیجه، طول حیات بشر را در این جهان افزایش دهد.

سال‌هاست که دانشمندان در این راه تلاش‌های بسیاری کرده‌اند و با روش عالمانه به نتایج خوبی رسیده‌اند. از جمله اصول علمی‌ای که ارتباط نزدیکی با سلامت و شادابی انسان دارد، رعایت اصول تغذیه مناسب است. با اصل رعایت اصول علمی تغذیه، درباره طول عمر منجی عالم علیه السلام دیگر جای تردیدی نخواهد بود، زیرا آن حضرت با دانش الهی بر اسرار انواع غذاها و استفاده مناسب از آنها نمی‌تواند مدت طولانی در این دنیا باقی بماند و آثار پیری هم در وجود ایشان پدید نیاید.^۱

۱. مصطفی اسفندیاری، حجت موجه، ص ۳۵۳-۳۵۴.

۲. دیدگاه علما و دانشمندان

علامه می‌فرماید: اگر به اخباری که توسط ائمه علیهم‌السلام و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در خصوص امام غائب علیه‌السلام نقل شده‌اند بنگریم، خواهیم دید نوع زندگی امام غائب علیه‌السلام را به‌طور خارق‌العاده معرفی می‌کنند. اما باید توجه داشت که خرق عادت، غیر از محال است. از راه علم هرگز نمی‌توان خرق عادت را نفی کرد، زیرا به هیچ‌وجه نمی‌توان این موضوع را اثبات کرد که اسباب و عوامل در جهان کار می‌کنند و فقط همان‌هایی هستند که ما، آنها را دیده‌ایم. دیگر اسبابی که ما از آنها خبر نداریم و یا آثار و اعمال آنها را ندیده‌ایم وجود ندارند. از این رو، ممکن است در فردی از افراد بشر، اسباب و عواملی به وجود آید که عمر بسیار طولانی و چندین هزار ساله را برای او تأمین نماید. به همین دلیل، علم پزشکی تاکنون از پیدا کردن راهی برای عمرهای طولانی ناامید نشده است.^۱

آیه‌الله مکارم شیرازی، در زمینه طول عمر می‌فرماید: «باید تحقیق کرد که آیا برای عمر حد مشخصی وجود دارد یا خیر؟ دسته‌ای از دانشمندان برای عمر انسان زمان مشخصی را بیان کرده‌اند که از ۱۰۰ سال تا ۱۵۰-۱۶۰ و ۲۰۰۰ هزار سال است. اما این عقیده تحدید عمر، از سوی فیزیولوژیست‌های امروزی نقض شده و مسئله طول عمر حد ثابتی ندارد.

دلیل زنده‌ای که برای اثبات طول عمر اقامه کرده‌اند، آزمایشاتی است، که دانشمندان روی گیاهانی که معمولاً از دو هفته بیشتر عمر

۱. محمد حسین طباطبایی، شیعه در اسلام، ص ۲۲۲.

ندارد، انجام داده‌اند که می‌توان آن را تا شش ماه نگه‌داشت. آزمایش دیگری که روی نوعی مگس و میوه‌هایی که عمر کوتاه دارند، به عمل آمده، نشان می‌دهد که امکان دارد عمر آنها را به نهمصد برابر افزایش دهد. دانشمندان غذاشناسی، عقیده دارند طول عمر رابطه نزدیکی با نوع تغذیه و شرایط اقلیمی دارد. آنها با مطالعه روی طول عمر زنبورهای عسل که چندین برابر زنبورهای معمولی عمر می‌کنند، این موضوع را ثابت کرده‌اند.

روانشناسان می‌گویند با داشتن عقاید سازنده و آرام‌بخش، عمر امتداد پیدا می‌کند. حتی پزشکان به این نتیجه رسیدند که پیری یک عارضه است و اگر این عارضه درمان گردد، از طریق تغذیه صحیح بر پیری پیروز می‌شویم و پیری را شکست خواهیم داد. بنابراین، با توجه به مسائل علمی که دانشمندان ارائه کردند عمر حد ثابتی ندارد و مقدار آن را می‌توان تغییر داد.^۱

پس می‌توان نتیجه گرفت که قدرت و توانایی الهی، بالاتر از همه مشکل‌ها و موانع زندگی است. دانشمندان هم به زندگی طولانی موجودات زنده معتقدند. زندگی وجود مقدس موعود عالم با اراده خداوند می‌تواند باشد و از سوی دیگر، آن حضرت از دانش الهی برخوردار است و راه سالم زیستن را به نیکی می‌داند. بنابراین، در وجود و عمر طولانی آن حضرت، شکی وجود نخواهد داشت.

۱. ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، ص ۲۰۲؛ سید جمال دین‌پرور، جهان گشای عادل، ص ۸.

۳. عمر طولانی از نظر زیست‌شناسان

از نگاه کسانی که حدی برای طول عمر قائل نیستند و می‌گویند روزی دیوار حد عمر، خواهد شکست، اصل عمر جاویدان است و این اصل هم خلاف طبیعت نیست، بلکه تنها مرگ خلاف طبیعت است. آنها می‌گویند که هر سال به‌طور متوسط، ۶۰۰ میلیون نفر از مردم روی زمین می‌میرند و در عین حال، برای آنها این پرسش مطرح است که فلانی چرا مُرد؟ اما در مورد طول عمر زندگی، هرگز با این پرسش مواجه نشده‌اید که چرا فلانی زنده است؟

دلیل این پرسش این است که مرگ، دلیل می‌خواهد نه ادامه حیات. به عقیده آنها مرگ از قوانین حتمی جهان نیست، زیرا مرگ نه مولود طول عمر است و نه نتیجه پیری، بلکه یک نوع بیماری است که با رعایت قوانین علمی مانند تغذیه و بهداشت، باید آن را مهار کرد.

از نظر زیست‌شناسان، در امکان عقلی عمر طولانی هرگز تردیدی وجود ندارد، اما امکان عملی عمر طولانی مشکوک است که آیا روزی می‌رسد که انسان به عمر جاوید دست یابد. از نگاه آنها جواب مثبت است. برای رسیدن به عمر جاوید، باید موانع روانی برداشته شوند. ما انسان‌ها به مرگ معتقد و به آن عادت کرده‌ایم و نمی‌توانیم عمر جاویدان را باور کنیم و این طرز فکر باید از بین برود.^۱

این دیدگاه به وضوح باطل است، زیرا قرآن، کتاب علمی و اخلاقی ما مسلمان‌ها، این نظریه را نمی‌پذیرد. براساس باور مسلمان‌ها، مرگ برخلاف قانون طبیعت نیست، بلکه عمر جاویدان، خلاف نص صریح قرآنی است. خداوند مرگ را برای هر موجود زنده مقدر کرده و همه

۱. علی‌اکبر مهدی پور، راز طول عمر امام زمان علیه السلام از دیدگاه علم و ادیان، ص ۱۸.

زندگان روزی طعم مرگ را خواهند چشید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾^۱

این آیه مبارکه، قانون طبیعی و کلی را از مرگ عرضه می‌کند. با این دلیل قاطع، دیگر جایی برای استدلال‌های زیست‌شناسان نمی‌ماند. از این نیز، بگذریم، با تلاش‌هایی که زیست‌شناسان انجام داده‌اند، باز هم عمر آنها به بیش از صد هزار سال نمی‌رسد و این همان چیزی است که قرآن کریم فرموده است: «سرانجام همه موجودات زنده مرگ خواهد بود.»

بر این اساس باید بگوییم که عمر جاویدان، از امکان عقلی برخوردار است، اما امکان عملی ندارد و با آیه‌های قرآن و روایت‌ها و سیر زندگی موجودات زنده منافات دارد. اما طول عمر هم از مسائلی بود که بشر نمی‌توانست به آسانی آن را به صورت غیر عادی‌اش قبول کند. اما امروزه، این مسئله با پیشرفت علم حل شده و صددرصد مسئله طول عمر مطابق با قوانین علمی، عقلی و دین است. گفتنی است که از نظر علمی مسئله طول عمر نه تنها یک نظریه است، بلکه با بررسی‌هایی که انجام شده است ما را با نمونه‌های عینی این تئوری آشنا می‌کند. در ادامه برای توضیح مسئله به تعدادی از موجودات دراز عمر اشاره می‌شود:

الف) طول عمر در گیاهان

در میان گیاهان، درختان دراز عمری وجود دارند که از قدیمی‌ترین موجودات روی زمین هستند. نام این نوع درختان، «سکوما» و عمر برخی از آنها بیش از ۵۰۰ هزار سال است. گیاهان دیگری نیز وجود

۱. عنکبوت، آیه ۵۷.

دارند که سال‌های طولانی عمر کرده‌اند که البته در این بحث مجال بیان آنها وجود ندارد.^۱

ب) طول عمر در حیوانات

برخی از حیوانات نیز، عمر طولانی و حیرت‌آوری داشته‌اند مانند: ماهی، لاک پشت، مار و... برخی معتقدند که عمر فیل ۲۰۰ سال است، اما تا به حال کسی آن را ثابت نکرده است. بیشترین عمری که از فیل به اثبات رسیده ۶۰ سال است.

یک نوع لاک پشت به‌طور تحقیق ۱۵۲ سال، عمر کرده و بر طبق نظر زیست‌شناسان تا ۲۰۰ سال هم می‌تواند عمر کند. هم‌چنین در برابر حیواناتی که عمرشان چند لحظه بیشتر نیست، مارهایی وجود دارند که عمرشان چند هزار ساله است. دراز عمرترین موجود زنده‌ای که تاکنون کشف شده، یک نوع ماهی است که در سواحل جزیره‌ای به نام ماداگاسکار یافت شده که نسل آن سابقه چهارصد میلیون ساله دارد.^۲

ج) طول عمر در انسان‌ها

صرف‌نظر از اصول علمی، پزشکی و زیست‌شناسی، عمر طولانی مدت برای انسان یک مسئله پذیرفته شده‌ای است که شواهد بسیاری در گوشه و کنار دنیا دارد. وجود کتاب‌هایی از قدیم و جدید درباره طول عمر انسان‌ها، خود دلیلی بر این مدعاست. به عنوان نمونه به دو مورد از معمرین اشاره می‌شود.

۱. علی اکبر مهدی پور، راز طول عمر امام زمان علیه السلام، ص ۲۵.

۲. همان.

یکی از آنها حبابه والیه است. ایشان امیر مؤمنان علیه السلام را ملاقات کرد. پس از آن امامان معصوم علیهم السلام را تا امام رضا علیه السلام ملاقات کرد. هیچ کس نمی تواند منکر طول عمر این فرد باشد. او یک انسان عادی بود پس چگونه طول عمر امام عصر علیه السلام قابل انکار است؟

از امام باقر علیه السلام در حالات حبابه والیه نقل شده است که وقتی امام سجاد علیه السلام را ملاقات کرد، پیر بود و امام علیه السلام برایش دعا کرد و وی جوان شد.^۱

از دیگر افرادی که عمر طولانی داشت، معمر مغربی است. وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در گذشت، وی نزدیک سیصد سال عمر داشت و بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به خدمت امیر مؤمنان علیه السلام درآمد.

پادشاهان او را نزد خود فرا می خواندند و از علت طول عمرش می پرسیدند؛ در جواب می گفت: آب حیات نوشیده و از این جهت عمر طولانی کرده است. او تا روزگار مقتدر عباسی زنده بوده است. گرچه هنوز نیز، در مرگ وی تردیدهایی وجود دارد. از این قبیل افراد بسیارند. مرحوم صدوق رحمته الله، بابی به نام معمرین در کمال الدین اختصاص داده است.^۲

۴. عوامل مؤثر بر طول عمر

پزشکان و زیست شناسان در مطالعات و تجربیات خود توصیه های جالبی دارند. در این زمینه به برترین آن عوامل اشاره می کنیم:

۱. کمال الدین، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۳۳۲.

۲. همان، ص ۳۳۵.

الف) آرامش روحی

آرامش روحی، بیش از هر عامل دیگر در طولانی شدن عمر مؤثر است. از این رهگذر افراد مذهبی که اعتقادی راسخ به جهان متافیزیک و عالم ماورای طبیعت دارند، از عمر طولانی تری برخوردارند. اگر به آمار انسان‌هایی که با مرگ زودرس از دنیا می‌روند، دقت کنیم متوجه می‌شویم که بیشتر کسانی که عمر کوتاه داشته‌اند فاقد آرامش روحی بوده‌اند. پس طول عمر و آرامش روحی برخاسته از عقاید مذهبی انسان است. به همین دلیل، ادیان دستورهای مفید بهداشتی برای پیروانش دارند.

ب) عامل وراثت

اهمیت و نقش عوامل ژنتیک، در طول عمر افراد بسیار روشن است. در طول تاریخ، خانواده‌های بسیاری وجود داشتند که افراد آن معمولاً از عمر نسبتاً طولانی برخوردار بوده‌اند، تا جایی که تنها بر اساس امور تصادفی مرگ آنها فرا می‌رسید. ریموند پیرل مطالعات جدیدی در این زمینه به عمل آورده است.

وی از خانواده‌ای نام می‌برد که مجموع عمر هفت پست آن به ۶۹۹ سال می‌رسید که دو نفرشان هم به علت تصادف جان سپرده بودند. عوامل وراثت به قدری نیرومند است که می‌تواند عوامل دیگر هم‌چون محیط و اعتیاد را خنثی کند.^۱

۱. علی اکبر مهدی پور، راز طول عمر امام زمان علیه السلام، ص ۵۸، ابراهیم امینی، دادگستر جهان، ص ۱۷۷.

ج) عامل تغذیه

دانشمندان غذاشناس، معتقدند که طول عمر رابطه نزدیکی با تغذیه مناسب دارد. آنها با مطالعه روی طول عمر زنبور عسل که ۴۰۰ برابر دیگر زنبوران عمر می‌کند، به این نتیجه رسیده‌اند.

بلوفر، زیست‌شناس معروف فرانسوی در ضمن مطالعات خود، به مسئله حیرت‌انگیز زندگی طولانی همراه با نیرومندی و جوانی ملکه زنبور عسل برخورد و بدین ترتیب در مورد علل آن به تحقیق پرداخت. با بررسی و مطالعه‌هایی که انجام داد، دریافت که ملکه زنبور عسل در تمام عمر خود از خوراکی به نام ژله تغذیه می‌کند... در صورتی که زنبوران دیگر فقط در سه روز نخست زندگی خود از این ماده اسرار آمیز بهره می‌برند و رمز جوانی، زیبایی و طول عمر ملکه در این غذای اعجاب‌آمیز نهفته است.^۱

د) بهداشت خوراکی‌ها

گذشته از نوع غذا، حجم غذا نیز، در سلامت، کوتاهی و بلندی عمر تأثیرگذار است. زیاد خوردن از نیرومندترین عوامل کوتاهی عمر است. کسانی که بیش از صد سال عمر کرده‌اند غالباً افرادی کم‌خور بودند. نخوردن مایه هلاکت است، پس با کم خوردن که موجب سلامتی است، اشتباه نشود.^۲

ادیان به خصوص دین اسلام، تأکید فراوانی به اصول تغذیه دارد. به عنوان نمونه انسان تا گرسنه نشده، بر سر سفره ننشیند و درحالی که به‌طور کامل سیر نشده از کنار سفره برخیزد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱. همان، ص ۵۹.

۲. همان.

«مَنْ أَرَادَهُ أَنْ لَا يَضُرَّهُ طَعَامٌ وَلَا يَأْكُلَ طَعَاماً حَتَّى يَجُوعَ وَ تَنْفَى مَعِدَّتَهُ...»^۱

این چهار عامل از بیست عاملی بود که علی اکبر مهدی پور برای طول عمر مؤثر دانسته است. البته عوامل تأثیرگذار بر طول عمر، محدود به این بیست عامل نمی شود، عوامل بسیاری در طول عمر مؤثر است که هنوز کشف نشده اند.

۵. طول عمر از نگاه عقل

براساس قانون عقلی نیز، برای طول عمر هیچ گونه محدودیتی وجود ندارد، زیرا هر پدیده طبیعی در عالم وجود، در مسیر تکامل حرکت می کند و فرد کامل آن به یقین در عالم طبیعت موجود است. در میان بشر، فرد اکمل، وجود مقدس پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام است و سایر انسان ها در سایه هدایت آن فرد به کمال می رسند. در غیر این صورت هدف خلقت تحقق پیدا نمی کند. پس طبق این برهان که اثبات وجود برای حجت خدا می کند در هر زمان اثبات طول عمر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام هم دانسته می شود.^۲

با توجه به این استدلال بشر برای رسیدن به کمال، احتیاج به راهنما دارد و آن کسی نیست جز وجود مقدس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا ولی خدا و امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام. این تقریر گرچه جنبه عرفانی دارد، اما برای اثبات مدعی به تمام معنا دلالت دارد.

۱. محمد بن حسن الحر العاملی، وسائل شیعہ، ج ۱۶، ص ۵۴۰.

۲. مجله تخصصی کلام اسلامی، ص ۱۱۹.

الف) مدیریت روحانی

آیه الله جوادی آملی، برای طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه دلیلی تحت عنوان مدیریت روحانی ارائه می کند، به این معنا که نفس انسانی، جسم را مدیریت می کند. به عبارت دیگر، نفس مسلط بر جسم است. این مدیریت، زمانی رخ می دهد که نفس در اثر تزکیه قوی شود، تا جایی که موانع عقلی وجود نداشته باشد. روح، جسم را حرکت می دهد و این حرکت هم به اذن خداوند است و طبق این برهان هیچ مانعی وجود ندارد که روح امام عصر عجل الله تعالی فرجه به اذن خداوند، ادامه بقای حیات جسم را در آن حضرت با خود هماهنگ کرده باشد.^۱

دو نکته در این استدلال وجود دارد: نخست دلیلی که برای ادامه حیات بیان شد، نشان دهنده این است که طول عمر محال عقلی ندارد. دیگر این که معراج جسمانی پیامبر صلی الله علیه و آله، گویاترین دلیل است که نفس یا روح به خوبی می تواند جسم را مدیریت کند.

ب) عامل مؤثر دائمی در جهان آفرینش

مؤثر در وجود آدمیان و تمام مخلوقات، ذات واجب الوجود است. واجب الوجود هم دائمی است. پس تأثیر واجب الوجود هم دائمی است. بنابراین، هرگاه واجب الوجود دخالت در امر کند، آن امر محقق می شود. در مورد طول عمر حجت خدا عجل الله تعالی فرجه نیز، بعید نیست که فردی به نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه عمر طولانی داشته باشد. این دلیل هم از حیث لالت، مانند دلیل قبلی است، یعنی عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه و ادامه حیاتش به اراده خداوند بستگی دارد.

۱. عبدالله جوادی آملی، عصاره خلقت (درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه)، ص ۲۸.

بنابراین، از نظر عقلی بقا، به شکل ذاتی در وجود آدمی امکان دارد. عدم بقا به دلیل امر عارضی است. اگر عارضه‌ای برای انسان پیش نیاید، عمر او ادامه می‌یابد. بیشتر مرگ‌ها از طریق نزول بلاها اتفاق می‌افتد. پس، وجود مقدس امام عصر علیه السلام به امر الهی مصون از بلیات است. بنابراین، برای آن حضرت عمر طولانی محالیت ندارد.

ج) قانون اعجاز و خرق عادت

از دلایل دیگر امتداد عمر، قانون اعجاز است. در این فرض باید در این مورد بحث کرد که آیا سیر عمر یک مسئله طبیعی است یا ماورای طبیعی؟ مسلماً سیر عمر یک پدیده طبیعی است و تا جایی که مانعی پیش نیاید، سیر خود را ادامه می‌دهد. پیری و مرگ نابه‌هنگام، از موانعی است که این زنجیره را قطع می‌کند. اما در ارتباط با طول عمر ولی خدا علیه السلام، صرف‌نظر از روند طبیعی عمر، مانعی ندارد که بگوییم طول عمر در حضرت ولی عصر علیه السلام معجزه است. به این معنا که مشیت خدا به این تعلق گرفته که از جان رهبر و پیامبر، که آنها را برای هدایت انتخاب کرده است، محافظت کند و برای نجات جان او قانون طبیعت را از کار اندازد. نمونه‌های بسیاری وجود دارد که خداوند برای حفظ جان پیامبر صلی الله علیه و آله و امام و امامان علیهم السلام، در قانون طبیعت تصرف کرده است، از جمله: نجات حضرت ابراهیم علیه السلام از آتش، نجات حضرت موسی علیه السلام که برخلاف قانون طبیعت دریا شکافته می‌شود، یا در مورد حفظ جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شب لیلۃ‌المبیت که آن حضرت از میان آن همه شمشیر، نجات پیدا کرد و صدها مورد دیگر که خداوند در آنها اعجاز نمود و قانون طبیعت را تعطیل کرد. این دلیل از مهم‌ترین دلایل اثبات

طول عمر امام زمان عجل الله فرجه است، زیرا جنبه عقلی دارد و از نظر عقل، طول عمر با اعجاز و این که اعجاز در قبال پدیده‌ای صورت می‌گیرد، محال نیست و نیز از نظر جنبه نقلی که قرآن کریم این قانون را به رسمیت قبول دارد که پیامبران الهی به اذن خدا معجزه نشان می‌دادند. این جا اعجاز بی واسطه صورت می‌گیرد.^۱

بر این اساس باید گفت که طول عمر انسان از تأثیر نکردن آتش سوزان بر جان و گوشت یک انسان و همین گونه شکافته شدن دریا برای جات حضرت موسی علیه السلام و معراج پیامبر صلی الله علیه و آله شگفت انگیزتر نیست. خداوندی که برای حفظ جان پیامبرانش قوانین طبیعت را تعطیل کرده است، هیچ محدودیتی ندارد که برای حفظ جان حجت آخرالزمان عجل الله فرجه، قانون طبیعت را نسبت به او تعطیل کند، تا آن ذخیره الهی بیاید و جهان را پر از عدل و داد کند و آرمان همه انبیای الهی محقق شود.

(. برهان امکان

ز دلایلی که طولانی بودن عمر را نفی نمی‌کند، برهان امکان است. بهید صدر این برهان را برای اثبات طول عمر حضرت مهدی عجل الله فرجه، به کار برده است. پیش از آن که وجه استدلال آن را بیان کنیم، باید گوئیم که در یک تحلیل عالمانه، اشیاء از این سه حالت بیرون نیستند: ۱. واجب الوجود؛ ۲. ممکن الوجود. ۳. ممتنع الوجود. قسم اول مربوط به ذات باری و قسم سوم هم متعلق به آن دسته از اشیائی است که وجودشان ممتنع بالذات است. اما بحث ما در مورد ممکن الوجود است.

۱. محمد باقر صدر، انقلاب مهدی و پندارها، ترجمه سید احمد علم الهدی، ص ۱۸.

مسئله طول عمر مهدی علیه السلام، از ممکنات بوده و هیچ گونه محالیت عقلی ندارد.

امکان هم بر سه قسم است:

امکان عقلی یک چیز، که وجودش در خارج محال نباشد، هر چیزی که تحقق آن طبق قانون عقلی محال نباشد، مانند تقسیم سه بر دو بدون نصف که این امکان را عقلی گویند. عمر حقیقتی است که در نظر عقل، امتدادش مستلزم محال نیست.

امکان علمی موضوع که طبق فرمول‌های علمی امکان‌پذیر باشد مگر این که در حال حاضر در خارج مصداق نداشته باشد، مانند مسافرت به کره مریخ که این کار تاکنون واقع نشده است، اما از نظر سلسله محاسبات تجربی و فرمول‌های علمی مانعی از وقوع آنها وجود ندارد و ممکن است که با پیشرفت علم، روزی بشر به کره مریخ پرواز کند. در نتیجه، طول عمر هم برای ذخیره الهی از نظر امکان علمی مستلزم محال نیست.^۱

امکان عملی؛ یعنی پدیده‌های علمی و تحقیقی همانند سفینه‌های فضایی و دریایی، رشد جانوران بیرون از رحم در عمل عینیت پیدا کرده است. درباره انسان‌ها که عملاً دیده شده است که از عمر بسیار طولانی برخوردار بوده‌اند و هیچ جای شگفتی هم ندارد. حال با این اوصاف، چگونه درباره طول عمر ولیّ خدا تردید به خود راه می‌دهیم!^۲

پس طول عمر ولیّ خدا از نظر امکان عقلی، امکان علمی و عملی، مستلزم محال نخواهد بود. آن حضرت به اذن خداوند ظهور خواهد کرد و جهان پر از ظلم را، پر از عدل می‌نماید.

۱. محمد باقر صدر، انقلاب مهدی و پندارها، ترجمه سید احمد علم الهدی، ص ۱۶.

۲. همان.

۶. طول عمر از دیدگاه ادیان آسمانی

قدرت خداوند برای پیروان ادیان انکارناپذیر است. خدایی که تمام جهان را به وجود آورده و آن را با قدرت اداره می‌کند، هرگز از حفظ جان حجت آخرالزمان علیه السلام ناتوان نخواهد بود. در میان پیروان ادیان آسمانی در این مسئله که طول عمر برای هیچ موجود زنده‌ای محدودیت ندارد، در میان پیروان ادیان در مورد عمرهای طولانی بحث‌هایی شده است که این خود دلیل بر قطعی بودن طول عمر در کتب آسمانی است که برای نمونه، به دو کتاب آسمانی استناد می‌شود:

الف) طول عمر در تورات و انجیل

تورات کتاب مقدس یهودیان است و از نظر مسیحیان نیز، مورد اعتماد است. از این جهت، یهود و نصارا تمام محتویات تورات را پذیرفته‌اند. تورات، که شرح زندگی تعداد بی‌شماری از پیامبران و پیشینیان را نقل کرده است، نشان می‌دهد که آنها از عمر طولانی برخوردار بوده‌اند. برای نمونه:

- حضرت آدم علیه السلام: ۹۳۰ سال؛
- شیث پسر آدم علیه السلام: ۹۱۲ سال؛
- انوش پسر شیث: ۹۰۵ سال؛
- قینان پسر انوش: ۹۱۰ سال؛
- مهلائیل پسر قینان: ۸۹۵ سال؛
- یارد پسر مهلائیل: ۹۶۲ سال؛
- فنوخ پسر یارد: ۳۶۵ سال؛
- متوشالح پسر فنوخ: ۹۶۹ سال؛

- لمک پسر متوشالِح: ۷۷۷ سال؛

- حضرت نوح علیه السلام پسر لمک: ۹۵۰ سال.^۱

بدین ترتیب، عمر طبیعی انسان از نظر تورات هفتاد سال نیست، بلکه دست کم ۹۰۰ سال است. هم‌چنین انجیل نیز، که پس از تورات آمده و از آن به عهد جدید یاد می‌کنند، از انسان‌هایی که طول عمری به اندازه ۲۰۰۰ سال و دست کم ۶۰۰ سال داشته‌اند، موارد متعددی را نشان می‌دهد. بر این اساس، محدودیتی برای طول عمر ذخیره عالم، حضرت مهدی علیه السلام وجود ندارد.

ب) طول عمر از دیدگاه قرآن

در قرآن مجید، آیه‌هایی وجود دارد که از عمر طولانی امت‌های پیشین خبر می‌دهد از جمله:

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ، فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾^۲

همانا ما نوح علیه السلام را به رسالت قومش فرستادیم او پنجاه سال کم از هزار سال میان مردم درنگ کرد [خلق را دعوت به خدا کرد و آنها اجابت نکردند]، چون همه ستمگر بودند غرق طوفان و هلاک شدند.

این سال‌ها مربوط به زمان پیامبری اوست. اگر به عمر او سال‌های پیش از رسالت و پس از طوفان را بیفزاییم، به یقین از مرز هزار سال نیز، خواهد گذشت. اگر به آیه‌هایی که اخبار از عمرهای طولانی افراد

۱. سفر پیدایش، باب ۹، ۲۹.

۲. عنکبوت، آیه ۱۴.

خبر می دهند، مراجعه کنید به قطع به اسرار طول عمر ولی خدا با اطمینان کامل پی خواهید برد، زیرا حجیت قرآنی صددرصد است، از جمله این آیه‌ها:

﴿وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ﴾^۱ ولیکن ما امم و قبایل را بیافریدم که عمر دراز یافتند.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتْنِهِ لَآ أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا﴾^۲ به یاد آر وقتی موسی به رفیق جوانمردش گفت: من دست از طلب بر ندارم تا به مجمع‌البحرین برسم یا سال‌ها عمر در طلب بگذرانم.

﴿فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ﴾^۳ اگر او [یونس] به ستایش و تسبیح خدا نپرداختی، تا قیامت در شکم ماهی زیست کردی.

در المیزان آمده است: «اگر یونس از تسبیح‌کنندگان نبود از بلاها نجات پیدا نمی‌کرد. تسبیح آن حضرت علت نجات او شد. مراد از تسبیح او همان ندایی در ظلمت بود.»^۴

﴿أَن لَّآ إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾^۵ خدای متعال در حال رنج و مشکلات یونس را از شکم ماهی نجات داد.

۱. قصص، آیه ۴۵.

۲. کهف، آیه ۶۰.

۳. صافات، آیات ۱۴۳-۱۴۴.

۴. المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۷، ص ۲۴۸.

۵. انبیا، آیه ۸۷.

۷. فلسفه غیبت منجی

از دیگر مباحث اعتقادی در حوزه مهدویت، فلسفه غیبت حجت خدا است. با توجه به پذیرش وجود و طول عمر آن حضرت، پس چرا ایشان باید غیبتی طولانی مدت داشته باشند؟ ما در ادامه به اختصار تنها به فلسفه غیبت کبری اشاره می‌کنیم:

الف) مصلحت الهی

در ابتدا باید گفت که خداوند به مصالح بشر بیشتر از خود او آگاه است. اگر عقل و علم بشر به حکمت مسئله نرسد، به این دلیل نیست که آن مسئله از اساس باطل است.

امام صادق علیه السلام در جواب آنهایی که از اسرار غیبت موعود سؤال کردند، فرمود: «فَقَالَ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَ مِنْ حَجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذَكَرَهُ أَنْ وَجْهَ الْحِكْمَةِ فِي ذَلِكَ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهَ الْحِكْمَةِ لَمَّا آتَاهُ الْخَضِرُ مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَ قَتَلَ الْغُلَامَ وَ أَقَامَةَ الْجِدَارِ لِمُوسَى عليه السلام إِلَّا وَقْتَ افْتِرَاقِهِمَا يَا ابْنَ فَضْلٍ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَسْرَارِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ.»^۱

از این حدیث در می‌یابیم که خداوند عالم، غیبت ولی خود را پیش از غیبت مهدی علیه السلام، درباره حجج گذشته نیز، که در حدیث به آنها اشاره شد، اعمال کرده است. دیگر این که حکمت این کار جزء اسرار الهی است و هیچ کس بدین اسرار مطلع نیست.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۱، شیخ صدوق رحمته الله، کمال الدین، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۲۳۵.

ب) امتحان و آزمایش

غیبت حجت عجل الله فرجه صحنه آزمایش دقیقی برای بندگان خداست. در حدیث آمده است که خداوند، در آخرالزمان فردی از آل رسول صلی الله علیه و آله که دوره طولانی غایب بوده است را ظاهر می‌کند، تا مردم امتحان و گمراهان از صالحان جدا شوند. این غیبت به حدی طولانی می‌شود که نادانان گویند خدا به آل محمد صلی الله علیه و آله کاری ندارد. بنابراین، حضرت علی علیه السلام فرمود:

«وَلَيُعْتَنُّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بَدْمَانًا لِيُغَيِّبَنَّ عَنْهُمْ تَمِيزًا لِأَهْلِ الضَّلَالَةِ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ: مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ حَاجَةٍ.»^۱

ج) ظلم و ستم انسان‌ها

در برخی از روایت‌ها آمده که غیبت آن حضرت، به علت ظلم و بیداد انسان‌ها به هم‌دیگر است. امام علی علیه السلام فرمود: «زمین از حجت خدا خالی نمی‌ماند، اما خدا به دلیل ستم‌پیشه بودن و زیاده‌روی انسان‌ها به ظلم، آنها را از ظهور آن ولی خدا محروم گردانید.»

«وَلَا يَكُونُ ذَلِكَ إِلَّا عَلَى رَأْسِ شَرَارِ النَّاسِ؛^۲ بدکاران و ظلم سبب شده که غیبت حجت رخ دهد. اگر مردم با یک‌دیگر مهربان بودند این غیبت رخ نمی‌داد.»

د) سازش و بیعت نکردن با طاغوت زمانه

از دیگر فلسفه‌های غیبت آن حضرت، بیعت و سازش نکردن آن بزرگوار با حکومت‌های مستبد زمانه است. خداوند ولادتشان را مخفی قرار داد و

۱. ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، ترجمه جواد غفاری، ص ۲۰۲.

۲. همان، ص ۲۳۶.

برای او غیبت طولانی در نظر گرفت، زمانی که قیام کند، بر گردش بیعت از ظالمان و طاغوت نباشد. حدیث از امام صادق علیه السلام در این زمینه با صراحت دلالت می‌کند که علت غیبت آن حضرت، بیعت نکردن ایشان با طاغوت‌های زمانه است: «يَبْعُثُ الْقَائِمَ وَ لَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِأَحَدٍ»^۱

ه) حفظ جان مهدی علیه السلام

حضرت مهدی علیه السلام، اگر به اذن خداوند غایب نمی‌شد، به دست حکومت‌های ظلم به پیش از آن‌که به اهداف خودش نایل شود به قتل می‌رسد. حکمت خداوند در این بود که آن حضرت محفوظ بماند و در آینده، پرچم حقانیت و عدالت را در جهان بگستراند.

روایت‌های بسیاری وجود دارد که مفادش می‌گوید: «برای قائم آل محمد صلی الله علیه و آله غیبتی طولانی پیش از ظهورش است.» از علت غیبت سؤال شده که در روایتی آمده است: «به دلیل خوف از کشته شدن او، غیبت صورت گرفته است.»

شیخ طوسی رحمته الله، هیچ‌یک از اموری که برای فلسفه غیبت آن حضرت بیان شده است را علت غیبت ایشان نمی‌داند، بلکه آنها را اثر و نتیجه غیبت عنوان می‌کند. وی قائل است که تنها فلسفه غیبت، همان ترس از دشمنان است که حضرت را پیش از آن‌که به اهدافش برسد، به قتل می‌رسانند.

و) آمادگی جهانی برای ظهور

ظهور حجت خدا علیه السلام پایان دوره ستم و استبداد و رسیدن بشر به عصر آزادی، عدالت و پیروزی بزرگ، که به یقین به زمینه‌سازی و آمادگی جهانیان نیاز دارد. بنابراین، جهان باید برای شناخت شخصیت آن

۱. کمال الدین، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۲۳۲.

حضرت و برنامه‌های ایشان و نیز، برای پی بردن به مسائلی که ظهور ایشان را تسریع می‌کند، آمادگی لازم را به دست آورد. آشنا نبودن به مسائل ظهور حجت حق، به معنای نداشتن آمادگی برای ظهور است. بنابراین، فقدان آمادگی، از علل غیبت آن حضرت است.

از زمینه‌های ظهور حجت خدا، بالا رفتن سطح فکری مردم است. اگر جامعه از نظر فکری، برای یاری و همکاری امام و رهبر آمادگی نداشته باشد، مسلماً امام نیز، با جامعه ناآگاه هرگز نمی‌تواند به اهدافی که دارد، برسد و یا عدالت را اجرا کند. همان‌گونه که یاری نکردن مردم، امیرمؤمنان علیه السلام را در امر اجرای عدالت بازداشت. این مدعا در مورد دیگر ائمه علیهم السلام نیز، صدق می‌کند. بنابراین، آنها موفق به تشکیل حکومت عدل و اجرای عدالت نشدند، گرچه با آن همه اختناق که برای آنها پیش آوردند، آنها به وظایفشان عمل کردند.

پس یکی از علت‌های غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام، آمادگی نداشتن مردم است. آن حضرت هم، به مضامین روایت آن‌قدر غیبت می‌کند تا مردم از همه روش‌های موجود که گاهی با نام سوسیالیست، گاهی به نام مارکسیست یا سکولاریسم و لیبرالیسم مردم را اسیر کرده است، ناامید و خسته شوند و موجب شود تا همه انسان‌ها برای آمدن منجی عدالت‌گستر جهان آماده شوند؛ آن‌گاه موعود آینده بیاید و جهان پر از ظلم را پر از عدالت کند.

ز) اثر منجی غایب بر وضعیت زندگی انسان‌ها

شبهه‌های بسیاری از سوی بدخواهان علیه تفکر مهدویت و بر مبنای تشیع اظهار شده است که به اختصار به یکی از آنها اشاره می‌شود:

شبهه این است که شیعه، وجود امام را برای احکام دین و حقایق لازم می‌دانند و به حکم عقل، امامی که در میان جامعه نباشد و مردم از او نفع نبرند، ناقص غرض خواهد بود، زیرا فایده‌ای بر وجودش مترتب نیست. اگر خدا بخواهد در زمان لزوم، منجی و رهبری که مردم بدان نیاز دارند را، خلق می‌کند.

بیان علامه طباطبایی: با صرف نظر از جواب‌های گوناگونی که در این زمینه وجود دارد، به پاسخ علامه به این شبهه و روایت اکتفا می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: «آنان که این شبهه را القا می‌کنند، به حقیقت به معنای امام پی نبرده‌اند، زیرا وظیفه امام تنها بیان صوری معارف و راهنمای ظاهری آنها نیست، بلکه امام عهده‌دار رهبریت ظاهری و باطنی مردم و واسطه در فیض و اجرای قانون خداست. بنابراین، حضور و غیبت فیزیکی امام، در این باره تأثیری ندارد. امام و ولی خدا اگرچه از چشم‌ها مخفی باشد، اما از طریق باطن و نفوس مردم اتصال دارد. وجودش پیوسته برای اتصال فیض لازم است اگرچه موقع ظهور و اصلاح جهانیان فرا نرسیده باشد.»^۱

جابر جعفی از جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: جابر بن عبدالله از فایده غیبت مهدی عجل الله تعالی فرجه برای مردم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کرد، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در جواب فرمود:

«وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ أَنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَ يَسْتَضِيئُونَ بِنُورِ وِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ أَنَّ جَلَّلَهَا السَّحَابُ.»^۲

۱. شیعه در اسلام، ص ۲۲۳-۲۲۴.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۳.

از این حدیث و احادیث فراوانی که در این زمینه وجود دارد، درمی‌یابیم که مردم در زمان غیبت حجت خدا، از آن حضرت استفاده می‌کنند، مانند استفاده خورشید که در پشت ابرها باشد، که باز هم مردم از نورش بهره می‌برند. هم این است که مفهوم غایب بودن این نیست که امام، وجود عینی و خارجی نداشته باشد، بلکه آن حضرت وجود عینی دارد و در جامعه به صورت ناشناس زندگی می‌کند.

ح) معین نبودن زمان ظهور در ادیان آسمانی

منجی باوری و اعتقاد به ظهور نجات بخش انسان‌ها و بشارت به آینده درخشان که جهان انسانی در آن روزگار روضه رضوان شود و به تعبیر دیگر، جهان نمونه‌ای از بهشت‌ترین شود، به گونه‌ای که جهان، آفرینش جدیدی به خود گرفته است، از جمله اصل‌هایی است که ادیان، آن را بشارت داده‌اند. سیر تکامل تاریخ و تحول بشر نیز، آن را تصدیق می‌کند. پرسش‌های اساسی که در این زمینه مطرح است، این است که آیا زمان ظهور منجی عالم بشریت مشخص است یا خیر؟ و چرا زمان ظهور معلوم نیست؟ و آیا همه ادیان در آن اتفاق نظر دارند؟ یا این که فقط اسلام می‌گوید که زمان ظهور مشخص نیست؟

در پاسخ به این پرسش‌ها باید بگوییم که ظهور منجی موعود، از آموزه‌های مشترک و فراگیر ادیان آسمانی بوده است. اعتقاد به ظهور منجی، تحقق بخشی از آرمان دیرین بشری برای زندگی در یک مدینه فاضله خواهد بود. گرچه این آرمان تاکنون محقق نشده است، اما معتقدان به ظهور منجی، همواره چشم به راه تعالیم پیامبران خود،

بوده‌اند. هیچ‌یک از ادیان آسمانی به زمان ظهور تصریح نکرده‌اند، اما به‌طور گذرا اشاره می‌شود.^۱

زرتشتیان معتقدند قبل از ظهور سوشیانس، یک سلسله حوادثی پدیدار می‌شود. اما زمان دقیق آن را مشخص نمی‌کنند.

مردمان آخرالزمان به یک‌دیگر نیک‌اندیش نباشند و درآمد آنها از دیگری بیشتر باشد.

پیمان‌شکنی و بی‌وفایی از عادت‌های مردمان آخرالزمان باشد.

فرومایه‌گان زبردست و نیکان و پرهیزکاران زیر دست‌وپا شوند.

نابه‌کاران روی کار آیند و اهل خرد و دانش خانه‌نشین شوند.

دروغ و فریب‌کاری بسیار شود و راستی و سلامتی از میان مردم بروند.

محبت و دوستی به کینه‌توزی تبدیل شود و مردم در پی نابودی

یک‌دیگر باشند.

نسل‌هایی که در آخرالزمان زاده شوند ناپاک و ستمکارند. مرگ‌های

زودرس و ناگهانی هم از جمله علایم ظهور و عصر آزادی خواهد بود.^۲

زمان ظهور ماشیح در تورات هم تعیین نشده، اما ظهور در ارتباط با

یک‌دسته از حوادث مطرح شده است. چنان‌که گفته‌اند پیش از ظهور

ماشیح، جنگ‌ها و ناراحتی‌های سیاسی فراگیر می‌شود و دولت‌ها با هم به

جنگ می‌پردازند. آن‌گاه منتظر قدم ماشیح باشید، چون در دوره

ابراهیم علیه السلام نیز، چنین شد. هنگامی که دولت‌ها با هم جنگیدند، برای

ابراهیم نجات حاصل شد و آن حضرت، علیه ستمگران انقلاب کرد. ظهور

۱. غلامرضا بهروز لک، مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی، ص ۱۴۹.

۲. اشعیای نبی ۶۰، ۲۱ و حزقیال ۳۸-۳۹.

ماشیح با مشکلاتی همراه خواهد بود. پیش از ظهور آشفتگی‌های جهان به اوج خود می‌رسد. مشکلات و زندگی تقریباً غیر قابل تحمل می‌شود.^۱

مسیح پیش از آن‌که به آسمان صعود کند، به دفعات به شاگردانش اطمینان داد که نزد آنها برگردند. بنابراین، مسیحیان منتظر بازگشت مجدد مسیح هستند. طبق اعتقاد مسیحیان، مسیح بار اول برای نجات و فدا آمد اما آمدن او برای بار دوم، با هدف داوری و برقراری کامل ملکوت خدا خواهد بود. مسئله این‌جاست؛ وقتی که شاگردان حضرت عیسی علیه السلام پرسیدند چه زمانی مراجعت می‌کنید؟ او پاسخ داد که زمان بازگشت او را فقط خدا می‌داند. در ضمن حضرت عیسی علیه السلام تأکید کرد که همیشه آماده باشید، زیرا هنگامی که مردم منتظر او نیستند خواهد آمد و شاگردان خود را از مسیح‌ها و پیامبران دروغین، که برای گمراهی مردم خواهند آمد، برحذر می‌دارد.^۲

در اسلام، به‌ویژه تشیع، تاریخ دقیق ظهور مشخص نیست و حتی ملائکه‌ها و خود موعود ملل، از زمان ظهور اطلاعی ندارند، زیرا در روایت آمده است که امام زمان علیه السلام، به شیعیان سفارش می‌کند که دعا کنید و امر ظهور را از خدا بخواهید. از این روایت درمی‌یابیم که امر ظهور به دست خداست و زمان آنرا جز خدا، کس دیگری نمی‌داند، زیرا ظهور موعود، امری الهی و سری از اسرار اوست که فقط به ذات مقدس ربوبی اختصاص دارد. در نتیجه، ظهور مسلم است، اما ناگهانی خواهد بود. روایت، نهی از تعیین ظهور دارد. کسانی که برای ظهور زمان شخصی را پیش‌گویی می‌کنند، دروغ‌گویانند.

۱. مهرداد مهرین، دین بهی و فلسفه دین زرتشت، ص ۷۸-۷۹؛ علی رضا ابراهیم،

مهدویت در اسلام و زرتشت، ص ۱۰۰.

۲. م. میلر ویلیام، مسیحیت چیست؟ ترجمه کمال مشیری، حیات ابدی، ص ۷۶.

ظهور موعود در راستای یک سلسله علایم مطرح شده و این علایم و حوادث، به دو دسته‌اند: یک دسته، علایم غیر حتمی است که امکان دارد مورد محو و اثبات الهی قرار گیرد و دسته دیگر، از علایم حتمی ظهور می‌باشد که با رخ دادن چنین حوادث، ظهور قطعاً رخ می‌دهد و این هم به معنای تعیین دقیق روز و ساعت ظهور نیست.

ط) نشانه‌های حتمی ظهور

در روایتی علایم حتمی ظهور، مطرح شده است که ابتدا به اصل روایت اشاره و سپس به توضیح علامت‌های پنج‌گانه آن می‌پردازیم. بدین ترتیب، نتایج حاصل از روایت، که همان ظهور منجی عالم است، به دست خواهد آمد.

«خَمْسَ عَلاَیْمٍ، قَبْلَ قِیامِ الْقائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْیَمَانِی وَ السَّفِیَانِی، وَالْمَنادِی ینادِی مِنَ السَّماءِ وَ خَسْفِ بِالْبِیداءِ وَ قَتْلِ النَّفْسِ زَکِیةٍ؛ پنج چیز از علامت‌های پیش از ظهور است: قیام مردی از یمن و قیام سفیانی، ندایی از آسمان، فرو رفتن زمین در بیداء و قتل نفس زکیه.»

یکم. قیام سفیانی

سفیانی مردی است که از سرزمین شام خروج کند. وی از نسل بنی‌امیه است. نام واقعی او عثمان پسر عنسبه، دارای چهره‌ای زشت (در اثر آبله) است. او در سرزمین شام قیام می‌کند و با دو فرمانده دیگر به نام‌های، اصهب و ابقع می‌جنگد و با مقاومت آنها مواجه می‌شود. طبق حدیثی از امام باقر علیه السلام، اولین سرزمینی که در اثر جنگ ویران می‌شود، شام است. جنگ

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۵۵۴.

میان این دو فرمانده و سفیانی، پنج ماه ادامه می‌یابد و سرانجام با پیروزی سفیانی به پایان می‌رسد. بدین ترتیب، زمینه حاکمیت برای سفیانی آماده می‌شود و او بر منطقه شام تسلط می‌یابد. سفیانی به مدت نه ماه در سرزمین شام حکومت می‌کند و پس از آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، ظهور می‌کند.

دوم. قیام یمانی

یمانی فرمانده نظامی است که با سپاهی، از طرف یمن قیام می‌کند و به عراق می‌آید. چنان‌که سفیانی نیز، هم‌زمان با خراسانی، از ایران به عراق حمله خواهد کرد. طبق حدیث، قیام یمانی و سفیانی و خراسانی، برای ایجاد یک جنگ خونین، در یک سال و یک ماه و یک روز رخ می‌دهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خروجُ السفیانی و الیمانی و الخُراسانی فی سنةٍ الواحدة، فی شهرٍ واحدٍ و یومٍ واحدٍ»^۱

سوم. کشته شدن نفس زکیه

داستان نفس زکیه زمانی آغاز می‌شود که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، در مرحله ابتدای ظهور و به عنوان یک قیام منجی گرایانه در مدینه به سر می‌برند. سفیانی سپاهی به آنجا گسیل می‌کند اما پیش از آن‌که این سپاه به مدینه برسد، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه یکی از پیروان خود به نام محمد بن حسن را به مکه مکرمه می‌فرستند، تا ساکنان آنجا را برای یاری به قیام کنندگان مدینه فرا بخواند. اما مکیان این دعوت را رد می‌کنند و محمد بن حسن را در میان رکن و مقام، سر می‌برند.

۱. غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، ص ۳۶۹.

چنان‌که در روایت آمده است، عرش الهی از گناه هولناک و هتک حرمت خانه خدا می‌لرزد. پس از این واقعه، خداوند به مگس‌ها مهلت نمی‌دهد و دقیقاً طبق روایت، ظهور فرخنده منجی عالم پس از پانزده شب از کشته شدن نفس زکیه، رخ می‌دهد.

چهارم. خسف بیداء

بیداء بیابانی نرم، هموار، بی‌آب و علف و نام سرزمینی است میان مکه و مدینه، که البته به مکه نزدیک‌تر است. در حدیث آمده که در آن‌جا نماز گزاردن نهی شده، زیرا آن سرزمین مورد غضب خداوند قرار گرفته است. هنگامی که سپاه سفیانی برای قتل حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه، عازم مدینه می‌شوند، آن حضرت به سوی مکه می‌رود. به فرمانده سپاه سفیانی خبر می‌رسد که حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه، به سوی مکه رفته است. وی لشکر را به دنبالش می‌فرستد. هنگامی که سپاه سفیانی در صحرا فرود آمد، آواز دهنده‌ای از آسمان ندا می‌دهد: «ای دشت آن قوم را نابود ساز». پس آن سرزمین، آنها را به اذن خدا به درون خود فرو می‌برد و هیچ‌کس از آنها نجات نمی‌یابد مگر سه تن که از قبیله کلب بودند و رویشان را به پشت‌شان برمی‌گردانند:

«فَيَنْزِلُ أَمِيرَ الْجَيْشِ السَّفِيَانِيِّ الْبَيْدَاءِ فَيُنَادِي مَنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَبْيَدِي الْقَوْمَ ...»^۱

پنجم. صیحه آسمانی

این صدای بسیار مهیب که در سپیده دم شب قدر، یعنی شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، آخرین ماه عصر غیبت کبری رخ می‌دهد. به

۱. غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، ص ۴۰۲.

دنبال آن در ماه محرم الحرام همان سال، ظهور واقع می‌شود. وجود مبارک امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«انّ المُنَادِي يُنَادِي انّ المَهْدِيّ من آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ... بِاسْمِهِ وَاسْمِ أَبِيهِ.»^۱
علامت‌هایی که بیان شد، از علایم حتمیه‌ای هستند که در پیش‌گویی‌های ائمه طاهرین علیهم السلام منعکس شده است. البته نشانه‌های ظهور بیش از این موارد است که در روایت از آنها به نشانه‌های غیرمحتوم تعبیر شده است. قیام ناگهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، از مسائلی است که همه ادیان به ناگهانی بودن آن، متفقند. اما هیچ‌کس زمان قیام را نمی‌داند و فقط از راه نشانه‌ها می‌توان، زمان ظهور را حدس زد.

حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه الشريف

یکی از بحث‌های مهم در زمینه مهدویت، حکومت واحد جهانی است. به این معنا که روزی دنیا، زیر پرچم واحد و با یک حکومت و قانون اداره شود؛ یعنی جهان با این وسعت، با داشتن سلايق و افکار گوناگون و تنوع سیاسی و نژادی و...، بتواند زیر پرچمی واحد قرار گیرد و یک حکومت، جهان را اداره کند.

روند اندیشه حکومت جهانی و این‌که جهان با حکومت واحد اداره شود، از جمله مسائلی است که از دیرباز در اذهان بشر وجود داشته و خداوند منان منشأ این تفکر را در آفرینش انسان‌ها قرار داده است و انسان‌ها دریافته‌اند که جهت دستیابی به کمال و سعادت واقعی، باید زندگی خود را براساس نظم و انسجام پی‌ریزی کنند. این نظم و هماهنگی، در قالب تشکیل یک نظام واحد که بر دنیا حاکم شود، امکان‌پذیر خواهد بود. اما در این‌که اندیشه حکومت جهانی را انبیا القا کرده‌اند یا از تمایلات نفسانی بشر است؟ دو دیدگاه مطرح شده است:

دسته‌ای بر این اعتقادند که مبدع اندیشه حکومت جهانی، خود بشر است. ظلم و ستم‌هایی که در طول تاریخ از سوی ظالمان بر بشریت روا شده‌اند، در برابر بشر، تئوری حکومت جهانی را به وجود آورده‌اند. این نظریه هیچ ربطی به ادیان ندارد.

برخی نیز، بر این باورند که طرح حکومت جهانی و نجات بشر، از ادیان شروع شد. دانشمندان و زمام‌داران هم، آن را براساس فطرت دنبال کرده‌اند. به هر صورت، مبدع اندیشه حکومت جهانی بشر باشد یا ادیان، اصل ایده حکومت واحد جهانی موعود، متعلق به بشریت است. با ملاحظه تاریخ، به این نتیجه می‌رسیم که تنها راه نجات بشر از ظلم و بی‌عدالتی، در سایه حکومت جهانی مهدوی بودن است. دانشمندان نسبت به این مسئله اتفاق نظر دارند.

انبیای الهی نیز، با مشاهده ظلم‌هایی که بر بشریت می‌شد، برای تأمین سعادت انسان‌ها طرح حکومت جهانی را به تبع عقل و فطرت مطرح کرده و آنها در طول زندگی خود، زمینه‌سازان ظهور و پدیدآوران حکومت جهانی موعود بودند.

۱. ادیان و حیانی و حکومت جهانی

از نظر ادیان، خداوند متعال به وسیله انبیاء علیهم‌السلام حکومت جهانی را طراحی کرده است، زیرا همه پیامبران، بشر را به حاکمیت مطلقه جهانی ذات حق، دعوت کرده‌اند و از روز نخست که خداوند، آدم علیه‌السلام را آفرید، هدفش حکومت جهانی بود و نمی‌خواست که مردم با هم جنگ کنند. با تأسف تزاخم و تعارض منافع بشر در جمهوری‌های کوچک، مانع از فراهم شدن زمینه حکومت جهانی شدند. تلاش‌های انبیا و اولیا، مقدمه ایجاد حکومت

واحد جهانی بود. آنها آمدند تا به مردم رشد فکری بدهند که از آن جمله، آمادگی‌های رسیدن بشر به حکومت جهانی و بلوغ فکری آنهاست.^۱

الف) حکومت جهانی در اندیشه زرتشت

حکومت جهانی در اندیشه زرتشت، تحت عنوان مدینه فاضله مطرح شده است. از منظر زرتشت، حاکم مدینه فاضله حکیم، عادل و دانای خلاق می‌باشد. افلاطون در کتاب جمهوریت خود، این مقوله اساسی را در فرهنگ سیاسی مطرح می‌کند و خود را از آموختگان زرتشت می‌داند و اشاره می‌کند که چندین سده پیش از وی، زرتشت حکیم و اصلاح طلب زندگی می‌کرده است.

از جمله مسائل مهمی که زرتشت در حکمت خسروانی مطرح کرد - که رجمه دقیق آن بعدها در آثار افلاطون، نو افلاطونیان، فلاسفه و ارباب ادیان عدی انعکاس پیدا کرد - فلسفه سیاسی زرتشت به نام مدینه فاضله است. از غدغه‌های جدی زرتشت، رسیدن بشر به مدینه فاضله بود. او می‌گوید که در مهر آرمانی، فرمانروا باید حکیم، عادل و از برجسته‌ترین دانایان باشد.

در جایی به مردم هشدار می‌دهد که مبادا حاکم ستمگر به شما حکومت کند و به گزرات می‌فرمود: «کرپن‌ها را که به نام دین شما را ریب می‌دهند فرمان نبرید.» آنها Karapan، کاهنان عصر زرتشت بودند که تسلط جابرانه بر مردم داشتند. به همین دلیل، خیلی‌ها می‌گویند که زرتشت نوآور و اصلاح‌گر بود که می‌خواست با مبارزه علیه ظلم و عدالتی، جهانی تازه پدید آورد.^۲

سید حسن، ابطحی، مصلح غیبی، ص ۳۲.

هاشم رضی، زرتشت، پیامبر ایران باستان، ص ۷۵-۷۶.

ب) حکومت جهانی در عهدین

مخالفان اندیشه حکومت جهانی مهدوی، برای کم‌رنگ کردن اعتقاد به حکومت جهانی مهدوی، چنین القا می‌کنند که حکومت جهانی و آینده روشن بشر، مولود ترس و جهل شکست‌خوردگان تاریخ است که بدان دل بسته‌اند. اما به عکس پندار یأس‌گرایان، باید گفت که اعتقاد به آینده روشن و حکومت جهانی موعود، روزبه‌روز در میان ملت‌ها و مکتب‌های غیر الهی در حال افزایش است. حاکمیت عدالت و صالحان از محکومات اصول ادیان آسمانی به حساب می‌آید که در عهدین فراوان به آن بشارت داده شده است. در عهد عتیق چنین مطرح شده است:

«زیرا که شریران منقطع خواهد شد و اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد.»

خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث‌شان ابدی خواهد شد، زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد، اما ملعونان وی منقطع می‌شوند.

صالحان وارث زمین شده در آن ساکن خواهند شد.^۱

اما در عهد جدید، حکومت جهانی تحت عنوان بازگشت عیسی علیه السلام مطرح شده است. به این معنا که در آخرالزمان، عیسی مسیح علیه السلام بیاید و جهان را پر از عدل و داد نماید. از فرازهای انجیل هم استفاده می‌شود که حضرت عیسی علیه السلام، به فرا رسیدن حکومت جهانی بشارت‌هایی داده است.

لازم است که انجیل اول به تمام امت‌ها موعظه شود.^۲

۱. مزامیر، مزمور ۳۷: ۹، ۱۸، ۲۳، ۲۹.

۲. انجیل، مرقس، باب ۱۳: ۱۰.

«... خوشا به حال شما ای مساکین، زیرا ملکوت خدا از آن شماست. خوشا به حال شما، اکنون گرسنه‌اید، زیرا که سیر خواهید شد. خوشا به حال شما که الآن گریانید، زیرا که خواهید خندید.»^۱

خداوند در زمان تشکیل دولت جهانی موعود و فرا رسیدن حاکمیت ملکوت خدا، مسکینان و کسانی که در طول تاریخ ستم کشیده‌اند را به حق و آرزویشان می‌رساند و از سنت‌های تغییرناپذیر الهی است که خداوند در عهدین، فراوان وعده داده است.

ج) حکومت جهانی در اندیشه اسلام

اسلام دینی است که از آغاز، ادعای ظهور حکومت جهانی را داشته است. در اسلام، مرز قومیت و نژاد به معنای مصطلح و مرسوم امروزه معنا ندارد. دین اسلام به همه ملیت‌ها و اقوام، به یک چشم نگاه می‌کند و از آغاز کوشیده است تا ریشه ملیت‌گرایی را بسوزاند. آیه‌های قرآنی که در این زمینه نازل شده و نزول آنها در مکه هم صورت گرفته است، حکایت از تحقق حکومت جهانی دارد. برای نمونه به چند آیه اشاره می‌کنیم:

۱. ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲

نفرستادم تو را مگر این که برای همه مردم بشارت دهنده و باز دارنده باش، ولی بیشتر مردم نادانند.

۱. انجیل، لوقا، باب ۶: ۲۰-۲۱.

۲. سبأ، آیه ۲۸.

۲. ﴿قُلْ يَتَأْتِيهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا﴾^۱

ای مردم من فرستاده خدایم بر همه شما.

۳. ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ

نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ

الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۲

کافران می خواهند تا نور خدا را با گفتار باطل خویش خاموش کنند.

البته خدا نور خود را هرچند کافران خوش ندارند، تمام خواهد داشت.

اوست خدایی که فرستاد رسولش را برای هدایت با دین حق، تا دینش

را غالب بر ادیان دیگر کند، هرچند مشرکان نپسندند.

از این آیه ها روشن می شود که سرانجام حکومت جهانی محقق شده

و دین اسلام بر همه ادیان غالب خواهد شد. در مجمع البیان ذیل همین

آیه آمده است که امیر مؤمنان علیه السلام در پاسخ یاران خود درباره تحقق

پیروزی حق بر باطل فرمودند: «آن پیروزی محقق نمی شود مگر زمانی که

بانگ لا اله الا الله، صبح و شام در سراسر جهان به گوش برسد.»^۳

از بررسی های تاریخی به دست می آید هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله،

ندای اسلام را به گوش مردم سراسر جزیره العرب رسانید، با نشر معارف

عالیه، انقلاب عظیم فکری و اعتقادی در آن سرزمین پدید آورد. دعوت

ملل و اقوام دیگر بشری را آغاز کرد. آسان ترین راهی که پیامبر صلی الله علیه و آله،

توانست دعوتشان را به گوش آنها برساند، آن بود که دعوت اسلام را به

۱. اعراف، آیه ۱۵۸.

۲. توبه، آیه ۳۲ و ۳۳ و صف، آیه ۸ و ۹.

۳. ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان، تصحیح و تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی و سید فضل الله یزدی طباطبایی، ص ۴۲.

زمام‌داران و امپراطوران آن روزگار ابلاغ نمایند. دعوت‌نامه‌هایی مبنی بر پذیرش دین اسلام به امپراطوری‌های ممالک بشری آن روز فرستاد. آنها دعوت اسلام را منافی با منافع خود دیدند، در نتیجه، از این دعوت سر باز زدند. اولین نامه به امپراطوری روم (هرقل)، دومین نامه به امپراطور ایران (خسرو پرویز)، نامه سوم به سلطان مصر (مقوقس) و نامه چهارم به سلطان حبشه (نجاشی)، که متن این نامه‌ها در کتب تاریخ موجود است.^۱

د) حکومت جهانی در اندیشه دانشمندان و مقتدرین جهان

ایده حکومت جهانی و رسیدن بشر به حقوق حقه خویش، در آن زمان از دیرباز، همواره مورد توجه دانشمندان و مقتدرین جهان بوده است. برای نمونه به چند موارد از ایده‌های حکومت واحد جهانی دانشمندان اشاره می‌کنیم:

الف) زنو فیلسوف شهیر یونانی که در حدود ۳۵۰ سال قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کرد، او اندیشه حکومت جهانی را به صورت تئوری برای اصلاح جهان بشریت عرضه داشت که هنوز با کوشش شخصیت‌های بزرگ لباس عمل به خود پوشیده است.

زنو، آن زمان که هنوز ارتباطات افراد دنیا به صورت فعلی در نیامده بود، یعنی توسعه ارتباطی از طریق رادیو، تلویزیون، هواپیما و ماهواره انجام نمی‌شد، آرزوی حکومت واحد جهانی را داشت و تئوری‌های خود را چنین بیان می‌کرد:

«باید تمام افراد دنیا از قانون واحد پیروی کنند تا بتوانند سعادت خود را تأمین نمایند.»

۱. یحیی نوری، اسلام و عقاید بشری، ص ۲۰۹-۲۱۶.

اسکندر کبیر نیز، که ۳۳۰ سال قبل از میلاد مسیح، زندگی می‌کرد از همین نظریه پیروی می‌کرد. وی می‌خواست به وسیله اقتدار خود از یونانیان و ایرانیان آن روزگار، که از ارزش علمی و اجتماعی برخوردار بودند، قوانین واحدی به وجود آورد و آنها را به این وسیله در رفاه و آسایش قرار دهند.^۱

ب) علامه طباطبایی رحمته الله علیه فیلسوف معاصر اسلامی، در زمینه امید بشر به تحقق حکومت جهانی، می‌فرماید: «به موجب قانون هدایت تکوینی که در همه آفرینش جاری است، نوع انسان به حکم ضرورت با نیروی وحی مجهز است که او را به سوی کمال و سعادت راهنمایی می‌کند. اگر این کمال و سعادت برای انسان امکان نداشت، اصل تجهیز به الهام فطری باطل و لغو خواهد بود و لغو در آفرینش وجود ندارد. به عبارت دیگر، روزی که بشر قدم در جهان نهاده، آرزوی سعادت را داشته اگر چنین آرزویی تحقق پیدا نمی‌کرد، هرگز این امید و ایده برای بشر نقش نمی‌بست. اگر غذا نبود، گرسنگی و اگر آب نبود، تشنگی وجود نداشت.

با توجه به این قضایا، به حکم ضرورت باید گفت آینده جهان، روزی را خواهد دید که آن روزگار جامعه بشری پر از عدل و داد می‌شود. این وضع به دست خود انسان است و رهبری چنین جامعه، به لسان روایت مهدی علیه السلام خواهد بود. ادیان به چنین آینده‌ای بشارت داده، گرچه در تطبیق اختلاف دارد، اما مورد اتفاق همه برجیده شدن ظلم و استقرار عدالت است.»^۲

۱. سید حسن ابطحی، مصلح غیبی، ص ۱۹-۲۰.

۲. شیعه در اسلام، ص ۲۲۱.

بنابراین، با اندک دقت در تاریخ و سخنان فلاسفه غرب و شرق قدیم و جدید، روشن می‌شود که سیر اندیشه حکومت واحد جهانی پویا و فعال، دوشادوش دانشمندان و مقتدران جهان بوده است. دانشمندان تئوری حکومت جهانی را با الهام از فطرت و ادیان قرن‌ها پیش القا کردند. سیاست‌مداران جهان نیز، با کشورگشایی و فتح جهانی در گذشته و امروز، اندیشه حکومت جهانی را دنبال کرده و می‌کنند. آنچه که بعدها به نام سازمان ملل یا شورای امنیت و... به وجود آمد، همه زائیده اندیشه حکومت جهانی است که سال‌ها پیش، دانشمندان و ادیان آن را ارائه کرده‌اند.

ایده حکومت جهانی، از قلمرو توان بشری خارج نیست. وعده آن در ادیان و تئوری‌های دانشمندان مطرح و نمونه‌های آن در قرون گذشته واقع شده است. در شرایط کنونی بحث از حکومت جهانی از پنجاه سال پیش آسان‌تر است، زیرا دنیا صرف‌نظر از افکار مسلمان‌ها به سمت حکومت جهانی حرکت می‌کند.

تعابیری چون دهکده جهانی، دنیای تک‌قطبی، تأسیس بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، پلیس بین‌المللی و بهداشت بین‌المللی، نمونه‌هایی از این حرکتند که دیگر با وجود این بحث‌ها، حکومت جهانی واحد امروز، در گوش و اذهان بشر، مانوس و قابل تحقق خواهد بود.

ایده حکومت جهانی، صرف تئوری نخواهد بود؛ گرچه دغدغه‌هایی برای بشر وجود دارد اما چگونه یک حکومت می‌تواند جهان را اداره کند به یقین، این کار در عمل محقق نمی‌شود. در پاسخ باید گفت که خوش‌بختانه پس از جنگ جهانی دوم، افکار دانشمندان و جامعه‌شناسان، تحول عجیبی پیدا کرده است. حتی گفتمانی از حکومت واحد در

سازمان ملل مطرح شده و برخی از دانشمندان غربی باور دارند که بشر سر یک دو راهی قرار دارد؛ یا حکومت جهانی را قبول کند یا نابود شود و این بشر در اثر جنگ آنقدر به این مسئله نزدیک شده که می‌گوید راه نجات بشر، در حکومت واحد جهانی است.

۲. ویژگی‌های حکومت عدل جهانی

الف) فراگیر و جهانی

مفهوم جهانی شدن و مفاهیم نزدیک به آن از نظریاتی هستند که از سوی بیشتر پژوهشگران مسائل سیاسی و امور بین‌الملل، برای توصیف وضعیت کنونی حاکم بر نظام بین‌المللی به کار می‌روند و از سویی هم، دانشمندان با دیدگاه‌های متفاوت، برای جهانی شدن تعریف‌هایی ارائه کرده‌اند که برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

یکم) جهانی شدن و تعریف‌ها

جهانی شدن، به یک فرآیند اجتماعی است که از مدت‌ها پیش آغاز شده و رو به گسترش است. در این فرایند، قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده، از زوال این قید و بندها آگاه می‌شوند.^۱

جهانی شدن عبارت است از: گسترش تجارت آزاد و پذیرش اصول اقتصادی لیبرالیسم و سرمایه‌داری که البته تحولات اقتصادی در حوزه فرهنگ و سیاست نیز، تأثیرگذارند.^۲

۱. عبدالرسول بیات، با همکاری جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها، ص ۲۴۶-۲۴۷.

۲. همان.

برخی جهانی شدن را با توجه به بعد سیاسی آن تعریف می‌کنند. از نظر آنها جهانی شدن، فراگیر شدن دموکراسی لیبرال و کم‌رنگ شدن حاکمیت ملی و کشورهاست.^۱

رابرتسون در تعریف جهانی شدن می‌گوید: جهانی شدن یا سیاره‌ای شدن جهان، مفهومی است که هم به تراکم و فشردگی جهان و هم به گسترده‌گی آگاهی انسان‌ها درباره جهان، به عنوان یک کل منسجم آگاه از یک پارچگی جهان در قرن بیستم اشاره دارد.^۲

به یقین، جهانی شدن از ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، قابل تحقیق و بررسی است. بنابراین، در تعریف جهانی شدن، اتفاق نظری وجود ندارد، زیرا دانشمندان آن را با رویکردهای متفاوت تعریف کرده‌اند. اما وجه اشتراک همه این تعریف‌ها این است که جهانی شدن، کم‌رنگ شدن دایره مدار مرزهای جغرافیایی، توسعه تجاری، فرهنگی با وسایل پیشرفته است. در عصر جهانی شدن، روابط چهره‌به‌چهره نقش خود را از دست می‌دهد. جهانی شدن و سیاره‌ای شدن، مفهومی دارد که بر اثر تراکم جهان هم‌چون یک کل به هم پیوسته و یک پارچه، حرکت به سوی یک جامعه جهانی واحد را نوید می‌دهد.

دوم. پیشینه جهانی شدن

جهانی شدن از لحاظ تاریخی، به جهت داد و ستد جوامع به‌ویژه در عرصه فرهنگ و مذهب، به تاریخ اجتماعی بشر باز می‌گردد. اما به مفهوم نوین آن با مدرنیسم همراه بوده، به‌ویژه در قرن بیستم که شتاب فزاینده‌ای به خود گرفته است.

۱. همان.

۲. همان.

در قرن نوزدهم، سن سیمون جامعه‌شناس اروپایی، دریافته بود که صنعتی شدن عامل تشدید رفتارهای مشابه در کشورهای اروپایی بوده است. از سوی دیگر، ماکس وبر جامعه‌شناس آلمانی، گسترش عقلانیت ابزاری را روند عام جهانی شدن تلقی می‌کرد. کارل مارکس نیز، در آثار خود طی تحلیل‌های فراوان، مراحل رسیدن به یک جامعه جهانی (سوسیالیستی) و نابودی دولت‌ها را پیش‌بینی و بیان می‌کرد.

اما سیر تاریخی مفهوم جهانی شدن، نشان‌دهنده این است، مارشال مک لوهان، از دهه ۶۰ میلادی مفهوم دهکده جهانی را مطرح کرد. او بر نقش رسانه و وسایل ارتباط جمعی در گسترش فرهنگ جهانی، تأکید فراوانی داشت. به نظر مک لوهان، ارتباطات الکترونیکی، جهان را هم‌چون یک رشته اعصاب به هم پیوند داده است.

پیشرفت وسایل ارتباطی، به انفجار اطلاعات انجامیده و مدارهای الکتریکی، نظام مکان و زمان را در هم نوردیده‌اند. این پدیده، گفت‌وگو در مقیاس جهانی را ممکن ساخته است. گرچه تمام متفکران در قالب‌های گوناگون به مفهوم جهانی شدن اشاراتی داشته‌اند. شیوع مفهوم جهانی شدن بیشتر مدیون رولاند رابرتسون در دهه ۸۰ بوده است.

روند افزایش مفهوم جهانی شدن در کوتاه‌ترین زمان، به دلیل مورد توجه واقع شدن اصطلاح جهانی شدن، از سوی محققان، در سال‌های پایانی سده بیستم است و می‌توان گفت از ویژگی‌های پایان قرن بیستم، بازتاب فراگیر جهانی شدن است.^۱

البته پیشینه جهانی شدن را می‌توان به عمق تاریخ پیدایش بشر، مرتبط دانست، زیرا جامعه‌شناسان و باستان‌شناسان معتقدند که زندگی بشر، از زندگی

۱. مجله علمی و تخصصی معرفت، در زمینه علوم انسانی، ص ۱۰۹.

محدود خانوادگی و انفرادی در جنگل‌ها و غارها شروع و به تدریج به جمعیت‌های عشیره‌ای و قبیله‌ای و اجتماعات محدود در کنار چشمه‌ها و رودخانه‌ها و پس از آن به روستاها و واحدهای کوچک‌تر مبدل شد. سپس شهرها به وجود آمدند و از شهرها، کشورها و دولت‌ها پدید آمدند. بنابراین، روند زندگی بشر به سوی جهانی شدن در حرکت است و این حرکت، از قرون اخیر سرعت بیشتری به خود گرفته است. با بهره‌گیری از وسایل جدید ارتباط جمعی، حرکت به سوی جهانی شدن شتاب بیشتری خواهد گرفت.

ادیان بزرگ مانند: یهودیت، مسیحیت و اسلام، اندیشه جهانی شدن را پذیرفته‌اند زیرا در طول حیات بشر در ادیان آسمانی مسئله جهانی شدن مورد توجه بوده است. عطش بشر به سیر در طبیعت و تاریخ، که دو منبع مهم شناخت به حساب می‌آیند، شاهد این مدعا است.

از آنجایی که دین، ادعای برخاستن از فطرت بشر و پاسخ‌گویی به نیازهای فطری بشر را دارد، طبیعی است که پیام دین با موضوع رسالت جهانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خاتمیت آن حضرت، معنای روشن‌تری پیدا می‌کند. پس از آن روشن شد که جهانی شدن با ذات بشر آمیخته و بشر به‌طور فطری خواهان زندگی اجتماعی بزرگ است. چنان‌چه سیر تاریخی بشر گویای همین مسئله است.

اکنون باید بررسی کرد که جهانی شدن یک جریان و فرایند پروسه‌ای است یا پروژه‌ای یا این که هیچ‌کدام از اینها نیست؟ بلکه یک فرایند طبیعی و معلول پیشرفت و تکامل فناوری و اطلاعات علمی بشر است؟

سوم. طرح دیدگاه‌ها درباره جهانی شدن

برخی از دانشمندان پدیده جهانی شدن را از لحاظ شکلی یک پروسه تاریخی می‌دانند که در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی و ارتباطات

هم چون تلفن، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و... به وجود آمده است. براساس این دیدگاه، این وسایل موجب آشنایی ملل جهان با فرهنگ‌ها، ادیان و ایدئولوژی‌های مختلف ملل شده و این امر پدیده جهانی شدن را فراهم آورده که جوامع قرن بیست و یک آن را تجربه می‌کنند و در نتیجه، زمینه گفت‌وگوی بین‌المللی، راجع به مسائل فکری، سیاسی و ایدئولوژی فراهم شده است تا از این طریق، ملت‌ها به یک فرهنگ و ایدئولوژی مشترک که موجب اتحاد و انسجام ملی می‌شود، دست پیدا کنند.

عده‌ای از دانشمندان چون فرانسیس فوکویاما، تامپلسون و... جهانی شدن را پروژه‌ای غربی می‌دانند. طبق این دیدگاه، جهانی شدن جز ادامه رسالت دینی انسان سفید سرمایه‌داری غربی، چیز دیگر نمی‌تواند باشد. غربی‌ها تلاش دارند تا به همه مردم جهان، لباس جدید غربی بپوشانند. گرچه با تهاجم فرهنگی و استفاده از صنعت و علم، تا حدودی توانسته‌اند فرهنگ خود را به عنوان فرهنگ غالب و برتر به جهانیان معرفی کنند. آنها نظام لیبرالیسمی و سرمایه‌داری را به عنوان الگوی برتر فرهنگ‌ها به جهانیان تبلیغ می‌کنند. به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی و نظام سوسیالیستی کمونیست، تبلیغات غربی‌ها اوج پیدا کردند. تا جایی که آنها تک قطبی شدن جهان را ادعا کردند که در واقع، این جهانی‌سازی است که دولت لیبرال، دموکراسی آن را هدایت می‌کند تا فرهنگ‌های دیگر را با قدرت تکنولوژی نابود سازند.^۱

این دیدگاه براساس مبنای فکری هم‌چون: انسان محوری، سکولاریسم، لیبرالیسم و حس‌گرایی استوار است که در نقطه مقابل مبانی

۱. علی‌اصغر رضوانی، مهدویت و جهانی‌سازی، ص ۱۰-۱۲.

فکری حکومت جهانی مهدوی قرار دارد و با مؤلفه‌های حکومت جهانی مهدوی ادیان، ناسازگار است.

چهارم. نقد مهم‌ترین مبانی فکری جهانی‌سازی غرب

انسان محوری

تمدن غرب از لحاظ مبانی فکری، بر محوریت انسان استوار است و این نمونه انسان محوری که جای خدا محوری را در تمدن آنها گرفته، متأثر از نظریه تحول طبیعی داروین و از آن هم فراتر رفته است.

تمدن غرب معتقد است که هرچیز حتی فلسفه و دین، مشمول قانون تحول خواهد بود. این طرز تفکر، موجب انکار آفرینش جهان و انسان از طرف خدا می‌شود و از هرگونه معنویت به دور است، زیرا این یک نگاه مادی‌گرایانه به همه چیز است.

حکومت جهانی مهدوی، براساس خدا محوری استوار خواهد بود که این دیدگاه، هم به امور مادی توجه دارد و هم به مسائل معنوی و زیربنای این نظریه بنیادگرایی دینی است.

سکولاریسم

غرب در تمدن خود بر جدایی دین از سیاست و زندگی اجتماعی بدون دین، اصرار دارد. درحالی‌که حکومت جهانی مهدوی، بر جدایی نبودن دین از سیاست مبتنی است. در این دیدگاه، سیاست و دین تفکیک ناپذیرند، زیرا انبیا و اوصیای الهی در طول تاریخ علاوه بر اصلاح درونی و اعتقادی انسان بر اصلاح زندگی اجتماعی و برپایی عدل و نابودی ظلم، مأمور بودند. آنچه موجب نابودی انسان‌ها شده، جدایی دین از

سیاست است. حکومت مهدوی، دینی است که احکام الهی در آن پیاده و عملی می‌شود. بنابراین، اگر جهانی شدن به معنای جهانی سازی غربی باشد، به هیچ وجه با آموزه‌های مهدویت سازگاری ندارد.

اما اگر جهانی شدن از محتوای غربی تخلیه شود و به معنای هم‌گرایی جهانی باشد که به تشکیل حکوت جهانی منتهی شود، از لوازم حکومت جهانی محسوب می‌شود و رهبری این حکومت جهانی را جز یک انسان معصوم، کس دیگری نمی‌تواند عهده‌دار شود.

به عبارت دیگر، رهبر حکومت جهانی، باید مردی الهی باشد. انسانی که برترین و نزدیک‌ترین انسان‌ها به خدا باشد و برای خدا کار کند. از آن مرد الهی در متون دینی ادیان، به نام‌های گوناگونی یاد شده است که تطبیق آن مرد الهی، طبق روایت فقط با منجی عالم بشریت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است.

لیبرالیسم

فرهنگ لیبرالیسم غربی، به معنای بی‌بندوباری - که آزادی‌های نامشروع را به انسان هدیه کرده - است. از نظر آنها، دولت و دین حق ندارند که این آزادی را از انسان سلب کنند و هرکس با آزادی کامل می‌تواند خواسته‌های خود را برآورده سازد.

این مبنا، هم با آموزه‌های دولت جهانی مهدوی سازگار نیست، زیرا مهدویت، انسان را به فضیلت دعوت می‌کند و آزادی انسان را در چارچوب فضیلت و معنویت می‌داند. آموزه‌های حکومت جهانی مهدوی، با آزادی‌های انسان منافاتی ندارد، زیرا خدا انسان را آزاد آفریده و این آزادی به این معنا نیست که انسان قانون نداشته باشد و یا آن را

بشکند و اسباب اذیت و آزار دیگران را فراهم کند. هر انسان نمی‌تواند به کمال و فضیلت برسد، یعنی خود را از هرگونه بندگی به غیر خدا، آزاد کند. در حکومت جهانی مهدوی، انسان فقط بنده خداست.

حس‌گرایی مطلق

از مبانی فکری غربیان، حس‌گرایی است. بر این اساس، واقعیت اشیاء زمانی ثابت می‌شود که از راه تجربه به اثبات رسیده باشد. به عبارت دیگر، از راه حس و عقل محض ثابت شود. درحالی‌که مبانی فکری مهدویت، با ارج نهادن به عقل، بر مبنای وحی و معارف و حیانی استوار است. تفاوت این دو مبنا در این است که غربی‌ها، به امور مادی‌گرایانه توجه می‌کند.

هدف از جهانی‌سازی آنها، تسلط بر جهان است. مسلح شدن آنها به علم و دانش، منجر به استکبار آنها شده است. به همین دلیل، آنها ادعای رهبری جهان را دارند. درحالی‌که، آنها ناقض حقوق بشر و منشأ بی‌عدالتی و ناامنی در جوامع انسانی شده‌اند. اما در آموزه‌های مهدویت بر گسترش عدالت سراسری، تأکید می‌شود. در نگاه حکومت مهدوی، انسان‌ها در شرق و غرب با هم برابر و همه آنها بندگان خدا هستند.^۱

بنابراین، در آموزه‌های ادیان از جمله دین اسلام، موضوع جهانی شدن و جهانی‌سازی مورد توجه واقع شده است؛ اما معنا و مفهومی که اسلام از جهانی شدن ارائه می‌دهد، با مفهومی که غربی‌ها القا می‌کنند، کاملاً متفاوت است.

به هر حال، اگر روند جهانی شدن با سیر طبیعی خود پیش برود و غربی‌ها و صاحبان قدرت، آن را به نفع خود سازمان‌دهی نکنند، می‌تواند

۱. مهدویت و جهانی‌سازی، ص ۱۸.

زمینه‌ساز حکومت جهانی مهدوی باشد که ادیان آن را سال‌ها پیش بشارت داده است.

ب) عدالت‌گستری

منظور از عدالت در این بحث، عدالت اجتماعی است. در طول تاریخ دیدگاه‌ها و برداشت‌های متعددی از آن شده است. در ادامه به اجمال به بررسی آنها می‌پردازیم:

یکم. عدالت در لغت و اصطلاح

واژه عدالت معانی متعددی دارد که مهم‌ترین آنها تساوی، مساوات، درستی و حقانیت است که در برابر ظلم و جور، قرار می‌گیرد:

«الْعَدْلُ مَا قَامَ فِي النُّفُوسِ أَنَّهُ مُسْتَقِيمٌ وَهُوَ ضِدُّ الْجُورِ»^۱

اما در اصطلاح، از عدالت اجتماعی با نگاه‌های متفاوت برداشت‌های متفاوتی ارائه شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

دوم. عدالت اجتماعی به مثابه تناسب

در یونان باستان از عدالت، به «تناسب با طبیعت و فضیلت‌های دیگر» تعبیر شده است. افلاطون، عدالت را حد وسط نقطه تعادل سه قوه خرد، اراده و شهوت در انسان می‌دانست. وی هم‌چنین خردمندی، شجاعت و اعتدال را به عنوان سه فضیلت عمده انسان نام می‌برد که عدالت ارتباط میان این فضیلت‌ها و تناسب با آنهاست.

۱. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۲۷۵؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۱۵۴.

در اندیشه افلاطون، عدالت در سطح اجتماعی نیز، به مفهوم تناسب و قرارگرفتن افراد جامعه در طبقه‌های خاص خود است. افلاطون جامعه را متشکل از سه طبقه فرمانروایان، نگهبانان و توده مردم، می‌داند. از نظر وی عدالت اجتماعی به معنای قرارگرفتن هر فرد در طبقه‌ای خاص و برخورداری وی از امتیازهای طبقه خاص خود و نیز، ایفای نقش مخصوص به خود است. بنابراین، در این برداشت عدالت اجتماعی به مفهوم تناسب و قرارگرفتن در جایگاه خاص خود است.

سوم. عدالت اجتماعی به مثابه شایستگی

در این تفسیر عدالت به مفهوم توزیع امکانات و موقعیت‌های اجتماعی براساس شایستگی و لیاقت‌هاست. در این دیدگاه، توزیع امکانات مادی و رفاهی و نیز، توزیع مقام باید براساس شایستگی‌ها و لیاقت‌ها صورت گیرد؛ مثلاً چنین دیدگاهی را می‌توان در آرا و اندیشه‌های ارسطو مشاهده کرد.

ارسطو هم در توزیع امکانات مادی، شایستگی‌های افراد را در نظر دارد و از این رو، به عدالت توزیعی قائل است و هم در نوع و شکل حکومت، طبقه متوسط را شایسته حکومت کردن می‌داند. در واقع، وی به لحاظ اقتصادی و سیاسی، به نوعی شایسته سالاری معتقد است.

چهارم. عدالت اجتماعی به مثابه رعایت تناسب و شایستگی‌ها

این مفهوم از عدالت اجتماعی - که به نوعی ترکیبی از دو برداشت پیشین با مطالب دیگر است - بیشتر از دیدگاه‌های دیگر در میان برخی از اندیشمندان مسلمان رایج بوده است. مثلاً خواجه نصیرالدین طوسی، عدالت را در جمع کمالات و فضیلت‌ها دانسته و وجود آن را مایه تعدیل

قوای دیگر می‌داند. در جایی دیگر می‌نویسد: «عدالت آن است که همه قوای انسانی با یکدیگر اتفاق کنند و قوه ممیزه (عقل) را امتثال نمایند.» اما خواجه نیز، همانند دیگر دانشمندان اسلامی عدالت اجتماعی را رعایت استحقاق‌ها و شایستگی‌ها معنا می‌کند. خواجه قوام حکومت را به عدالت می‌داند و در توضیح شرط اول معدلت می‌نویسد: «عدالت آن است که هر صنفی از جایگاه مستحق خود منحرف نشده و به دنبال غلبه بر صنوف دیگر نباشند، چون این امر منجر به انحراف مزاج از اعتدال و منجر شدن امور اجتماع به فساد است.» در شرط دوم نیز می‌نویسد: «شرط دوم در معدلت آن بود که در احوال و افعال اهل مدینه، نظر کند و مرتبه هر یکی را بر قدر استحقاق و استعداد تعیین کند.» بدین ترتیب ترکیب دو معیار تناسب و رعایت استحقاق‌ها و شایستگی‌ها در آرای خواجه، به روشنی دیده می‌شود.

پنجم. عدالت اجتماعی به مثابه مساوات و برابری

تعریف عدالت اجتماعی به مساوات و برابری، بیشتر در دوران مدرنیته رایج شد. هر چند که ریشه‌های این تفکر در دوران‌های گذشته نیز به گونه‌ای وجود داشته است. برای نخستین بار مکتب رواقیون این دیدگاه را مطرح کردند. از نظر آنها انسان‌ها برابرند و هیچ معیاری برای برتری افراد بر دیگری وجود ندارد.

سیسرون نیز، از جمله اندیشمندانی است که چنین تعبیری را از عدالت اجتماعی ارائه می‌کند. وی برخلاف اندیشمندان یونان باستان، که تلقی طبیعت‌گرایانه (و تناسب با طبیعت) داشتند، معتقد است که عدالت اجتماعی چیزی جز مساوات نیست. وی بر این باور است که انسان‌ها برابر خلق شده‌اند. پس جوهر عدالت اجتماعی نیز، برابری است.

در دوران قرون وسطی نیز، هر چند که نظم طبیعی بر پایه وحی الهی و تفسیر کلیسا تعیین می‌شد، اما در اندیشه برخی از متفکران این دوران، زمینه برای تعبیر جدیدی از عدالت اجتماعی مهیا می‌شود. برای نمونه از نظر آکوئیناس، انسان‌ها حق برخورداری از حد متوسط شرایط زیستن را به‌طور یکسان دارند. مفروض وی در این بحث، مساوات طلبی است. پس از دوران قرون وسطی، تغییرات اساسی در اندیشه سیاسی - اجتماعی به‌وجود آمد که در بحث عدالت اجتماعی حائز اهمیت است.^۱

ششم. عدالت اجتماعی از دیدگاه مکاتب

عدالت اجتماعی را در اندیشه‌های مکاتب که مدعی عدالت هستند مورد بررسی قرار دهیم، زیرا عدالت خواسته فطری بشر است که تعلق به ملیت خاص و فرد خاصی ندارد. حسن عدالت و قبح ظلم، ذاتی است، حتی اگر از ظالم هم پرسیده شود، خواهد گفت که عدالت نیکوست.

هفتم. عدالت اجتماعی و مارکسیست‌ها

نظام سوسیالیست دموکراتیک، که از قرن نوزدهم میلادی با اندیشه کارل مارکس، نظریه پرداز آلمانی وارد مرحله جدید شد و در قرن بیستم میلادی در شوروی سابق به ظهور رسید، عدالت‌خواهی را در توزیع ثروت میان افراد جامعه امکان‌پذیر می‌داند. این برداشت از عدالت اجتماعی، ارتباط بسیاری با عدالت اقتصادی پیدا می‌کند.

۱. عبد الرسول بیات و جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها، ص ۳۷۳-۳۷۷.

در این دیدگاه، ظلم و بی‌عدالتی ناشی از فاصله جامعه و فرد از لحاظ اقتصادی است. بنابراین، جامعه بی‌طبقه و برخوردار از توزیع برابر امکانات اقتصادی، مدیون ایده‌هایی بود که کارل مارکس آلمانی آن را مطرح کرد و در شوروی سابق رواج و رسمیت یافت. رویکرد کمونیستی‌ها به عدالت، جامعه نگر و اجتماع محور بود.

در این دیدگاه مالکیت خصوصی و منافع فرد مقبولیت ندارد. برای این که جامعه برپا باشد، برابری و مساوات در امور ثروت، باید عادلانه در میان جامعه توزیع شود مگر این که فرد ضرر کند، که ضرر فرد فدای آسایش جامعه می‌شود.

هشتم. عدالت اجتماعی و لیبرالیست‌ها

رویکرد لیبرال دموکراسی غرب به عدالت اجتماعی، سیاسی است. عدالت اجتماعی از نگاه آنها به معنای توزیع عادلانه قدرت در جوامع بشری است. دانشمندان لیبرالیستی سعی می‌کردند که قدرت را از دست عده‌ای خاص خارج کنند و آن را مشروط و مقید به فراهم شدن مشارکت افراد جامعه برای رسیدن به قدرت سیاسی کشور کنند که در واقع، همان دموکراسی و آزادی مردم در تعیین سرنوشتشان و مشارکت آنها در سهم‌گیری قدرت است.

نگاه این مکتب به عدالت، با محوریت و اصالت فرد در عرصه سیاسی و حکومتی است. اما افراد در جامعه تلاش می‌کنند که هرچه به دست آوردند، صاحب آن باشند. مالکیت خصوصی، در این مکتب، بر خلاف مکتب مارکسیست پذیرفته شده است، اما در این دیدگاه این که این مالکیت قوام پیدا می‌کند یا نه، اهمیتی ندارد و از راه‌های دیگر قوام اجتماع و جامعه مدنظر خواهد بود.

نهم. عدالت اجتماعی و اسلام

رویکرد اسلام در این زمینه، جامع و همه جانبه است. یعنی عدالت اجتماعی به معنای احترام به حقوق افراد و رعایت مصالح جامعه است. در این دیدگاه و بر اساس آیه شریفه ذیل زندگی فردی و اجتماعی در حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^۱

خداوند در این آیه عدالت را بر احسان مقدم داشته است، چون با عدالت، اساس زندگی جامعه شکل می گیرد.

درباره همین مسئله از وجود مبارک حضرت علی علیه السلام سؤال شد که آیا عدالت بهتر است یا جود؟ حضرت در جواب فرمودند:

«الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتِهَا الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌ وَالْجُودُ عَارِضٌ خَاصٌّ، فَالْعَدْلُ أَشْرَفُ هُمَا وَأَفْضَلُهُمَا.»^۲

وجود مقدس امام علی علیه السلام، عدالت را به دو دلیل برتر از جود می داند: اول آن که؛ عدالت از اصول اعتقادی است، اما جود و احسان از مسائل اخلاقی؛ اصل اعتقادی عدالت، قوام زندگی جامعه را تضمین می کند، در حالی که جود امری است که اگر انجام شود، بهتر است و گرنه باعث نابودی و انهدام جامعه نمی شود.

دوم این که؛ انسان با تمام فرهنگها، زبان، آداب و رسومی که دارد، خواهان عدالت است و به عدالت عشق می ورزد، زیرا گوهر انسان (حق و عدالت)، در فطرت انسان وجود دارد.

۱. نحل، آیه ۹۰.

۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، قصار ۴۳۷.

دهم. نقد دیدگاه مارکسیست

در این نظریه اشکال‌های بسیاری وجود دارد، از جمله این که با قانون مالکیت خصوصی که اسلام آن را پذیرفته است، در اصطکاک قرار دارد. از این گذشته با فطرت انسانی نیز، هم‌خوانی ندارد. در این دیدگاه، تنها به عدالت اقتصادی توجه شده و از عدالت فرهنگی و سیاسی در این رویکرد خبری نیست. حال آن که عدالت اجتماعی، زمانی محقق می‌شود که عدالت در تمام حوزه‌ها برقرار شود.

نگاه مارکسیست‌ها به عدالت، تأثیرهای منفی بسیاری در روند تکامل جامعه دارد. از آن جمله؛ نابودی انگیزه تعطیل چرخ تولید و اختراع و برچیده شدن نیروی خلاقیت؛ در نتیجه حاکمیت روح یأس در میان افراد جامعه که به دلیل از بین رفتن مالکیت خصوصی رخ می‌دهد.

یازدهم. نقد دیدگاه لیبرالیست‌ها

در این نظریه بر خلاف دیدگاه مارکسیست‌ها، سرمایه‌داری و اندیشه فردمحوری در حد بسیار تندی مطرح و در یک کلام از خدا و جامعه خبری نیست و هرچه هست موج اومانیستی است. در این رویکرد روز به روز فاصله طبقاتی افزایش می‌یابد و تهی‌دستان ضعیف‌تر و صاحبان صنعت و تکنیک قدرتمندتر شوند.

به علاوه، روح ایثار و عواطف انسانی در این دیدگاه وجود ندارد و فقط علم و صنعت هستند که حرف اول را می‌زنند. افرادی که قدرت اقتصادی بالایی دارند، در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و... میدان داری می‌کنند.

افراد محروم جامعه، هرگز روی آسایش و عزت اجتماعی را نمی‌بینند. این نگاه به عدالت با بسیاری از آموزه‌های دینی سازگاری

ندارد. مالکیت خصوصی منهای عواطف و احساسات انسانی، هیچ‌گاه نمی‌تواند سعادت انسانی را تأمین کند.

دوازدهم. گزینش دیدگاه اسلام

عدالت در آموزه‌های دین رویکردی جامع دارد، زیرا هم به فرد و هم به جامعه توجه می‌کنند. به عبارت دیگر، مالکیت خصوصی، عمومی و دولتی در آن پذیرفته شده است. عدالت اجتماعی و زندگی متوازن، براساس واقعیت زندگی بشری بنا نهاده شده و بر دو عنصر تأکید دارد: نخست، قوانین اقتصادی‌ای که در متن شریعت ادیان قرار دارند. دوم، وظیفه اخلاقی است که جزء تربیت اسلامی محسوب می‌شود. با نیم‌نگاهی به سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله، درمی‌یابیم که آن حضرت، پس از برپایی حکومت اسلامی در مدینه، عدالت اجتماعی را از ویژگی‌های حکومت خود معرفی کردند و همگان را بر اجرای عدالت، قسط و رعایت حقوق مردم ملزم دانستند. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: عدالت، هدف بعثت پیامبران الهی قرار گرفته است که بر آن اساس، خداوند آنها را به رسالت مبعوث نموده‌اند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و به آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

خداوند با تأکید می‌فرماید: «ما انبیای خود را مجهز با کتاب و میزان فرستادیم تا مردم را قیام به قسط و عدالت کنند.» نکته مهم این است که قرآن و اهل بیت علیهم السلام بستری برای برقراری عدالت اجتماعی‌اند. شاید به

همین دلیل است که در برخی از احادیث، پذیرش اهل بیت علیهم السلام، معیار حق و عدالت قرار گرفته است.

از جمله «لیقوم الناس» استفاده می شود که خود مردم قیام به عدالت کنند و این قیام مردم، به عدالت زمانی محقق می شود که مردم، قرآن و اهل بیت علیهم السلام را مبنای زندگی خود قرار دهند. اما در ارتباط داشتن مردم با قرآن و اهل بیت علیهم السلام، چهار برخورد وجود دارد که فقط در یک صورت، مردم به عدالت دست پیدا می کنند:

(الف) مردم خواهان عدالت باشند، در حالی که قرآن و اهل بیت علیهم السلام معیار و مبنای زندگی آنها نباشد هم چون مارکیست‌ها، که خواهان عدالت بودند، بدون این که قرآن و اهل بیت علیهم السلام را قبول داشته باشند.

(ب) مردم خواهان عدالت باشند و تنها قرآن مبنای زندگی آنها باشد. «حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»، آنها اهل بیت علیهم السلام را نادیده می گیرند و نقشی بر آنها قائل نیستند، مانند فرقه‌ای از مسلمانان که با همین شعار، اهل بیت علیهم السلام را کنار زدند.

(ج) یا تنها به اهل بیت علیهم السلام توجه کنند و برای قرآن نقشی قائل نشوند. مانند فرقه‌های ضالّه که حتی حضرت علی علیه السلام را به مقام الوهیت رسانیدند. یا این که ائمه علیهم السلام را با مقام الهی شان بخواهند، اما قرآن را رها کرده باشند. باز هم عدالت در این مکتب به شکل عملی محقق نمی شود.

(د) مردم خواهان عدالت باشند و قرآن و اهل بیت علیهم السلام نیز، مبنای الگوی زندگی آنها باشد.

در سه صورت اول، عدالت محقق نخواهد شد، زیرا قرآن بدون اهل بیت علیهم السلام یا اهل بیت علیهم السلام بدون قرآن و یا در صورت نبود هیچ کدام از آنها، محال است که مردم قیام به عدالت و قسط نمایند. فقط در فرض

چهارم که قرآن و اهل بیت علیهم السلام با هم مبنای زندگی انسان‌ها قرار می‌گیرند، عدالت تحقق پیدا خواهد کرد.

در آن آیه شریفه که فرموده بود: «مردم آگاهانه به عدالت و قسط قیام نمایند»، نکته اساسی تری وجود دارد و آن این‌که قیام مردم به عدالت، تکلیف اختیاری مردم است؛ مردم مجبور به برپایی عدالت و قسط نیستند.

اما در مورد این کلام که قرآن و اهل بیت علیهم السلام از هم جدا نیستند، نباید کسی گمان کند که ما به قرآن عمل می‌کنیم و اهل بیت علیهم السلام همان قرآن است، بلکه جدا نبودن اهل بیت علیهم السلام با قرآن، به این معناست که اهل بیت علیهم السلام، مروج و مفسر قرآن و قرآن تبیین‌کننده جایگاه منزلت اهل بیت علیهم السلام است. بنابراین، قرآن و اهل بیت علیهم السلام باید ملاک زندگی قرار گیرند.

سیزدهم. نقش مردم در تحقق عدالت مهدوی

در طول تاریخ بشر، سخن از عدالت زده‌اند و پیامبران و اولیای الهی برای تحقق عدالت اجتماعی تلاش‌های بسیاری کرده‌اند. عدالت اجتماعی پیش از آن‌که در سطح جامعه مطرح باشد، در نفوس بشری مطرح است، یعنی بشریت خواهان عدالت است.

در این شکی نیست که نقش انبیای الهی در تحقق عدالت اجتماعی تعیین‌کننده بوده است. اما باید در نظر داشت، زمینه و بستر ایجاد عدالت اجتماعی مردمند. قرآن کریم وقتی از اهداف بعثت انبیا گزارش می‌دهد، مهم‌ترین اهداف آنها، عدالت اجتماعی را مطرح می‌کند، زیرا بشر در مسیر زندگی خود از نبود عدالت و امنیت رنج‌ها برده و به‌طور فطری خواهان عدالت است.

اگر انبیا و اولیای گذشته، موفق به اجرای کامل عدالت اجتماعی نشدند، به این دلیل بود که مردم به عدل و قسط قیام نکرده بودند نه این که آنها در اجرای عدالت کوتاهی کرده باشند. بدین ترتیب، اراده حکیمانه الهی بر این قرار دارد که در فرجام جهان، این ایده که هنوز به طور کامل محقق نشده است، باید با ظهور ذخیره الهی موعود ادیان، محقق شود، زیرا در همه ادیان این اعتقاد به نحوی وجود دارد.

شعاع عدالت خواهی در تک تک افراد بشر، حتی در مکاتب غیر دینی نیز، موج می زند. طبق مفاد برخی از روایت ها، روزی بشر از همه حکومت ها ناامید می شود، آن گاه زمانی فرا می رسد که موعود عدالت گستر ظهور نماید. پیش نیاز چنین روزی، رسیدن بشر به بلوغ فکری و اعتقادی است.

بنابراین، از آموزه های وحیانی درمی یابیم که حکومت بر مردم فرع قبول آن است. پس حرکت اصلاحی انبیا، از آغاز برای این بوده که مردم خودشان به قسط قیام کنند. این آیه ﴿لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۱ نیز، گویای همین نکته است. تحقق حکومت ولی خدا، ظرفیت و بلوغ خاصی می خواهد که انسان به جایی برسد و خیر خود را، که تن دادن به حاکمیت الهی است، تشخیص دهد. رسیدن به این بلوغ فکری، زمانی لازم است که انسان با رشد فکری و توسعه علم و تجربه، از انواع حکومت ها ناامید و از مدیریت غیر معصوم، به جایی نرسد. آن گاه به حکومت جهانی موعود چشم بدوزند، تا عدالت تحقق پیدا کند.^۱

۱. انتظار موعود، فصل نامه علمی، تخصصی ویژه امام مهدی (عج)، ص ۲۷۲.

از نگاه ادیان آسمانی، در کنار اصل یکتاپرستی در زمینه مسائل اعتقادی پیروی از اصل عدالت، هسته مرکزی تعلیم‌های ادیان را شکل می‌دهد. بر این اساس، در ادیان حتی به رعایت حقوق حیوان‌ها نیز، توجه لازم می‌شود. در این دیدگاه، پای‌بندی به ده فرمان حضرت موسی علیه السلام و تعالیم حضرت عیسی علیه السلام نمایانگر یک مجموعه مدون، برای تحقق عدالت اجتماعی در ابعاد گوناگون زندگی بشر است.^۱

ج) توسعه همه جانبه

بشریت هیچ‌گاه از اندیشه یک زندگی خوب، فارغ نبوده است. این اندیشه در زندگی، در قالب‌های گوناگونی تبلور یافته است که بارزترین آن را افلاطون به کمک فکرش مدینه فاضله نام نهاده و گاهی به تعبیر دانشمندان دیگر به شهر عدل مهدوی و بهشت زمینی از آن یاد شده است.

حال این پرسش در این‌جا مطرح می‌شود که آیا حکومت مهدوی با معجزه به وجود می‌آید؟ یا این‌که تحول و توسعه که شکل می‌گیرد در زمان حکومت آن حضرت معلول معجزه می‌شود؟ یا این‌که تحول و تغییرات به روال طبیعی خود انجام می‌گیرد؟

از سیره پیامبران و اولیا درمی‌یابیم که پیروزی و پیشرفت آنها در قلمرو حاکمیت‌شان، با ابزار و روند طبیعی بوده است. اما اعجاز را در سواردی خارج از حیطه قانون طبیعی، به کار می‌بردند. برای روشن شدن این مدعا که تحول و پیشرفت‌ها در زمان حکومت مهدی علیه السلام و بیشتر آنها با روال طبیعی انجام می‌گیرد، نصوص ادیان، گواهی دارند.

۱. بی‌هار نیک، عدالت در اندیشه مسیحیان، ترجمه: بهروز جندق؛ انتظار موعود، ص ۲۶۶.

یکم. توسعه در علم و فرهنگ

زیرساخت و پایه هر نظام مدرن و پویایی، علم و فرهنگ متعالی است. فرهنگ متعالی و پیشرفته، می‌تواند جامعه را به فلاح و صلاح برساند. در زمان حکومت مهدوی، علم و دانش به اوج خود می‌رسد.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرَّسُولُ حَرْفَانِ فَلَمْ يُعْرِفَ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةُ وَالْعَشْرِينَ حَرْفًا، فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبْثُهَا سَبْعَةٌ وَعَشْرِينَ حَرْفًا؛^۱

علم و دانش ۲۷ حرف [شعبه و شاخه] است. آنچه پیامبران به مردم ابلاغ کردند دو حرف بیش نبود و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناختند. اما هنگامی که قائم ما ظهور کند، ۲۵ حرف و شاخه دیگر آشکار و در میان مردم منتشر می‌شود. در نتیجه، علوم کامل در اختیار مردم آن زمان قرار خواهد گرفت.»

امام باقر علیه السلام اوضاع علمی و فرهنگی مردم را در زمان ظهور چنین ترسیم می‌فرماید:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُئُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَّلَتْ بِهِ أَحْلَامَهُمْ؛^۲ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست او را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل‌های آنها را متمرکز می‌کند و افکارشان را تکامل می‌بخشد.»

احادیث بسیاری در این زمینه وجود دارد که در پرتوی ظهور موعود، ملل بشریت به علوم، به‌طور کامل دست پیدا می‌کنند، اندیشه‌ها

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۳۶.

۲. اصول کافی، ترجمه و شرح فارسی از محمد باقر کمره‌ای، ج ۱، ص ۶۸.

شکوفای و افکار مردم متمرکز می‌شوند. در احادیثی که نشر علوم را در آن زمان برای بشر بیان می‌کنند، نکته‌هایی وجود دارد:

علم با تمام ابعادش، به اوج شکوفایی می‌رسد. از طرفی هم، بشریت قابلیت بهره‌برداری کامل از علوم را پیدا می‌کند، تا آنجا که در همه رشته‌های علوم به خودکفایی نائل می‌شوند؛ به اندازه‌ای که به آموختن علم به یک‌دیگر، نیازی ندارند.

استعداد ضعیف و اختلاف سلیقه‌ها در تحصیل علوم، که امروزه وجود دارند، در زمان ظهور، وجود نخواهند داشت. همگان از معارف و علوم حقه الهی یک چیز را درمی‌یابند و این برداشت یکسان از معارف، به دو جهت می‌توان باشد:

۱. سطح فکری مردم بالا می‌رود؛ ۲. مردم از لحاظ قدرت فهم در یک درجه قرار می‌گیرند.

مردم آن زمان، از نظر موقعیت‌های اجتماعی و برخورداری از علوم و عقول، به‌طور کامل اشباع می‌شوند. آنها هیچ خلأ مادی و معنوی را خود احساس نمی‌کنند. رذیلت‌های اخلاقی، حسادت و بخل، که امروزه مانع از پیشرفت بشر شده، از عرصه زندگی انسان برچیده می‌شود. علم، ایمان و عشق، همه به یک سمت و هدف حرکت می‌کنند.

با ظهور موعود ادیان، تحولاتی در سطح زندگی انسان‌ها رخ می‌دهد که هر تحول در جامعه، سبب ترقی خواهد شد، زیرا بسیاری از واقعیت‌ها پس از ظهور منجی و هادی بشریت، کشف و به اثبات می‌رسند.

تحولاتی که در اثر ظهور پیامبران الهی در جامعه رخ می‌دهد، به‌ویژه حوادثی که هم‌زمان و پس از بعثت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در جامعه بشری اتفاق افتاد، بسیاری از واقعیت‌ها و حقایق را برای مردم روشن ساخت.

دوم. توسعه در صنعت و تکنولوژی

هرچه زمان بگذرد، وسایل مدرن پیشرفته‌تری وارد عرصه زندگی بشر می‌شود. در زمان حکومت جهانی مهدوی این پیشرفت، کمال خود را طی می‌کند. آن حضرت با پیشرفته‌ترین ابزار، حکومت خود را اداره می‌کند. کاربرد ابزار کهنه و ابتدایی برای گسترش حکومت مهدی علیه السلام، اندیشه‌ای ناپذیرفتنی است، زیرا اداره جهانی به آن بزرگی با وسایل غیر مدرن و ابتدایی، با منطق و عقلی که آن روز به اوج شکوفایی خود می‌رسد، سازگاری ندارد.

بنابراین، روایت هم تأکید می‌کند که فن‌آوری و تکنیک آن زمان پیشرفت خواهد کرد، تا این که حکومت جهانی فراگیر شود و از همین روایت برمی‌آید که مسائل انرژی نور آن زمان نیز، به‌طور کامل حل شده و مردم نیازی به نور خورشید هم، پیدا نخواهد کرد.

در این باره امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«انّ قائمنا اذا قام اشرقّت الارضُ بنور ربّها و استغنی العبادُ عن ضوء الشمس؛^۱ همانا زمانی که قائم ما قیام کند، زمین به نور خدا روشن می‌شود و مردم از روشنایی نور شمس بی‌نیاز می‌شوند.»

«انّ قائمنا اذا قام مدّه الله عزّوجلّ لشیعتنا فی آسماعهم و ابصارهم حتی لا یكونَ بینهم و بین القائم برید ینظرون الیه و هو فی مکانه؛^۲ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان چشم و گوش شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنها و قائم، نامه‌رسانی نخواهد بود،

۱. مفید، الارشاد، ترجمه و شرح: رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۵۲۲؛ محمد باقر

مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

با آنها سخن می‌گوید، سخن وی را می‌شنوند و وی را می‌بینند. حال آن که او در مکان خودش و آنها در نقاط دیگر جهانند.»

مفاد این دو حدیث، عام و کلی است. پیشرفت علم و صنعت در زمان حضرت مهدی علیه السلام، به جایی می‌رسد که مردم در اثر فناوری، از ارتباط چهره به چهره برخوردار می‌شوند. روایت می‌گوید: «میان مردم و قائم واسطه قرار ندارد و مردم کلام آن موعود را می‌شنوند و آن حضرت را مشاهده می‌کند، در صورتی که او در مکان خودش باشد.» در حدیثی دیگر، امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«انَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذًا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ مؤمن در زمان قائم اگر در شرق باشد، برادر دینی‌اش را در مغرب می‌بیند و همین‌طور اگر مؤمن در مغرب باشد، برادر دینی‌اش را در مشرق می‌بیند.»

نتیجه‌ای که از آخرین روایت، مرحله سیستم حضور و شهود در آن عصر و به‌طور شفاف، پیشرفت صنعت و تکنولوژی می‌گیریم، جهان وطنی و یک قطبی شدن جهان است که به‌طور نسبی، امروز هم بشر در سایه تلاش‌های علم و صنعت، به این مرحله است و این پیشرفت با اعجاز هم همراه نیست، زیرا اعجاز قانون استثنای خلقت است. همه این ارتباطات برای بشر طبیعی آن زمان است.

سوم. توسعه در اقتصاد و معیشت

از دشواری‌های زندگی انسان امروزی، که زندگی اجتماعی و فردی بشر را متزلزل و نابود کرده، مسائل اقتصادی و فقر به انواع گوناگونش است.

اما در آن روز، فقر به کلی از عرصه زندگی انسان برچیده می‌شود. در متون دینی ادیان الهی به این مسئله توجه خاصی شده است، از جمله در عهدین چنین مطرح شده است:

«درختان هر ماه میوه دهد و انسان‌ها از میوه‌های آنها می‌خورند، شفا پیدا می‌کنند و بر لب نهرها هر نوع درخت خوراکی خواهد رویید که برگ آن پژمرده نخواهد شد و میوه‌اش تمام نخواهد گردید، هر ماه درخت‌ها میوه تازه دهند.»^۱

در انجیل آمده است: «حکومت خدا در زمین برکاتی دارد که در زمینه‌های مادی و معنوی فراگیر بشریت خواهد شد.» این از کلام مسیح علیه السلام به شاگردانش استفاده می‌شود. «پس اندیشه نکنید چه بخوریم یا چه بنوشیم یا چه بپوشیم، زیرا که در طلب جمیع این چیزها امت‌ها می‌باشد اما پدر آسمانی شما می‌داند که به همه چیز احتیاج دارید، لکن اول ملکوت و عدالت او را بخواهید، این برای شما مزید خواهد شد.»^۲

از نظر اسلام نیز، مشکلات اقتصادی جوامع انسانی در زمان ظهور حل خواهد شد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِي بُرْكَاتَهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لَصَدَقَةٍ وَ لَا لِبُرَّةٍ لَشُمُولِ الْغَنِيِّ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ؛^۳ زمان حکومت مهدی علیه السلام، زمین گنج‌های خود را آشکار می‌سازد و برکات خود را نثار آن‌گاه کسی از شما موردی برای مصرف صدقه پیدا نمی‌کند، زیرا همه مؤمنان در اثر نعمت‌های خداوند بی‌نیاز و غنی می‌شوند.»

۱. حزقیال، فصل ۴۷، بند ۱۲.

۲. انجیل متی، باب ۶: بندهای ۳۱-۳۳.

۳. مفید، الارشاد، ترجمه و شرح: رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۵۲۶.

پیامبر صلی الله علیه و آله در حدیثی در مورد رشد اقتصادی جامعه در زمان ظهور می فرمایند:

«أَبَشْرُكُمْ الْمَهْدِي يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِّنَ النَّاسِ وَ زَلَّازِلٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنَ السَّمَاءِ وَ سَاكِنَ الْأَرْضِ يُقَسِّمُ الْمَالَ صَحَاحًا فَقَالَ لَهُ، رَجُلٌ مَا صَحَاحًا قَالَ صلی الله علیه و آله بِالسَّوِيَّةِ بَيْنَ النَّاسِ؛ بشارت می‌دهم شما را به حضرت مهدی علیه السلام، که زمین را پر از عدل و داد کند، همان‌گونه که از ستم پر شده باشد. ساکنان زمین و آسمان‌ها از آن راضی شوند، ثروت را در میان مردم درست تقسیم کند. سؤال شد معنای درست تقسیم کردن چیست؟ فرمود به‌طور مساوی میان مردم.»

آن روز بشر به ذخایر و معادن زیرزمینی دست پیدا می‌کند. این دست پیدا کردن ممکن است به دو نحو باشد: یا بشر از لحاظ درک و توانایی کشف معدن به جایی می‌رسد که نیاز خود را تأمین می‌کند و یا این‌که زمان نگه‌داری زمین از ذخایر، تمام می‌شود.

زمین ذخایر را در اختیار بشر قرار می‌دهد و از طرفی هم، مردم از لحاظ اقتصادی تأمین می‌شوند، زیرا در تقسیم امکانات عدالت به‌طور دقیق صورت می‌گیرد. فقر بشر امروزی، به دلیل کمبود امکانات نیست، بلکه به دلیل نبود عدالت و توزیع بیت‌المال است که نتیجه آن به‌وجود آمدن فاصله طبقاتی اجتماعی فقیر و غنی است.

چهارم. توسعه صلح و امنیت

از دیگر مشکل‌ها و سختی‌های زندگی در گذشته و امروز، ناامنی و بحران‌های اجتماعی است که سلامت روح فرد و جامعه را به خطر

انداخته است. البته در فردای ظهور، این نابسامانی‌ها به امنیت مبدل می‌شوند. نصوص دینی ادیان، به همین مطلب اشاره دارد.

در کتاب عهد عتیق درباره امنیت و صلح آن زمان، چنین آمده است:
 «گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید. گوساله، شیر و گاو با هم زندگی می‌کنند. طفل شیرخوار بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و کودک از شیر باز داشته شده دست خود را به لانه افعی خواهد گذاشت، در تمامی کوه‌های من هیچ ضرر و فساد نخواهد کرد.»^۱

قرآن کریم نیز، بسیار زیبا و روشن از امنیت و آرامش آن روز خبر می‌دهد:

﴿وَلْيَبَدِّلْهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾.^۲

به عقیده روانشناسان از جدی‌ترین نیازهای بشر که در عرصه‌های زندگی او جریان دارد، امنیت است که در ابعاد گوناگون زمان حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه، تجلی پیدا خواهد کرد. طبق مفاد حدیث، یک زن می‌تواند از شرق عالم به غرب عالم مسافرت کند، بدون این‌که هیچ‌گونه دغدغه‌ی خاطری داشته باشد؛ این امنیت طبیعی فردای ظهور است.

امنیت، آزادی و صلح، آن زمان را فرا می‌گیرد. در اثر عدالت، رشد فکری و فرهنگی در جامعه پدیدار می‌شود. زمانی که در جامعه‌ای عدالت حاکم باشد و مردم آن جامعه از علم و تمدن آگاه باشند، به یقین امنیت و صلح در جامعه نهادینه خواهد شد. ناامنی‌ها و بی‌ثباتی هر کشور، به دلیل نبود عدالت و جهل مردم آن کشور و جامعه است.

از زمان آدم علیه السلام تا به امروز، عدالت، صلح، آزادی و امنیت که از خواسته‌های بزرگ بشریت بوده‌اند، به وجود نیامده است و فردای ظهور

۱. کتاب اشعیای نبی، ۱۱: ۶-۹.

۲. نور، آیه ۵۵.

با تحقق حکومت عادلانه مهدوی، این خواسته جامعه محقق خواهد شد. به طوری که مردم روی زمین در سایه یک پرچم و حکومت واحد، با یکدیگر با محبت زندگی و تمام افراد بشر، حکم یک خانواده بزرگ را پیدا می کنند. نور محبت، صلح و امنیت از در و دیوار جهان می درخشد، تا جایی که دامنه صلح و امنیت، حتی به دنیای حیوانات نیز، کشیده خواهد شد. گرگ و میش از یک چشمه آب می نوشند، در حالی که هیچ یک از دیگری هراسی ندارند.

مقایسه دیدگاه ادیان و حیانی درباره مهدویت

بر پایه اصل فطرت، سرانجام اوضاع بشر به دست یک انسان مصلح، سامان می‌یابد. ادیان نه تنها به این ضرورت بشارت داده‌اند، بلکه از جزئیات آن روز و مصلح بشری نیز، سخن می‌گویند. اگر قرار باشد، اصولی که ادیان و حیانی به آنها اتفاق نظر دارند و به آن معتقدند مرقوم داریم، بیش از موارد اختلافی است که دیدگاه ادیان با آن تفاوت دارد. میان ادیان، اختلاف در اصول وجود ندارد، بلکه آنچه مورد اختلاف است، یک سری جزئیات هستند که فرع بر اصولند.

طبق مفاد نصوص ادیان الهی، انسان حق ندارد که از اصول گذشته براساس مسائل فرعی، آتش اختلاف را روشن کند. اصل اولیه ادیان، بر صلح و زندگی مشترک انسانی، براساس باورهای مشترک اعتقادی است. اگر از سایر باورهای مشترک اعتقادی، چشم‌پوشیم و فقط به اصول مشترک ادیان و حیانی در زمینه مهدویت توجه کنیم، از آشفتگی‌ها، خشونت‌ها و غوغاگری‌ها در میان پیروان ادیان و حیانی

کاسته می شود و به تقریب و هم‌سویی آنها برای زندگی مسالمت‌آمیز و صلح جهانی کمک می کند.

۱. منجی باوری

اعتقاد به ظهور منجی، فلسفه بزرگ امید به روزگار رهایی بشریت است، زیرا شعاع مهدویت، مربوطه به کل بشر است، نه قوم و دینی خاص. بشر با صرف نظر از مذهب و دین، امید دارد که در فرجام تاریخ، مصلحی بیاید و اوضاع نابه‌سامان را اصلاح کند. اما از همین جا این پرسش مطرح می شود که بشر امروز، با ابزار جدید زندگی و پیشرفت علوم، دیگر احتیاجی به عدالت‌گستر و مصلح ندارد. بشر در آن روز مصلحی می خواست تا جهان را اصلاح کند، زیرا از تمدن و دانش برخوردار نبود، اما امروزه با علم و ابزاری که در اختیار دارد، خود می تواند آینده اش را به زیبایی بسازد؟

در پاسخ باید گفت: نابسامانی های بشر، معلول نادانی او نیست، بلکه بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی در اثر طغیان شهوت و افزون طلبی و منافع پرستی انسان هاست و از سویی هم، مشاهده می کنیم که پیشرفت های علمی، هیچ تأثیری بر روند حرکت بشر مدرن نگذاشته است. بنابراین، بشر پس از موج این آشوب و بی عدالتی و ناامنی دوران صلح را تجربه خواهد کرد.

دلیلی ندارد که آینده جهان، تاریک بماند و کسی نتواند این جهان را از بحران فقر در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی، سیاسی و دینی بیرون بیاورد.

تغییر اوضاع جهان از ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی از سنت های الهی و بشارت های کتب آسمانی است. همان طور که پیامبران عظیم الشان

هم چون: ابراهیم علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، در آن شرایطی که جامعه بشری نیاز شدیدی به وجود آنها داشتند، ظهور و با مددهای غیبی برای نجات بشر در برابر طاعوت‌های زمانه قیام کردند. به مقتضای همین سنت الهی، منجی عالم ظهور خواهد کرد و جهان را به صلح و سعادت می‌رساند. این ایده‌ای است که از روح و فطرت انسانی سرچشمه می‌گیرد و اختصاص به ملت ندارد، بلکه عقیده‌ای فرا ملیتی و مذهبی است.

اسلام، مستدل‌تر از همه ادیان، در این زمینه طرح‌هایی را ارائه داده و مطالبی را بیان کرده است. به چند آیه‌ای که پیش از این به مناسبت دیگری آوردیم، اشاره می‌کنیم:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ هر آینه به تحقیق ثبت کردیم در زبور (حضرت داوود علیه السلام) پس از تورات، این که در آخرالزمان وارث زمین بندگان صالح من است.

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ اراده کردم که منت گزارم بر مستضعفان روی زمین، تا آنها را پیشوایان و وارث زمین قرار دهم.

در روایت‌ها حتی از بیان جزئیات مسائل کوتاهی نشده و به‌طور دقیق به روز، ماه، سال تولد، اسم پدر و مادر، دوران غیبت صغری و کبری، اوضاع پیش از ظهور، پس از ظهور و چگونگی حکومت او اشاره‌هایی شده است.

اما به عقیده مسیحیان، روزی حضرت عیسی علیه السلام ظهور خواهد کرد تا جهانیان را از نابسامانی رها کند. مسیح همان پیامبر صلی الله علیه و آله است که به عقیده

آنها، یک بار برای رفع گناهان قربانی شد و بار دیگر برای نجات ظهور خواهد کرد. اندیشه ظهور مجدد حضرت عیسی علیه السلام، در متون اولیه مسیحیان که انجیل باشد، مطرح شده و مسیحیان به آن روز اعتقاد دارند. براساس اعتقاد یهودیان، مسیح که همان ماشیح است، در آخرالزمان برای بهبود وضع جهان ظهور خواهد کرد. بهبود وضع جهان و تأمین خواسته و نیازهای مردمان، بخشی از نقشه‌های خداوند در آغاز آفرینش بوده است که پیش از آفرینش کائنات، به ذهن خداوند رحمان، خطور کرده است.

او انسان است مانند دیگر انسان‌ها؛ با این تفاوت که از جلوه و جبروت خدایی برخوردار است. او جهان را با نور خود که جلوه‌ای از نور خداست، روشن خواهد کرد. بنابراین، یهودیان از دیرباز، تمامی خواری‌ها و سختی‌های زندگی را تحمل کرده‌اند، به امید روزی که خداوند منجی عالم را ظاهر گرداند و قوم یهود را حاکم بر جهانیان سازد، زیرا یهودیان مدعی نژاد برترند.

اما باور به روز نجات در میان زرتشتیان، اساسی‌ترین و از بنیادی‌ترین مسائل حیاتی بشر است. در بخشی از کتاب اوستا، با صراحت از رستاخیز جهان و ظهور سوشیانت نوید داده شده که در آخرالزمان جهانی پدید می‌آید که عاری از پیری، مرگ و پوسیدگی است. در نتیجه، زندگی جاودانه، همراه با آسایش و شادابی خواهد بود.^۱

از سوی دیگر، در گفت‌وگویی که میان زرتشت و اهورامزدا درباره حوادث جهان صورت می‌گیرد، زرتشت از حوادث جهان بسیار متأثر می‌شود، تاجایی که حتی درخواست مرگ می‌کند، تا چنین روزگاری را

۱. هاشم رضی، اوستا، ص ۳۴۲.

نبیند. آن گاه زرتشت سؤال می کند که آیا روزگار بهتری فرا خواهد رسید؟ اهورامزدا نیز، از منجی موعود و حوادث آن روزگار خبر می دهد.^۱ بنابراین، اصل اعتقاد به روز نجات در ادیان و حیانی، با اندک تفاوت‌هایی پذیرفته شده است که سرانجام روزگار ظلم، پایان خواهد یافت.

۲. عدالت خواهی

از جمله اصولی که ادیان به ویژه اسلام، به آن توجه بسیاری کرده‌اند، عدالت است. قرآن کریم، خلقت آسمان و زمین را بر معنای عدالت می داند. انبیا مبعوث شدند تا در جامعه عدالت اجرا نمایند. بنابراین، هدف از بعثت انبیا، عدالت است.

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ

النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾^۲

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾^۳

عدالت و احسان، ریشه در روح و فطرت انسان دارد و خداوند متعال انسان‌ها را به عدالت و احسان فرمان داده است و این خود نشان می دهد که مسئله عدالت اختصاص به دین و فرقه خاصی ندارد، بلکه خواسته انبای آدم است. به همین دلیل خداوند انبیا را با دلایل و میزان فرستاد تا بشر قیام به قسط کند. از کلمه «ناس»، این گونه برمی آید که عدالت خواسته همگانی است و در زمان حکومت جهانی موعود، محقق خواهد شد.

۱. همان، ص ۲۴۷-۲۴۸.

۲. حدید، آیه ۲۵.

۳. نحل، آیه ۹۰.

یکی از ادیان پر نفوذ الهی در جهان، دین مسیح است که بیشترین افراد روی زمین از پیروان این دین هستند. در این دین، اهداف و خواسته‌های فراوانی وجود دارد که ما در این جا به سه مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

اولین هدف، آن جهانی است؛ یعنی رستگاری که همان رسیدن به بهشت است. اما هدف دوم و سوم، این جهانی (دنیا) است؛ جست‌وجوی تکامل فردی، اولین ثمره نجات و رستگاری است که در همین دنیا و دست‌یافتنی است و دیگری کوشش در جهت برقراری عدالت در جهان است. بنابراین، نجات و رستگاری بر پایه عدالت، هدف اساسی هر مسیحی است.^۱

در فرازهایی از سخنان حضرت عیسی علیه السلام آمده است:

«فکر نکنید که من آمدم تا تورات و نوشته‌های پیامبران را باطل نمایم، نیامدم تا نسخ کنم، بلکه [آمده‌ام] تا به کمال برسانم.»^۲

از این فراز و فرازهای متعددی که بیان شد، پیداست که حضرت عیسی علیه السلام، نظام اعتقادی و عملی عهد قدیم را قبول داشته است. او بر پرستش خدای یگانه تأکید می‌کند و درباره معاد سخن می‌گوید، اما از سخنان او برمی‌آید که آن‌چه در نظر او نیاز به اصلاح داشته و در یهودیت آن زمان تحریف شده بود، اصول شرعی و اعتقادی ظاهری نبود، بلکه تبدیل شدن دین به صورت مجموعه‌ای خشک و بی‌روح است.

«وای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار، شما که از نعناع و شبت و زیره عشر می‌دهید، اما مهم‌ترین احکام شریعت را که عدالت و رحمت و صداقت است، ترک کرده‌اید. شما باید اینها را انجام دهید، در عین حال،

۱. جهان، مذهبی، ادیان در جهان امروز، ترجمه عبد الرحیم گواهی، ص ۲۲۱.

۲. انجیل متی، باب ۵: ۱۷.

از انجام سایر احکام غفلت نکنید... وای بر شما ای ملایان و فریسیان ریاکار. شما بیرون پیاله و بشقاب را پاک می کنید درحالی که درون آن از ظلم و ناپرهیزی پر است. ای فریسی کور دل: اول درون پیاله را پاک کن که در آن صورت بیرون آن هم پاک خواهد شد.^۱

وقتی که یکی از دانشمندان فریس از حضرت عیسی علیه السلام درباره بزرگترین احکام شریعت سؤال می کند، او چنین پاسخ می دهد: «خداوند و خدای خود را با تمام دل، تمام جان و تمام عقل خود دوست بدار، این اولین و بزرگترین حکم شریعت است. دومین حکم که همان اندازه مهم است، یعنی همسایه خود را مانند خود دوست بدار. این دو حکم در تمام تورات و کتب انبیا خلاصه شده است.»^۲

«این دوستی و محبت با هم نوع که مانند دوست داشتن خدا شامل حال دشمنان نیز، می شود. شنیده اید که همسایه خود را دوست بدار و با دشمن خود دشمنی کن، اما من بر شما می گویم دشمنان خود را دوست بدارید و برای کسانی که به شما جفا می رسانند و ظلم می کنند، دعای خیر نمایید.»^۳

از عبارات انجیل این گونه برمی آید که یهودیت در آن زمانه به صورت مجموعه ای از اعتقادات و اعمال خشک و بی روح درآمد بود. از این رو، حضرت عیسی علیه السلام تأکید می کند اگر چه آن اعتقادات را داشته باشید و آن اعمال را انجام دهید، اما باید بدانید اصل دین، عدالت و محبت است. دین آسمانی یهود، عدالت را از عمق جان

۱. انجیل متی، باب ۲۳ : ۲۳-۲۶.

۲. انجیل متی، باب ۲۲ : ۳۷-۴۰؛ مرقس، ۱۲ : ۲۸-۳۴؛ لوقا، ۲۵-۲۸.

۳. انجیل متی، باب ۵ : ۴۳-۴۴.

پذیرفته است، زیرا از موعود ادیان به تعبیر آنها به عنوان قاضی عادل یاد می‌شود، آنها می‌گویند: «در آخرالزمان کرنای آسمانی بلند گردد و آن انسان مسیحایی برای گسترش عدالت قیام کند»، که اشعیای نبی با صراحت می‌فرماید:

«او بیاید، در میان مسکینان به عدالت داوری خواهد نمود. کمربند کمرش عدالت خواهد بود. در زمان آن موعود، گرگ با بره سکونت خواهد داشت، پلنگ با بزغاله خواهد خوابید.»^۱

عالم دینی، پزشک و فیلسوف یهودی موسی بن میمون، از جمله شخصیت‌هایی است که به آیین یهود، لباس جدید پوشانید و سیزده اصل را بر آن ترتیب داد که بسیاری از آنها، مورد پذیرش اسلامند. از جمله آن اصول، عدالت و آمدن مسیحایی موعود است.^۲

با توجه به کلام ابن میمون و فرازهایی از مطالب اشعیای نبی، در این جا متوجه یک نکته عالی می‌شویم. که عدالت بدون ظهور موعود ادیان به معنای حقیقی کلمه تحقق‌پذیر نیست. همان‌گونه که قلب‌های یهودیان پر از عشق به ظهور موعود است، مآمال از عدالت نیز هست و این عدالت با ظهور موعود محقق می‌شود.

دین زرتشت نیز، عدالت را محور زندگی انسان‌ها می‌داند، چون زرتشت در آغاز رسالت خود هنگامی که می‌خواست سخنانی کند، خطاب به مردم گفت: «برنامه من پیکار و مبارزه با کسانی است که جهان آشایی و جهان راستی را تباه می‌کنند.»

۱. کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱ : ۴-۶.

۲. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۸۷.

«آشا» از نظر زرتشت، نظم و قانون و احترام به حقوق فردی دیگران است. که معنای عدالت چیزی بیشتر از اینها نخواهد بود. زرتشت در همه جا از برقراری آشا سخن می گفت. او از خدا می خواهد قدرت پیدا کند تا دروغ پرستان را براندازد، زیرا دروغ فقط مقابل آشاست. سخنان وی برای مردم جدید بود، زیرا چون خداوند جوهر صداقت است. در جهان، آشای را پدید آورده تا مردم موافق با نظم و عدالت، به بهترین شیوه زندگی کنند و نیازهای مادی و معنوی خود را فراهم نمایند. با دانش و تعمیق بینش، روان خود را بیارایند...^۱

در دین مزدک، به رفع تبعیض و رسیدن به عدالت توجه بسیاری شده است.

از نظر او، نعمت‌هایی که اهورامزدا یکسان در اختیار مردم قرار داد، باید یکسان در اختیار مردم قرار گیرد. نابرابری از جایی ریشه می کند که کسی بخواهد با اعمال زور، اموال دیگری را از دست او خارج کند.

چنانچه اشراف در زمان ساسانیان، اراضی دهقانان را به زور غصب و یا روستایی‌ها را مجبور می کردند که زمین‌های خود را به آنها بفروشند. راه رسیدن به عدالت، رفع نابرابری و استفاده مساوی از نعمت‌های مادی و اموال عمومی است.^۲

۳. انتظار موعود آینده

بشر همواره برای برخورداری از یک زندگی بهتر، تلاش‌های بسیاری کرده است. به همین دلیل، دانشمندان در طول تاریخ به

۱. هاشم رضی، اوستا، بخش دوم، سرود ۳۱، ص ۴۵-۴۶.

۲. عبد العظیم رضایی، اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان، ص ۳۶۹.

طراحی شهر طلایی و مدنیت ایده‌آل پرداخته و جامعه بشری را بدان بشارت داده‌اند.

توماس کامپانلا، ماکت شهر آفتاب یا کشور خورشید را طراحی کرد، توماس مور، بهشت زمین را نوید داد و مارکس نیز، با مسلک مارکسیستی، جامعه بی‌طبقه را وعده‌گاه آخرین منزل تاریخ اعلام کرد. همه این تفکرها، حاکی از آینده‌ای است که بشر همیشه در انتظار آن بوده است که با ظهور منجی عالم، آن آینده محقق خواهد شد.

بنابراین، انتظار مصلح عالم، ریشه در اعتقاد همه پیروان ادیان الهی به‌ویژه دین اسلام دارد. انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، در تفکر مکتب تشیع، بیشتر از مکاتب دیگر است. به این دلیل که تشیع برای رسیدن به هدف و آینده روشن، همواره در پرتوی سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله قدم می‌گذارد. منبع استدلال تشیع در مسائل اعتقادی، به‌ویژه انتظار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

اما برعکس، مکاتبی که از انتشار حدیث ممانعت کردند، در باور به انتظار و حقیقت موعود ادیان در ناآگاهی قرار دارند، زیرا آن‌چه حقایق را کشف می‌کند و برای انسان راه را روشن می‌سازد، سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است. در این زمینه به احادیثی که روشنگر این حقیقتند، می‌پردازیم:

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَرِ الْفَرَجَ؛^۱ انتظار فرج، از بهترین اعمال امت من است.»

امام سجاده علیه السلام درباره فضیلت انتظار برای منتظران، می‌فرماید:

«وَالْمُنْتَظِرُونَ لظُهُورِهِ أَفْضَلُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ، لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذَكَرَهُ اعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةَ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ وَجَعَلَهُمْ

فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا، وَشِيعَتُنَا صِدْقًا وَالدَّعَاةَ إِلَى دِينِ اللَّهِ سِرًّا وَجَهْرًا؛^۱ منتظران ظهور او از مردم هر زمان برترند، زیرا خدای تعالی عقل و فهم و معرفت به آنها عطا فرموده که غیبت نزد آنها به منزله مشاهده است و آنها را در آن زمان، مانند مجاهدان پیش روی پیامبر خدا ﷺ قرار داده است. آنها مخلصان واقعی و شیعیان راستین ما و دعوت‌کنندگان به دین خدای متعال در نهان و آشکارند.

برخی از محققان، در مورد انتظار در حوزه مهدویت، اظهار می‌دارند: «گمان نشود که انتظار رفع تکلیف است، بلکه انتظار فهم تکلیف و دارای رسالت است. آنهایی که انتظار عدالت جهانی را دارند، باید برای تحقق آن اندیشه کنند و سهم خود را به اندازه‌ای که وظیفه دارند، ادا نمایند. احساس انتظار به‌ویژه تشیع، که همان اسلام ناب است، مأذنه بلند هستی است که از بلندای آن، فریاد عدل جهانی سر داده می‌شود.»^۲

پس انتظار، حالت نفسانی برای رهایی از وضع نامطلوب و رسیدن به وضعیت برتر است که حتی مکاتب غیر دینی و فلسفی نیز، بدان معتقدند. اما ایده انتظار منجی، که در آخرالزمان می‌آید، جهان را سامان خواهد داد، در مسیحیت پررنگ‌تر از یهود مطرح می‌شود و شاهد آن عباراتی است که در انجیل‌ها مکتوب است. گرچه اصل تفکر انتظار آمدن منجی در یهودیت تولد یافت، اما این تفکر در مسیحیت به مرحله رشد و بلوغ خود رسیده، حتی حضرت عیسی عليه السلام که خود از پدر و مادر یهودی متولد شده است، ادعای نجات کرد و دیگران او را در این ادعا، تصدیق نمودند. در انجیل لوقا در این زمینه آمده است:

۱. همان.

۲. ابوالقاسم حسین خانی، مقاله احساس انتظار، ص ۳۶۸.

«باید کمرهای شما محکم بسته شود و چراغ‌های شما روشن باشد و شما همانند افرادی باشید که به انتظار بازگشت بزرگشان، است تا چون بیاید درب را بکوبد، همان لحظه درب را باز کنید. خوشا به حال آن خدمت‌کاران که هرگاه بزرگشان بیاید، آنها را بیدار ببیند. پس شما آماده باشید، زیرا در ساعتی که توقع ندارید، فرزند انسان می‌آید.»^۱

از این عبارات لوقا، چند نکته به دست می‌آید:

باید همواره منتظر آمدن نجات‌دهنده بشریت بود که او خواهد آمد و تردیدی در ظهور او نیست.

کسانی که می‌خواهند او بیاید و جهان را اصلاح کند، باید خود را برای چنین روزی و در ابعاد گوناگون اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و ... آماده کنند. این مطالب همان چیزی است که در روایت اسلامی به آن بسیار سفارش شده که منتظران منجی، باید آماده باشند.

زمان ظهور منجی، مشخص نیست. او زمانی خواهد آمد که هیچ‌کس نمی‌تواند آن زمان را پیش‌بینی کند. روایت نیز، نهی از پیش‌گویی آن ساعت دارد. آنها که ساعت ظهور را پیش‌بینی می‌کنند، از دروغ‌گویانند.

بر اساس گفته محققان، حدود هشتاد بار لفظ پسر انسان در انجیل و ملحقات آن ذکر شده است که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام مطابقت دارد و پنجاه مورد آن از نجات‌دهنده خبر می‌دهد که به قطع، در پایان جهان بیاید و حضرت عیسی علیه السلام نیز، با او باشد و او را جلال خواهند داد. اما از ساعت و روز آمدنش، جز خداوند کس دیگری اطلاع ندارد. او جز حضرت مهدی علیه السلام که در روایت اسلامی به آمدن وی بشارت داده

۱. انجیل لوقا، باب ۱۲: ۳۵-۴۰.

شده، کس دیگری نمی تواند باشد. پس مراد از ظهور پسر انسان که در انجیل هم مطرح شده، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه از فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله است.^۱

بدین ترتیب، در میان یهودیان شکست خورده و هستی به غارت رفته، مسئله انتظار موج می زند. آنها با قلبی سرشار از امید و انتظار، در برابر رومیان استقامت نشان دادند، به این امید که روزی مسیح ظهور می کند و به پریشانی و بدبختی های بنی اسرائیل خاتمه می دهد و جهان پر از ظلم و تبعیض را از عدالت پر می کند. به اعتقاد آنها، این ظهور و فرج زمانی رخ می دهد که پریشانی بنی اسرائیل به اوج خود برسد. مردم بنی اسرائیل براساس پیش گویی انبیای خود، لحظه شماری می کردند. آنها در تمام دعاها و اذکار خود، از یهوه می خواستند که منجی آنها هر چه سریع تر ظهور کند.

این اندیشه در سده دوم (۱۵۰ سال ق.م) در افکار یهودیان توسعه یافت. اما هنگامی که حضرت عیسی علیه السلام برای نجات آنها ظهور کرد، او را نپذیرفتند و به شدت با آن شخصیت بزرگ، مبارزه و او را تکذیب کردند؛ گرچه تعدادی به نبوت او گردن نهادند و او را مسیح موعود خواندند.^۲

در مزامیر داوود علیه السلام نیز، به طور دقیق به این مطلب، که یهودیان در انتظار موعود به سر می بردند، اشاره هایی شده است:

«به جهت وجود اشرار و ظالمین مأیوس نشو، زیرا نسل ظالمان از روی زمین برچیده خواهد شد.»

۱. مصطفی محقق راد، اسلام و آینده جهان، ص ۶۶.

۲. عبدالعظیم رضایی، تاریخ ادیان جهان، ج ۱، ص ۵۲۶.

و منتظرین عدل الهی وارثان زمین خواهند شد.
و کسانی که مورد لعن الهی واقع گردند، بینشان تفرقه خواهد افتاد و
انسان‌های صالح کسانی هستند که وارثان زمین شده و تا پایان تاریخ،
روی زمین زندگی خواهند کرد.»^۱

یهودیان در سراسر تاریخ محنت‌بار خود، هرگونه خواری را به این
امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی مسیحا بیاید و آنها را از سختی
رهایی داده و فرمانروای جهان شود.

هم اکنون صهیونیست‌های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعاهای
مسیحایی مرسوم در پایان سالگرد بنیان‌گذاری رژیم غاصب اسرائیل، پس
از دمیدن شیپور عبادت، این‌گونه دعا می‌کنند:

«اراده خداوند خدای ما چنین باد که به لطف او، شاهد سپیده دم
آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا، گوش ما را نوازش می‌دهد.»

این بسیار طبیعی است که قوم بنی‌اسرائیل، با گذشته تاریک خود
در انتظار آینده‌ای بهتر باشد. به همین علت، حضرت موسی علیه السلام، به
عنوان منجی میان آنها برخاست و آنها در برابر وی، عکس‌العمل منفی
نشان ندادند.

بنابراین، انتظار منجی عالم از خصایض یهودیان است، زیرا هنگامی
که پیامبران عبرانی در قرن هشتم پیش از میلاد، مفهوم متعالی‌تری از خدا
ارائه کردند ... پیامبران اولیه، با همه عشق و دل‌گرمی به مردم، نوید این
را می‌آموختند که سرانجام قضای الهی جاری خواهد شد و کاخ ظلم و
بیداد را نابود خواهد کرد و اهداف متعالی خداوند عملی خواهد شد. از
جمله اشعیای نبی اعلام داشت که برای مردم، منجی و رهبری خواهد

۱. مزمور داوود، مزمور ۳۷ : ۱-۴.

بود که انتظار او را باید کشید. با توجه به این نویدها، پیروان یهود هرگز امید به آمدن رهبر جهانی را از دست ندادند و گاهی این رهبر منتظر را با عنوان «پادشاه» خطاب می‌کردند.

شواهد بسیاری وجود دارد که در متون مقدس یهود، ایده آینده‌ای روشن و معنوی در پیش است. این ایده در دین دیگری که همان مسیحیت است، به منصفه ظهور رسید. در تاریخ دینی یهود می‌خوانیم که در آغاز مسیحیت، دست‌کم سی و چهار نفر از یهودیان، به عنوان مسیح موعود سر برافراشتند که آخرین آنها به نام موسی حیم لوزاتو بود، که انگیزه سیاسی داشت.^۱

دین زرتشت نیز، از اندیشه انتظار موعود برخوردار است. آنها معتقدند که در جهان مطلوب، که به دست منجی عالم، سوشیانس به وجود می‌آید، آدمی برخواسته‌هایش پیروز می‌شود. در متون زرتشتی دیده می‌شود که پیروان هرمزد، با اعتقاد به نیروی لایزال، در انتظار نجات‌دهنده‌ای بودند که آرزوی آنها را برآورده و پرهیزکاران را بر نعمت ابدی و کافران را به رنجی دائمی مبتلا کند.

کسانی که با اهریمنان مخالفت کنند، آنها مردمانی هستند که به زرتشت وفادارند. چنین مردمی با دینشان، اهورامزدا را دوست دارند و اهورامزدا مردمی که او را پرستش می‌کنند و نجات خواهد داد.^۲

هیوم می‌گوید: «در دین زرتشت منجی آینده بشریت، که همواره در انتظار او می‌باشند، سوشیانت است. قبل از پایان جهان در فاصله سه هزار ساله، سه منجی به نام‌های اشودر، اشودرماه و سوشیانت خواهند

۱. رابرت هیوم، ادیان زنده جهان، ص ۲۹۳.

۲. یسن ۴۵: باب ۱۱.

آمد. هریک از اعقاب، ماورای زرتشت هستند که همانند خود وی، از مادر باکره متولد خواهند شد و سن مادرش نیز، درست به اندازه سن مادر زرتشت، به هنگام تولد وی خواهد بود.^۱

۴. رهبری حکومت عدل جهانی

تحقق حکومت جهانی، از وعده‌های برحق الهی برای بشریت است، که در متون مقدس و اولیه ادیان به‌ویژه ادیان وحیانی، بسیار روشن و مستدل ارائه شده است. اما پرسش اصلی این است که رهبر حکومت جهانی کیست؟

از دیدگاه مسلمانان، رهبر حکومت جهانی، حضرت مهدی موعود علیه السلام است، که تا هنوز در عالم غیب ذخیره شده و هر زمان که خدا بخواهد، شرایط ظهور فراهم می‌شود و آن منجی عالم قیام و حکومت جهانی را تشکیل می‌دهد و براساس قرآن و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردم رفتار می‌کند.^۲

اما دیدگاه مسیحیان و یهودیان این است که رهبر حکومت جهانی، حضرت عیسی علیه السلام است، زیرا خداوند حاکمیت خود را از طریق حضرت عیسی علیه السلام اعمال می‌کند و جهان پر از آشوب و بی‌عدالتی را به وسیله عیسی مسیح علیه السلام اصلاح می‌سازد، زیرا به عقیده آنها حضرت عیسی علیه السلام در عهد پلاطس، به صلیب آویخته و مدفون شده است، اما پس از روز سوم، از میان اموات قیام و به آسمان صعود کرده است. این خدای پسر، که اکنون در پیش خدای

۱. رابرت هیوم، ادیان زنده جهان، ص ۳۳۱.

۲. جان ناس، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۶۳۰.

پدر نشسته، بار دیگر رجعت خواهد کرد، تا این که بر مردگان و زندگان به عدالت حکم فرماید.^۱

بنابراین، ظهور حضرت عیسی علیه السلام در میان مردم تحت عنوان رجعت برای رهبری حکومت جهانی، نزد مسیحیان پذیرفته شده است. بر اساس اخبار قرآنی، در امت‌های پیشین هم، رجعت واقع شده است.

یکم. مراحل و ماهیت رجعت

ماهیت رجعت، همان بازگشت مجدد حضرت عیسی علیه السلام است که کتاب مقدس هم، به آن بشارت داده است. شخص حضرت عیسی علیه السلام اعلام فرمود که به طور ناگهانی دوباره خواهد آمد. اما آنچه درباره مراحل رجعت گفته شده، این است که این رجعت، در دو مرحله واقع می‌شود:

الف) این بازگشت، یکبار در هوا صورت می‌گیرد و حوادثی رخ می‌دهد که عبارت است از ربوده شدن کلیسا (مؤمنان)، یعنی آنهایی که آماده بازگشت به سوی حضرت عیسی علیه السلام هستند، حضرت عیسی علیه السلام آنها را می‌رباید.

در همین مرحله، خاصان، حضرت عیسی علیه السلام را در هوا ملاقات می‌کنند. مردگان زنده می‌شوند و زندگان حیات طولانی پیدا می‌کنند. هدف از رجعت اولیه، دادن پاداش به مؤمنان و حساب دادن آنها از استعدادها، اموالی که در اختیارشان گذاشته شده و آماده‌سازی اوضاع برای ظهور است.^۲

۱. همان.

۲. سید محمد ادیب آل علی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره مسیحیت، ص ۲۳۰-۲۳۱.

ب) روی زمین است که در این زمان نیز، وقایع دیگری رخ می‌دهند. در عهد جدید، این برهه از زمان به دوره مصیبت عظیم تعبیر شده است؛ یعنی آن قدر اوضاع آشفته می‌شود که از زمان ظهور تا به این روز، چنین حوادثی رخ نداده است. همه این حوادث مقدمه ظهور حضرت عیسی علیه السلام است.^۱

اما نزاعی که مسیحیان درباره رجعت دارند این است که آیا رجعت در همین دنیا صورت می‌گیرد یا در آخرت؟

پروتستان‌ها معتقدند که رجعت مسیح در آخرالزمان، در همین دنیا رخ می‌دهد. اما اعتقاد به اخروی بودن رجعت مسیح علیه السلام در سده‌های اخیر، طرف‌داران بیشتری در میان مسیحیان پیدا کرده است، حتی کلیسای شرق هم، از زمان رجعت مسیح و برپایی قیامت خبر می‌دهد و کلیسای کاتولیک نیز، در اعتقاد نامه رسمی خود، اخروی بودن بازگشت مجدد مسیح علیه السلام را تأیید می‌کند. به این گونه که قبل از داوری نهایی، مردگان برمی‌خیزند و این واقعه زمانی رخ می‌دهد که همه اهل قبور، صدای پسر انسان را می‌شنوند و از قبر بیرون می‌آیند.^۲

نقد و بررسی

درباره به صلیب کشیدن حضرت عیسی علیه السلام مختصراً می‌گوییم که آن حضرت را به صلیب نبستند. در واقع، جای او، دیگری را به دار زدند. قرآن کریم با صراحت به صلیب کشیدن حضرت عیسی علیه السلام را نفی می‌کند:

۱. همان.

۲. همان.

﴿وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ... بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾^۱

قرآن کریم ادعای آنهایی که می‌گویند عیسی علیه السلام به صلیب زده شده و کشته شده است را مردود می‌خواند. عیسی علیه السلام نه کشته شده و نه به صلیب آویخته شده است. خدای حکیم بر طبق مصالح، آن حضرت را به آسمان برده و او زنده است.

اما رجعتی که درباره حضرت مسیح علیه السلام مطرح است، به ظهور حضرت مهدی علیه السلام شباهت دارد که مسلمان‌ها به آن قائلند. گرچه از حیث لغت، به مطلق عود و بازگشت رجعت گفته می‌شود، اما رجعت اصطلاحی درباره آمدن حضرت عیسی علیه السلام صادق نیست، زیرا هم بر اعتقاد مسیحیان حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در کنار خدای پدر نشسته و هم بر اعتقاد مسلمان‌ها که خدا او را به آسمان برد، تا از حوادث محفوظ بماند.

هم‌اکنون نیز، حیات دارد و هم‌زمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از آسمان فرود خواهد آمد. بنابراین، رجعت درباره انسان زنده، به معنای اصطلاحی آن صادق نخواهد بود. دیگر این‌که رجعت اصطلاحی، با توجه به آثار و فوایدی که بر آن مترتب است، عقاید خاص شیعه است که این حادثه در برهه‌ای از زمان واقع می‌شود. دیگر ادیان و فرق اسلامی به این مسئله اعتقادی ندارد. از لحاظ مکانی هم، رجعت در دنیا واقع می‌شود، زیرا دنیا، محل عبرت گرفتن انسان از اعمال گذشته خود و دیگران است. از جمله مضامینی که در رجعت نهفته است این است که انسان، متوجه پیامدهای اعمال خوب و بد خود و دیگران می‌شود.

خلاصه به اعتقاد یهودیان و مسیحیان، منجی عالم حضرت عیسی مسیح علیه السلام است. خدا به وسیله حضرت عیسی علیه السلام امور عالم را اصلاح می کند. اما از دیدگاه مسلمانانها منجی عالم طبق روایت های فراوان و متواتر، اصلاح گر جهان و شخصی از فرزندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله به نام مهدی علیه السلام است.

این دیدگاه، نزول عیسی علیه السلام را نفی نمی کند، زیرا روایت هم صراحت دارد که حضرت عیسی علیه السلام، همزمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام، از آسمان فرود می آید. اما در این که رهبر این نهضت و قیام حضرت عیسی علیه السلام است یا حضرت مهدی علیه السلام، سه دیدگاه مطرح است که در ادامه، به بررسی آنها خواهیم پرداخت:

دوم. دیدگاه های سه گانه

۱. برخی معتقدند که مسیح علیه السلام و مهدی علیه السلام دو لقب برای یک شخصند. آنها می گویند که رهبریت حکومت جهانی، از یک نفر است. او در اسلام حضرت مهدی علیه السلام و در مسیحیت و یهودیت مسیح نامیده می شود.

۲. دسته ای بر این باورند که منجی عالم، همان عیسی علیه السلام فرزند مریم علیها السلام است که از او تعبیر به مهدی شده است.

۳. برخی هم، معتقدند که منجی عالم، رهبری حکومت عدل جهانی، غیر از حضرت مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله کس دیگری نیست و حضرت عیسی علیه السلام او را در تشکیل حکومت جهانی یاری می رساند.

نقد دیدگاه اول: این دیدگاه را نمی توان پذیرفت، زیرا آنچه از انجیل درمی یابیم این است که شخصی به نام فرزند انسان، حکومت جهانی را

تأسیس می کند و حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام نیز، در برپایی این حکومت نقش دارد. در واقع دو شخصیت در این امر مهم، مؤثرند، اما در طول یک دیگر؛ به این معنا که رهبریت با حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است و حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در این امر او را یاری می کند، یا این که یکی از ارکان مهم دولت مهدوی محسوب می شود.

نقد دیدگاه دوم: گرچه دیدگاه دوم قرآینی دارد، اما نشان دهنده صحت این دیدگاه نیست.

الف) لفظ مسیح از القاب حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام و به معنای نجات بخش است.

ب) در انجیل متی درباره مسیح آمده که او، عمر طولانی دارد و در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. روایت مسلمانان نیز، این مضمون را تأیید می کند.

ج) برخی از روایتها تصریح می کنند که مهدی همان عیسی است. با توجه به این سه قرینه موجود، می توان گفت که موعود آخرالزمان، حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام است. اما دیدگاه دوم با سه قرینه دارای مناقشه است:

اول این که: نام گذاری حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به مسیح، دلالت بر استقلال او در تشکیل حکومت عدل جهانی ندارد و شاید بتوان گفت که ملقب شدن آن حضرت به مسیح، به این دلیل است که در امر مهمی هم چون تشکیل حکومت جهانی، مشارکت دارد.

دوم آن که: لقب مسیح پس از عروج او در آسمانها از ناحیه انجیل گذاشته شده و قرآن کریم نیز، به جهت شهرت موجود آن عصر، از این لقب برای عیسی عَلَيْهِ السَّلَام استفاده کرده است.

سوم آن که طول عمری که در انجیل، برای عیسی علیه السلام آورده شده، ناظر به این امر است که آن حضرت، مهدی علیه السلام را در تشکیل حکومت عدل جهانی یاری می‌کند. بر این اساس خدای متعال عمر وی را امتداد داده است.

علاوه بر این، اگر حدیثی وجود دارد که حضرت عیسی علیه السلام همان حضرت مهدی علیه السلام است، این روایت با فرض صحت در سند، با روایت‌های متواتری در تعارض است که می‌گویند: مهدی از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و اولاد فاطمه علیها السلام است و هنگام تعارض خبر متواتر مقدم می‌شود و اگر هم بگوییم روایت می‌گوید که عیسی همان مهدی است، با روایت متواتر ساقط نمی‌شود، بار دیگر باید نکته دیگری را پذیرفت و آن این که روایتی که می‌گوید حضرت مهدی علیه السلام از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است، شهرت دارد و روایتی که حضرت عیسی علیه السلام را همان حضرت مهدی علیه السلام می‌داند، شهرتی ندارد. طبق قانون، روایت مشهور در هنگام تعارض، راجح می‌باشد.

گزینش دیدگاه سوم: این دیدگاه نسبت به دیدگاه‌های دیگر مستدل و قوی به نظر می‌آید. این دیدگاه می‌گوید که رهبر حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و حضرت عیسی علیه السلام او را در این امر مهم، یاری می‌رساند. این نظریه دو مؤید دارد:

حضرت مهدی علیه السلام وارث حکومت عدل توحیدی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را به ارث گذاشته است. از آیه‌ها و روایت‌ها نیز، دانسته می‌شود.

طبق برخی روایت‌ها، حضرت مسیح علیه السلام از این که امام جماعت شود امتناع می‌کند و امامت را به فردی از افراد برگزیده امت رسول خدا صلی الله علیه و آله

یعنی مهدی عجل الله فرجه واگذار می‌کند. این خود دلیلی است بر این که رهبر حکومت جهانی، حضرت مهدی عجل الله فرجه باشد و حضرت عیسی علیه السلام، او را در تشکیل و گسترش حکومت جهانی مساعدت می‌کند.^۱

۵. مهدویت شخصیه و نوعیه

در این که منجی در آخرالزمان می‌آید و جهان را اصلاح می‌کند، همه ادیان به ویژه ادیان و حیانی اتفاق نظر دارند. سؤال این جاست که منجی کیست؟ و آیا اعتقاد به آمدن او خاص یک دین است؟ یا ادیان دیگر هم به آمدنش بشارت داده‌اند؟ و این که آیا او به تنهایی می‌آید یا کسانی او را همراهی می‌کنند؟ آمدن منجی، خاص عقاید دین اسلام یا و حیانی نیست، بلکه ادیان و مکاتب غیر الهی نیز، بدان معتقدند. بنابراین، به آسانی نمی‌توان دینی را پیدا کرد که در مورد آینده بشر، سکوت کرده و از اصلاح‌گری آینده سخنی نگفته باشد. اما این که آن مهدی کیست. همان مهدی است که مسلمانان او را قبول دارند یا موعود آینده، در تعابیر باهم فرق دارند، از جمله مسائلی است که ادیان هر کدام با مرام و پیش‌داوری‌های خود، به آن پرداخته‌اند.

در دین اسلام حضرت مهدی عجل الله فرجه مشخصه‌های روشنی دارد. اصل و نسب، زمان تولد، غیبت صغری و کبری او، در نصوص دینی مسلمانان به‌طور روشن و صریح آمده است. برای توضیح بیشتر به چند روایت در این زمینه اشاره می‌کنیم.

ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: سنت‌های انبیا با غیبت‌هایی که بر آنها واقع شدند، همه در قائم متا اهل بیت پدید

۱. علی اصغر رضوانی، منجی از دیدگاه ادیان، ص ۶۱-۶۵.

می‌گردد. عرض کردم یا بن رسول الله ﷺ قائم شما کیست؟ فرمود: پنجمین فرزند موسی بن جعفر علیه السلام (امام هفتم)، او غیبت طولانی می‌کند، تا این که پیروان باطل در او شک می‌کنند. سخن به جایی رسید که امام صادق علیه السلام در مورد ظهور قائم فرمود:

«ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَى يَدِهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَ يُنْزِلُ رُوحَ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّي خَلْفَهُ وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا.»^۱

حدیث دیگری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، که در آن ویژگی حضرت مهدی علیه السلام بیان شده است:

«الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي. يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي. مَنْ اطَاعَهُ فَقَدْ اطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِي...»^۲

عبدالعظیم حسنی می‌فرماید: از حضرت جواد علیه السلام درباره حضرت مهدی علیه السلام سؤال کردم که آیا همان قائم است؟ امام فرمود:

«يَا أَبَا الْقَاسِمِ إِنَّ الْقَائِمَ مَنْهُ هُوَ الْمَهْدِيُّ... وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالنَّبُوهِ وَ خَصَّنَا بِالْإِمَامَةِ أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرِجَ فِيهِ فَيَمْلَأَ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ جُورًا وَ ظُلْمًا وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيُصَلِّحُ لَهُ أَمْرَهُ فِي لَيْلَةٍ.»^۳

از این سه حدیث، معلوم می‌شود که وجود امام عصر علیه السلام، قطعی است، زیرا بحث از این شده که او کیست؟ در پاسخ به تفصیل از ویژگی‌های مهدی علیه السلام سخن به میان آمده است. بنابراین در این سه حدیث، بر این سه نکته تأکید شده است:

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، ج ۲، ص ۲۲.

۲. همان.

۳. همان.

الف) حتمی بودن ظهور و تشکیل حکومت واحد جهانی به دست توانای آن حضرت و با همکاری حضرت عیسی علیه السلام، که مسیحیان به ظهور آن حضرت در آخرالزمان باور دارند، صورت می گیرد. اما لسان حدیث در این است که آن بزرگوار از آسمان فرود می آید، اما تحت رهبری مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و به امامت او نماز می خواند و در تشکیل حکومت جهانی سهیم است. همین طور از وجود مقدس موعودی به نام مهدی فرمان می برد.

ب) حدیث پاسخ به شبهه و سؤال است که درباره موعود مطرح بوده است. به عبارت دیگر، تعیین مصداق موعود برای اهل زمان مبهم بوده است. بر این اساس، رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «موعود آینده از نسل من، اسمش اسم من، لقبش لقب من، چهره اش چهره من و روش او روش من است.»

ابهام دیگری که با این حدیث رفع می شود این است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، دین جدیدی نمی آورد و مردم را به همان دین جدش و کتاب خدا، دعوت می کند. اطاعت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اطاعت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و مخالفت با او، مخالفت از رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود.

ج) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جز خاندان ما اهل بیت علیهم السلام کس دیگری نیست. او در پایان جهان می آید و جهان پر از جور و بیداد را، پر از عدل و قسط می کند.

اما زمان آمدن او، به دست خداست و هر زمان که اراده خداوند بر ظهورش تعلق گیرد، پروردگار حکیم، امر فرجش را در یک شب اصلاح می کند. او ظهور می کند، حتی اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد تا سرانجام حق و عدالت را در جامعه به پا دارد.

اما بر مبنای باورهای مسیحیان، موعود جهان با توجه به اشاره‌های روشن عهد جدید، حضرت عیسی علیه السلام است. او که برای نجات مردم از گناه، قربانی شد، بار دیگر ظهور می‌کند و جهان را از نابسامانی نجات می‌دهد. این مدعا در عهد جدید مطرح است:

«... به شما می‌گویم که دیگر مرا نخواهید دید، تا زمانی که گوید مبارک است که به نام خداوند می‌آید.»^۱

مسیح، ظهور خواهد کرد، اما زمان ظهورش معلوم نیست. اشارات کلی است که جز خدا، هیچ‌کس دیگری از زمان ظهور ایشان اطلاعی ندارد. اما سلسله حوادث، به عنوان پیش زمینه ظهور مطرح شده‌اند. دسته‌ای گویند مسیح زمانی ظهور کند که مردم همه عادل و نیکوکار باشند. دسته دیگر نیز، پیش نیازهای ظهور را فساد و شرور می‌دانند.

آن‌چه به یقین، اصل ظهور منجی عالم، قطعی است، اما زمان ظهور معلوم نیست. عیسی علیه السلام می‌فرماید که حتی ملائکه‌ها نیز، از آن زمان اطلاعی ندارند و زمان ظهور را فقط خدای پدر می‌داند. ظهور ناگهانی در ساعتی رخ می‌دهد که گمان برده نمی‌شود. افراد برای تعیین زمان ظهور تلاش‌های بسیاری کردند اما نتوانستند راه به جایی ببرند. بنابراین عقیده مسیحیان، منجی عالم حضرت مسیح علیه السلام است.

بر مبنای اعتقاد یهودیان، موعود عالم مسیح (= ماشیح) است که آینده جهان را آباد و سرشار از عدالت می‌کند. اما مسئله این‌جاست که ماشیح کیست؟ نظریه‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد:

برخی می‌گویند که ماشیح همان داوود علیه السلام است که در آخرالزمان می‌آید.

بعضی نیز، قائلند که ماشیح از خانواده داوود علیه السلام است، نه این که خود داوود علیه السلام باشد.

دسته دیگر می گویند که ماشیح نه داوود علیه السلام است و نه از خانواده وی، بلکه خداوند در آخرالزمان برای نجات مردم، داوود علیه السلام دیگری را می فرستد. این نظریه ها گاهی هم دیگر را نقض می کنند. اما امر مسلم دو مطلب است: یکی این که ماشیح (= مسیح) به عقیده یهودیان از خانواده داوود علیه السلام، است که در پایان جهان برای نوسازی جهان ظهور خواهد کرد. دیگر آن که آن ماشیح و نجات دهنده، انسان است مانند انسان های دیگر، اما برخوردار از جلوه و جبروت خداوند که زمانی ظهور خواهد کرد و جهان را با نور خدا روشن خواهد نمود. در آن روزگار بساط ظلم و بی عدالتی برچیده می شود.^۱

در آیین زرتشتی، از منجی عالم به نام سوشیانت یا سوشینت فراوان یاد شده است، از جمله در گات ها که از سرودهای جناب زرتشت است. بنابراین، از نگاه زرتشتیان عمل کرد موعود از روی صداقت است؛ او کسی است که در پایان جهان ظهور می کند تا حق را بر باطل غالب سازد. اما این سوشیانت به اعتقاد زرتشتیان، شخص خاصی نیست؛ سوشیانت، پس از یک دوره جهل و بیداد ظهور می کند و گاهی هم از متون زرتشتی برمی آید که او هنوز متولد نشده است و در پایان جهان، زمانی که ظلم و بیداد به اوج خود برسد، ولادت می یابد و برای اصلاح جهان قیام می کند.

این برداشت از مهدویت، برداشت نوعی یا نزدیک به تفکر نوعیت مهدویت است که از میان فرق مسلمانان، اهل سنت عقیده بیشتری به آن

۱. محمد تقی راشد محصل، نجات بخشی ادیان، ص ۱۱۵-۱۱۶.

دارند که منجی عالم، در آخرالزمان متولد می شود. بنابر عقیده زرتشتیان، هرکس که برای سعادت جامعه و آزادی مردم قیام کند، سوشیانت و موعود عالم است. بر این اساس، حتی می توان گفت که زرتشت هم، یکی از سوشیانت ها و اصلاح گران جامعه بود که برای اصلاح جامعه و احیای اصول گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک، قیام کرد.

۶. تحقیق و بررسی

آنچه در مورد نوعیت و شخصی بودن منجی عالم از نگاه ادیان الهی استفاده می شود، این است که در اسلام و مسیحیت، شخصی بودن منجی عالم همچو روز روشن است. اما یهودیان معتقدند که منجی از نسل حضرت داوود علیه السلام است، گاهی هم می گویند که از خانواده حضرت داوود علیه السلام و یا این که در آخرالزمان خداوند حضرت داوود علیه السلام را خلق می کند. هم چنین از طرز برداشت زرتشتیان از منجی عالم، چنین بر می آید که آنها به مهدویت نوعیه معتقدند، زیرا می گویند که سوشیانت، شخص خاصی نیست؛ هرکسی که برای اصلاح جامعه قیام کرد، او منجی و سوشیانت است که این نزدیک و مشابه اعتقاد بیشتر اهل سنت در مورد مهدویت است.

اهل سنت، مدعی است که بر فرض حضرت مهدی علیه السلام از اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل امام حسین علیه السلام باشد، اما او هنوز متولد نشده است، هر وقت خدا بخواهد او زاده می شود و جهان را اصلاح می کند. البته برای اصلاح این دیدگاه، تلاش بسیاری شده است. از جمله در کتابی به نام اتفاق در مهدی موعود، نویسنده تلاش کرده تا اثبات نماید که اهل سنت هم مانند شیعه، اعتقاد به مهدویت شیعی و شخصی دارند؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام فرزند نهم امام حسین علیه السلام و فرزند چهارم امام رضا علیه السلام و فرزند بلافصل

امام حسن عسگری علیه السلام است. او متولد شده و رسول اکرم صلی الله علیه و آله ویژگی های او را بیان کرده است، پس او در آخرالزمان به دنیا نمی آید. ایشان می گوید، شایع شدن این موضوع که اهل سنت با شیعه، در مهدویت اختلاف نظر دارند، به دلیل وجود نوعی خفقان دوران حکومت های اموی و عباسی بوده است؛ به همین دلیل، محققان نتوانسته اند حقایق را در ارتباط با مهدویت، آشکارا بازگو کنند. این نکته ای است که تمام محتویات کتاب وی را در بردارد. نویسنده این کتاب، به انگیزه هم بستگی نظری و عملی در جهان اسلام، این مدعا را با منابع دست اول اهل سنت، اثبات کرده است.^۱

اما برخی از صوفی ها و عرفا، در زمینه شخصیه و نوعیه بودن مهدویت، چنین اظهار می کنند که در دوره ای باید یک مهدی وجود داشته باشد که ویژگی های مهدویت را دارا باشد، زیرا هیچ گاه دنیا از وجود چنین هادی خالی نیست. اما لزوم ندارد که مشخص شود آن مهدی و موعود از نسل چه کسی است و چه ویژگی هایی را باید داشته باشد، برای روشن شدن این موضوع که صوفیه و برخی از عارف مسلکان، به مهدویت نوعیه معتقدند، در این جا اشعاری از مولانا جلال الدین بلخی، که خود دارای اندیشه اشعری و قائل به مهدویت نوعیه بود را می آوریم:

پس به هر دوری ولی قائم است	تا قیامت آزمایش دائم است
هر که را خوی نیکو باشد برست	هر کسی کو شیشه دل باشد شکست
پس امام حی قائم آن ولی است	خواه از نسل عمر خواه از نسل علی است

۱. سید علی اکبر قرشی، اتفاق در مهدی موعود، ص ۳۵-۸۵-۱۱۷.

مهدی هادی وی است ای راه جو هم نهان و هم نشسته پیش رو^۱

مفاد این ابیات مولوی بازگو کننده مهدویت نوعیه است و این ادعا، از نظر دلیل و برهان بی اساس است، زیرا در مقام اثبات، برهان ندارد. اما ادله قائلان به مهدویت شخصیه، روایت‌هایی است که فقط مهدویت را اثبات می‌کند که از نسل پیامبر ﷺ است و هر نوع مهدویت دیگر را نفی می‌کند. در مهدویت شخصیه، وجود مهدی، ویژگی‌های آن حضرت، اصل و نسب، محل تولد، تاریخ غیبت، نشانه‌های قیام او و...، اثبات شده است. پس یک مهدی پذیرفتنی است.

مدعیان دروغین مهدویت و ادعای مهدویت نوعیه، خود می‌توانند دلیلی بر اصالت مهدویت باشد، آن هم مهدویت شخصیه، البته کسانی هم هستند که با سوء استفاده از این اصالت، خود را مهدی می‌خوانند.

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، ص ۲۳۹.

دیدگاه‌های فرجام‌شناسی تاریخ

درباره آینده جهان و فرجام تاریخ، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است این بحث از جمله مسائلی است که از دیرباز، دغدغه‌های اصلی انسان بوده و امروزه نیز از مباحث زنده فلسفه و الهیات، فلسفه تاریخ، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی به شمار می‌آید. به‌طور عمده، در زمینه آینده جهان و انسان، دو دیدگاه مطرح است که به اجمال به بیان آنها می‌پردازیم:

۱. دیدگاه بدفرجام

از نظر این دیدگاه، نهایت تاریخ تلخ و فرجام حیات بشر، چیزی جز یأس و ناامیدی نخواهد بود. در توجیه این نظریه می‌گویند که مرام خلقت، شر و بی‌عدالتی در فرجام تاریخ انسان و جهان است. فرایند و گردش روزگار براساس ظلم و بی‌عدالتی است گاهی هم می‌گویند که انسان موجودی هنجارناپذیر، بی‌رحم و جانی است که حتی به هم نوعان خود نیز رحم نمی‌کند. سلاح‌های بسیار پیشرفته و مخرب، که امروزه در کره زمین قرار دارد، می‌تواند هزاران بار این سیاره را نابود کند. این

مجموعهٔ مرگ‌بار، همواره حیات و هستی آدمیان را تهدید کرده و می‌کند و ممکن است روزی یک آدم نادان و بی‌رحم، بتواند تنها با اشاره یک انگشت بر یک سیستم پیچیده و بسیار ویرانگر، جهان را متلاشی کند. که در این صورت، شاهد یک مرگ جهانی خواهیم بود. در نهایت، همهٔ انسان‌ها، به کام مرگ سقوط خواهند کرد.

۲. دیدگاه خوش‌فرجام

خوش‌فرجام‌انگاران، به فرجام حیات انسان و تاریخ، خوش‌بین هستند. آنها می‌گویند آینده جهان، روشن است. امید به عدالت و آزادی، سرانجام حیات و هستی را تعیین می‌کند. این دیدگاه از سوی ادیان و حیانی هم ارائه شده است. دیدگاه خوش‌فرجام، در یک اصل با هم تفاوت دارد و آن امید به ظهور موعود آخرالزمان است. آن موعود که ادیان به ظهور او وعده داده‌اند، حیات بشر را دگرگون و ظلم را ریشه کن و صلح و عدالت را شکوفا خواهد کرد.

بدین ترتیب، عقیده به روز نجات، جوهره فرجام‌شناسی در ادیان است. اوج این اندیشه در اسلام، تحت عنوان فلسفه فرج، جلوه‌گر شده است. علاوه بر آیه‌های قرآنی و روایت‌های موجود در منابع شیعه و اهل سنت، عقل و علم نیز دیدگاه فرجام نیک بشر و تاریخ را پذیرفته‌اند.^۱ دانشمندان و مکاتبی که به آینده خوب و شیرین انسان و جهان معتقدند، رویکردهای متفاوتی را نسبت به آینده جهان، اظهار می‌کنند،

۱. علی اکبر رشاد، فلسفه دین، ص ۱۹۳-۱۹۵؛ حبیب‌الله طاهری، جهانی شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی مهدی علیه السلام، انتظار موعود، فصل‌نامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی علیه السلام، ص ۱۸۶.

زیرا ایدئولوژی‌های گوناگون، رویکردهای متفاوتی را درباره مسائل و شناخت موضوعات به وجود می‌آورد. در این زمینه دیدگاه‌های دانشمندان و ادیان و حیانی، خود گواهی است بر این مدعا که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

الف) شهید مطهری و آینده جهان

از نظر شهید مطهری رحمته‌الله، فرجام‌شناسی بشر و تاریخ آن در چهار فرضیه نقد و بررسی می‌شوند:

برخی باور دارند که شر و فساد لازمه انفکاک‌ناپذیر حیات بشر است. بنابراین، زندگی ارزشی ندارد و انسان، به حق و عدالت نمی‌رسد. عده‌ای می‌گویند که آدمی ابتر خواهد بود، زیرا بشر در اثر پیشرفت صنعت و تکنولوژی، با ذخیره انبارهای وحشتناک تخریب‌کننده، به جایی رسیده است که با گورهای دسته جمعی و آماده‌شده خود یک گام بیشتر فاصله ندارد.

شر و فساد، لازمه زندگی بشری نیست، بلکه معلول مالکیت فردی است. تا این ریشه فساد وجود دارد، شر و فساد است و مالکیت فردی هم، که علت شر و فساد در جامعه واقع شده، معلول درجه‌ای از تکامل ابزار تولید و اقتصاد است که در اختیار دسته‌ای خاص است.

ریشه فساد و رنج‌های بشریت، نقصان روحی انسان است. انسان هم‌اکنون، دوره جوانی و ناپختگی را می‌گذراند؛ خشم و شهوت، بر عقل او حاکم است و به حکم فطرت، به سوی تکامل حرکت می‌کند. جبر و فساد، با سرنوشت بشر ارتباطی ندارد. آینده روشن و حیات بخشی در انتظار بشر است.

ایشان در گزینش فرضیه‌هایی که بیان شد، می‌گوید: «نظریه چهارم الهامی خواهد بود که دین می‌کند و نوید مقدس قیام و انقلاب حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه در اسلام و در زمینه همین الهام است.»^۱

ب) فرانسیس فوکویاما و آینده جهان

نویسنده معاصر ژاپنی‌الاصول آمریکایی فوکویاما، با پردازشی نو از اندیشه هگل درباره آینده جهان، چنین اظهار نظر می‌کند: جریان حقیقی تاریخ، در سال ۱۸۰۶ میلادی کمال معنوی پیدا کرده است و پس از ظهور و شکست محتوم فاشیسم و مارکسیسم، سرانجام جهان به سیطره و حاکمیت لیبرال منتهی می‌شود و به کمال مادی هم دست می‌یابد.

او فقط مارکسیسم را رقیب اصلی و جدی لیبرالیسم می‌دانست که آن را فروپاشیده‌اند. اما او نمی‌گوید که هیچ اندیشه‌ای وجود ندارد، بلکه در نظر او پایان تاریخ برخی از جوامع، به صورت لیبرال موفق درآمده و سایر جوامع، از ادعای خود مبنی بر ارائه اشکال و الگوهای متفاوت و برتر درباره سامان‌دهی انسانی، چشم می‌پوشند و در واقع، لیبرالیسم از آن جهت بر جهان مسلط می‌شود که در برابرش ایدئولوژی بسیج‌کننده‌ای برای مقابله وجود ندارد.

در یک کلام، رویکرد فوکویاما نسبت به آینده جهان و تاریخ بشر به منزله نقطه پایان تحول ایدئولوژیکی بشریت و جهانی شدن لیبرال دموکراسی غربی به شیوه زندگی سرمایه‌داری است. او رکود برخورد و تکاپوی اندیشه‌ها را پایان تاریخ می‌نامد و درباره پایان تاریخ جهان سوم می‌گوید که جهان سوم، در تاریخ فرو رفته، در تحول ایدئولوژیکی نقشی ندارد.^۲

۱. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۱-۵۲.

۲. مجتبی تونه‌ای، موعودنامه (فرهنگ القبا‌ی مهدویت)، ص ۴۷.

نقدهایی بر دیدگاه فوکویاما

دیدگاه فوکویاما از اتقان و استحکام لازم برخوردار نیست، زیرا نقدهای بسیاری بر آن وارد است که به اجمال به آنها اشاره می‌شود:

این نظریه مبتنی بر دیدگاه ایدئولوژیک ایالات متحده آمریکا است که سیاست آن، فقط در قالب رویارویی با شوروی سابق مفهوم پیدا می‌کند و امروزه، با متلاشی شدن ابرقدرتی چون شوروی، آمریکا پرچم‌دار تک‌قطبی شدن را به خیال خام خود، در اختیار دارد.

این نظریه درباره پایان تاریخ، مبتنی بر نوعی داروینیسم اجتماعی است که مطابق با آن، تنازع بقا و انتخاب اصلح صورت می‌گیرد و بر این اساس، در تنازع ایدئولوژی‌ها، لیبرالیسم به دلیل اصلح بودن پیروز شده است. البته این استدلال نه تنها غیر منطقی، بلکه بر میزان سودگرایانه است.

برخلاف دیدگاه فوکویاما، ملی‌گرایی در حال رشد است و هم‌بستگی اروپا، هنوز به بازسازی نیاز دارد. مردم آزاد شده از یوغ کمونیسم، به سادگی به اردوگاه کاپتالیسم نخواهند پیوست، زیرا مناسبات مالی آن نیز به قدر کافی نفرت‌زاست.^۱

دموکراسی لیبرال بی‌بهره از معنویت و عقلانیت، به معنای اباحه‌گری و لجام‌گسیختگی بی‌مرز، مانع و خودشکن است، یعنی خود را نقض می‌کند. امروزه، لیبرال دچار شکست شده و راز بحران لیبرالیسم در جهان معاصر همین است.^۲

۱. محمد صادق امه طلب، نظریه پردازی درباره آینده جهان و جهان آینده، ص ۷۷؛

علی اصغر رضوانی، موعودشناسی، ص ۵۶.

۲. رحیم کارگر، آینده جهان دولت و سیاست در اندیشه مهدویت، ص ۱۲۴.

ج) مارشال مک لوهان و آینده جهان

دیدگاه مک لوهان، مبتنی بر انقلاب در عملیات از طریق اطلاعات است که جهان کنونی را به یک دهکده تبدیل کرده است. تا جایی که برقراری ارتباط در جهان فعلی از برقراری ارتباط افراد یک دهکده نیز، سریع تر و راحت تر شده است.

وی معتقد است که در همه دنیا، دریایی از اطلاعات موجود است، که آن هم غرب است، زیرا غرب، ابزار اطلاعات فراوانی در اختیار دارد. در نتیجه، تحول اطلاعات، سبب نزدیک شدن فرهنگ‌های بومی و غیر بومی با فرهنگ لیبرال دموکراسی غرب شده است، زیرا در فرایند برخورد فرهنگ‌ها، فرهنگ ضعیف، در فرهنگ قوی جذب می‌شود. با این مقدمات، او با ضرورت حکم می‌کند که حکومت واحد جهانی، با فرهنگ دموکراسی غرب، تشکیل شود.

نقد دیدگاه مک لوهان

برقراری نظم اجتماعی، فقط براساس دسترسی به یکدیگر به وجود نمی‌آید، بلکه علت‌های دیگری نیز، دارد. در صورت نبود این دلایل، این تماس‌ها در اثر تحولات اطلاعات، موجب خشونت بیشتری می‌شود. نظریه دموکراسی لیبرال، هنوز هم قدرتمندترین فرهنگ‌ها در هضم و جذب فرهنگ‌های دیگر است. از طرفی، امروزه فرهنگ غرب، معارضان بسیاری دارد، از جمله فرهنگ اسلامی که از قدرتمندترین فرهنگ‌هاست و آینده از آن اوست. انزجار مردم از لیبرال دموکراسی روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کند و لیبرال در حالت افول و غروب است.

د) الوین تافلر و آینده جهان

تافلر، دانشمند و روزنامه‌نگار آمریکایی، کتابی با نام موج سوم دارد. این کتاب حاوی دیدگاه‌های او، درباره آینده جهان است. تافلر عنصر اساسی را در نقش آینده جهان، قدرت می‌داند و مشکل جهان را براساس نوع قدرت و تقسیم آن ترسیم می‌کند، زیرا قدرت را، مؤثرترین عامل تعیین‌کننده سیاست جهان و ساختار اجتماعی بشر، می‌داند. به اعتقاد تافلر، در جهان سه نوع تمدن وجود دارد:

۱. تمدن موج اول، کشاورزی؛

۲. تمدن موج دوم، صنعت و تکنولوژی؛

۳. تمدن موج سوم، علم و اطلاعات.

تافلر می‌گوید: «آینده جهان در نتیجه برخورد این امواج با یکدیگر مشخص خواهند شد. در این تمدن‌ها، گرچه عنصر قومیت، مذهب و فرهنگ وجود دارد، اما این پیوندها از طریق قدرت صنعت، ضعیف و در برابر تمدن موج سوم، بسیار اندک است.»^۱

نقد دیدگاه تافلر

ایشان مبنای فلسفی و روان‌شناختی ارائه نمی‌دهد، بلکه فقط با مثال مطالبش را بیان می‌کند و تافلر قدرت را عامل تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت انسان و جهان می‌داند. از نظر تافلر، نقش قدرت از نقش فرهنگ، صنعت و تکنولوژی بالاتر است. در صورتی که تجربه تاریخ نشان می‌دهد که قدرت‌هایی که صبغه الهی نداشته‌اند، همواره در معرض نابودی قرار گرفته‌اند. تنها قدرت الهی است که پایدار و استوار است.

۱. محمد صادق امه طلب، نظریه پردازی درباره آینده جهان و جهان آینده، ص ۷۹.

ه) برنارد شاو و آینده جهان

شاو، از دانشمندان مادی‌گرای ایرلندی است. او آینده جهان را روشن می‌بیند. شاو در این زمینه می‌گوید: «محمد ﷺ بزرگ‌ترین پیامبران است. هرگاه بر دنیای کنونی حکومت می‌کرد، کلیه عقده و مشکلات بشریت را یکی پس از دیگری با سرانگشت حکمت باز می‌کرد. من معتقدم که دین محمد ﷺ، یگانه دینی است که با تمام ادوار و زندگی بشر مناسب می‌باشد و قابلیت آن را دارد که هر نسلی را به خود جلب کند ...، اما باید محمد ﷺ را نجات‌دهنده بشریت بدانم.»^۱

و) برنارد راسل و آینده جهان

راسل، درباره آینده جهان می‌گوید: «دنیای ما امروز، با بحران‌های تاریخ روبه‌رو است. یک چنین بحرانی از زمان نوح علیہ السلام تاکنون سابقه نداشته و در طی این دوران بشریت می‌خواهد خود را به دست خود نابود کند.» ایشان می‌افزاید: «اینک موقع قیام مصلح بزرگ که اوضاع آشفته جهان را با نیروی الهی سروسامان دهد و دنیا را از این ورطه هلاکت نجات دهد، فرا رسیده است.»^۲

البته دیدگاه‌های بسیاری درباره آینده جهان وجود دارد که تنها به تعدادی از آنها در این بحث اشاره کردیم. همه این دیدگاه‌ها بر یک اصل استوار است و آن اصل، ریشه در نهاد بشر دارد؛ به نام آمدن مسیح (موعودگرای آزادی‌بخش)، به معنای اصالت آینده و آینده‌گرایی. اما این که کدام دیدگاه مطابق واقع است، نیاز به اندیشه و بررسی بیشتری

۱. مصطفی محقق راد، اسلام و آینده جهان، ص ۳۸.

۲. همان.

دارد. اعتقاد بر منجی‌گرایی، اصلی است در نقطه مقابل دیدگاه کسانی که آینده جهان را، تاریک پیش‌گویی می‌کنند.

ز) دیدگاه ادیان درباره آینده جهان

متون دینی ادیان، آینده جهان را روشن ترسیم کرده‌اند. ما در این زمینه به آیه‌هایی از عهدین اشاره می‌کنیم:

در عهد قدیم آمده است، خداوند بر ابرام ظاهر شد و گفت: «به ذریه تو این زمین را بخشیدم. وی در آن‌جا مذبحی برای خداوند که بر وی ظاهر شد بنا نمود.»^۱

«و تو را بارور گردانم و امت‌ها از تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند.»^۲

«اما در خصوص اسماعیل، تو را اجابت فرمودم. اینک او را بارور گردانم. دوازده رئیس از وی پدید آیند. امت عظیم از وی به وجود آورم.»^۳

در عهد جدید، در زمینه آینده جهان که در حقیقت، ظهور منجی را ترسیم می‌کند، چنین می‌خوانیم:

«ظهور پسر انسان مانند ظاهر شدن برق لامع از آسمان است که وقتی از شرق ظاهر می‌شود تا غرب را روشن می‌سازد.»^۴

«پسر انسان را خواهد دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمانی می‌آید.»^۵

۱. سفر پیدایش، باب ۱۲ : ۷.

۲. همان، باب ۱۷ : ۲۰.

۳. همان، باب ۱۲ : ۶.

۴. انجیل متی، فصل ۲۴ : ۲۷.

۵. همان، باب ۲۴ : ۳۰.

قرآن کریم به‌طور مستدل، از همه دیدگاه‌ها آینده جهان را روشن‌تر می‌خواند و بشریت را به آن نوید می‌دهد. آیه‌هایی که در این زمینه نازل شده‌اند، اعم از آیه‌های تنزیل و تأویل، بیش از صد و بیست آیه‌اند که هرکدام به جنبه‌هایی از آینده روشن، دلالت می‌کند. به آیه زیر توجه کنید:

﴿قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^۱

موسی به قوم خود گفت از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست و او به هر که از بندگان خواهد واگذارد و حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست.

امام حسن عسگری علیه السلام در حدیثی از فرجام نیک جهان به‌دست فرزندش حضرت مهدی علیه السلام خبر می‌دهد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهُ النَّاسَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خُلُقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فِيمَا لُ الْأَرْضِ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِثْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛^۲ سپاس خدای را که مرا از دنیا نبرد تا آن‌که جانشین مرا به من نشان داد و او از نظر آفرینش و اخلاق، شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. خدای تعالی او را در غیبتش حفظ فرماید، سپس او را آشکار کند و او زمین را پر از عدل و داد کند هم چنان که پر از ظلم و جور شده باشد.»

۱. اعراف، آیه ۱۲۸.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۱۸.

به یقین، علم و تاریخ بدون مساعدت وحی، برای شناخت اشیاء و پیش‌گویی از حوادث و فرجام جهان عاجزند، زیرا حوادث تاریخ آینده، قابل احاطه علم بشر نیست. اگر چه علم، وسیله ارزشمندی است و تصویری از نوعی ترقی و تکامل موجودها را برای انسان القا می‌کند، اما هرگز نشان نمی‌دهد که تغییر جامعه فاسد به مدینه فاضله، از کدام راه تحقق می‌یابد.

بنابراین، باید باور کرد که مبنای یک جامعه ایده‌آل برخاسته از فطرت انسان است. این فطرت بر اثر تعالیم نیک و هدایت، انسان‌ها را در مسیر تکامل قرار می‌دهد و از سوی دیگر، هدایت و تکامل بدون رهبریت جامع‌الشرایط، ممکن نیست.

پس اندیشه پیروزی حق بر باطل و عدالت بر ظلم و تشکیل شهر عدل یا مدینه فاضله طبق مفاد قرآنی و روایی، به‌دست فردی از خاندان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، برای بشر در آینده محقق خواهد شد. این مطلبی است که پشتوانه قرآنی و عقلی دارد. سیر طبیعی و تکامل جوامع انسانی هم‌گویای آن است. هر زمان که مردم از ظلم و بی‌عدالتی به ستوه آیند و زمینه پذیرش حق و عدالت فراهم آید، خداوند مجری و فریادگر حق و عدالت را برای نجات بشر می‌رساند. البته تئوری جدید دهکده جهانی، در صورتی می‌تواند نویدبخش باشد، که رهبری آن را مصلحی آسمانی بر عهده داشته باشد. با تأسف آن‌چه امروز، به‌نام دهکده جهانی از ناحیه صاحبان قدرت به شکلی زیبا و جذاب مطرح و هزینه‌های سنگینی برای استقرار آن خرج می‌شود، همان بردگی ملت و دولت‌های اسلامی است که به شیوه استثمار نوین اعمال می‌شود.

اما باید گفت که اندیشه عدالت‌خواهی و شهر عدل مهدوی، به نفع اربابان قدرت مصادره نخواهد شد. مصلحی که این دولت عدل جهانی را

ایجاد می‌کند و مستضعفان را به حاکمیت می‌رساند، موعود ادیان از نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود.

۳. آثار و پیامدهای اعتقاد به مهدویت

ایده ظهور منجی عالم در فرجام تاریخ، برای معتقدان این اندیشه آثار و پیامدهای فکری و روحی فراوانی دارد که به خلاصه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) انتظار و اعتراض

از جمله آثار اعتقاد به مهدویت، انتظار ظهور منجی عالم بشریت است و انتظار در حوزه مهدویت به معنای اعتراض از وضع موجود و حرکت برای آماده‌سازی ظهور تحول‌های سازنده است. پیش از آن‌که به جنبه‌های تربیتی و آثار انتظار در فرد و جامعه پردازیم، اقسام انتظار را بیان می‌کنیم:

یکم. انتظار ویرانگر

از واژه انتظار، دو نوع مفهوم برداشت می‌شود: انتظار، ویرانگر است؛

انسان منتظر، عزلت اختیار کند و در گوشه‌ای بنشیند تا آن شخصی که انتظارش را دارد، بیاید و جهان را اصلاح کند. پیش از آمدن او، افراد منتظر هیچ‌گونه وظیفه‌ای در قبال منتظر و منجی عالم ندارند.

برداشت اغلب مردم از انتظار موعود، این است که آنها وظیفه‌ای در جامعه ندارند و در واقع، باید ظلم و اختناق به اوج خود برسد، حق و حقیقت هیچ‌گونه طرفداری نداشته باشد و هیچ فرد صالحی هم در

جامعه وجود نداشته باشد، آن‌گاه دست غیب از آسمان برای نجات و اصلاح جامعه بشری بیرون آید و جهان را اصلاح کند. این نوع انتظار، همان انتظار منفی است، زیرا فساد و ظلم را مقدمه به وجود آمدن یک جهان مطلوب می‌داند و هیچ‌گونه وظیفه‌ای برای فرد و جامعه قائل نمی‌شود. پس این طرز برداشت از انتظار، با موازین عقلی و شرایع آسمانی سازگاری ندارد.

دوم. انتظار سازنده

انتظار سازنده، انتظاری است که از متون دینی ادیان آسمانی دریافت می‌شود. انتظار سازنده، حلقه مبارزه با بیدادگری‌هاست که سرانجام آن به پیروزی حق و عدالت، که همان تشکیل دولت مهدوی، ختم می‌شود. این طرز فکر از انتظار، خط بطلان کشیدن بر نوع اول انتظار است؛ تا در اذهان خطور نکند که مکتب انتظار، تعطیل شدن مبارزه علیه بیدادگران تاریخ است، آنهایی که انتظار را گوشه‌گیری معرفی کرده‌اند، در واقع، تیری به تاریکی رها نموده‌اند. در روایت آمده که انتظار، فضیلت و عبادت بزرگی است، زیرا انسان منتظر همواره علیه خواسته‌های نفسانی و بی‌عدالتی‌ها، مبارزه می‌کند.

بنابراین، مسئله مهدویت‌باوری و این‌که روز نجات فرا خواهد رسید، اختصاص به ادیان آسمانی و فرقه‌های خاصی ندارد، بلکه یک حالت نفسانی برای نجات از وضع نامطلوب و رسیدن به وضعیت برتر و بهتری است که حتی مکاتب غیر دینی و فلسفی نیز، بدان معتقدند. برخی از نویسندگان در مورد انتظارگرایی ادیان، به دو بعد مهم اشاره می‌کنند که با این دو جنبه از انتظار، جامعه به سعادت واقعی دست پیدا می‌کند.

الف) ابعاد شخصیتی فرد منتظر به طور کامل تعریف شده است. او از نسل پیامبر خدا ﷺ است که در طول تاریخ، هدایت‌گر انسان‌ها بوده است. این فرد زنده و برخلاف پندارهای نادرست، قیام او حساب شده و با اراده خداوند است. او در همه شرایط نه تنها از پیروانش، بلکه از همه انسان‌ها آگاه و میان او و پیروانش روابط معنوی برقرار است.

ب) حادثه‌ای که هنگام ظهور او رخ می‌دهد، یک حادثه تکاملی و جاندار است، درحالی که مکاتب دیگر، فقط به تحول آن حادثه نظر دارند. بنابراین، مردم در انتظار حادثه‌ای هستند که در تمام عرصه‌های زندگی بشر، تحولی بنیادی ایجاد می‌کند که البته این تحول صددرصد مثبت، با هدف تأمین سعادت بشر رخ می‌دهد. مسلماً چنین نگرشی به آینده جهان، در تمام اجزای رفتار انسان‌ها مؤثر خواهد بود. انسان‌ها بایستی خود را برای یک چنین روزی آماده کنند. آنها باید خود و جامعه را اصلاح نمایند تا مورد توجه آن منجی حق، واقع شوند.^۱

ب) خودسازی و تهذیب نفس

همان‌طور که گفته شد، در ادیان، زمان دقیق ظهور منجی، تعیین نشده است. بنابر دستورهای دینی ادیان، باورمندان واقعی ظهور، باید همیشه آماده باشند و در این آمادگی بیشترین دقت را به رشد معنوی و نفسانی خود مبذول دارند. شاید علت تأکید بر انتظار منجی، علاوه بر حتمی بودن آن تلاش برای خودسازی فردی باشد.

دین یهود، مسیح، زرتشت و اسلام، به انسان‌ها توصیه می‌کنند که همواره با تزکیه نفس و اعمال صالح، چشم به راه منجی باشند و هیچ‌گاه

۱. علی رضا اعرافی، گفتمان مهدویت، گفتمان چهارم، ص ۴۱-۴۳.

از اصلاح غفلت نکنند. بنابراین، کسانی که معتقدند پایان زندگی، دوره حکومت عدل و احسان خواهد بود، باید مراقبتی دائمی از اعمالی که انجام می‌دهند، داشته باشند. به عبارت دیگر، باید بدانیم هرگونه اعمالی که انجام می‌دهیم، خدا و موعود ما را می‌بینند و باید مواظب اعمال و گفتار خود باشیم. علاوه بر مواظبت از انجام اعمال، خودمان را از نگاه معنوی - که پذیرفته شده همه ادیان و حیانی است - با موعود ادیان نزدیک سازیم و ارتباط برقرار کنیم و همین نزدیک شدن و برقراری ارتباط با آن منجی عالم، موجب اصلاح فرد است.

قرآن کریم، به انسان‌ها پیشنهاد می‌کند تا برای رسیدن به سعادت، با منجی عالم ارتباط برقرار کنند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^۱

ای اهل ایمان در کار دین صبور باشید و یک‌دیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید، اما مهیا و مراقب فعالیت دشمن باشید، خداترس باشید، تا پیروز و رستگار گردید.

این آیه سفارش به صبر و هرگونه جهاد و اصلاحی را شامل می‌شود، حتی جهاد با نفس اماره، که بزرگ‌ترین دشمن و مسبب بیشترین لغزش‌های انسان است. قرآن کریم هم می‌فرماید: «شما صبور باشید»؛ یعنی در برابر هوای نفس استقامت کنید.

قرآن مجید می‌فرماید: انسان نه تنها باید خود را اصلاح کند، بلکه باید اصلاح‌گر هم باشد و این اصلاح‌گری را در قالب امر به معروف و نهی از منکر بایستی عرضه کند. اجرای این مهم، زمینه‌ساز ظهور منجی و ضامن

۱. آل عمران، آیه ۲۰۰.

سلامت جامعه از فساد و نا به سامانی خواهد بود. به لحاظ اهمیت اجرای آن در جامعه، خداوند جامعه اسلامی را مورد خطاب قرار داده است:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾^۱

شما مسلمانان، حقیقی ترین امتی هستید که برای قیام امر به معروف و نهی از منکر به پا خواسته اید، تا این که مردم را به نیکوکاری و اदार نموده و از کارهای زشت باز دارید.

بدین ترتیب، همان گونه که امت پیامبر آخر الزمان، بهترین امت ها هستند، یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و کسانی که آماده ظهور منجی هستند نیز، باید از بهترین افراد باشند و این بهتر و شایسته بودن، به کسب مراتب اخلاقی و علمی انسان بستگی دارد. به همین دلیل است که گفته اند یاران مصلح، باید خود صالح باشند، زیرا که در دستگاه حکومت منجی عالم بشریت، افراد غیر صالح موقعیتی ندارند.

پس از ظهور و زمان حکومت صالحان، ریشه های تبعیض و بی عدالتی می خشکد و عدالت و امنیت فراگیر می شود. افراد فاسق در حکومت جهانی موعود جایی ندارند. بنابراین، حکومت از آن صالحان و کسانی است که برای اصلاح نفس خود در زمان غیبت، کوشیده اند. احادیث بسیاری از ائمه علیهم السلام وجود دارد که حاوی این مضمونند: «با اعمال خود ما را یاری رسانید و باعث عزت و افتخار ما باشید.»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْظُرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ؛^۲ هر کس دوست دارد که در شمار حضرت قائم باشد، باید منتظر باشد و پارسایی پیشه سازد و به اخلاق نیکو رفتار کند.»

۱. آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰.

در قرآن نیز، تعبیر به «عبادی الصالحون» نشان می‌دهد که زمین را افراد صالح به ارث می‌برند و افراد غیر صالح لیاقت ندارند که از یاران حضرت مهدی علیه السلام باشند. بهترین عمل صالح بر اساس قرآن و روایت، یاری رساندن به برادران ایمانی است. حتی امام صادق علیه السلام در حدیث، جمله ﴿وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ در سوره عصر را برای مساوات و هم‌یاری برادران دینی، منطبق ساخته است.

ج) هم‌بستگی و زندگی مسالمت‌آمیز

امید به ظهور موعود ادیان، تنها یک رویکرد عاطفی نیست، بلکه شامل رویکرد و ایده معرفتی و اجتماعی نیز می‌شود. این باور در جوامع انسانی، آثار تربیتی و روان‌شناختی بسیار مؤثری دارد. بر این اساس، چشم‌انداز ظهور موعود، منشوری است که تجلیات گوناگونی دارد. با نگاه مثبت ادیان آسمانی به مسئله مهدویت، باید بگوییم که اصل اعتقاد به مهدویت، در کنار اصول مشترک اعتقادی هم‌چون: توحید، عدالت، آزادی و روز قیامت که ادیان به آن معتقدند، از مؤثرترین عوامل انسجام و هم‌بستگی جوامع انسانی برای یک زندگی مسالمت‌آمیز است.

هم‌بستگی جوامع بشری که از حیاتی‌ترین و بنیادی‌ترین مسائل یک زندگی سالم و دور از خشونت است، نیاز به بسترهای مناسبی هم‌چون اعتقاد به مهدویت دارد. باور داشتن به روز نجات و حاکمیت حق و عدالت در پایان روزگار بشر، از اساسی‌ترین مؤلفه‌هایی است که می‌تواند به هم‌بستگی پیروان ادیان و مذاهب کمک کند. هم‌بستگی و زندگی اجتماعی بشر، طرحی است که در خلقت بشر قرار داده شده و بشر با انگیزه درونی خود، به این سمت حرکت می‌کند.

روح بشر، که مایه پیدایش تشکلهای و جمعیت‌های کوچکی شده است، می‌تواند روح انسان‌ها را به سوی جامعه‌ای بزرگ‌تر و یک پارچه‌تری سوق می‌دهد. طرح هم‌بستگی و هم‌سویی جوامع بشری، طرحی غیرممکن نیست، زیرا اگر این‌گونه بود، قرآن کریم هرگز انسان‌ها را به آن فرا نمی‌خواند.

کانت، نظریه‌پرداز لیبرالیستی، معتقد است که بشر سرانجام، به مدینه فاضله نائل می‌شود. بی‌شک، مدینه فاضله در دیدگاه او، تحقق کامل جامعه مدنی است. او با توجه به وجوه مشترکی که بین ادیان وجود دارد، از جمله اخلاق انسانی - که ریشه اندیشه سیاسی کانت را تشکیل می‌دهد - می‌گوید: «عمده‌ترین وجوه مشترک پیروان ادیان برای تحقق جامعه سالم و حاکمیت عدالت در آن جامعه، اخلاق انسانی است. بنابراین، آرمان مشترک بشری و استمداد از آموزه‌های مشترک پیروان ادیان، در تنظیم زندگی جوامع پیش از جامعه مدینه فاضله به هم‌گرایی و اتحاد عملی میان ادیان، پیروان ادیان نقش حیاتی دارد»^۱

طرح جامعه مدنی و یا گفت‌وگوی تمدن‌ها به جای برخورد فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از سوی محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق ایران و عناوین دیگری هم‌چون فردای روشن جامعه ایده‌آل شهر عدل و ...، حتی مدینه فاضله افلاطون و کنفرانس‌های بین‌المللی صلح جهانی و تقریب مذاهب اسلامی که امروزه انجام می‌شوند، از جمله طرح‌هایی هستند که متفکران و سیاست‌مداران جهان را به یک نقطه سوق می‌دهند و آن چیزی جز داشتن زندگی مسالمت‌آمیز، پیش از تحقق حکومت جهانی مهدوی نیست.

۱. غلام‌رضا بهروز لک، مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی؛ انتظار موعود، ص ۱۴۹.

نشست‌ها و کنفرانس‌های بسیاری جهت برقراری صلح و امنیت جهانی، با هدف رهایی بشر به‌ویژه، پیروان ادیان بزرگ از جنگ و آشوب تشکیل می‌شود که این خود از دغدغه‌های بشر امروزی است. در ادامه به یک کنفرانس بین‌المللی که در اسلو پایتخت کشور نروژ برگزار شد، اشاره می‌کنیم: کنفرانسی تحت عنوان «نقش دین در دیپلماسی و ایجاد صلح» از تاریخ هفتم الی نهم فوریه (۲۰۰۵م)، در شهر اسلو پایتخت کشور نروژ برگزار شد. در این کنفرانس، افراد برجسته‌ای از سراسر جهان حضور داشتند. گفتمان‌هایی که در این اجلاس صورت گرفت، تأکید در برقراری صلح و دوستی پیروان ادیان، براساس اصول مشترک ادیان نمودند.^۱

اختلاف و ناامنی در میان پیروان ادیان، دلایل بسیاری دارد، از جمله: آنها اصول مشترک خود را درست نمی‌شناسند و یا آگاهی لازم و تحلیل درستی از مشترکات ندارند و همین دلیل، موجب به‌وجود آمدن سوءتفاهم و فاصله بین پیروان ادیان می‌شود. حتی اصول مشترکی که محور هم‌بستگی پیروان ادیان است، به محور نزاع تبدیل می‌شود. برای نمونه، در جامعه آمریکا، که بیشتر مردم آن مسیحی هستند، از اعتقاد به منجی - که نقطه عطف و اشتراک بین اسلام و مسیحیت است - تفسیر انحرافی شده است. به این معنا که آنها معتقدند دشمن اصلی مسیحیان در کتاب مقدس، مسلمانانند. از نظر آنها مسلمانان، ظهور مسیح را قبول ندارند. در صورتی که در متون اصلی مسلمانان، اعتقاد به زنده بودن حضرت مسیح علیه السلام و نزول آن حضرت هم زمان با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، بشارت داده شده است و مسلمانان به حضرت مسیح علیه السلام، اعتقاد کامل دارند.

۱. ماهنامه اطلاع‌رسانی، اخبار ادیان، ص ۶.

بنابراین، دشمن حضرت مسیح علیه السلام کسانی هستند که حضرت مسیح علیه السلام را انکار کرده‌اند. آنها کسانی هستند که اعمال ضد بشری انجام می‌دهند و از ظلم و جنایت دفاع می‌کنند، آنها حضرت مسیح علیه السلام را نمی‌شناسند و برخلاف پیام و دین او عمل می‌کنند. اسلام برای همه انبیای الهی، که از جانب خدا برای هدایت و سعادت بشر آمده‌اند، ارزش بسیاری قائل است و مسلمانان به انبیای الهی و کتب آسمانی که قرآن کریم آنها را تأیید کرده است، اعتقاد دارند و به ادیان آسمانی احترام می‌گذارند و مهدویت را بستری مناسب و از مؤلفه‌های هم‌بستگی میان پیروان ادیان الهی می‌دانند.

(د) امید به آینده روشن

ناامیدی و افسردگی، از بیماری‌های فراگیر قرن و از دشوارترین اختلالی است که انسان معاصر با آن دست به گریبان است و از عوارض آن به شدت رنج می‌برد. از طرف دیگر، افرادی را می‌بینیم که رشته امید به فردایی روشن را پاره کرده‌اند. در صورتی که انسان، برای تداوم زندگی و تحمل دشواری‌های آن، نیاز به انگیزه‌ای قوی و نیرومند دارد که در پدیده امید تجلی پیدا می‌کند. امید به آینده‌ای که به مراتب عالی‌تر و زیباتر از امروز باشد و نه امیدهای واهی، بلکه امیدی که از متن باورهای دینی افراد رویش کرده و آن در یک جمله، مسئله انتظار است که در همه ادیان، به نوعی موج می‌زند.

بنابراین، رویکرد آینده‌گرایی با سلامت روان انسان‌ها از نسبت معقول و منطقی برخوردار است، زیرا بدون اعتقاد به آینده بهتر، زندگی معنوی از میان می‌رود. علم روان‌شناختی امروزه، این مطلب را تصدیق

می‌کند، که افرادی که به فردای بهتر امیدوار هستند، دست به رفتارهای پرخاشگرانه و خصومت‌آمیز نمی‌زنند، بلکه با آرامشی بیشتر، راه‌حل علمی و منطقی را در پیش می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا حوادث را کنکاش و بررسی کنند.

بدین ترتیب، مسئله امید به آینده‌ای روشن که وجه اشتراک ادیان است، می‌تواند با حفظ سلامت روانی انسان‌ها، بستری برای مذاکره و گفت‌وگو جهت تقریب آنها فراهم کند. اعتقاد به مهدویت و آینده‌ای مطلوب، شور و آمادگی ویژه‌ای نیاز دارد. در سبقت به سوی آینده‌ای خوش‌فرجام، باید عاشقانه آمادگی تحمل سختی‌ها را داشت. به عبارت دیگر، نباید از ظهور منجی مأیوس شد، بلکه با این شور، باید زندگی کرد.

پس قطعیت ظهور مصلح عالم، به عنوان دست‌آوردی اعتقادی به اصل مشترک میان همه انسان‌ها به نام روزگار رهایی مسلم است. از سویی، علوم جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی این اعتقاد را به عنوان اصل مسیانیسم و فتوریسم پذیرفته است، زیرا فتوریسم، مکتبی است که به آینده بشارت می‌دهد. در دنیای امروز و با گسترش علم و دانش، ایده نجات جهان از ظلم و بی‌عدالتی، با ظهور مصلح عالم از مرزهای ادیان و مذاهب گذشته و به عنوان مهم‌ترین اصل حیاتی بشر مطرح است. اگر بشر بخواهد به بحران‌ها و خصومت‌ها خاتمه دهد، از قدرت‌طلبی‌هایی که منجر به جنگ جهانی سوم می‌شود، پیش‌گیری کند و نیز بخواهد به اصل حکومت جهانی تن در دهد، باید افکار پوسیده و نژاد برتر و تبعیض که روزگار بشر را تباه ساخته است از مغزها بیرون کند.

۴. طرح چند پرسش و پاسخ

الف) پرسش اول

موضوع حاکمیت دولت مهدوی، انکارناپذیر است، زیرا ادیان به آن بشارت داده‌اند، عقل و فطرت هم، آن را قبول دارند. اما در این زمینه پرسش‌های بسیاری وجود دارد، از جمله:

آیا منجی با دین جدید قیام می‌کند؟ یا دین او همان دین اسلام است؟ اگر محور حکومت منجی، دین اسلام باشد، تعبیراتی مانند: امر جدید، کتاب جدید و قضای جدید در روایت چه مفهومی دارد؟

پاسخ

اسلام با پذیرش این مطلب که اسلام، دین کمال یافته ادیان الهی است و پس از رسول معظم اسلام ﷺ، پیامبری نخواهد آمد، عرضه دین جدید با ختم رسالت و ختم وصایت معنایی ندارد.

سنت جدید و دین جدید در جوامع حدیثی قابل بررسی و تحلیل است به عبارت دیگر، طبیعت هر نهضت و انقلاب، تجدیدنظر به برنامه‌های گذشته و لازمه آن پیاده کردن امر جدید و برنامه‌های جدید است، زیرا نوآوری از ارکان انقلاب‌ها و نهضت‌هاست. در عصر حکومت جهانی مهدوی هم، روال کارها و برنامه‌ها چنین خواهد بود.

با ذکر این مقدمه، در پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت که تحولات جدید، در زمان حکومت مهدوی رخ می‌دهد، اما این سخن به معنای دست برداشتن از اصول اولیه اسلام نیست، زیرا وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، سبب احیای مجدد شریعت جدش، خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله است. البته پیاده کردن احکام به روش جدیدی نیازمند خواهد بود که این روش با نکته‌های زیر روشن می‌شود:

طبق برخی روایت‌ها، بخشی از احکام به دلیل مساعد نبودن شرایط و مقتضیات، در عصر پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام بیان نشده‌اند، در حالی که علم آن احکام تنها نزد آنها بوده است، اما در عصر حکومت مهدوی چون شرایط و زمینه بیان آن احکام فراهم می‌شود، حضرت مهدی ﷺ آنها را اجرا و بیان می‌کند.

بخشی از احکام، پیش از آن که به دست ما برسند، تحریف یا از بین رفته‌اند، زیرا در آن زمان از سوی حکام، تدوین حدیث ممنوع شد و بسیاری از جوامع، احادیث را آتش زدند. اما آن احکام و قواعد، که نزد امام عصر است و در زمان ظهور حضرت مهدی ﷺ بیان و در مرحله اجرا قرار می‌گیرد.

وظیفه مردم در عصر غیبت کبری، مراجعه کردن به علما و فقها است. ادله‌ای که آنها براساس آن فتوا صادر می‌کنند، بیشتر ظنی بوده و در نتیجه، احکامی که استخراج می‌شود، احکامی ظاهری است نه واقعی. اما در عصر ظهور، صاحب شریعت، احکام واقعی را عرضه می‌کند.

در طول تاریخ ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، به برخی از احکام و قوانین اجتماعی، کمتر و یا هرگز عمل نشده است. در صورتی که در عصر ظهور، همه آن احکام، اجرا می‌شوند.

در عصر غیبت، به دلیل پایین بودن سطح فکری و بلوغ اجتماعی مردم، برخی از احکام بیان نشده‌اند، اما در عصر ظهور، بینش و سطح آگاهی مردم بالا رفته، آمادگی و قابلیت‌های فوق‌العاده‌ای در فهم معارف دینی برای مردم ایجاد می‌شود که در نتیجه، ضرورت پاسخ‌گویی، به این خواسته‌ها و نیازهای فکری مردم، ایجاب می‌کند که موعود ادیان، احکام نگفته را برای مردم بیان کند.

بنابراین، بیان معارف در آن زمان، از جهاتی با طرز نگرشی عامه مردم، جدید به نظر می‌رسد. در واقع، آن حضرت سنن و معالم فراموش شده است که آن را به دور از هرگونه تحریف و تقیه‌ای بیان می‌کند و این کار در نظر مردم بیان و القای تازه‌ای به حساب می‌آید.^۱

ب) پرسش دوم

از خصوص ادیان آسمانی در می‌یابیم که اسلام، در عصر دولت جهانی مهدوی، حاکمیت پیدا می‌کند و جهان در آن روزگار پر از عدل و داد می‌شود؛ اما سؤال‌های بسیاری در این زمینه مطرح می‌شود، از جمله این‌که: سرنوشت اهل کتاب در حکومت عدل جهانی چگونه خواهد بود؟ و تعامل حکومت مهدوی با آنها به چه کیفیت است؟

پاسخ

این‌که در عصر ظهور منجی، دین واحد حاکمیت دارد، جای هیچ‌گونه تردیدی نیست. مراد از حاکمیت دین واحد، دین اسلام است و با توجه به این‌که اسلام، دینی تحمیلی نیست که بر پیروان ادیان دیگر تحمیل شود، این سؤال مطرح می‌شود که برخورد دولت مهدوی با پیروان ادیان دیگر با چه کیفیتی خواهد بود؟

براساس روایت، کارگزاران دولت مهدوی از بزرگان و نیاکان امت و به تعداد سیصد و سیزده نفر از ارکان دولت جهانی هستند که هرکدام نقش فرماندهی و نمایندگی آن حضرت را در سرزمینی که در آن منصوب می‌شوند، انجام می‌دهند.

۱. علی اصغر رضوانی، موعودشناسی، ص ۶۳۴.

اولیای خدا و پیامبران، در قالب رجعت به دنیا باز می‌گردند، تا در ردیف یاران و ارکان دولت مهدوی قرار گیرند. به همین دلیل، ترکیب دولت مهدوی را از پیامبران و جانشینان آنها گفته‌اند. هم‌بستگی در سایه هم‌گرایی حکومت به وجود می‌آید.

بدیهی است که حکومت واحد، جهان‌بینی واحد نیز می‌خواهد که در جهان حاکم باشد. مردمان همه یک‌دل و یک‌زبان به سوی سعادت و صلاح واقعی حرکت می‌کنند. اما موضع منجی عالم در برابر پیروان ادیان آن است که دین اسلام را به آنها عرضه می‌دارند و در این کار حضرت مسیح علیه السلام نیز، مشارکت دارد. آنهایی که دین اسلام را نمی‌پذیرند، در امان دین اسلام زندگی می‌کنند. اما این مردمان اگر قصد آشوب داشته باشند یا اقدام به آشوب کنند، کشته خواهند شد.

آنچه روایت می‌گوید، این است که اهل کتاب در دولت مهدوی، جزیه پرداخت می‌کنند.

«يُسَالِمُهُمْ كَمَا سَالَمَهُمْ رَسُولَ اللَّهِ وَ يُوَدُّونَ الْجَزِيَّةَ عَنْ يَدٍ وَ هُمْ صَاغِرُونَ.»^۱
 ممکن است یهود و نصارا تا روز قیامت باقی بمانند، هرچند که در اقلیت زندگی کنند. اما آنها بدون آن‌که صاحب قدرت باشند، مال، جان و آبرویشان در پناه دولت اسلامی محفوظ است. برخی می‌گویند که حکومت جهانی مهدوی، به این معناست که توحید، عدالت و قانون واحدی به نام اسلام بر سراسر زمین حکومت می‌کند؛ اما هر منطقه‌ای با شیوه و روش‌هایی که مربوط به خودشان است و چه‌بسا ممکن است که حضرت، والیانی در هر جا قرار دهد و به آنها اختیاراتی دهد تا طبق شرایط آن سرزمین، عمل کنند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

اما حفظ جوهرهٔ اسلام، مهم‌ترین هدف است. در این صورت، بحث نژادی و بحث جغرافیایی وجود ندارد، بلکه قانون اسلام در تمام نقاط زمین پیاده می‌شود که این نیز، هیچ‌گونه منافاتی با جهانی شدن و تکامل ندارد.^۱ امام صادق علیه السلام در حدیثی به این نکته خاطر نشان شده‌اند که حاکمیت، از آن اسلام است:

«فَوَاللَّهِ يَا مُفَضَّلُ لَيَرْفَعَنَّ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَدْيَانِ الْإِخْتِلَافَ وَيَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»^۲
مفضل از امام صادق علیه السلام دربارهٔ اوضاع عصر ظهور پرسید. حضرت در جواب فرمود: «امام قائم از میان ملت‌ها، اختلاف را برمی‌دارد و یک دین بر جهان حاکم می‌شود.»

پس، آنچه درباره اهل کتاب باید گفت این است که آنها، از لحاظ فیزیکی و اعتقادی محو نمی‌شوند، بلکه فقط قدرت سیاسی و اختلاف از آنها سلب می‌شود. اما به‌طور عادی آنها در سایه حکومت جهانی مهدوی، به سر می‌برند، چنان‌که از کلام امام محمد باقر علیه السلام نیز، استفاده می‌شود:

«وَيَحْكُمُ بَيْنَ أَهْلِ تَوْرَاتٍ بِالتَّوْرَاتِ، وَبَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ وَبَيْنَ أَهْلِ زَبُورٍ بِالزَّبُورِ وَبَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ»^۳
از این حدیث در می‌یابیم که اهل کتاب، محو فیزیکی نمی‌شوند، بلکه در پناه حکومت مهدوی، امنیت و حقوق آنها تأمین می‌شود.

ج) پرسش سوم

برخی از ناآگاهان، مهدویت را مقوله‌ای وارداتی و متأثر از یهودیت و مسیحیت می‌دانند. در دایره‌المعارف بریتانیکا در واژه مهدی، اسلام و زرتشت

۱. محمد امامی کاشانی، موعود، ص ۲۳.

۲. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

۳. همان.

آمده است؛ اسلام دینی نیست که ظهور موعود، در آن انتظار برود. دین اسلام در اندیشه مهدویت‌باوری، متأثر از یهودیت و مسیحیت است. مارگلی یوت اسلام‌شناس اروپایی، مدعی است که اعتقاد به مهدویت، ناشی از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه اسلامی پس از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. مسلمانان پس از مرگ رهبرشان در اثر اوضاع ناآرام و جنگ‌های خونینی که برای کسب قدرت انجام می‌شد، اندیشه مهدویت باوری و منجی باوری را از یهود و مسیحیت اقتباس کرده‌اند قرآن، به موضوع مهدویت اشاره‌ای ندارد و به هیچ حدیثی هم نمی‌توان اعتماد کرد.^۱ در یک جمله، مخالفان اندیشه مهدویت از دیر زمان، برای کم‌رنگ کردن اعتقاد مهدویت در میان دین‌داران، به‌ویژه مسلمانان، چنین تظاهر کردند که اندیشه مهدویت، مولود جهل و ترس شکست‌خوردگان تاریخ است که برای دل‌خوشی خود ادعا می‌کنند که فرجام تاریخ، روشن خواهد شد. این برای آنها جز پندار بیش نیست؟ و اگر بگویم که اندیشه مهدویت، در یهودیت و مسیحیت بوده، اسلام در این اندیشه از آنها متأثر است؟

پاسخ

اول این‌که: اندیشه ظهور منجی - که در فرجام تاریخ بیاید و جهان را اصلاح کند - یک اندیشه فراملیتی است؛ صرف‌نظر از این‌که ادیان الهی و غیرالهی به آن وعده داده باشد، عقل و فطرت انسانی این اندیشه را مطرح کرده است. اعتقاد به مهدویت، متأثر از عقل و فطرت است که انکار فطریات و مخالفت با حسن و قبح عقلی، به معنای انکار آفتاب است.

۱. سید اسدالله هاشمی شهیدی، ظهور مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۱۷۵؛ محمد صابر جعفری، انتظار ستیزی، انتظار موعود، ص ۲۷۲ و همان، ص ۲۶.

دوم این که: متون ادیان و حیانی و زمینی، به نوعی از مهدویت باوری بشارت داده‌اند. این خود بطلان ادعایی که در ادیان، به مهدویت تصریح نشده است را روشن می‌سازد. از سویی، در ادیان دو عنصر برای بیشتر انسان‌ها پذیرفته شده‌اند: یکی از آنها موعود باوری است؛ یعنی روزگار ظلم و استبداد به پایان خواهد رسید و بشر، دوره عدالت و طلایی را تجربه خواهد کرد و عنصر دیگر که از مسلمات پیروان ادیان محسوب می‌شود، برپایی روز قیامت است، که در آن روز به حساب اعمال انسان‌ها، رسیدگی می‌شود. افراد شرور و ظالم، کیفر و مجازات می‌شوند، اما افراد صالح و مؤمن، پاداش دریافت می‌کنند.

این باور روزبه‌روز، میان دین‌داران در حال گسترش و تقویت است. اگر بخواهیم به کتب ادیان به‌ویژه ادیان الهی رجوع کنیم، اوستا، عهدین و قرآن کریم، مشحون از اعتقادات به روز ظهور است. روایت هم، چنین ایده‌ای را تصدیق می‌کند. بنابراین، انکار چنین اصلی از سوی مستشرقان، دلیلی ندارد.

سوم این که: ادیان به ترتیب زمانی ظهور کرده‌اند و به مقتضای فطرت، یک دسته از اصول و اندیشه‌ها را برای نظم اجتماعی ارائه کردند. البته که در دین و حیانی، وحی هم، اندیشه‌ها و اصول معقول و مثبت را تأیید و بر آن صحه می‌گذارند، اما نقصی که مستشرقان می‌خواهند به اسلام، که جامع و کامل‌ترین دین آسمانی است، وارد کنند، این است که اسلام، مهدویت را از ادیان پیشین گرفته است.

بنابراین، اصل طرح اندیشه مهدویت در ادیان پیشین مفروض است. اما این اندیشه که در دین‌های پیشین، دوران طفولیت و رسیدن به بلوغ و کمال را سپری می‌کرد، با ظهور اسلام به بلوغ و کمال خود

رسید. به عبارت دیگر، مهدویت باوری در دین اسلام سیر طبیعی خود را طی کرده است. اما این نکته‌ای را باید در نظر داشت که قدمت، همیشه مایه امتیاز نیست و زمانی اندیشه‌ای ماندگار می‌شود که کمال را کسب کند؛ کمال هم کسب نمی‌شود، مگر این‌که ادیان بعدی، آن اندیشه را تصدیق کنند. اندیشه مهدویت باوری، زمانی به کمال نشست، که اسلام آن را تصدیق کرد.

چهارم این‌که: در انسان‌ها فطرت وجود دارد و فطرت خود مبدع اندیشه‌های معقول و مثبت است. بنابراین، بشر بسیاری از اندیشه‌های مثبت را به وسیله فطرت خود خلق کرده است. مسئله فطری و عقلی، کلیت دارد و در زمان و مکان محدود، نمی‌ماند. ادیان هم به آن صحنه می‌گذارند و روشمندتر از آن‌چه بوده، آن را به تصویر می‌کشند.

تنها اصل مهدویت نیست که کمالشان را از اسلام کسب کرده‌اند، اصولی هم‌چون: خداشناسی، نبوت، قیامت و... در دامنه اسلام به بلوغ و کمال رسیده‌اند. بنابراین، قدمت یکی از اصول اعتقادی در ادیان پیشین، مستلزم مخدوش شدن آن اصل در دین بعدی نخواهد بود.

پنجم این‌که: دین اسلام خاتم ادیان و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خاتم رسولان است؛ اصول قداست و کمال ابدی ایجاب می‌کند که آخرین دین، او را پذیرفته باشد. از این زاویه بود که قرآن، برخی از اصول که در ادیان قدیم، مورد تقدیس پیروان آن دین بود یا و در مقابل، آن اصول که رنگ عقلی و فطری داشت را مشروعیت بخشید.

با توجه به شبهات یکی از نویسندگان به نام عبدالحسین فخاری در کتاب اصالت اندیشه مهدویت به همین نکته مفصل اشاره کرده است. وی اظهار می‌کند که هیچ مسئله اعتقادی مانند مهدویت، مورد شبهه مخالفان،

چه دانا و چه جاهل قرار نگرفته است، زیرا اصالت این اندیشه، همانند اصالت توحید و نبوت و مهدویت نیز، عصاره امامت است. توحید و نبوت بدون امامت و امامت بدون مهدویت معنایی ندارد.^۱

بنابراین، در هر زمان بحث از مهدویت، ضرورت دارد، زیرا بحث از آینده و سرنوشت انسان‌هاست.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ، لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»^۲

۱. عبدالحسین فخاری، ذهنیت مشرقین (پژوهشی در اصالت اندیشه مهدویت و نقد گفتار شرق‌شناسان)، ص ۹۴.

۲. کلیات مفاتیح الجنان، ترجمه کمره‌ای، ص ۱۲۸۷.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم (ترجمه مرحوم الهی قمشه‌ای).
۲. نهج البلاغه (ترجمه سید جعفر شهیدی).
۳. کلیات مفاتیح الجنان (ترجمه کمره‌ای).
۴. کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید)، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام کلن، هنری مرتن، چاپ دوم: اساطیر، تهران ۱۳۸۳.
۵. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، شفق، ۱۳۷۵.
۶. ادیب آل علی، سید محمد، پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره مسیحیت، تحقیق: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۷. ابراهیم، علی رضا، مهدویت در اسلام و زرتشت، چاپ اول: باز، تهران ۱۳۸۱.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، المجلد الثانی، الطبعة الاولى، بیروت ۱۹۹۷ م.
۹. آشتیانی، جلال، تحقیق در دین مسیح، نگارش، ۱۳۶۸.
۱۰. اعرافی، علی رضا، گفتمان مهدویت، گفتمان چهارم، مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۵.
۱۱. ابن فارس، احمد، مقایس اللغة، تحقیق و ضبط: عبدالسلام، محمد هارون، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۱۲. اسفندیاری، مصطفی، حجت موجه، بصیرت، تهران ۱۳۸۶.
۱۳. ابطحی، سید حسن، مصلح غیبی، حاذق، ۱۳۷۴.
۱۴. بیات، عبدالرسول و همکاری جمعی از نویسندگان، فرهنگ واژه‌ها، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی، قم ۱۳۸۱.
۱۵. بویس، مری، زرتشتیان (باورها و آداب دینی آنها)، ترجمه: عسگر بهرامی، ققنوس، تهران ۱۳۸۱.
۱۶. تلخی، پل، آینده ادیان، ترجمه: احمد رضای جلیلی، مرکز مرکز مطالعه و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم ۱۳۷۸.
۱۷. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌های (سمت)، قم، مؤسسه فرهنگی طه، مرکز جهانی علوم اسلامی، تهران ۱۳۸۱.
۱۸. نگاهی به ادیان زنده جهان، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۷۷.
۱۹. وحی زبان مقدس هزاره‌ها، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران ۱۳۸۵.
۲۰. تونه‌ای، مجتبی، موعود نامه (فرهنگ الفبای مهدویت)، انتشارات میراث ماندگار، قم ۱۳۸۵.
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، عصاره خلقت، اسراء، ۱۳۸۳.
۲۲. شریعت در آینه معرفت (بررسی و نقد نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت)، اسراء، قم ۱۳۸۱.
۲۳. جعفری، علی اکبر، پیام زرتشت، انتشارات سازمان زنان زرتشتی، تهران ۱۳۴۶.
۲۴. جذری، ابن اثیر، النها به فی غریب الحدیث و الاثر، مطبعه العثمانیه، مصر ۱۳۱۱ ق.
۲۵. جان، هنلز، راهنمای ادیان زنده، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، مؤسسه بوستان کتاب مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم ۱۳۸۵.
۲۶. حسین خانی، ابوالقاسم، احساس انتظار، برترین فرهنگ مهدویت در مطبوعات، ستاد احیا و گسترش فرهنگ مهدویت، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه بوستان کتاب، قم ۱۳۸۵.
۲۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل شیعیه، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
۲۸. خاتمی، احمد، فرهنگ علم کلام، صبا، تهران ۱۳۷۰.

۲۹. خزائلی، محمد، اعلام القرآن، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰.
۳۰. دین پرور، سید جمال، جهان گشای عادل، چاپ یازدهم: انتشارات نهج البلاغه، ۱۳۷۹.
۳۱. دانشگر، احمد، فرهنگ فارسی نوین، حافظ نوین، تهران ۱۳۸۱.
۳۲. رضی، هاشم، زرتشت، پیامبر ایران باستان، بهجت، تهران.
۳۳. رضی، هاشم، اوستا، سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۶۳.
۳۴. رضایی، عبدالعظیم، اصل و نسب دین‌های ایرانیان باستان، مؤلف، ۱۳۶۸.
۳۵. رامیار، محمود، بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی، ۱۳۵۲.
۳۶. رشاد، علی اکبر، فلسفه دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران ۱۳۸۳.
۳۷. رضوانی، علی اصغر، مهدویت و جهانی‌سازی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۵.
۳۸. منجی از دیدگاه ادیان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۵.
۳۹. موعودشناسی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۴.
۴۰. راشید محصل، محمد تقی، نجات بخشی در ادیان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران ۱۳۸۱.
۴۱. زرین کوب، عبدالحسین، در قلمرو وجدان، سروش، تهران ۱۳۵۷.
۴۲. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، سیر در ادیان زنده جهان (غیر از اسلام)، تهیه شده در انجمن معارف اسلامی ایران، آیت عشق، ۱۳۸۳.
۴۳. سبحانی، جعفر، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، جلد ۱، انتشارات توحید، قم ۱۳۷۸.
۴۴. صادقی، محمد، بشارات عهدین، تهران، ۱۳۳۹ ش.
۴۵. صدوق، ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین، ترجمه: منصور پهلوان، انتشارات مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۲.
۴۶. صدر، محمد باقر، انقلاب مهدی و پندارها، ترجمه: سید احمد علم الهدی.
۴۷. طباطبایی، محمد حسین، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم ۱۳۸۴.
۴۸. میزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۴.
۴۹. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، مکتبه المرتضویه، تهران ۱۳۶۵.

۵۰. طبرسی، ابی علی فضل بن حسن، مجمع البیان، تصحیح و تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، سید فضل الله و یزدی طباطبایی، دارالمعرفه الطباعه و النشر، الطبعة الاولى، تهران، ناصر خسرو، ۱۴۰۶ ق.
۵۱. عبدالهی، فرشته، دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانیان، مؤلف با همکاری انتشارات ققنوس، ۱۳۶۹.
۵۲. عسگری، سید مرتضی، معالم المدرستین، بیروت، منشورات مؤسسه اعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى ۱۴۰۶ ق.
۵۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی، ابراهیم سامری، جزء اول، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳.
۵۴. فضایی، یوسف، جامعه‌شناسی ادیان، چاپ اول: آهنگ قلم، ۱۳۸۲.
۵۵. فروید، زیگموند، آینده یک پندار، ترجمه، مقدمه و تحشیه: هاشم رضی، مؤسسه انتشارات آسیا، ۱۳۴۲ ش.
۵۶. فخاری، عبدالحسین، ذهنیت (پژوهش در اصالت اندیشه مهدویت و نقد گفتار شرق‌شناسان)، آفاق، تهران ۱۳۷۹.
۵۷. قرا ملکی، محمد حسین، آیین خاتم، چاپ اول: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران ۱۳۸۶.
۵۸. قرشی، سید علی اکبر، اتفاق در مهدی موعود علیه السلام، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.
۵۹. کارگر، رحیم، آینده جهان، دولت و سیاست در اندیشه مهدویت، چاپ اول: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، تهران ۱۳۸۳.
۶۰. کهن، دکتر ابراهام، خدا، جهان، انسان و ماشیح در آموزه‌های یهود، ترجمه: امیر فریدون گرگانی، المعی، تهران ۱۳۸۲.
۶۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، اسوه، ۱۳۷۲.
۶۲. گرینستون، جولیس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم ۱۳۷۷.
۶۳. معلوف، لوئیس، فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی به فارسی)، ترجمه: احمد سیاح، انتشارات اسلام، تهران ۱۳۷۷.
۶۴. مشکور، محمد جواد، خلاصه ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، چاپ ششم: انتشارات شرق، ۱۳۷۷.

۶۵. مجلسی، محمد باقر، بحار، مؤسسه الوفا، الطبعة الثانية، بیروت ۱۴۰۳ق، ۱۹۸۳ م.
۶۶. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ترجمه و شرح: رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۸.
۶۷. محقق راد، مصطفی، اسلام و آینده جهان، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۸۲.
۶۸. میلر، ویلیام، مسیحیت چیست، ترجمه: کمال مشیری، حیات ابدی، ۱۳۶۱.
۶۹. مهدی پور، علی اکبر، راز طول عمر امام زمان از دیدگاه علم و ادیان، طاووس بهشت، ۱۳۷۸.
۷۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران ۱۳۸۵.
۷۱. مبلغی آبادانی، عبدالله، تاریخ ادیان و مذاهب جهان از ۳۵ هزار سال قبل تا اسلام و مذاهب و فرق در اسلام، منطق سینا، ۱۳۷۳.
۷۲. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه: حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم ۱۳۸۱.
۷۳. مهرین، مهرداد، دین بهی و فلسفه دین زرتشت، چاپ سوم: سازمان انتشارات فروهر، تهران ۱۳۸۰.
۷۴. مصطفوی، علی اصغر، سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان، ندا، تهران ۱۳۶۱.
۷۵. مسلم، امام ابی الحسین، صحیح مسلم، دارالمعرفه، بیروت.
۷۶. مولوی، جلال الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر دوم، تصحیح: نیکلسون، امیرکبیر، تهران ۱۳۸۱.
۷۷. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدوی، نسل جوان، قم ۱۳۸۴.
۷۸. و جمع نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۳.
۷۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، چاپ سوم، ۱۳۷۲.
۸۰. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، صدرا، تهران ۱۳۸۳.
۸۱. ناس، جان، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، آموزش و انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۰.
۸۲. همان، شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۸۳. نوری، یحیی، اسلام و عقاید و آرای بشری، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی، تهران ۱۳۵۳.

۸۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم (معروف به ابن ابی زینب)، غیبت نعمانی، ترجمه: محمد جواد غفاری، کتابخانه صدوق، تهران ۱۳۶۳.
۸۵. هیک، جان، فلسفه دین، ترجمه: بهزاد سالکی، بین‌المللی الهدی، تهران ۱۳۸۱.
۸۶. هیوم، رابرت، ادیان زنده جهان، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر فرهنگی اسلامی، تهران ۱۳۷۸.
۸۷. هاشمی، باسّم، منجی به روایت اسلام و مسیحیت، ترجمه: الملخص بین الاسلام و المسیحیه، بازگردان: محسن احتشامی نیا، آفاق، تهران ۱۳۸۴.
۸۸. هاشمی شهیدی، سید اسدالله، ظهور مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، چاپ اول: مسجد مقدس جمکران، قم ۱۳۸۰.
۸۹. ه - هیس، تاریخ مردم‌شناسی، ترجمه: ابوالقاسم طاهری، تهران ۱۳۴۰.
۹۰. جمع نویسندگان، جهان مذهبی ادیان در جهان امروز، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۸۴.

فصلنامه‌ها

۹۱. شیروودی، مرتضی، جهانی‌سازی اسلام و آینده بشریت، مجله علمی - تخصصی معرفت در زمینه علوم انسانی، سال سیزدهم، ۱۳۸۳، شماره ۴.
۹۲. انتظار موعود، فصل‌نامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی علیه السلام، سال دوم، ۱۳۸۱ شماره ۵.
۹۳. همان، سال چهارم، ۱۳۸۳، شماره ۱۴.
۹۴. بهروز لک، غلام رضا، مهدویت و زندگی سیاسی معاصر اسلامی، فصل‌نامه علمی - تخصصی انتظار موعود، ویژه امام مهدی علیه السلام، سال سوم، ۱۳۸۲ شماره ۱۰.
۹۵. طاهری، حبیب‌الله، جهانی‌شدن و مقایسه آن با حکومت واحد جهانی مهدی علیه السلام، انتظار موعود، فصل‌نامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی علیه السلام، سال سوم، ۱۳۸۲، شماره ۷.
۹۶. جعفری، محمد صابر، انتظار ستیزی، انتظار موعود، فصل‌نامه علمی - تخصصی ویژه امام مهدی علیه السلام، سال سوم، ۱۳۸۱ شماره ۵.
۹۷. همان، ۱۳۷۹، شماره ۱۹.

۹۸. امه طلب، محمد صادق، نظریه پردازی درباره آینده جهان و جهان آینده موعود، ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی، ۱۳۷۷، شماره ۱۰ و ۱۱.
۹۹. اخبار ادیان، ماهنامه اطلاع رسانی، سال سوم، ۱۳۸۱، شماره ۱۳.
۱۰۰. امامی کاشانی، محمد، موعود، ماهنامه فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی، سال پنجم، ۱۳۸۰، شماره ۲۵.
۱۰۱. مجله تخصصی کلام اسلامی، سال پانزدهم، ۱۳۸۵، شماره ۵۹.

فهرست انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۱	اتار و برکات نماز	رجب‌علی حیدری مظفرنگری	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲	ادب اسلامی، ج ۱	محمد عندلیب	فارسی	سوم، ۱۳۸۵
۳	ادب اسلامی، ج ۲	محمد عندلیب	اردو/انگلیسی	اول، ۱۳۸۴
۴	ادب اسلامی، ج ۲	محمد عندلیب	عربی	دوم، ۱۳۸۴
۵	ادب التلاوة	محمد غلامی	عربی/انگلیسی	۱۳۷۸
۶	ازادی اراده انسان در کلام اسلامی	طاہرہ روحانی، حلیمہ حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۷	ازادی در مکتب فکری عاشورا	علیرضا محمدی، اسماعیل دانش، غلام‌سخی حلیمی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۸	اسب‌های درونی عزاداری	سید محمد علی موسوی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۹	آشنایی با ادیان بزرگ	حسین توفیقی	فارسی	دهم، ۱۳۸۶
۱۰	آشنایی با استشرق و اسلام‌شناسی غربیان	محمدحسن زمانی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۱	آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران	حسین علوی مهر	فارسی	سوم، ۱۳۸۸
۱۲	آشنایی با تاریخ و منابع حدیثی	دکتر علی نصیری	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۳	آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت	دکتر علی نصیری	فارسی	دوم، ۱۳۸۸
۱۴	آشنایی با رهبران سلفی و وهابیت	الیاس قاسم اف	انگلیسی	اول، ۱۳۸۸
۱۵	آشنایی با صحیفه سجادیه	محمد علی مجد فقیهی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۶	آشنایی با علوم قرآن	محمد باقر سعیدی روشن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۷	آشنایی با منون حدیث و نهج البلاغه	مهدی مهریزی	فارسی	چهارم، ۱۳۸۷
۱۸	آفتاب فقاہت (زندگی‌نامه مقام معظم رهبری)	محمد یعقوب بشوی	اردو	اول، ۱۳۸۲
۱۹	آموزش احکام (همراه با استفتائات مقام معظم رهبری)	محمد حسین فلاج‌زاده	فارسی	چهارم، ۱۳۸۷
۲۰	آموزش صرف	سید قاسم حسینی، غلامعلی صفایی و محمود ملکی	فارسی	سوم، ۱۳۸۸
۲۱	آموزش علوم قرآن	محمد باقر سعیدی روشن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۲	آموزش فارسی به فارسی (کتاب چهارم و پنجم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	سوم، ۱۳۸۲
۲۳	آموزش فارسی به فارسی (کتاب دوم و سوم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	سوم، ۱۳۸۲
۲۴	آموزش فارسی به فارسی (کتاب ششم)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۲۵	آموزش فارسی به فارسی (کتاب کار ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷)	اصغر فردی، احمد زهرایی، جعفر مقیمی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۶	آموزش کلام اسلامی (راهنماشناسی، معادشناسی)	محمد سعیدی مهر	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۲۷	آموزش منطق	غروی‌بان	فارسی	دوم، ۱۳۸۰
۲۸	آموزش نماز	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۲۹	آموزش سار	محمد زین العابدین ابوبی	بنگالا	اول، ۱۳۸۲
۳۰	آموزه‌های بنیادین علم اخلاق، ج ۱	محمد فتوح‌علی خانی	فارسی	اول، ۱۳۷۹
۳۱	آموزه‌های گام به گام نستعلیق	حسن اهنگران	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۳۲	آنچه یک زن مسلمان باید بداند	میر اشرف العالم	بنگالا	اول، ۱۳۸۷
۳۳	آیات الاحکام تطبیقی	محمد فاکر میدتی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۳۴	ابن تیمیہ منہجہ فی الحدیث	ابو محمد العیسی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۳۵	اتحاد الفریقین	سید شجاعت حسین رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۸
۳۶	احکام اسلامی	الیاس قاسم اف	تاجیکی	اول، ۱۳۸۸
۳۷	احکام روزه	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۳۸	احکام زکات	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۳۹	احکام نکاح و طلاق	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۴۰	احکام و مقررات شکار و صید	علی اکبر صادقی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۴۱	احوال الشخصیہ شیعیان افغانستان	عبدالله شفاہی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۴۲	اخلاق تبلیغ در سیرہ رسول اللہ ﷺ	سید مرتضی حسینی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۴۳	ادوار الاجتهاد عند الشیخ الامامیہ	عدنان فرحان تنہا	عربی	اول، ۱۳۸۶
۴۴	اسباب النزول القرآنی؛ تاریخ و حقائق	حسن محسن حیدر	عربی	اول، ۱۳۸۵
۴۵	اسرار نماز	رجب‌علی حیدری مظفرنگری	اردو	اول، ۱۳۸۵
۴۶	اسراف و تبذیر، تباهی سرمایه‌ها	دکتر ناصر رفیعی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۴۷	اسلام و دموکراسی لیبرال	محمد حنیف ظاہری	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۴۸	اسماعیلیہ از ابتدا تا حال	محمد سعید بہمن پور	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۴۹	اصول الفقه	محمد علی شمالی	انگلیسی	اول، ۱۳۸۵
۵۰	اصول تدریس ضوابط و مقررات	دفتر بهبود روشها و برنامه‌ریزی سازمانی گروه قوانین و مقررات	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۵۱	اصول دین در قرآن کریم	مؤسسه معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۵۲	اعتقاد ما	ایة‌اللہ مکارم شیرازی، مترجم: محمد نظام‌الدین	تاملیلی	اول، ۱۳۸۴
۵۳	اعتقاد ما	ایة‌اللہ مکارم شیرازی، مترجم: افضل‌الدین رحیم‌اف	انگری	اول، ۱۳۸۳
۵۴	اعتقاد ما	ایة‌اللہ مکارم شیرازی، مترجم: سید فخر غازی	ہندی	اول، ۱۳۸۳

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۵۵	اعجاز قرآن	سیدرضا مؤدب	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۵۶	اعجاز قرآن	سیدرضا مؤدب، مترجم: فاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۵۷	اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقان	رئیس اعظم شاهد	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۵۸	الأحوال الشخصية (الطلاق)	الدكتور السيد محمد كاظم المصطفوي	عربی	اول، ۱۳۸۴
۵۹	الأحوال الشخصية (النكاح)	السيد محمد نجفی	عربی	اول، ۱۳۸۵
۶۰	الأخلاق السياسية في المنهج الإسلامي	السيد شهاب الدين الحسيني	عربی	اول، ۱۳۸۳
۶۱	الأخلاق والحفارة	علی حسن الیامری	عربی	اول، ۱۳۸۳
۶۲	الامام علی بن ابی طالب و تنمية ثقافة اهل الكوفة	محمد العبادی	عربی	اول، ۱۳۸۱
۶۳	التبلیغ: مناهجه و اسالیبه	جعفر البجاری	عربی	سوم، ۱۳۸۸
۶۴	التفسیر المیسر	سید محمد شاهدی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۶۵	التفسیر و المفسرون	سید محمد شاهدی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۶۶	التفیه فی المجتمع الإسلامي اذلة و آثار	محمد جواد فاضل موسوی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۶۷	التفیح الصناعي بین العلم و الشریعة	سید کاظم العزازی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۶۸	العجبر و الاختیار	العلامة محمد تقي الجعفري، مترجم: حسین الواسطي	عربی	اول، ۱۳۸۶
۶۹	الحیة الجنسية بین الاستقامة و الشذوذ	سید کاظم العزادی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۷۰	المخلو فی جهنم	محمد عبدالخالق کاظم	عربی	اول، ۱۳۸۳
۷۱	الدعاء عند اهل البيت علیهم السلام	محمد مهدی الاصفی	عربی	چهارم، ۱۳۸۷
۷۲	الدولة الإسلامية من التوحید الی المدنیة	نزار عیدانی	عربی	اول، ۱۳۸۱
۷۳	الذین و عسمة العولمة	مسعود سامانی، ترجمه: عبدالکریم الجنابی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۷۴	السلف و السلفیون	نجم الدین طیبی، مترجم: توفیق اسداف	اڈری	اول، ۱۳۸۷
۷۵	العدالة الاجتماعية فی الاسلام	سید فاضل موسوی جباری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۷۶	الفقه المقارن	سید کاظم مصطفوی	عربی	دوم، ۱۳۸۱
۷۷	القصص القرآنی	سید محمد باقر حکیم	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۷۸	القواعد الفقهية (قاعدة لاضرر، حجية البينة و...)	الدكتور السيد محمد كاظم المصطفوي	عربی	دوم، ۱۳۸۴
۷۹	القواعد الفقهية	سید کاظم مصطفوی، سید عبدالهادی شریفی	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۸۰	القواعد الفقهية (ویراست جدید)	الدكتور السيد محمد الحسيني القزويني	عربی	اول، ۱۳۸۸
۸۱	الکوهای فضیلت	ابراهیم امینی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۸۲	المعاد الجسمانی	شاکر عطیة الساعدی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۸۳	الموجز فی تاریخ الأدب العربی	عبدالهادی شریفی	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۸۴	النحو الجامع	حمید جزائری	عربی	اول، ۱۳۸۸
۸۵	الوجیز فی مسائل الفقه الاستدلالی، ج ۱-۲	سید علی العلوی	عربی	اول، ۱۳۸۷
۸۶	الهدایة فی النحو	تصحیح و تعلیق: حسین شیر افکن	عربی	دوازدهم، ۱۳۸۸
۸۷	الهیات تطبیقیة اسلام و مسیحیت	توفیق اسداف و افضل الدین رحیم اف	اڈری	اول، ۱۳۸۵
۸۸	امام حسن و امام حسین علیهما السلام از نظر اهل سنت	سید محمد علی موسوی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۸۹	امام علی بن ابی طالب و پیروانش	الیاس قاسم اف	تاجیکی	اول، ۱۳۸۸
۹۰	امامت و ولایت در قرآن	ایة الله العظمی مکارم شیرازی - مترجم: رضاشکر اف	اڈری	اول، ۱۳۸۸
۹۱	امتيازات علوی	ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب نسائي، مترجم: سید شاهد حسین رضوی هندی	اردو	اول، ۱۳۸۷
۹۲	اندیشه سیاسی شهید مطهری	کروه مؤلفان / ت: عون علی کریمی	اردو	اول، ۱۳۸۸
۹۳	اندیشه های قرآنی شهید مطهری علیهم السلام، ج ۱	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۹۴	اندیشه های قرآنی شهید مطهری علیهم السلام، ج ۲	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۹۵	انسان و سرنوشت	شهید مرتضی مطهری، مترجم: محمد اشرف شجاع	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۹۶	اهل بیت علیهم السلام از دیدگاه اهل سنت	سید ابوالحسن باقری	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۹۷	اهل بیت علیهم السلام سفینه النجاة	غلام محمد فخر الدین نجلی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۹۸	اهل بیت علیهم السلام کشتی نجات	محمد باقر مقدسی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۹۹	ایضاح الحکمة فی شرح بداية الحکمة	علی ربانی کلپایگانی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۰۰	ابن امت دین اسلام	سید یونس استروشنی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۱۰۱	بازگشت به عصر دین	احمد رضا میر ساجتی، مترجم: قدری چلیک	استانبولی	اول، ۱۳۸۲
۱۰۲	بداية المبتدی	سید یونس استروشنی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۰۳	بردرگاه دوست	ایة الله مصباح یزدی، مترجم: محمد اربین والدمن	المانی	اول، ۱۳۸۳
۱۰۴	بررسی تحریفات قیام عاشورا از دیدگاه تحریف ستیزان	امنه احسانی، جمیله احمدی / کریمه گل کلی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۰۵	بررسی جامعه شناسی پیامدهای فرهنگی بازگشت مهاجران به افغانستان	محمد عیسی عالمی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۰۶	بررسی مدارک و مستند نویسی واقعه عاشورا	سید حسن سجادی / سید طالب زکی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۰۷	بررسی مستند حیات حضرت زینب (س) و نقش او در نهضت عاشورا	سید علیرضا عالمی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۰۸	بررسی و تحلیل وجود جن و کارکردهای آن	سید مراد رضا رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۱۰۹	بررسی واقعه عاشورا در تاریخ طبری	زهرا محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۱۱۰	بطن قرآن از دیدگاه شیعه و اهل سنت	سید حیدر طباطبایی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۱۱	بلمی به سوی ساحل (زبان تصویر ۱)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۱۲	پرستش و پاسخ در مورد عاشورا	افضل الدین رحیماف و توفیق اسداف	آذری	اول، ۱۳۸۸
۱۱۳	پله پله تا آسمان علم	محمد عابدی	فارسی	دوم، ۱۳۸۶
۱۱۴	تاریخ آموزش در اسلام	حسن حسین زاده شانه چی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۱۵	تاریخ اسلام	مهدی پیشوایی، عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۱۶	تاریخ اسلام، ج ۱-۲	سید منذر حکیم	عربی	چهارم، ۱۳۸۵
۱۱۷	تاریخ الادب العربی	عبداللهادی شریفی	عربی	دوم، ۱۳۷۸
۱۱۸	تاریخ تشیع در افغانستان	عبدالمجید ناصری دلوودی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۱۱۹	تاریخ حدیث	دکتر سید رضا مؤدب	فارسی	دوم، ۱۳۸۸
۱۲۰	تاریخ حدیث	دکتر سید رضا مؤدب	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۲۱	تاریخ سرگذشت حدیث	مطیع الرحمان	بنگالا	اول، ۱۳۸۶
۱۲۲	تاریخ شیعه و اعتقاداتشان	محمد نظام الدین	تامیلی	اول، ۱۳۸۷
۱۲۳	تاریخ علم اصول	مهدی غلی پوز / علی ظاهر	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۲۴	تاریخ فدک	وزیر عباس حیدری مظفر نگری	اردو	اول، ۱۳۸۳
۱۲۵	تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی	محمد رضا کاشفی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۱۲۶	تاریخ فلسفه اسلامی	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۲۷	تاریخ فلسفه غرب ۱	مهدی بنایی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۲۸	تاریخ قرآن	محمد حسین محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۲۹	تجزیه و ترکیب	حسین شیرافکن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۰	تحریر الاسفار للمولی صدرالدین شیرازی، ج ۱-۲	الدکتور علی الشیروانی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۱۳۱	تحلیل قصص	محمد شریفانی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۳۲	تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران (ریشه ها و پیامدها)	محمد مهدی باباپور	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۳۳	ترجمه قرآن کریم	رضایی اصفهانی	عربی / فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۴	نصیم گیری شورایی	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۵	نظور حركة الاجتهاد عند الشيعة الإمامية	عدنان فرحان تنها	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۶	نظور عاشورائنگاری در میان اهل سنت	حبیب الله صالحی (روحانی) / غلام حسین میری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۷	تعریب دروس فی وضع الحدیث	ناصر ربیع المحمدی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۳۸	تعلیمات خلوی	مؤسسه فکر اسلامی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۱۳۹	تعلیمات نهج البلاغه	سعی و اهتمام: مؤسسه فکر اسلامی انگلستان	اردو	اول، ۱۳۸۵
۱۴۰	تفسیر آیات ولایت	ایة الله مکارم شیرازی، مترجم: محمد سمیع الحق	بنگالا	اول، ۱۳۸۴
۱۴۱	تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان کالتنقیدی جائده	سید محمد عباس رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۸
۱۴۲	تفسیر تطبیقی (بررسی تطبیقی مبانی تفسیر قرآن و ...)	دکتر فتح الله نجارزادگان	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۱۴۳	تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه اهل بیت و اهل سنت...	ایلقار اسماعیل زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۴۴	تفسیر تطبیقی آیه مودت	فدا حسین عابدی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۱۴۵	تفسیر سوره حجرات	محسن قرآنی، مترجم: سید تاج الدین حسام	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۴۶	تفسیر سوره فرقان	ایة الله مکارم شیرازی، مترجم: جمعی از مترجمان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۵
۱۴۷	تفسیر سوره نور	ایة الله مکارم شیرازی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۱۴۸	تفسیر سوره یس، الرحمن، ملک	ایة الله مکارم شیرازی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۴۹	تفسیر مقدماتی قرآن کریم	دکتر محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۱۵۰	تشیلات	قرآنی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۱۵۱	تعریف کتاب ششم	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۱۵۲	تهذیب جواهر البلاغه	تهذیب و تلخیص: امیر الامینی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۵۳	جای پای افتاب	سید علی نقی میر حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۱۵۴	جغرافیای سیاسی جهان اسلام	عزیز الله عزتی	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۱۵۵	جلوه نور (حضرت فاطمه زهرا (ع))	ایة الله علی سعادت پرور، مترجم: محمد امین	استانبولی	اول، ۱۳۸۳
۱۵۶	جلوه ها و الگوهای اخلاقی قیام عاشورا	محمد عارف صداقت / حمید الله شریفی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۵۷	جوابات سخنان سیاه صحابه	ایة الله علی کورانی عظمی، مترجم: سید ابو محمد تقوی	اردو	اول، ۱۳۸۵
۱۵۸	جوان و جوانی در سیره اهل بیت (ع)	محمد عارف صداقت	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۱۵۹	چالش های زمینه ساز قیام حسینی	معصومه گل گلی / تقوا کنانی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۶۰	چرا از اسلام روگردانی	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	۱۳۷۷
۱۶۱	چکیده پایان نامه های کارشناسی ارشد جامعه المصطفی (ع)	مرتضی رضا خانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۱۶۲	چکیده اندیشه های آیه الله سید مجتبی موسوی لاری	حسن ابراهیم زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۶۳	چگونه قرآن را حفظ کنیم	شهریار پرهیزگار	اردو	اول، ۱۳۸۶
۱۶۴	چهل حدیث	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیک	اول، ۱۳۷۷
۱۶۵	چهل حدیث بهداشت	حبیب الله منان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۱۶۶	حفظ موضوعی قرآن کریم (اعتقادات، احکام و اخلاق)	سید علی میر داماد نجف ابادی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۱۶۷	حقوق اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با تأکید بر قانون اساسی	عبد محمد احمدی و قاسم علی سداقت	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۶۸	حقوق اهل بیت (ع) در تفاسیر اهل سنت	محمد یعقوب بشوی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۱۶۹	حقوق غیر ایرانیان در جمهوری اسلامی	فرج الله هدایت نیا	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۷۰	حقوق و تکالیف اتباع غیر ایرانی	فرج الله هدایت نیا	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۷۱	حقیقت محمدیه و افراد انسان از ازل تا ابد در مکتب ابن عربی	امداد توران	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۱۷۲	حکمت نامه کودک	ترجمه جمال الدین شکر اف	افری	اول، ۱۳۸۸
۱۷۳	حکومت دینی در اندیشه امام خمینی (ره) و ابوالاعلی مودودی	ضامن علی حبیبی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۷۴	حوار الحقیقة فی ضوء رؤية التوحید الدینی الثقافی	نحسین البدری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۱۷۵	حیة السیاسیة الامام الخلیفة	عصری انبانی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۱۷۶	خدا و صفات خدا در مکتب امامیه و مانریذیه	حیات الله ناطقی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۷۷	خدمات متقابل اسلام و ایران	شهید مطهری، مترجم: مینا بوکار، ادریس تیجانی سماری	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۱۷۸	خرد ناب ج ۱ و ۲	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۷۹	داستان های بحار الانوار	محمود ناصری، مترجم: محمد علی مرتضی	بنگالا	اول، ۱۳۸۴
۱۸۰	داستان های قرآن به قلم روان	محمد مهدی اشتیاردی، مترجم: محمد حسین اف	روسی	اول، ۱۳۸۶
۱۸۱	در انتظار خورشید (مقالات همایش در انتظار خورشید)	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۸۲	در جست و جوی حق (نگرشی بر چهار زمامدار پس از رسول خدا ص)	حیدر مطهری و روسی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۱۸۳	در جست و جوی فرقه ناجیه	ناظم زینال او	روسی	اول، ۱۳۸۳
۱۸۴	درآمدی بر برنامه ریزی آموزش عالی دین	نجفعلی میرزایی، مترجم: نورالهدی توفیق - علی زاهدی پور	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۱۸۵	درآمدی بر نظری های حاکمیت	سید محمد مصطفوی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۱۸۶	درآمدی بر ساختار اداری حکومت اسلامی	عبدالعلی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۱۸۷	درآمدی بر فلسفه اسلامی	عبدالرسول...	انگلیسی	اول، ۱۳۸۶
۱۸۸	درآمدی بر نظام تربیتی اسلام	محمد علی حاجی ده آبادی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۱۸۹	درآمدی به تاریخ علم اصول	مهدی علی پور	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۱۹۰	درآمدی به شیعه شناسی	علی ربانی کلبایگانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۱۹۱	دراسات موجزة فی الخیارات و الشروط	ایة الله جعفر السبحانی	عربی	دوم، ۱۳۸۷
۱۹۲	درستامه تاریخ عصر غیبت	پور سید اقای، جباری، اشوری و حکیم	فارسی	پانزدهم، ۱۳۸۷
۱۹۳	درستامه درایة الحدیث	دکتر سید رضا مؤذب	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۱۹۴	درستامه روش آموزش و مهارت های کلاس داری قرآن	رحمت عابدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۱۹۵	درستامه عقاید	دکتر علی شیروانی	فارسی	چهارم، ۱۳۸۶
۱۹۶	درستامه مقررات قرآن مجید	شهید غلام علی همایی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۱۹۷	درستامه وضع حدیث	دکتر ناصر رفیعی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۱۹۸	دروس تمهیدیة فی اصول العقائد	صادق الساعدی	عربی	چهارم، ۱۳۸۸
۱۹۹	دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، تلمیحی جلد ۱ و ۲	الشیخ باقر الایروانی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۲۰۰	دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، ج ۲-۴	الشیخ باقر الایروانی	عربی	ششم، ۱۳۸۸
۲۰۱	دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی، ج ۱	الشیخ باقر الایروانی	عربی	هفتم، ۱۳۸۸
۲۰۲	دروس تمهیدیة فی السیرة القاندة ۲	سید منذر حکیم	عربی	دوم، ۱۳۸۶
۲۰۳	دروس فی الاحکام الاسلامیة، ج ۲-۱	عبدالکریم بهبهانی (ال نجف)	عربی	دوم، ۱۳۸۴
۲۰۴	دروس فی الاحکام الاسلامیة، ج ۱-۲	شیخ عبدالکریم ال نجف	عربی	اول، ۱۳۸۴
۲۰۵	دروس فی البلاغة	الشیخ معین دقین العاملی	عربی	دوم، ۱۳۸۶
۲۰۶	دروس فی البلاغة العربیة	سید عبدالهادی شریفی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۲۰۷	دروس فی تاریخ الفقه و ادواره	ایة الله جعفر السبحانی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۲۰۸	دروس فی تاریخ عصر الغیبة	تعریب: انور الرضافی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۲۰۹	دروس فی الشیعة و التشیع	علی الربانی الکلبایگانی، مترجم: انور الرضافی	عربی	دوم، ۱۳۸۸
۲۱۰	دروس فی الفقه الاستدلالی (فی الفقه العبادة)، ج ۱-۲	الشیخ باقر الایروانی	عربی	دوم، ۱۳۸۷
۲۱۱	دروس فی الفقه المعاملات (التبیح)	السید محمد کاظم المصطفوی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۲۱۲	دروس فی المناهیج والانجاهات و التفسیریة للقرآن	محمد علی الرضایی الاصفهانی، مترجم: قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۳
۲۱۳	دروس فی تاریخ الادیان	حسین توفیقی، مترجم: انور الرضافی	عربی	سوم، ۱۳۸۸
۲۱۴	دروس فی علم الاصول	سید محمد باقر حکیم	عربی	دوم، ۱۳۸۳
۲۱۵	دروس فی علم الدرابة	دکتر سید رضا مؤذب، مترجم: قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۲۱۶	دروس فی علوم القرآن	حسین جوان ارسته	عربی	اول، ۱۳۸۳
۲۱۷	دروس فی مبادئ الفقه و معرفة ابوابه	حسن الرضایی	عربی	دوم، ۱۳۸۸
۲۱۸	دروس فی نصوص الحدیث و نهج البلاغة	مهدی المهریزی، مترجم: انور الرضافی	عربی	سوم، ۱۳۸۶
۲۱۹	دروس فی وضع الحدیث	سید عبدالکریم حیدری و عبدالامیر الوردی	عربی	اول، ۱۳۸۸
۲۲۰	دروس موجزة فی علم الرجال و الدرابة	ایة الله جعفر السبحانی	عربی	سوم، ۱۳۸۵

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۲۲۱	دکترین مهدویت ج ۱-۴	تهیه و تدوین: موسسه آینده روشن	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۲۲	دیکشنری فارسی - آندونزی	یانور فیبری ن	اندونزی/فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۲۳	دوستی در کتاب سنت	محمد ری شهری، مترجم: حکیم جان کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۵
۲۲۴	رابطه دیالکتیکی عاشورا با بحرانیهای محیطی	محمد قاسم عرفانی / قنبر علی تابش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۲۵	رابطه قرآن و عبرت از دیدگاه شیعه و اهل سنت	فدا حسین عابدی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۲۶	راز آفرینش اهل بیت	سید محمد علی موسوی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۲۷	رساله‌ای کوتاه در باب ضیافت الهی	محمد م. خلیفان	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۲۲۸	روایات سهو النبی الاکرم	فیصل النمیسی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۲۲۹	روحانیت و حکومت در افغانستان	محرابعلی صفدری	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۲۳۰	روش تدریس	حسین سپهری	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۲۳۱	رویارویی تمدن اسلامی و مدرنیته	سید محمد عارف حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۲۳۲	رهیافتی بر علم سیاست و جنبش‌های اسلامی معاصر	عبدالم هاب قرانی	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۲۳۳	زلزال اندیشه	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۳۴	زنان دین کسور در تاریخ اسلام	طاهره روحانی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۳۵	زنگ‌ها (زبان تصویر ۲)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۳۶	زهرابیت: برترین بانوی جهان	ایمانه مکارم شیرازی، مترجم: جمعی از مترجمان	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۲۳۷	سروش اسمانی، ج ۱-۴	محمد رضا افشاری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۳۸	سفارشات پیامبر اکرم	اکرم خان زیاد الله	تاجیکی	اول، ۱۳۸۴
۲۳۹	سفر (زبان تصویر ۵)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۴۰	سنت‌ها و آیین‌های بزرگداشت عاشورا در میان اهل سنت	محمد شریف حیدری / محمد جمله شیخ زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۴۱	سنت‌های اجتماعی الهی در قرآن	دکتر احمد مرادخانی تهرانی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۴۲	سنت‌های الهی	علامه طباطبائی، مترجم: کمال حسین اطهری مبارک پورهندی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۴۳	سوره لقمان	محسن قرآنی، مترجم: محمد الله حلیم	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۲۴۴	سوره یاسین	محسن قرآنی، مترجم: محمد الله حکیم	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۲۴۵	سید رضی: زندگی و کارنامه	زاهد علی هندی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۴۶	سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن	دکتر ناصر رفیعی محمدی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۲۴۷	سیره اهل بیت	عبدالرحمان عبدالخالق	فارسی/عربی	۱۳۷۸
۲۴۸	سیره اهل بیت	سید محسن مهدی زیدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۴۹	سیره پیشوایان	مهدی پیشوایی، مترجم: مازیس حق وردی اف	آذری	اول، ۱۳۸۵
۲۵۰	سیره تبلیغی پیامبر اعظم	سارا رضایی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۵۱	سیره عملی پیامبر	محمد جمعه شیخ زاده	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۵۲	سیره و راه شهیده بنت‌الهدی	شیخ محمد رضا نعمانی، ترجمه: نجیب الله نوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۵۳	سیری در صحیحین	ایمانه محمد صادق نجمی، مترجم: محمد منیرخان	اردو	اول، ۱۳۸۵
۲۵۴	سیمای جهاد و مجاهدان در قرآن (تفسیر سوره انفال)	دکتر علی شیروانی	فارسی	سوم، ۱۳۸۶
۲۵۵	شخصیت و حقوق زن در اسلام، ج ۱-۲	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۵۶	شرح منظومه بر قبساتی از قصیده فردوسی	جوهری استروشنی، سید زفرخان، تحقیق و تعلیق ملا معروف جان استروشنی	فارسی	۱۳۷۷
۲۵۷	شرح مولد النبی	محمد مهدی الشهدادی، مترجم: جمعی از مؤلفان	فارسی	۱۳۸۵
۲۵۸	شناخت ادیان ۱	سید احمد محمودی	فارسی	دوم، ۱۳۸۲
۲۵۹	شناخت ادیان ۲	سید احمد محمودی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۲۶۰	شناخت مذاهب اسلامی، ج ۱-۲	سید احمد محمودی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۲۶۱	شیعه‌شناسی در تاریخ اسلام	حیدر علی بنگالی	بنگالا	اول، ۱۳۸۵
۲۶۲	صبح انتظار	نامر هاشم العمیدی، مترجم: اخلاق حسین	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۶۳	صف و ستاد در سازمان	گروه امور سازمانی دفتر بهبود روشها و برنامه‌ریزی سازمانی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۶۴	عاشورا تجلیگاه عزت اسلامی	علیرضا محمدی اسماعیل دانش، غلام سخنی حلیعی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۶۵	عدل الهی	شهید مطهری، مترجم: شجاع علی میرزا و...	انگلیسی	اول، ۱۳۸۳
۲۶۶	علم الدراییه المقارن	دکتر سید رضا مؤدب، مترجم: نور الرضایی	عربی	اول، ۱۳۸۴
۲۶۷	علم الدراییه تطبیقی	دکتر سید رضا مؤدب	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۲۶۸	علم الکلام المعاصر	حیدر حب الله	عربی	اول، ۱۳۸۱
۲۶۹	علم حدیث و درایه	نوروز شاه امیرخان	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۲۷۰	علم و عقل از دیدگاه مکتب تفکیک	سید عباس مرتضوی	فارسی	اول، ۱۳۸۱
۲۷۱	علوم قرآنی	حسین جوان آرامنه	اردو	اول، ۱۳۸۴
۲۷۲	علوم قرآنی	محمد جواد اسکندرلو	فارسی	اول، ۱۳۸۰
۲۷۳	غدیر از دیدگاه اهل سنت	محمد جباران، مترجم: ذوالفقار نصرالله	فرانسوی	اول، ۱۳۸۸
۲۷۴	غدیرشناسی و پاسخ به شبهات	علی اصغر رضوانی، مترجم: اقبال حیدر حیدری	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۷۵	فرق و مذاهب کلامی	علی ربانی کفایه‌نانی	فارسی	پنجم، ۱۳۸۱

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۲۷۶	فرهنگ تصویری افعال	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۷۷	فرهنگ تصویری واژه‌ها	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی، عربی، انگلیسی، فرانسه	اول، ۱۳۸۷
۲۷۸	فضای قرآن	محمد غلامی	عربی، انگلیسی	۱۳۷۶
۲۷۹	فلسفه تربیتیه فی الاسلام	السید نذیر الحسنی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۲۸۰	فلسفه اخلاق	حسن معلمی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۲۸۱	فلسفه اخلاق	محمد فتحعلی خانی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۲۸۲	فلسفه سیاسی فارابی و ارتباط آن با ولایت فقیه	محمد حسین حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۸۳	فی الاخلاق النظرية	السید عبدالهادی الشریفی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۲۸۴	فی رحاب العقیده، ج ۱-۳	سید محمد سعید حکیم، مترجم: شاه مظاہر حسین	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۸۵	قیسات من سیدة الہدای، ج ۱-۲	سید مندر حکیم	عربی	سوم، ۱۳۸۲
۲۸۶	قصه کریملا	نظری منفرد، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۲۸۷	قصه‌های قرآنی	صالح قنادی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۲۸۸	قصه‌های قرآنی - قرآن قصی	صالح قنادی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۲۸۹	نساء المرأة فی نظر فقه الشیعی	سید محمد یعقوب موسوی، مترجم: نبیل یعقوبی	عربی	اول، ۱۳۸۷
۲۹۰	نقوضت زن از دیدگاه فقه شیعه	سید محمد یعقوب موسوی سنگلاخی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۲۹۱	قواعد الاملاء	عبدالهادی شریفی	عربی	سوم، ۱۳۸۵
۲۹۲	کارنامه مجمع علما و طلاب جاغوری	مجمع علما و طلاب جاغوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۲۹۳	کیف تحفظ القرآن	شهریار پرهیزگار	عربی، انگلیسی	اول، ۱۳۸۲
۲۹۴	کلام تطبیقی (توحید، صفات و عدل الهی)	علی ربانی کلپایگانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۲۹۵	کلام تطبیقی (نبوت، امامت و معاد)	علی ربانی کلپایگانی	فارسی	دوم، ۱۳۸۷
۲۹۶	گزیده تحف العقول	ابن شعبه حرانی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۲۹۷	گزیده شهاب الاخبار	قاضی قضاوی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۲۹۸	گزیده غرر الحکم و درر الکلم	عبدالواحد بن محمد تمیمی امدی، مترجم: محمد فایز باقری	اردو	اول، ۱۳۸۷
۲۹۹	گزیده غرر الحکم و درر الکلم	قاضی قضاوی، مترجم: عبدالحکیم کمالی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۶
۳۰۰	گفتمان فلسفی اسلام و غرب	دکتر سید حسن حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۳۰۱	مادران چهارده معصوم	حیدر مظفری ورس	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۰۲	مبانی جامعه‌شناسی	مجید کافی	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۳۰۳	مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی، ج ۱-۲	محمد رضا حافظ‌نیا	فارسی	اول، ۱۳۷۸
۳۰۴	مبانی نقد متن الحدیث	فاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۵
۳۰۵	مبانی و روش‌های تفسیری	دکتر محمد کاظم شاکر	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۰۶	مجموعه مقالات حکومت دینی	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۰۷	مجموعه مقالات سیمینار افغانستان و قانون اساسی آینده، ج ۱-۲	مجمع محققین و طلاب افغانستان	فارسی	اول، ۱۳۸۲
۳۰۸	مجموعه مقالات و حی‌شناسی	مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۰۹	مجموعه مقالات همایش اندیشه‌های قرآنی شهید مطهری (ره)	جمعی از مؤلفان	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۰	مجموعه مقالات همایش دین و دینداری در عصر جدید	مجمع علما و طلاب جاغوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۱	مجموعه مقالات همایش عالمان دینی افغانستان	مجمع علماء و طلاب جاغوری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۲	مجموعه مقالات همایش وحی‌شناسی	برگزار کننده مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۳	مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت ج ۱-۴	همایش بین‌المللی دکترین مهدویت	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۴	محاضرات فی علوم القرآن	محمد علی تسخیری	عربی	اول، ۱۳۸۲
۳۱۵	مدرسه ترم توحید	مجید حیدری فر	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۳۱۶	مسائل جدید کلامی و فلسفه دین ۱، ۲، ۳	عبدالرحمن خسروپناه	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۱۷	مصادر السنة الشریفة	سید محمد جواد جلالی	عربی	سوم، ۱۳۸۵
۳۱۸	مصحف امیر المؤمنین	سید عبدالرحیم موسوی، مترجم: عبداللہی احمد زنگو	انگلیسی	اول، ۱۳۸۲
۳۱۹	مصونیت قرآن از تحریف	آیة الله معرفت، مترجم: عارف حسینی	اردو	اول، ۱۳۸۸
۳۲۰	معاد از دیدگاه قرآن و علوم	آیة الله مکارم / مترجم: زین العابدین ابوبی	انگلیسی	اول، ۱۳۸۸
۳۲۱	معارف عشق	محمد رضا افضلی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۲۲	معجم الأفعال المتداولة و مواطن استعمالها	السید محمد الحیدری	عربی	اول، ۱۳۸۱
۳۲۳	معرفة ابواب الفقه (تفخیص تحریر الوسيلة للإمام الخميني ر.ع.ا)	محسن الفقہی	عربی	چهارم، ۱۳۸۵
۳۲۴	معرفه‌شناسی	حسن معلمی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۳۲۵	معرفی واحدهای آموزشی و پژوهشی جامعه المصطفی (ع.ع.ا)	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۲۶	معصومان امت اسلامی (تفسیر تطبیقی آیة تطہیر)	ایلقار اسماعیل زاده	اذری	اول، ۱۳۸۴
۳۲۷	مفاهیم اخلاقی	صالح قنادی	فارسی	دوم، ۱۳۸۵
۳۲۸	مفاهیم اساسی نظریه ولایت فقیه	محسن رضا جعفری	اردو	اول، ۱۳۸۸
۳۲۹	مفاهیم اعتقادی	صالح قنادی	اردو	اول، ۱۳۸۶
۳۳۰	مفاهیم اعتقادی	صالح قنادی	فارسی	اول، ۱۳۸۱

ردیف	نام کتاب	نام مؤلف / مترجم	زبان	نوبت / سال
۳۳۱	مفاهیم علم نحو، ج ۲	محمود رضا عصار	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۳۲	مقایسه تطبیقی چهار گزارش مشهور در واقعه عاشورا	سید عبدالله حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۳۳	مکه در بستر تاریخ	نعمت الله صفری فروشانی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۳۳۴	من فیض الخلود	فاضل الموسوی	عربی	اول، ۱۳۸۷
۳۳۵	منتخب میزان الحکمة، ج ۱-۲	محمد ری شهری، مترجم: عبدالحکیم کمال، امان الله بابایی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۳۳۶	منجی (امام مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و حدیث)	ابلقار اسماعیل زاده	آذری	اول، ۱۳۸۳
۳۳۷	منطق ترجمه قرآن	دکتر محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۳۳۸	منطق تفسیر قرآن (درسنامه روش ها و گرایش های تفسیری قرآن)	دکتر محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۳۳۹	منطق تفسیر قرآن ۲	دکتر محمد علی رضایی اصفهانی	فارسی	سوم، ۱۳۸۷
۳۴۰	منطق مقدماتی	ابوالفضل روحی	فارسی	اول، ۱۳۸۶
۳۴۱	موجز الادب العربی و تاریخه	دکتر محمد علی آذر شب	عربی	اول، ۱۳۷۷
۳۴۲	مودة القربی و اهل العبا	میر سید علی همدانی، مترجم: الیاس قاسم	تاجیکی	اول، ۱۳۸۵
۳۴۳	مهدویت و جهانی سازی	علی اصغر رضوانی، مترجم: شکر اف	آذری	اول، ۱۳۸۷
۳۴۴	میراث تفسیری اهل بیت علیهم السلام	سید حسین هاشمی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۳۴۵	نافذ علی الفلذقه	صادق الساعدی	عربی	چهارم، ۱۳۸۸
۳۴۶	نحو القرآن	حسن الرضایی	عربی	دوم، ۱۳۸۸
۳۴۷	نظام حقوقی اسلام	جلیل فتوانی	فارسی	اول، ۱۳۷۷
۳۴۸	نظام عادلانه اسلام	غلام اکبر حیدری	اردو	اول، ۱۳۸۷
۳۴۹	نظریة العرف بین الشریعة والقانون	انسید نذیر الحسنی	عربی	اول، ۱۳۸۵
۳۵۰	نقد آراء دهبی فی کتاب التفسیر و المفسرون	قاسم البیضانی	عربی	اول، ۱۳۸۶
۳۵۱	نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت	محمد یعقوب بشوی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۳۵۲	نقد مبانی هرمنوتیکی نظریه فرائد های مختلف از دین	فرزانهلی هادی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۵۳	نقش جنگ های صلیبی در انتقال تمدن اسلامی به غرب	سید عبدالرئوف رضایی	فارسی	اول، ۱۳۸۷
۳۵۴	نقش حسابداری در توسعه اقتصادی	احمد صادقی کلمکانی - محسن برزوزاده	فارسی	اول، ۱۳۸۵
۳۵۵	نقش خاندان امام حسین در حادثه کربلا	رخسانه دانش / رقیه سادات میر اکبری	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۵۶	نقش زنان در واقعه عاشورا	مرضیه سادات مرتضوی / صدیقه نجفی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۵۷	نقش عاشورا در وحدت میان مسلمانان	فرزانهلی هادی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۵۸	نفوس فقیه در غیبت امام علیهم السلام	سید شمشاد حسین رضوی	اردو	اول، ۱۳۸۵
۳۵۹	نگاهی به زندگانی پیامبر اکرم (ص)	کمیته فرهنگی نهضت اسلامی تاجیکستان	تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۳۶۰	نگرهای عمده در پیوند دین و فلسفه	سید محمد مهدی افضل	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۳۶۱	تکین الفرینش	الیاس قاسم اف	تاجیکی	اول، ۱۳۸۷
۳۶۲	نیایش عارفان	معاونت پژوهش	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۶۳	واژه شناسی قرآن مجید	شهید غلامعلی همایی	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۳۶۴	وحدت اسلامی مبانی، غرضها، موانع و راهکارها	محمد رسول حسینی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۶۵	وعاية الحکمة فی شرح نهاية الحکمة	حسین عشاقی الاصفهانی	عربی	اول، ۱۳۸۲
۳۶۶	ولایت در پرتو آیات	علی جان محمدی (قره باغی)	فارسی	اول، ۱۳۸۳
۳۶۷	رهائیت: مبانی فکری و کارنامه عملی	ایة الله جعفر سبحانی، مترجم: یونس محمدنایی	هوسا	اول، ۱۳۸۴
۳۶۸	ویژه نامه		تاجیکی	اول، ۱۳۷۷
۳۶۹	هرمنوتیک و تفسیر	غلام رسول حمیدی	فارسی	اول، ۱۳۸۸
۳۷۰	یاس های وحشی (زبان تسویر ۴)	مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی	فارسی	اول، ۱۳۸۴
۳۷۱	یک گام بسوی ظهور	مدرسه امام خمینی قزوین	اردو	اول، ۱۳۸۷
۳۷۲	یک گام بسوی ظهور	مدرسه امام خمینی قزوین	انگلیسی	اول، ۱۳۸۸
۳۷۳	یوسف قرآن (تفسیر سوره یوسف)	محسن قرآنی، مترجم: امان الله بابایی	تاجیکی	اول، ۱۳۸۴